



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

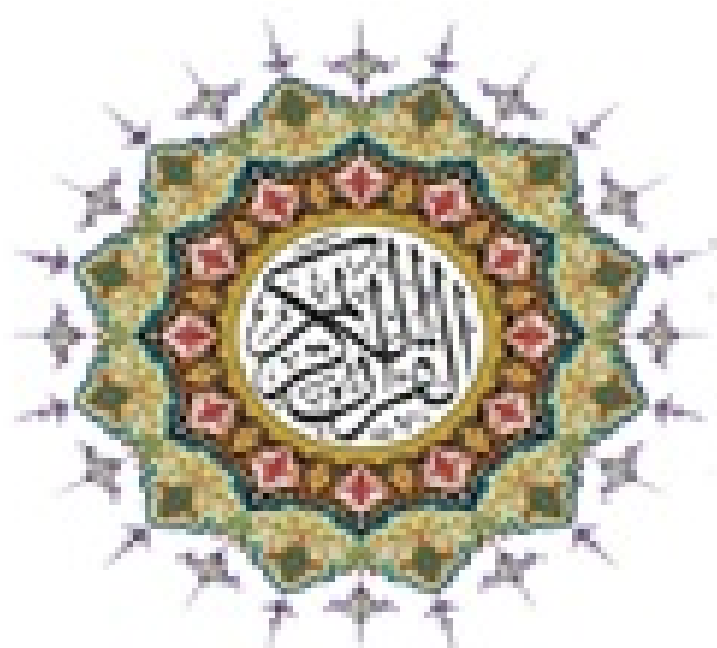
گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۲۵

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 25

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۵	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۲۵
۴۵	مشخصات کتاب
۴۵	۱- بنی قریظه
۴۵	۱- اخراج یهود بنی قریظه
۴۵	۲- اسارت یهود بنی قریظه
۴۶	۳- ترس یهود بنی قریظه
۴۷	۴- تملک اموال یهود بنی قریظه
۴۸	۵- تملک خانه های یهود بنی قریظه
۴۹	۶- تملک سرزمین یهود بنی قریظه
۴۹	۷- شکست یهود بنی قریظه
۵۰	۸- عوامل شکست یهود بنی قریظه
۵۱	۹- قتل یهود بنی قریظه
۵۱	۱۰- قلعه های یهود بنی قریظه
۵۱	۱۱- معاهده یهود بنی قریظه
۵۳	۱۲- یهود بنی قریظه در غزوه احزاب
۵۳	۱۳- یهود بنی قریظه و مسلمانان
۵۴	۲- بنیامین
۵۴	۱- آثار اتهام دزدی به بنیامین
۵۴	۲- آثار محبت یعقوب(ع) به بنیامین
۵۴	۳- آثار ملاقات یوسف(ع) با بنیامین
۵۶	۴- اتهام دزدی به بنیامین
۵۸	۵- احترام بنیامین به یعقوب(ع)
۵۸	۶- احساسات خطر برای بنیامین

- ۵۸ ۷- اذیت بنیامین
- ۵۹ ۸- اندوه بنیامین
- ۶۰ ۹- اهتمام لای به بازگشت بنیامین
- ۶۰ ۱۰- بازداشت بنیامین
- ۶۰ ۱۱- بازرسی مال التجاره بنیامین
- ۶۲ ۱۲- برادران یوسف و استرداد بنیامین
- ۶۲ ۱۳- برادران یوسف و بنیامین
- ۶۴ ۱۴- سنرود عنه أباه و إنا لفعلون
- ۶۵ ۱۵- برادران یوسف و دزدی بنیامین
- ۶۶ ۱۶- برادران یوسف و مسافرت بنیامین
- ۶۹ ۱۷- برادران یوسف و نجات بنیامین
- ۷۲ ۱۸- بنیامین از متقین
- ۷۲ ۱۹- بنیامین از محسنان
- ۷۲ ۲۰- بنیامین در فراق یوسف(ع)
- ۷۲ ۲۱- بنیامین و اندوه
- ۷۴ ۲۲- بنیامین و برخورد برادران یوسف
- ۷۴ ۲۳- بنیامین و رضایت یعقوب(ع)
- ۷۴ ۲۴- بنیامین و قصه یوسف(ع)
- ۷۴ ۲۵- بنیامین و یوسف(ع)
- ۷۶ ۲۶- تأثیر بازداشت بنیامین در یعقوب(ع)
- ۷۶ ۲۷- تشویق به آوردن بنیامین
- ۷۸ ۲۸- تهمت به مادر بنیامین
- ۷۸ ۲۹- جستجوی بنیامین
- ۷۸ ۳۰- حکمت در فراق بنیامین
- ۷۹ ۳۱- درخواست استرداد بنیامین
- ۸۰ ۳۲- درخواست تفحص از دزدی بنیامین

- ۳۳- دشمنان بنیامین ۸۰
- ۳۴- دعوت از بنیامین ۸۰
- ۳۵- دلایل عدم همراهی بنیامین ۸۲
- ۳۶- رازداری بنیامین ۸۲
- ۳۷- رضایت به مسافرت بنیامین ۸۲
- ۳۸- رنجهای بنیامین ۸۲
- ۳۹- شک بنیامین ۸۴
- ۴۰- شیوع دزدی بنیامین ۸۴
- ۴۱- صبر بنیامین ۸۴
- ۴۲- ظلم به بنیامین ۸۵
- ۴۳- عزت بنیامین ۸۶
- ۴۴- علاقه یعقوب(ع) به بنیامین ۸۶
- ۴۵- علاقه یوسف(ع) به بنیامین ۸۶
- ۴۶- عوامل رفع اندوه بنیامین ۸۶
- ۴۷- غیرقانونی بودن بازداشت بنیامین ۸۸
- ۴۸- فضایل بنیامین ۸۸
- ۴۹- فلسفه تهمت به مادر بنیامین ۸۸
- ۵۰- فلسفه نگهداری بنیامین ۸۹
- ۵۱- کاروان تجاری و دزدی بنیامین ۹۰
- ۵۲- کیفر بنیامین ۹۰
- ۵۳- گواهان دزدی بنیامین ۹۰
- ۵۴- گواهی بر دزدی بنیامین ۹۰
- ۵۵- گواهی بنیامین ۹۲
- ۵۶- لای و اتهام دزدی به بنیامین ۹۲
- ۵۷- لای و دزدی بنیامین ۹۲
- ۵۸- لای و نجات بنیامین ۹۴

- ۵۹- مجازات بنیامین ----- ۹۴
- ۶۰- محافظت از بنیامین ----- ۹۴
- ۶۱- محبت به بنیامین ----- ۹۶
- ۶۲- محبت یعقوب(ع) به بنیامین ----- ۹۶
- ۶۳- مسافرت بنیامین به مصر ----- ۱۰۰
- ۶۴- معرفی یوسف(ع) به بنیامین ----- ۱۰۰
- ۶۵- ملاقات بنیامین با یوسف(ع) ----- ۱۰۱
- ۶۶- ملاقات یوسف(ع) با بنیامین ----- ۱۰۲
- ۶۷- منشأ بازداشت بنیامین ----- ۱۰۳
- ۶۸- نعمتهای بنیامین ----- ۱۰۴
- ۶۹- نگرانی از سرنوشت بنیامین ----- ۱۰۴
- ۷۰- نگهداری بنیامین ----- ۱۰۵
- ۷۱- یعقوب(ع) در فراق بنیامین ----- ۱۰۶
- ۷۲- یعقوب(ع) و اتهام دزدی به بنیامین ----- ۱۰۷
- ۷۳- یعقوب(ع) و بازداشت بنیامین ----- ۱۰۸
- ۷۴- یعقوب(ع) و بازگشت بنیامین ----- ۱۰۹
- ۷۵- یعقوب(ع) و بنیامین ----- ۱۱۰
- ۷۶- یعقوب(ع) و حیات بنیامین ----- ۱۱۰
- ۷۷- یعقوب(ع) و فراق بنیامین ----- ۱۱۰
- ۷۸- یعقوب(ع) و مسافرت بنیامین ----- ۱۱۲
- ۷۹- یعقوب(ع) و ملاقات با بنیامین ----- ۱۱۴
- ۸۰- یوسف(ع) در فراق بنیامین ----- ۱۱۴
- ۸۱- یوسف(ع) و اتهام به بنیامین ----- ۱۱۵
- ۸۲- یوسف(ع) و بازداشت بنیامین ----- ۱۱۶
- ۸۳- یوسف(ع) و بنیامین ----- ۱۱۶
- ۸۴- یوسف(ع) و مسافرت بنیامین ----- ۱۱۸

- ۱۱۹ ۸۵- یوسف(ع) و ملاقات با بنیامین
- ۱۲۱ ۳- بهانه جوئی
- ۱۲۱ ۱- اعراض از بهانه جویان
- ۱۲۱ ۲- هدایت ناپذیری بهانه جویان
- ۱۲۱ ۳- هشدار به بهانه جویان در جهاد
- ۱۲۱ ۴- آثار بهانه جویی
- ۱۲۳ ۵- آثار بهانه جویی رهبران شرک
- ۱۲۳ ۶- آثار بهانه جویی رهبران کفر
- ۱۲۳ ۷- بهانه جویی اخروی گناهکاران
- ۱۲۵ ۸- بهانه جویی اشراف قوم ثمود
- ۱۲۵ ۹- بهانه جویی اشراف قوم عاد
- ۱۲۵ ۱۰- بهانه جویی اشراف قوم نوح
- ۱۲۵ ۱۱- بهانه جویی اشراف مکه
- ۱۲۷ ۱۲- بهانه جویی اصحاب ایکه
- ۱۲۷ ۱۳- بهانه جویی اقوام پیشین
- ۱۲۷ ۱۴- بهانه جویی امت های پیشین
- ۱۲۹ ۱۵- بهانه جویی اهل کتاب
- ۱۲۹ ۱۶- بهانه جویی بادیه نشینان
- ۱۳۱ ۱۷- بهانه جویی بنی اسرائیل
- ۱۳۱ ۱۸- بهانه جویی بیماردلان
- ۱۳۱ ۱۹- بهانه جویی حق ستیزان
- ۱۳۲ ۲۰- بهانه جویی در تکلیف
- ۱۳۳ ۲۱- بهانه جویی در عمل به تکلیف
- ۱۳۳ ۲۲- بهانه جویی دشمنان قرآن
- ۱۳۳ ۲۳- بهانه جویی رهبران شرک
- ۱۳۵ ۲۴- بهانه جویی رهبران ظالم

- ۱۳۵ ----- ۲۵- بهانه جویی رهبران کفر
- ۱۳۵ ----- ۲۶- بهانه جویی ظالمان
- ۱۳۷ ----- ۲۷- بهانه جویی فرعون
- ۱۳۷ ----- ۲۸- بهانه جویی فرعونیان
- ۱۳۷ ----- ۲۹- بهانه جویی قوم ثمود
- ۱۳۹ ----- ۳۰- بهانه جویی قوم نوح
- ۱۳۹ ----- ۳۱- بهانه جویی کافران
- ۱۴۶ ----- ۳۲- بهانه جویی کافران صدر اسلام
- ۱۴۷ ----- ۳۳- بهانه جویی کافران قوم ثمود
- ۱۴۹ ----- ۳۴- بهانه جویی کافران مکه
- ۱۴۹ ----- ۳۵- بهانه جویی متخلفان از جهاد
- ۱۴۹ ----- ۳۶- بهانه جویی متخلفان از مسافرت به حدیبیه
- ۱۵۰ ----- ۳۷- بهانه جویی مخالفان انبیا
- ۱۵۱ ----- ۳۸- بهانه جویی مخالفان قرآن
- ۱۵۱ ----- ۳۹- بهانه جویی مخالفان نوح(ع)
- ۱۵۱ ----- ۴۰- بهانه جویی مرفهان صدر اسلام
- ۱۵۱ ----- ۴۱- بهانه جویی مشرکان
- ۱۵۸ ----- ۴۲- بهانه جویی مشرکان صدر اسلام
- ۱۵۹ ----- ۴۳- بهانه جویی مشرکان مکه
- ۱۶۳ ----- ۴۴- بهانه جویی معرضان از عبادت خدا
- ۱۶۳ ----- ۴۵- بهانه جویی مکذبان آیات خدا
- ۱۶۳ ----- ۴۶- بهانه جویی مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۱۶۳ ----- ۴۷- بهانه جویی مکذبان معاد
- ۱۶۵ ----- ۴۸- بهانه جویی مکذبان نبوت
- ۱۶۵ ----- ۴۹- بهانه جویی منافقان
- ۱۶۷ ----- ۵۰- بهانه جویی منافقان صدر اسلام

- ۵۱- بهانه جویی منافقان مدینه ۱۶۷
- ۵۲- بهانه جویی یهود ۱۶۸
- ۵۳- بی اعتنایی به بهانه جویی کافران ۱۶۹
- ۵۴- تداوم بهانه جویی مشرکان ۱۶۹
- ۵۵- رد بهانه جویی کافران ۱۷۰
- ۵۶- رد بهانه جویی گناهکاران ۱۷۱
- ۵۷- رد بهانه جویی مکذبان انبیا ۱۷۱
- ۵۸- زمینه اجتناب از بهانه جویی ۱۷۱
- ۵۹- زمینه بهانه جویی ۱۷۳
- ۶۰- زمینه بهانه جویی مستکبران ۱۷۳
- ۶۱- عوامل بهانه جویی کافران ۱۷۳
- ۶۲- منشأ بهانه جویی کافران ۱۷۳
- ۶۳- منشأ بهانه جویی مشرکان مکه ۱۷۴
- ۶۴- موانع بهانه جویی مشرکان ۱۷۵
- ۶۵- موانع بهانه جویی معرضان از عبادت خدا ۱۷۵
- ۶۶- نشانه های بهانه جویی کافران ۱۷۵
- ۴- بهداشت ۱۷۷
- ۱- اهمیت بهداشت ۱۷۷
- ۲- اهمیت بهداشت تغذیه ۱۷۷
- ۳- اهمیت بهداشت در تغذیه ۱۷۷
- ۴- بهداشت تغذیه ۱۷۷
- ۵- بهداشت در آمیزش ۱۷۹
- ۶- بهداشت در یهودیت ۱۷۹
- ۷- زمینه بهداشت روانی ۱۷۹
- ۵- بهشت ۱۸۰
- ۱- بهشت ۱۸۰

- ۱۸۴ ----- ۲- آبریزهای بهشت
- ۱۸۴ ----- ۳- آبهای جاری بهشت
- ۱۸۴ ----- ۴- آثار جاودانگی در بهشت
- ۱۸۴ ----- ۵- آثار جاودانگی نعمتهای بهشت
- ۱۸۶ ----- ۶- آثار ذکر جاودانگی در بهشت
- ۱۸۶ ----- ۷- آثار علاقه به بهشت
- ۱۸۶ ----- ۸- آثار ورود به بهشت
- ۱۸۸ ----- ۹- آخرت طلبان در بهشت
- ۱۸۸ ----- ۱۰- لسعیها راضیه . فی جَنّه عالیه
- ۱۸۸ ----- ۱۱- آخرین قطرات شراب بهشت
- ۱۸۸ ----- ۱۲- آدم(ع) در بهشت
- ۱۹۰ ----- ۱۳- آرامش در بهشت
- ۱۹۰ ----- ۱۴- آرزوی بهشت
- ۱۹۲ ----- ۱۵- آزادی متقین در بهشت
- ۱۹۲ ----- ۱۶- آسایش در بهشت
- ۱۹۵ ----- ۱۷- آسایش در بهشت آدم(ع)
- ۱۹۶ ----- ۱۸- آستر پستی های بهشت
- ۱۹۶ ----- ۱۹- آشامیدنیهای بهشت
- ۲۰۰ ----- ۲۰- آشنایی شهیدان با بهشت
- ۲۰۰ ----- ۲۱- آفتاب در بهشت
- ۲۰۰ ----- ۲۲- آفرینش بهشت
- ۲۰۲ ----- ۲۳- آمادگی بهشت
- ۲۰۲ ----- ۲۴- آمادگی خدمتکاران بهشت
- ۲۰۲ ----- ۲۵- آمیختگی شراب بهشت
- ۲۰۳ ----- ۲۶- ابرار در بهشت
- ۲۰۸ ----- ۲۷- ابعاد بهشت

- ۲۰۸ ۲۸- اجابت کنندگان خدا در بهشت
- ۲۰۸ ۲۹- اختفای بهشت
- ۲۰۸ ۳۰- اخراج آدم(ع) از بهشت
- ۲۱۰ ۳۱- اخراج حوا از بهشت
- ۲۱۲ ۳۲- اخراج شیطان از بهشت
- ۲۱۲ ۳۳- ارزش باغهای بهشت
- ۲۱۴ ۳۴- ارزش بهشت
- ۲۱۴ ۳۵- ارزش فرشهای بهشت
- ۲۱۶ ۳۶- ارزش نعمتهای بهشت
- ۲۱۶ ۳۷- ارضای تمایلات در بهشت
- ۲۱۶ ۳۸- ازدواج در بهشت
- ۲۱۶ ۳۹- استحاله ورود کافران به بهشت
- ۲۱۸ ۴۰- استفاده از شراب بهشت
- ۲۱۸ ۴۱- استفاده از میوه های بهشت
- ۲۲۰ ۴۲- استفاده از نعمتهای بهشت
- ۲۲۰ ۴۳- استفاده از باغهای بهشت
- ۲۲۰ ۴۴- استهزاگران بهشت
- ۲۲۲ ۴۵- استهزای بهشت
- ۲۲۲ ۴۶- اشتیاق به بهشت
- ۲۲۲ ۴۷- اشتیاق خدمتکاران بهشت
- ۲۲۲ ۴۸- اصحاب یمین در بهشت
- ۲۲۸ ۴۹- اقامت در بهشت
- ۲۲۸ ۵۰- امکانات مادی بهشت آدم(ع)
- ۲۲۸ ۵۱- امنیت در بهشت
- ۲۳۲ ۵۲- امنیت در بهشت آدم(ع)
- ۲۳۲ ۵۳- امنیت متقین در بهشت

- ۲۳۲ ----- ۵۴- امیدواری به نعمتهای بهشت -
- ۲۳۲ ----- ۵۵- انار بهشت
- ۲۳۴ ----- ۵۶- اندازه جامه‌های بهشت -
- ۲۳۴ ----- ۵۷- اندازه ظروف بهشت -
- ۲۳۴ ----- ۵۸- اندوه در بهشت
- ۲۳۵ ----- ۵۹- اهل تسلیم در بهشت -
- ۲۳۶ ----- ۶۰- اهل کتاب و بهشت
- ۲۳۶ ----- ۶۱- اهمیت بهشت -
- ۲۳۸ ----- ۶۲- اهمیت جاودانگی در بهشت -
- ۲۳۸ ----- ۶۳- اهمیت گوشت بهشت
- ۲۳۹ ----- ۶۴- اهمیت لذایذ بهشت -
- ۲۴۰ ----- ۶۵- اهمیت میوه‌های بهشت
- ۲۴۰ ----- ۶۶- اهمیت نعمتهای بهشت
- ۲۴۰ ----- ۶۷- اهمیت نهرهای بهشت
- ۲۴۰ ----- ۶۸- ایمان به بهشت
- ۲۴۲ ----- ۶۹- باغهای انگور بهشت -
- ۲۴۲ ----- ۷۰- باغهای بهشت
- ۲۵۵ ----- ۷۱- باغهای بهشت عدن -
- ۲۵۶ ----- ۷۲- بالش‌های بهشت -
- ۲۵۶ ----- ۷۳- بدن در بهشت -
- ۲۵۶ ----- ۷۴- برات -
- ۲۵۶ ----- ۷۵- برگ درختان بهشت
- ۲۵۸ ----- ۷۶- بشارت به بهشت
- ۲۵۸ ----- ۷۷- بشارت بهشت
- ۲۶۰ ----- ۷۸- بشارت بهشت به مؤمنان -
- ۲۶۰ ----- ۷۹- بشارت بهشت در قیامت

- ۸۰- بشارت‌های نگهبانان بهشت ۲۶۱
- ۸۱- بُعد زمانی بهشت ۲۶۲
- ۸۲- بعد مکانی بهشت ۲۶۲
- ۸۳- بکارت همسران بهشتی ۲۶۲
- ۸۴- بلندی تخت‌های بهشت ۲۶۴
- ۸۵- بلندی غرفه های بهشت ۲۶۴
- ۸۶- بندگان خدا در بهشت ۲۶۴
- ۸۷- بوی شراب بهشت ۲۶۸
- ۸۸- بهترین آشامیدنی بهشت ۲۶۹
- ۸۹- بهترین لذایذ بهشت ۲۷۰
- ۹۰- بهشت اصحاب یمین ۲۷۰
- ۹۱- بهشت برزخی ۲۷۰
- ۹۲- بهشت جاودان ۲۷۱
- ۹۳- بهشت حوا ۲۷۲
- ۹۴- بهشت خداترسان ۲۷۲
- ۹۵- بهشت در آسمان ۲۷۲
- ۹۶- بهشت در قیامت ۲۷۴
- ۹۷- بهشت صاحبان نفس راضیه ۲۷۴
- ۹۸- بهشت صاحبان نفس مرضیه ۲۷۴
- ۹۹- بهشت صاحبان نفس مطمئنه ۲۷۴
- ۱۰۰- بهشت عدن ۲۷۶
- ۱۰۱- بهشت قبل از قیامت ۲۷۶
- ۱۰۲- بهشت مادی ۲۷۸
- ۱۰۳- بهشت متقین ۲۷۸
- ۱۰۴- بهشت معنوی ۲۸۰
- ۱۰۵- بهشت مؤمنان ۲۸۰

۲۸۰	۱۰۶- بهشت و اندوه
۲۸۲	۱۰۷- بهشتیان در بهشت
۲۸۲	۱۰۸- بی‌زیانی خوردنیهای بهشت
۲۸۲	۱۰۹- بی‌زیانی نعمتهای بهشت
۲۸۴	۱۱۰- بی‌ضرری شراب بهشتی
۲۸۴	۱۱۱- بیماری در بهشت
۲۸۴	۱۱۲- پادشاه بهشت
۲۹۲	۱۱۳- پاکان در بهشت
۲۹۲	۱۱۴- پاک‌همسران بهشتی
۲۹۴	۱۱۵- پاکیزگی شراب بهشت
۲۹۴	۱۱۶- پاکیزگی همسران بهشتی
۲۹۴	۱۱۷- پدران مؤمنان در بهشت
۲۹۶	۱۱۸- پذیرایی با شراب بهشت
۲۹۶	۱۱۹- پذیرایی خدمتکاران بهشت
۲۹۷	۱۲۰- پذیرایی در بهشت
۳۰۰	۱۲۱- پرسش از کیفیت ورود به بهشت
۳۰۰	۱۲۲- پستی ابریشمی در بهشت
۳۰۰	۱۲۳- پوشاک در بهشت آدم(ع)
۳۰۰	۱۲۴- پیشگامان بهشت
۳۰۲	۱۲۵- پیشگامان در بهشت
۳۰۵	۱۲۶- تأمین خواسته‌ها در بهشت
۳۰۶	۱۲۷- تأمین نیازها در بهشت آدم(ع)
۳۰۷	۱۲۸- تأئبان در بهشت
۳۰۸	۱۲۹- تأئبان در بهشت عدن
۳۰۸	۱۳۰- تحریم نعمتهای بهشت
۳۰۸	۱۳۱- تحول در بهشت

- ۱۳۲- تختهای بهشت ۳۱۰
- ۱۳۳- تختهای جواهرنشان بهشت ۳۱۲
- ۱۳۴- تختهای مزین بهشت ۳۱۲
- ۱۳۵- تداوم پذیرایی خدمتکاران بهشت ۳۱۳
- ۱۳۶- تداوم جوانی خدمتکاران بهشت ۳۱۴
- ۱۳۷- تداوم نعمتهای بهشت ۳۱۴
- ۱۳۸- تداوم وفور میوه های بهشت ۳۱۴
- ۱۳۹- تذکر اجابت خواسته ها در بهشت ۳۱۴
- ۱۴۰- ترکیه قبل از بهشت ۳۱۶
- ۱۴۱- تزیین بهشت ۳۱۶
- ۱۴۲- تزیین تختهای بهشت ۳۱۶
- ۱۴۳- تزیین فرشهای بهشت ۳۱۷
- ۱۴۴- تشبیه خدمتکاران بهشت ۳۱۸
- ۱۴۵- تشنگی در بهشت آدم(ع) ۳۱۸
- ۱۴۶- تضمین بهشت ۳۱۸
- ۱۴۷- تعدد باغ بهشت ۳۲۰
- ۱۴۸- تعدد باغهای بهشت ۳۲۰
- ۱۴۹- تعدد بهشت ۳۲۶
- ۱۵۰- تعدد تختهای بهشت ۳۲۸
- ۱۵۱- تعدد درهای بهشت ۳۲۸
- ۱۵۲- تعدد درهای بهشت ۳۲۸
- ۱۵۳- تعدد نگهبانان بهشت ۳۲۸
- ۱۵۴- تعدد نهرهای بهشت ۳۳۰
- ۱۵۵- تفاوت باغهای بهشت ۳۳۰
- ۱۵۶- تفریح در بهشت ۳۳۰
- ۱۵۷- تکامل در بهشت ۳۳۲

- ۱۵۸- تکامل مؤمنان در بهشت ----- ۳۳۲
- ۱۵۹- تکذیب بهشت ----- ۳۳۲
- ۱۶۰- تکلیف آدم(ع) در بهشت ----- ۳۳۳
- ۱۶۱- تکلیف حوا در بهشت ----- ۳۳۴
- ۱۶۲- تکیه بر پستی های بهشت ----- ۳۳۶
- ۱۶۳- تکیه بر تختهای بهشت ----- ۳۳۶
- ۱۶۴- تلاش برای بهشت ----- ۳۳۸
- ۱۶۵- تلاش برای جاودانگی در بهشت ----- ۳۳۹
- ۱۶۶- تنوع آشامیدنیهای بهشت ----- ۳۴۰
- ۱۶۷- تنوع باغهای بهشت ----- ۳۴۰
- ۱۶۸- تنوع بهشت ----- ۳۴۲
- ۱۶۹- تنوع چشمه های بهشت ----- ۳۴۲
- ۱۷۰- تنوع گوشت بهشت ----- ۳۴۴
- ۱۷۱- تنوع میوه های بهشت ----- ۳۴۴
- ۱۷۲- تنوع نعمتهای بهشت ----- ۳۴۸
- ۱۷۳- تنوع نهرهای بهشت ----- ۳۴۸
- ۱۷۴- توصیف بهشت ----- ۳۴۹
- ۱۷۵- توقع بهشت ----- ۳۵۰
- ۱۷۶- جابجایی در بهشت ----- ۳۵۰
- ۱۷۷- جام شراب بهشتی ----- ۳۵۰
- ۱۷۸- جامهای بلورین بهشت ----- ۳۵۲
- ۱۷۹- جامهای بهشت ----- ۳۵۲
- ۱۸۰- جامهای شراب بهشت ----- ۳۵۴
- ۱۸۱- جامهای طلایی بهشت ----- ۳۵۵
- ۱۸۲- جامهای نقره ای بهشت ----- ۳۵۶
- ۱۸۳- جاودانان بهشت ----- ۳۵۶

- ۱۸۴- جاودانان در بهشت ۳۵۷
- ۱۸۵- جاودانان در بهشت عدن ۳۶۴
- ۱۸۶- جاودانگی باغهای بهشت ۳۶۴
- ۱۸۷- جاودانگی بهشت ۳۶۵
- ۱۸۸- جاودانگی چشمه های بهشت ۳۷۴
- ۱۸۹- جاودانگی خوردنیهای بهشت ۳۷۴
- ۱۹۰- جاودانگی در بهشت ۳۷۴
- ۱۹۱- جاودانگی در بهشت آدم(ع) ۳۸۳
- ۱۹۲- جاودانگی در بهشت عدن ۳۸۴
- ۱۹۳- جاودانگی سایه های بهشت ۳۸۴
- ۱۹۴- جاودانگی لذایذ بهشت ۳۸۴
- ۱۹۵- جاودانگی متقین در بهشت ۳۸۴
- ۱۹۶- جاودانگی مؤمنان در بهشت ۳۸۵
- ۱۹۷- جاودانگی میوه های بهشت ۳۸۶
- ۱۹۸- جاودانگی نعمتهای بهشت ۳۸۶
- ۱۹۹- جاودانگی نهرهای بهشت ۳۹۰
- ۲۰۰- جاودانگی هوای بهشت ۳۹۰
- ۲۰۱- جایگاه بهشت آدم(ع) ۳۹۰
- ۲۰۲- جذابیت همسران بهشتی ۳۹۱
- ۲۰۳- جریان نهرهای بهشت ۳۹۳
- ۲۰۴- جنه المأوی ۳۹۵
- ۲۰۵- جنه النعیم ۳۹۶
- ۲۰۶- جنس جامهای بهشت ۳۹۶
- ۲۰۷- جنس فرشهای بهشت ۳۹۶
- ۲۰۸- جوانی خدمتکاران بهشت ۳۹۸
- ۲۰۹- جواهرات تختهای بهشت ۳۹۸

- ۳۹۸ ۲۱۰- جوشش چشمه های بهشت
- ۳۹۹ ۲۱۱- جهنمیان و نعمتهای بهشت
- ۴۰۰ ۲۱۲- چشمه بهشت
- ۴۰۰ ۲۱۳- چشمه های بهشت
- ۴۰۶ ۲۱۴- چشمهای همسران بهشتی
- ۴۰۸ ۲۱۵- حبیب نجار در بهشت برزخی
- ۴۰۸ ۲۱۶- حقانیت بهشت
- ۴۰۹ ۲۱۷- حقیقت آشامیدنیهای بهشت
- ۴۱۰ ۲۱۸- حقیقت بهشت
- ۴۱۱ ۲۱۹- حقیقت بهشت آدم(ع)
- ۴۱۲ ۲۲۰- حقیقت بهشت عدن
- ۴۱۲ ۲۲۱- حقیقت شراب بهشت
- ۴۱۲ ۲۲۲- حوا در بهشت
- ۴۱۲ ۲۲۳- حوربان بهشت
- ۴۱۴ ۲۲۴- خانواده مؤمنان در بهشت
- ۴۱۴ ۲۲۵- خانه های بهشت
- ۴۱۴ ۲۲۶- خداترسان در بهشت
- ۴۱۸ ۲۲۷- خدشناسی مؤمنان در بهشت
- ۴۱۸ ۲۲۸- خدمتکاران بهشت
- ۴۲۰ ۲۲۹- خدمتکاران متقین در بهشت
- ۴۲۰ ۲۳۰- خرمای بهشت
- ۴۲۰ ۲۳۱- خستگی در بهشت
- ۴۲۱ ۲۳۲- خلقت بهشت
- ۴۲۲ ۲۳۳- خوردنیهای بهشت
- ۴۲۴ ۲۳۴- خوردنیهای بهشت آدم(ع)
- ۴۲۴ ۲۳۵- خوش اخلاقی همسران بهشتی

- ۲۳۶- خوشبویی شراب بهشت ۴۲۴
- ۲۳۷- خیریت بهشت ۴۲۴
- ۲۳۸- خیمه های بهشت ۴۲۶
- ۲۳۹- دربهای بهشت ۴۲۶
- ۲۴۰- درجات بهشت ۴۲۶
- ۲۴۱- درخت افاقای بهشت ۴۳۰
- ۲۴۲- درخت موز بهشت ۴۳۰
- ۲۴۳- درختان انار بهشت ۴۳۱
- ۲۴۴- درختان بهشت ۴۳۲
- ۲۴۵- درخواست آشامیدنیهای بهشت ۴۳۸
- ۲۴۶- درخواست بهشت برای تائبان ۴۳۸
- ۲۴۷- درخواست بهشت برای صالحان ۴۳۸
- ۲۴۸- درخواست بهشت برای فرزندان مؤمنان ۴۴۰
- ۲۴۹- درخواست بهشت برای مؤمنان ۴۴۰
- ۲۵۰- درخواست بهشت برای والدین مؤمنان ۴۴۰
- ۲۵۱- درخواست بهشت برای همسران مؤمنان ۴۴۱
- ۲۵۲- درخواست خانه بهشتی ۴۴۲
- ۲۵۳- درخواست میوه های بهشت ۴۴۲
- ۲۵۴- درخواست نعمتهای بهشت ۴۴۲
- ۲۵۵- درخواست وراثت بهشت ۴۴۲
- ۲۵۶- درهای بهشت عدن ۴۴۴
- ۲۵۷- دشنام در بهشت ۴۴۴
- ۲۵۸- دعوت به بهشت ۴۴۴
- ۲۵۹- دعوت کنندگان به بهشت ۴۴۷
- ۲۶۰- دعوتهای نگهبانان بهشت ۴۴۷
- ۲۶۱- دلایل حقانیت بهشت ۴۴۸

- ۴۴۸ ----- ۲۶۲- دوری بهشت
- ۴۴۸ ----- ۲۶۳- دوستی متقین در بهشت
- ۴۴۹ ----- ۲۶۴- ذکر نعمت در بهشت
- ۴۵۰ ----- ۲۶۵- ربوبیت خدا در بهشت
- ۴۵۰ ----- ۲۶۶- رحمت بهشت
- ۴۵۰ ----- ۲۶۷- رضایت بخشی زندگی در بهشت
- ۴۵۱ ----- ۲۶۸- رفاه در بهشت آدم(ع)
- ۴۵۲ ----- ۲۶۹- رفع اندوه در بهشت
- ۴۵۲ ----- ۲۷۰- رفع سختی در بهشت
- ۴۵۲ ----- ۲۷۱- رفع کینه در بهشت
- ۴۵۴ ----- ۲۷۲- رفعت بهشت
- ۴۵۴ ----- ۲۷۳- رنگ پستی های بهشت
- ۴۵۴ ----- ۲۷۴- رنگ سبز در بهشت
- ۴۵۴ ----- ۲۷۵- رنگ شراب بهشتی
- ۴۵۵ ----- ۲۷۶- رنگ همسران بهشتی
- ۴۵۶ ----- ۲۷۷- روابط عاطفی در بهشت
- ۴۵۶ ----- ۲۷۸- روابط متقین در بهشت
- ۴۵۶ ----- ۲۷۹- رؤیت بهشت در قیامت
- ۴۵۸ ----- ۲۸۰- زمین بهشت
- ۴۵۸ ----- ۲۸۱- زمینه اخراج از بهشت آدم(ع)
- ۴۵۸ ----- ۲۸۲- زمینه بهشت
- ۴۶۰ ----- ۲۸۳- زمینه بهشت متقین
- ۴۶۱ ----- ۲۸۴- زمینه جاودانگی در بهشت
- ۴۶۲ ----- ۲۸۵- زمینه نعمتهای بهشت
- ۴۶۴ ----- ۲۸۶- زمینه های ورود به بهشت
- ۴۶۴ ----- ۲۸۷- زنان بهشت

- ۲۸۸- زنجبیل بهشت ۴۶۶
- ۲۸۹- زندگی در بهشت ۴۶۶
- ۲۹۰- زیبایی بهشت ۴۶۷
- ۲۹۱- زیبایی پستی های بهشت ۴۶۸
- ۲۹۲- زیبایی جامهای بهشت ۴۶۸
- ۲۹۳- زیبایی جوشش چشمه های بهشت ۴۶۸
- ۲۹۴- زیبایی خدمتکاران بهشت ۴۶۸
- ۲۹۵- زیبایی درختان انار بهشت ۴۷۰
- ۲۹۶- زیبایی فرشهای بهشت ۴۷۰
- ۲۹۷- زیبایی نخلستانهای بهشت ۴۷۰
- ۲۹۸- زیبایی همسران بهشتی ۴۷۰
- ۲۹۹- زیباییهای بهشت ۴۷۴
- ۳۰۰- زینت خدمتکاران بهشت ۴۷۴
- ۳۰۱- زینتهای بهشت ۴۷۶
- ۳۰۲- ساختار بهشت ۴۷۶
- ۳۰۳- ساقی شراب بهشت ۴۷۶
- ۳۰۴- سایه در بهشت ۴۷۶
- ۳۰۵- سایه های بهشت ۴۷۸
- ۳۰۶- سخن پسندیده در بهشت ۴۸۰
- ۳۰۷- سرسیزی باغهای بهشت ۴۸۰
- ۳۰۸- سرسیزی بهشت ۴۸۰
- ۳۰۹- سرسیزی درختان بهشت ۴۸۲
- ۳۱۰- سرور در بهشت ۴۸۲
- ۳۱۱- سرور مردان بهشتی ۴۸۲
- ۳۱۲- سرور همسران بهشتی ۴۸۴
- ۳۱۳- سروربخشی باغهای بهشت ۴۸۴

- ۴۸۴ ۳۱۴- سعادت در بهشت
- ۴۸۴ ۳۱۵- سعادت‌مندان در بهشت
- ۴۸۶ ۳۱۶- سفیدی بدن همسران بهشتی
- ۴۸۶ ۳۱۷- سفیدی همسران بهشتی
- ۴۸۷ ۳۱۸- سکونت آدم(ع) در بهشت
- ۴۸۹ ۳۱۹- سکونت حوا در بهشت
- ۴۹۰ ۳۲۰- سلام به متقین در بهشت
- ۴۹۱ ۳۲۱- سلام نگهبانان بهشت
- ۴۹۲ ۳۲۲- سلامت متقین در بهشت
- ۴۹۲ ۳۲۳- سلامتی در بهشت
- ۴۹۲ ۳۲۴- سنگ های نازله از بهشت
- ۴۹۴ ۳۲۵- سهولت ورود متقین در بهشت
- ۴۹۴ ۳۲۶- سیری در بهشت
- ۴۹۴ ۳۲۷- شاخه های درختان بهشت
- ۴۹۵ ۳۲۸- شادابی خدمتکاران بهشت
- ۴۹۶ ۳۲۹- شادابی درختان بهشت
- ۴۹۶ ۳۳۰- شب در بهشت
- ۴۹۶ ۳۳۱- شراب بهشت
- ۴۹۸ ۳۳۲- شراب بهشتی
- ۴۹۹ ۳۳۳- شراب بهشتی و مستی
- ۵۰۰ ۳۳۴- شرایط بهشت
- ۵۰۰ ۳۳۵- شرایط جاودانگی در بهشت
- ۵۰۰ ۳۳۶- شرایط نعمتهای بهشت
- ۵۰۰ ۳۳۷- شرایط ورود به بهشت
- ۵۰۲ ۳۳۸- شفافیت جامهای بهشت
- ۵۰۲ ۳۳۹- شکر نعمت بهشت

- ۳۴۰- شکل جامه‌های بهشت ۵۰۳
- ۳۴۱- شکل ظروف بهشت ۵۰۴
- ۳۴۲- شهیدان در بهشت ۵۰۴
- ۳۴۳- شیطان در بهشت آدم(ع) ۵۰۴
- ۳۴۴- صابران در بهشت ۵۰۶
- ۳۴۵- صادقان در بهشت ۵۰۶
- ۳۴۶- صالحان در بهشت ۵۰۶
- ۳۴۷- صالحان در بهشت عدن ۵۱۰
- ۳۴۸- صبح در بهشت ۵۱۱
- ۳۴۹- صداقت در بهشت ۵۱۲
- ۳۵۰- صفات بهشت ۵۱۲
- ۳۵۱- صفات بهشت آدم(ع) ۵۱۷
- ۳۵۲- صفات جامه‌های بهشت ۵۱۸
- ۳۵۳- صفات درختان بهشت ۵۱۸
- ۳۵۴- صفات نهرهای بهشت ۵۱۸
- ۳۵۵- صفات همسران بهشتی ۵۱۹
- ۳۵۶- ضامن بهشت شهیدان ۵۲۲
- ۳۵۷- طبقات بهشت ۵۲۲
- ۳۵۸- طعام در بهشت آدم(ع) ۵۲۲
- ۳۵۹- طهارت همسران بهشتی ۵۲۲
- ۳۶۰- ظروف بلورین بهشت ۵۲۴
- ۳۶۱- ظروف بهشت ۵۲۴
- ۳۶۲- ظروف طلایی بهشت ۵۲۶
- ۳۶۳- ظروف نقره ای بهشت ۵۲۶
- ۳۶۴- ظهور حقایق در بهشت ۵۲۶
- ۳۶۵- عاقلان در بهشت ۵۲۶

۵۲۸	۳۶۶- عبادت برای بهشت
۵۲۸	۳۶۷- عجز از ادراک بهشت
۵۲۸	۳۶۸- عجله در ورود به بهشت
۵۳۰	۳۶۹- عطر بهشت
۵۳۰	۳۷۰- عطر شراب بهشت
۵۳۰	۳۷۱- عظمت باغهای بهشت
۵۳۲	۳۷۲- عظمت بهشت
۵۳۲	۳۷۳- عظمت تختهای بهشت
۵۳۴	۳۷۴- عظمت چشمه های بهشت
۵۳۴	۳۷۵- عفت همسران بهشتی
۵۳۴	۳۷۶- عفت همسران بهشتی
۵۳۴	۳۷۷- عقل همسران بهشتی
۵۳۶	۳۷۸- علایق همسران بهشتی
۵۳۶	۳۷۹- علایق همسران بهشتی
۵۳۶	۳۸۰- عوامل آسایش در بهشت
۵۳۸	۳۸۱- عوامل اخراج آدم(ع) از بهشت
۵۳۸	۳۸۲- عوامل جاودانگی در بهشت
۵۴۰	۳۸۳- عوامل جذابیت بهشت
۵۴۰	۳۸۴- عوامل محرومیت از بهشت آدم(ع)
۵۴۰	۳۸۵- عوامل محرومیت از نعمتهای بهشت
۵۴۱	۳۸۶- غرفه های بهشت
۵۴۲	۳۸۷- غفلت از بهشت
۵۴۲	۳۸۸- فاصله بهشت و جهنم
۵۴۲	۳۸۹- فردوس
۵۴۴	۳۹۰- فرزندان متقین در بهشت
۵۴۴	۳۹۱- فرزندان مؤمنان در بهشت

- ۳۹۲- فضایل بهشت آدم(ع) ۵۴۶
- ۳۹۳- فضیلت بهشت ۵۴۶
- ۳۹۴- فضیلت بهشت عدن ۵۴۶
- ۳۹۵- فعلیت بهشت ۵۴۸
- ۳۹۶- قیاس بهشت و جهنم ۵۴۸
- ۳۹۷- کاخهای بهشت ۵۴۸
- ۳۹۸- کاخهای بهشت عدن ۵۵۰
- ۳۹۹- کاسه های بهشت ۵۵۰
- ۴۰۰- کام دهی همسران بهشتی ۵۵۲
- ۴۰۱- کمال همسران بهشتی ۵۵۲
- ۴۰۲- کوزه های بهشت ۵۵۲
- ۴۰۳- کیفیت ورود به بهشت ۵۵۳
- ۴۰۴- کیفیت ورود متقین به بهشت ۵۵۴
- ۴۰۵- کیفیت ورود متقین در بهشت ۵۵۴
- ۴۰۶- گردش جامهای بهشت ۵۵۴
- ۴۰۷- گردش جامهای شراب بهشت ۵۵۶
- ۴۰۸- گرما در بهشت آدم(ع) ۵۵۶
- ۴۰۹- گشودن دربهای بهشت ۵۵۷
- ۴۱۰- گوارایی آشامیدنیهای بهشت ۵۵۸
- ۴۱۱- گوارایی خوردنیهای بهشت ۵۵۹
- ۴۱۲- گوارایی شراب بهشت ۵۶۰
- ۴۱۳- گوارایی شراب بهشتی ۵۶۰
- ۴۱۴- گوارایی نعمتهای بهشت ۵۶۰
- ۴۱۵- گوشت بهشت ۵۶۲
- ۴۱۶- گوشواره خدمتکاران بهشت ۵۶۲
- ۴۱۷- لباسهای بهشت ۵۶۲

- ۴۱۸- لذایذ بهشت ۵۶۴
- ۴۱۹- لذایذ جنسی در بهشت ۵۶۴
- ۴۲۰- لذایذ مادی بهشت ۵۶۴
- ۴۲۱- لذایذ مادی در بهشت ۵۶۶
- ۴۲۲- لذایذ معنوی بهشت ۵۶۶
- ۴۲۳- لذت بخشی شراب بهشتی ۵۶۶
- ۴۲۴- لذت بخشی نعمتهای بهشت ۵۶۷
- ۴۲۵- لغو در بهشت ۵۶۸
- ۴۲۶- مالک باغهای بهشت ۵۶۸
- ۴۲۷- متقین در بهشت ۵۶۸
- ۴۲۸- متقین هنگام ورود به بهشت ۵۸۷
- ۴۲۹- مجاهدان در بهشت ۵۸۸
- ۴۳۰- مجاهدان در بهشت عدن ۵۸۹
- ۴۳۱- محدودیت در بهشت آدم(ع) ۵۹۰
- ۴۳۲- محرمات در بهشت آدم(ع) ۵۹۰
- ۴۳۳- محرومان از بهشت ۵۹۰
- ۴۳۴- محرومان از نعمتهای بهشت ۵۹۳
- ۴۳۵- محرومیت از بهشت ۵۹۴
- ۴۳۶- محرومیت از بهشت آدم(ع) ۵۹۵
- ۴۳۷- محرومیت از لذایذ بهشت ۵۹۶
- ۴۳۸- محرومیت از نعمتهای بهشت ۵۹۶
- ۴۳۹- محسنان در بهشت ۵۹۷
- ۴۴۰- محمد(صلی الله علیه و آله) در بهشت ۵۹۸
- ۴۴۱- مخلصان در بهشت ۵۹۹
- ۴۴۲- مخلصین در بهشت ۶۰۰
- ۴۴۳- مدحهای نگهبانان بهشت ۶۰۲

- ۴۴۴- مراتب بهشت ----- ۶۰۲
- ۴۴۵- مراد از بهشت عدن ----- ۶۰۳
- ۴۴۶- مراد از بهشت فردوس ----- ۶۰۴
- ۴۴۷- مراد از نهرهای بهشت ----- ۶۰۴
- ۴۴۸- مرغوبیت فرشهای بهشت ----- ۶۰۴
- ۴۴۹- مزاح مردان بهشتی ----- ۶۰۵
- ۴۵۰- مزاح همسران بهشتی ----- ۶۰۶
- ۴۵۱- مزه شیر بهشت ----- ۶۰۶
- ۴۵۲- مسابقه برای بهشت ----- ۶۰۶
- ۴۵۳- مستحقان بهشت ----- ۶۰۷
- ۴۵۴- مسلمانان در بهشت ----- ۶۰۸
- ۴۵۵- مسلمانان و بهشت ----- ۶۰۸
- ۴۵۶- مسیحیان و بهشت ----- ۶۰۸
- ۴۵۷- مشرکان و بهشت ----- ۶۱۰
- ۴۵۸- معذوران از جهاد در بهشت ----- ۶۱۰
- ۴۵۹- مفروش بودن بهشت ----- ۶۱۰
- ۴۶۰- مقربان در بهشت ----- ۶۱۲
- ۴۶۱- مکان باغهای بهشت ----- ۶۱۲
- ۴۶۲- مکان بهشت ----- ۶۱۲
- ۴۶۳- مکان بهشت آدم(ع) ----- ۶۱۴
- ۴۶۴- مکان بهشت عدن ----- ۶۱۴
- ۴۶۵- مکان جنه المأوی ----- ۶۱۴
- ۴۶۶- منشأ بهشت ----- ۶۱۶
- ۴۶۷- منشأ جاودانگی در بهشت ----- ۶۱۶
- ۴۶۸- منشأ جاودانگی در نعمتهای بهشت ----- ۶۱۶
- ۴۶۹- منشأ شراب بهشت ----- ۶۱۷

- ۴۷۰- منشأ نعمتهای بهشت ۶۱۸
- ۴۷۱- منظره های بهشت ۶۱۸
- ۴۷۲- موانع بهشت ۶۲۰
- ۴۷۳- موانع ورود به بهشت ۶۲۲
- ۴۷۴- موجبات بهشت ۶۲۲
- ۴۷۵- موجبات بهشت عدن ۶۵۸
- ۴۷۶- موجبات نعمتهای بهشت ۶۵۸
- ۴۷۷- موحدان در بهشت ۶۶۰
- ۴۷۸- موقعیت جغرافیایی بهشت ۶۶۲
- ۴۷۹- مؤمنان به بهشت ۶۶۲
- ۴۸۰- مؤمنان در بهشت ۶۶۲
- ۴۸۱- مؤمنان صالح در بهشت ۶۷۶
- ۴۸۲- مهاجران صدراسلام در بهشت ۶۷۸
- ۴۸۳- مهتدین در بهشت ۶۷۸
- ۴۸۴- مهمانی در بهشت ۶۷۹
- ۴۸۵- مهمترین غذاهای بهشت ۶۸۰
- ۴۸۶- میوه های بهشت ۶۸۰
- ۴۸۷- ناظران بهشت ۶۸۴
- ۴۸۸- نخلستانهای بهشت ۶۸۵
- ۴۸۹- نزدیکی بهشت ۶۸۶
- ۴۹۰- نزدیکی بهشت به متقین ۶۸۶
- ۴۹۱- نزدیکی میوه های بهشت ۶۸۶
- ۴۹۲- نعمت بهشت ۶۸۸
- ۴۹۳- نعمت روزی بهشت ۶۸۸
- ۴۹۴- نعمتهای اخروی بهشت ۶۸۹
- ۴۹۵- نعمتهای بهشت ۶۹۰

- ۴۹۶- نعمت‌های بهشت آدم(ع) ----- ۷۲۴
- ۴۹۷- نعمت‌های بهشت عدن ----- ۷۲۴
- ۴۹۸- نعمت‌های مادی بهشت ----- ۷۲۶
- ۴۹۹- نعمت‌های معنوی بهشت ----- ۷۲۶
- ۵۰۰- نفی سخن لغو در بهشت ----- ۷۲۸
- ۵۰۱- نقش بهشت ----- ۷۲۸
- ۵۰۲- نقش خدمتکاران بهشت ----- ۷۳۰
- ۵۰۳- نوجوانی خدمتکاران بهشت ----- ۷۳۲
- ۵۰۴- نهرهای بهشت ----- ۷۳۲
- ۵۰۵- نهرهای بهشت عدن ----- ۷۴۲
- ۵۰۶- نهرهای زلال بهشت ----- ۷۴۲
- ۵۰۷- نهرهای شراب بهشت ----- ۷۴۳
- ۵۰۸- نهرهای شیر بهشت ----- ۷۴۴
- ۵۰۹- نهرهای عسل بهشت ----- ۷۴۴
- ۵۱۰- وارثان بهشت ----- ۷۴۵
- ۵۱۱- ورود به بهشت ----- ۷۴۷
- ۵۱۲- ورود شهیدان در بهشت ----- ۷۵۰
- ۵۱۳- ورود متقین به بهشت ----- ۷۵۰
- ۵۱۴- ورود متقین در بهشت ----- ۷۵۰
- ۵۱۵- ورود مؤمنان به بهشت ----- ۷۵۲
- ۵۱۶- ورود مؤمنان در بهشت ----- ۷۵۲
- ۵۱۷- وسعت بهشت ----- ۷۵۲
- ۵۱۸- وسعت نعمت‌های بهشت ----- ۷۵۴
- ۵۱۹- وعده آشامیدنیهای بهشت ----- ۷۵۴
- ۵۲۰- وعده به بهشت ----- ۷۵۴
- ۵۲۱- وعده بهشت ----- ۷۵۶

- ۵۲۲- وعده بهشت به متقین ۷۶۰
- ۵۲۳- وعده بهشت عدن ۷۶۰
- ۵۲۴- وعده میوه های بهشت ۷۶۱
- ۵۲۵- وعده همسران بهشتی ۷۶۲
- ۵۲۶- وفور باغهای بهشت ۷۶۲
- ۵۲۷- وفور بالش های بهشت ۷۶۲
- ۵۲۸- وفور درختان بهشت ۷۶۳
- ۵۲۹- وفور شراب بهشتی ۷۶۴
- ۵۳۰- وفور میوه های بهشت ۷۶۴
- ۵۳۱- وفور نعمتهای بهشت ۷۶۶
- ۵۳۲- ویژگی آشامیدنیهای بهشت ۷۶۸
- ۵۳۳- ویژگی باغهای بهشت آخرت طلبان ۷۶۸
- ۵۳۴- ویژگی تختهای بهشت ۷۶۸
- ۵۳۵- ویژگی چشمه های بهشت ۷۷۰
- ۵۳۶- ویژگی خوردنیهای بهشت ۷۷۰
- ۵۳۷- ویژگی نعمتهای بهشت ۷۷۰
- ۵۳۸- ویژگی نهرهای بهشت ۷۷۲
- ۵۳۹- ویژگی همسران بهشتی ۷۷۲
- ۵۴۰- ویژگیهای انار بهشت ۷۷۴
- ۵۴۱- ویژگیهای باغهای بهشت ۷۷۴
- ۵۴۲- ویژگیهای بهشت ۷۷۸
- ۵۴۳- ویژگیهای بهشت آدم(ع) ۷۹۷
- ۵۴۴- ویژگیهای بهشت عدن ۸۰۰
- ۵۴۵- ویژگیهای بهشت متقین ۸۰۲
- ۵۴۶- ویژگیهای پادشاهی در بهشت ۸۰۳
- ۵۴۷- ویژگیهای پذیرایی در بهشت ۸۰۴

- ۸۰۴ ۵۴۸- ویزگیهای پشتی های بهشت
- ۸۰۵ ۵۴۹- ویزگیهای جام شراب بهشت
- ۸۰۶ ۵۵۰- ویزگیهای خرمای بهشت
- ۸۰۶ ۵۵۱- ویزگیهای خیمه های بهشت
- ۸۰۶ ۵۵۲- ویزگیهای درختان بهشت
- ۸۰۸ ۵۵۳- ویزگیهای زندگی در بهشت
- ۸۰۹ ۵۵۴- ویزگیهای شراب بهشت
- ۸۱۴ ۵۵۵- ویزگیهای شراب بهشتی
- ۸۱۶ ۵۵۶- ویزگیهای ظروف بهشت
- ۸۱۶ ۵۵۷- ویزگیهای غذاهای بهشت
- ۸۱۶ ۵۵۸- ویزگیهای کاخهای بهشت
- ۸۱۶ ۵۵۹- ویزگیهای میوه های بهشت
- ۸۱۸ ۵۶۰- ویزگیهای نعمتهای بهشت
- ۸۲۲ ۵۶۱- ویزگیهای ورود به بهشت
- ۸۲۲ ۵۶۲- ویزگیهای ورود مؤمنان در بهشت
- ۸۲۳ ۵۶۳- ویزگیهای همسران بهشتی
- ۸۲۶ ۵۶۴- همانند نعمتهای بهشت
- ۸۲۶ ۵۶۵- همانندی میوه های بهشت
- ۸۲۶ ۵۶۶- همسران بهشتی
- ۸۲۹ ۵۶۷- همسران مؤمنان در بهشت
- ۸۳۰ ۵۶۸- همسنی همسران بهشت
- ۸۳۱ ۵۶۹- همنشینان بهشت
- ۸۳۲ ۵۷۰- همنشینان در بهشت
- ۸۳۲ ۵۷۱- همنشینان مخلصان در بهشت
- ۸۳۲ ۵۷۲- هوای بهشت
- ۸۳۳ ۵۷۳- هوای مطبوع بهشت

۸۳۵	۵۷۴- یهود و بهشت
۸۳۸	۶- بهشتیان
۸۳۸	۱- بهشتیان
۸۵۴	۲- آثار اراده بهشتیان
۸۵۴	۳- آثار تبیین مکان بهشتیان
۸۵۴	۴- آرامش بهشتیان
۸۵۶	۵- آرزوی بهشتیان
۸۵۶	۶- آزادی بهشتیان
۸۵۷	۷- آسایش اخروی بهشتیان
۸۵۸	۸- آسایش بهشتیان
۸۶۰	۹- آشامیدنیهای بهشتیان
۸۶۲	۱۰- آغاز دعای بهشتیان
۸۶۲	۱۱- آموزش بهشتیان
۸۶۲	۱۲- اجابت آرزوی بهشتیان
۸۶۴	۱۳- اجابت خواسته های بهشتیان
۸۶۴	۱۴- احترام بهشتیان
۸۶۶	۱۵- احوال پرسی بهشتیان
۸۶۶	۱۶- اذکار بهشتیان
۸۶۸	۱۷- ازدواج بهشتیان
۸۶۸	۱۸- استراحت بهشتیان
۸۷۰	۱۹- استراحتگاه بهشتیان
۸۷۰	۲۰- استقبال از بهشتیان
۸۷۰	۲۱- اصحاب اعراف و بهشتیان
۸۷۱	۲۲- اقرار بهشتیان
۸۷۲	۲۳- اقسام بهشتیان
۸۷۲	۲۴- امنیت اخروی بهشتیان

۸۷۲	۲۵- امنیت بهشتیان
۸۷۴	۲۶- امیدواری بهشتیان
۸۷۴	۲۷- اندوه بهشتیان
۸۷۵	۲۸- انس بهشتیان
۸۷۶	۲۹- ایمان بهشتیان
۸۷۶	۳۰- برنامه ریزی بهشتیان
۸۷۶	۳۱- بزم بهشتیان
۸۸۰	۳۲- بشارت امنیت به بهشتیان
۸۸۰	۳۳- بشارت به بهشتیان
۸۸۲	۳۴- بهترین لذایذ بهشتیان
۸۸۲	۳۵- بهشتیان در بهشت
۸۸۳	۳۶- بهشتیان در قیامت
۸۸۴	۳۷- بهشتیان و تسبیح خدا
۸۸۴	۳۸- بهشتیان و تهمت
۸۸۵	۳۹- بهشتیان و جهنمیان
۸۸۷	۴۰- بهشتیان و دروغ
۸۸۸	۴۱- بهشتیان و سخن لغو
۸۸۹	۴۲- بهشتیان و سلب نعمت
۸۹۰	۴۳- بهشتیان و کینه
۸۹۰	۴۴- بهشتیان و لغو
۸۹۱	۴۵- بهشتیان و مرگ
۸۹۲	۴۶- بهشتیان و وعده انبیا
۸۹۲	۴۷- بینش بهشتیان
۸۹۳	۴۸- پاداش بهشتیان
۸۹۴	۴۹- پاکی قلب بهشتیان
۸۹۴	۵۰- پایان دعای بهشتیان

- ۸۹۴ ----- ۵۱- پدران بهشتیان
- ۸۹۵ ----- ۵۲- پذیری از بهشتیان
- ۸۹۷ ----- ۵۳- پرسش از بهشتیان
- ۸۹۸ ----- ۵۴- پرسش بهشتیان
- ۸۹۸ ----- ۵۵- پرسشهای بهشتیان
- ۸۹۹ ----- ۵۶- تأمین خواسته های بهشتیان
- ۹۰۰ ----- ۵۷- تأمین نیازهای بهشتیان
- ۹۰۱ ----- ۵۸- تبریک به بهشتیان
- ۹۰۲ ----- ۵۹- تحیت بهشتیان
- ۹۰۲ ----- ۶۰- تختهای بهشتیان
- ۹۰۴ ----- ۶۱- تزئین تختهای بهشتیان
- ۹۰۴ ----- ۶۲- تشبیه بهشتیان
- ۹۰۴ ----- ۶۳- تشبیه جامهای بهشتیان
- ۹۰۶ ----- ۶۴- تشبیه کوزه های بهشتیان
- ۹۰۶ ----- ۶۵- تشکر از بهشتیان
- ۹۰۶ ----- ۶۶- تعجب بهشتیان
- ۹۰۶ ----- ۶۷- تفضل به بهشتیان
- ۹۰۸ ----- ۶۸- تقوای بهشتیان
- ۹۰۸ ----- ۶۹- تکریم بهشتیان
- ۹۰۸ ----- ۷۰- تکلم ملائکه با بهشتیان
- ۹۰۸ ----- ۷۱- تکیه گاه بهشتیان
- ۹۱۱ ----- ۷۲- تلاش بهشتیان
- ۹۱۱ ----- ۷۳- تلکم بهشتیان
- ۹۱۲ ----- ۷۴- تمایلات بهشتیان
- ۹۱۲ ----- ۷۵- تمایلات جنسی بهشتیان
- ۹۱۴ ----- ۷۶- تنزیه بهشتیان

- ۷۷- تنوع لباس بهشتیان ۹۱۴
- ۷۸- جامه‌های شراب بهشتیان ۹۱۵
- ۷۹- جاودانگی بهشتیان ۹۱۶
- ۸۰- جاودانگی سرور بهشتیان ۹۲۰
- ۸۱- جایگاه بهشتیان ۹۲۰
- ۸۲- جذابیت همسران بهشتی ۹۲۰
- ۸۳- جنس لباس بهشتیان ۹۲۲
- ۸۴- جهنمیان و بهشتیان ۹۲۴
- ۸۵- حالات بهشتیان ۹۲۴
- ۸۶- حجاب بهشتیان و جهنمیان ۹۲۴
- ۸۷- خاطره گویی بهشتیان ۹۲۶
- ۸۸- خداجویی بهشتیان ۹۲۶
- ۸۹- خواسته‌های بهشتیان ۹۲۶
- ۹۰- درخواست از بهشتیان ۹۲۸
- ۹۱- دستبندهای طلایی بهشتیان ۹۲۹
- ۹۲- دستبندهای مرواریدنشان بهشتیان ۹۳۰
- ۹۳- دستبندهای نقره‌ای بهشتیان ۹۳۱
- ۹۴- دعای بهشتیان ۹۳۲
- ۹۵- دلایل رضایت بهشتیان ۹۳۳
- ۹۶- دوری بهشتیان از جهنم ۹۳۴
- ۹۷- رضایت از بهشتیان ۹۳۴
- ۹۸- رضایت بهشتیان ۹۳۴
- ۹۹- رفاه بهشتیان ۹۳۶
- ۱۰۰- رفع اندوه بهشتیان ۹۳۶
- ۱۰۱- رنگ لباس بهشتیان ۹۳۷
- ۱۰۲- روابط بهشتیان ۹۳۸

۹۳۸	۱۰۳- روزی بهشتیان
۹۴۰	۱۰۴- روش برخورد بهشتیان
۹۴۰	۱۰۵- زمینه آرامش بهشتیان
۹۴۱	۱۰۶- زندگی بهشتیان
۹۴۲	۱۰۷- زیبایی لباس بهشتیان
۹۴۲	۱۰۸- زیبایی لباس حریر بهشتیان
۹۴۳	۱۰۹- زینتهای بهشتیان
۹۴۵	۱۱۰- سرزنشهای بهشتیان
۹۴۶	۱۱۱- سرگرمی بهشتیان
۹۴۶	۱۱۲- سرور بهشتیان
۹۴۷	۱۱۳- سلام بر بهشتیان
۹۵۰	۱۱۴- سلام به بهشتیان
۹۵۰	۱۱۵- سلام بهشتیان
۹۵۲	۱۱۶- سلامتی بهشتیان
۹۵۲	۱۱۷- سوگند بهشتیان
۹۵۴	۱۱۸- شام بهشتیان
۹۵۴	۱۱۹- شکر بهشتیان
۹۵۴	۱۲۰- شکرگزاری بهشتیان
۹۵۶	۱۲۱- شکوه بهشتیان
۹۵۶	۱۲۲- صبحانه بهشتیان
۹۵۶	۱۲۳- صبر بهشتیان
۹۵۶	۱۲۴- صفات بهشتیان
۹۵۸	۱۲۵- صلح بهشتیان
۹۵۸	۱۲۶- صمیمیت بهشتیان
۹۶۰	۱۲۷- ضخامت لباس بهشتیان
۹۶۰	۱۲۸- ظرافت لباس بهشتیان

- ۱۲۹- عجز از رؤیت بهشتیان ۹۶۰
- ۱۳۰- عزت بهشتیان ۹۶۲
- ۱۳۱- عطایای خدا به بهشتیان ۹۶۲
- ۱۳۲- علاقه به رؤیت بهشتیان ۹۶۳
- ۱۳۳- علم بهشتیان ۹۶۴
- ۱۳۴- عمل بهشتیان ۹۶۴
- ۱۳۵- عمل خیر بهشتیان ۹۶۴
- ۱۳۶- عوامل آرامش بهشتیان ۹۶۵
- ۱۳۷- عوامل سرور بهشتیان ۹۶۶
- ۱۳۸- عوامل لذایذ اخروی بهشتیان ۹۶۶
- ۱۳۹- غذای بهشتیان ۹۶۸
- ۱۴۰- فراموشی بهشتیان ۹۶۸
- ۱۴۱- فرجام اخروی بهشتیان ۹۶۸
- ۱۴۲- فرزندان بهشتیان ۹۶۸
- ۱۴۳- فضایل بهشتیان ۹۷۰
- ۱۴۴- فلسفه عجز از رؤیت بهشتیان ۹۷۴
- ۱۴۵- گفتگوی بهشتیان ۹۷۶
- ۱۴۶- گفتگوی بهشتیان با جهنمیان ۹۷۸
- ۱۴۷- گفتگوی جهنمیان با بهشتیان ۹۷۸
- ۱۴۸- گفتگوی خدا با بهشتیان ۹۷۸
- ۱۴۹- گوارا باد به بهشتیان ۹۸۰
- ۱۵۰- لباس بهشتیان ۹۸۰
- ۱۵۱- لباس حریر بهشتیان ۹۸۰
- ۱۵۲- لباس رسمی بهشتیان ۹۸۱
- ۱۵۳- لذایذ اخروی بهشتیان ۹۸۲
- ۱۵۴- لذایذ بهشتیان ۹۸۲

- ۱۵۵- لذت طلبی بهشتیان - ۹۸۴
- ۱۵۶- مجلس انس بهشتیان - ۹۸۵
- ۱۵۷- محبت بهشتیان - ۹۸۶
- ۱۵۸- مدت زندگی دنیوی بهشتیان - ۹۸۸
- ۱۵۹- مراتب بهشتیان - ۹۸۸
- ۱۶۰- مربی بهشتیان - ۹۸۹
- ۱۶۱- مزاح بهشتیان - ۹۹۰
- ۱۶۲- مصونیت بهشتیان - ۹۹۰
- ۱۶۳- مقامات اخروی بهشتیان - ۹۹۰
- ۱۶۴- مقامات بهشتیان - ۹۹۰
- ۱۶۵- ملاقات ملائکه با بهشتیان - ۹۹۲
- ۱۶۶- منابع تغذیه بهشتیان - ۹۹۳
- ۱۶۷- منت بر بهشتیان - ۹۹۴
- ۱۶۸- منشأ پاداش بهشتیان - ۹۹۴
- ۱۶۹- منشأ جاودانگی بهشتیان - ۹۹۴
- ۱۷۰- منشأ نجات بهشتیان - ۹۹۴
- ۱۷۱- نامه عمل بهشتیان - ۹۹۶
- ۱۷۲- نشاط اخروی بهشتیان - ۹۹۶
- ۱۷۳- نشانه های بهشتیان - ۹۹۶
- ۱۷۴- نشانه های سعادت بهشتیان - ۹۹۷
- ۱۷۵- نعمتهای اخروی بهشتیان - ۹۹۸
- ۱۷۶- نعمتهای بهشتیان - ۹۹۹
- ۱۷۷- نگرانی بهشتیان - ۱۰۰۲
- ۱۷۸- نیازهای عاطفی بهشتیان - ۱۰۰۲
- ۱۷۹- نیازهای مادی بهشتیان - ۱۰۰۲
- ۱۸۰- وفور پاداش بهشتیان - ۱۰۰۴

- ۱۸۱- ویژگیهای بهشتیان ۱۰۰۴
- ۱۸۲- ویژگیهای پذیرایی از بهشتیان ۱۰۰۴
- ۱۸۳- ویژگیهای زندگی بهشتیان ۱۰۰۵
- ۱۸۴- ویژگیهای گفتگوی بهشتیان ۱۰۰۶
- ۱۸۵- ویژگیهای لباس بهشتیان ۱۰۰۶
- ۱۸۶- همسران بهشتیان ۱۰۰۸
- ۱۸۷- همسران دنیوی بهشتیان ۱۰۰۸
- ۱۸۸- همنشینان بهشتیان ۱۰۱۰
- ۱۸۹- همنشینان دنیوی بهشتیان ۱۰۱۰
- ۷- بیت المقدس ۱۰۱۳
- ۱- بیت المقدس ۱۰۱۳
- ۲- آبادانی بیت المقدس ۱۰۱۴
- ۳- آثار تداوم قبله بودن بیت المقدس ۱۰۱۵
- ۴- آداب ورود به بیت المقدس ۱۰۱۵
- ۵- اسراء محمد(صلی الله علیه و آله) به بیت المقدس ۱۰۱۷
- ۶- بنی اسرائیل در بیت المقدس ۱۰۱۹
- ۷- بنی اسرائیل و تصرف بیت المقدس ۱۰۱۹
- ۸- بیت المقدس در دوران موسی(ع) ۱۰۲۱
- ۹- پاداش نماز به بیت المقدس ۱۰۲۱
- ۱۰- تاریخ بیت المقدس ۱۰۲۳
- ۱۱- تصرف بیت المقدس ۱۰۲۳
- ۱۲- خوردنیهای بیت المقدس ۱۰۲۴
- ۱۳- دروازه بیت المقدس ۱۰۲۵
- ۱۴- راه تصرف بیت المقدس ۱۰۲۵
- ۱۵- سرزمین بیت المقدس ۱۰۲۵
- ۱۶- سوگند به بیت المقدس ۱۰۲۷

- ۱۷- فضیلت بیت المقدس ۱۰۲۷
- ۱۸- فلسفه قبله شدن بیت المقدس ۱۰۲۷
- ۱۹- قبله بودن بیت المقدس ۱۰۲۹
- ۲۰- قداست بیت المقدس ۱۰۳۰
- ۲۱- مسلمانان و قبله شدن بیت المقدس ۱۰۳۱
- ۲۲- مهتدین و قبله شدن بیت المقدس ۱۰۳۱
- ۲۳- نسخ قبله بودن بیت المقدس ۱۰۳۱
- ۲۴- نماز به بیت المقدس ۱۰۳۱
- ۲۵- نماز محمد(صلی الله علیه و آله) به بیت المقدس ۱۰۳۳
- ۲۶- نماز محمد(صلی الله علیه و آله) در بیت المقدس ۱۰۳۳
- ۲۷- ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس ۱۰۳۳
- ۲۸- ورود به بیت المقدس ۱۰۳۷
- ۲۹- یهود در بیت المقدس ۱۰۳۷
- ۸- بیداری ۱۰۳۹
- ۱- آثار بیداری ۱۰۳۹
- ۲- بیداری از آیات خدا ۱۰۳۹
- ۳- بیداری از خواب ۱۰۳۹
- ۴- بیداری اصحاب کهف ۱۰۴۱
- ۵- بیداری فطرت توحیدی ۱۰۴۱
- ۶- تشبیه به بیداری ۱۰۴۱
- ۷- حقیقت بیداری ۱۰۴۳
- ۸- زمان بیداری اصحاب کهف ۱۰۴۳
- ۹- شگفتی اصحاب کهف هنگام بیداری ۱۰۴۵
- ۱۰- شگفتی بیداری اصحاب کهف ۱۰۴۵
- ۱۱- فلسفه بیداری اصحاب کهف ۱۰۴۵
- ۱۲- منشأ بیداری ۱۰۴۷

- ۱۳- منشأ بیداری اصحاب كهف ----- ۱۰۴۷
- ۱۴- نقش بیداری ----- ۱۰۴۷
- ۱۵- وقت بیداری اصحاب كهف ----- ۱۰۴۷
- ۹- بی پناهان ----- ۱۰۴۹
- ۱- بی پناهان ----- ۱۰۴۹
- ۲- بی پناهی آخرت فروشان ----- ۱۰۴۹
- ۳- بی پناهی اخروی انسان ها ----- ۱۰۴۹
- ۴- بی پناهی اخروی كافران ----- ۱۰۵۱
- ۵- بی پناهی اخروی مرفهان كافر ----- ۱۰۵۱
- ۶- بی پناهی اخروی مشركان ----- ۱۰۵۲
- ۷- بی پناهی اخروی منافقان ----- ۱۰۵۳
- ۸- بی پناهی انسان ----- ۱۰۵۳
- ۹- بی پناهی انسان ها در قیامت ----- ۱۰۵۳
- ۱۰- بی پناهی جن ----- ۱۰۵۴
- ۱۱- بی پناهی در قیامت ----- ۱۰۵۵
- ۱۲- بی پناهی ظالمان ----- ۱۰۵۵
- ۱۳- بی پناهی كافران ----- ۱۰۵۷
- ۱۴- بی پناهی گمراهان ----- ۱۰۵۸
- ۱۵- بی پناهی گناهكاران ----- ۱۰۵۹
- ۱۶- بی پناهی لعن شدگان ----- ۱۰۵۹
- ۱۷- بی پناهی مستكبران ----- ۱۰۵۹
- ۱۸- بی پناهی مشركان ----- ۱۰۶۰
- ۱۹- بی پناهی مكذبان قیامت ----- ۱۰۶۱
- ۲۰- بی پناهی منافقان ----- ۱۰۶۱
- ۲۱- بی پناهی يهود ----- ۱۰۶۱
- ۲۲- عوامل بی پناهی ----- ۱۰۶۳

۱۰۶۳-----۲۳- موجبات بی پناهی محمد(صلی الله علیه و آله)-----

۱۰۶۴-----درباره مرکز-----

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 25

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- بنی قریظه

1- اخراج یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 7، 2، 1

1 - خداوند ، یهود بنی قریظه را از قلعه های مستحکم خود بیرون کشید تا در دسترس مسلمانان مدینه قرار گیرند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب من صیاصیهم .. فریقاً تقتلون

«صیاصی» جمع «صیصیه» است و «صیصیه» به دژ و قلعه و هر آنچه را که بتوان در پناه آن خود را حفظ کرد، گفته می شود (مفردات راغب).

2 - توان مندی و شکست ناپذیری خداوند ، یهودیان را از قلعه های مستحکم خویش ، فرود آورد .

و کان الله قویاً عزیزاً . و أنزل الذین ظهروا من أهل الکتب من صیاصیهم

7 - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم .. و قذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است - چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است - واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر «أنزل» پیش از «قذف» ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

2- اسارت یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - گروهی از یهود بنی قریظه ، به اسارت سپاه مسلمانان در آمدند .

و تأسرون فریقاً

3- ترس یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 3,6,7,12

ص: 1

3 - دل های یهودیان بنی قریظه ، آکنده از ترس و وحشت از مسلمانان مدینه شده بود .

وقذف فی قلوبهم الرعب

«رعب» در لغت، بریدن و لاعلاج شدن ناشی از ترسی است که همه جان را فراگرفته است (مفردات راغب).

6 - خداوند ، بر دل های یهود بنی قریظه ، ترس و وحشت افکند .

وقذف فی قلوبهم الرعب

7 - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذین ظهروهم . . . وقذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است - چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است - واقعیت امر، چنین باشد که بر یهودیان، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند. بنابراین، ذکر «أنزل» پیش از «قذف» ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد.

12 - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

وقذف فی قلوبهم الرعب فریقاً تقتلون و تأسرون فریقاً

4- تملک اموال یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 27 - 9، 2، 1

1 - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

2 - خداوند فراهم آورنده زمینه تملک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

9 - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الکتب . . . و أورثکم أرضهم . . . و کان اللّٰه علی کلّ ش

5- تملک خانه های یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 27 - 9، 2، 1

1 - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

2 - خداوند فراهم آورنده زمینه تملک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

9 - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان

ص: 2

مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . . . و أورثكم أرضهم ... و كان الله على كل ش

6- تملک سرزمین یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 27 - 9, 3, 2, 1

1 - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه ، در غزوه بنی قریظه ، به تملک مسلمانان درآمد .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

2 - خداوند فراهم آورنده زمینه تملک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

3 - وعده خداوند به مسلمانان مدینه برای تصاحب سرزمین هایی علاوه بر سرزمین یهود بنی قریظه که هیچ گاه برای تملک آنها ، اقدامی صورت نمی دادند .

و أورثکم . . . و أرضاً لم تطئوها

«وطئ» به معنای «گرفتن به شدت و زور» است. مراد از «و أرضاً لم تطئوها» - به رغم ماضی بودن «لم تطئوها» - سرزمینی است که در آینده به دست مسلمانان می افتاد. آوردن فعل ماضی، یا برای قطعی بودن آن است و یا به دلیل عطف به فعل محذوفی مانند «یورثکم» می باشد.

9 - قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . . . و أورثکم أرضهم ... و كان الله على كل ش

7- شکست یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 12

12 - چیره شدن ترس بر سپاه یهود بنی قریظه ، باعث از بین رفتن توان رزمی آنان شد و به راحتی ، به دست مسلمانان مدینه ، شکست خوردند .

وقذف في قلوبهم الرعب فريقاً تقتلون و تأسرون فريقاً

8- عوامل شكست يهود بنى قريظه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 27 - 8,9

8 - قدرت مطلق خداوند ، عامل شكست يهود بنى قريظه و پيروزي مسلمانان مدينه بود .

أنزل الذين ظهروهم . . . فريقاً تقتلون . . . وكان الله على كل شيء قديراً

ص: 3

9- قدرت مطلق خداوند ، عامل فروپاشی یهود بنی قریظه و به ارث رسیدن اموال و خانه ها و سرزمین شان به مسلمانان مدینه بود .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب . . . وأورثكم أرضهم . . . و كان الله على كل ش

9- قتل یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 10

10 - گروهی از یهود بنی قریظه ، به دست مسلمانان ، به قتل رسیدند .

فريقًا تقتلون

10- قلعه های یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 7، 5، 1

1 - خداوند ، یهود بنی قریظه را از قلعه های مستحکم خود بیرون کشید تا در دسترس مسلمانان مدینه قرار گیرند .

و أنزل الذين ظهروهم من أهل الكتب من صياصيهم . . . فريقًا تقتلون

«صياصی» جمع «صیصیه» است و «صیصیه» به دژ و قلعه و هر آنچه را که بتوان در پناه آن خود را حفظ کرد، گفته می شود (مفردات راغب).

5- یهود بنی قریظه ، دژ های مستحکم داشتند .

أهل الكتب من صياصيهم

7 - چیره شدن ترس بر یهود بنی قریظه ، موجب شد که آنان ، بدون هیچ گونه زحمتی از قلعه های مستحکم خارج شوند . *

و أنزل الذين ظهروهم . . . وقذف فی قلوبهم الرعب

ممکن است - چنان چه در کتاب های سیره و تاریخ آمده است - واقعیت امر ، چنین باشد که بر یهودیان ، ترس چیره شد و باعث گردید که آنها ، از قلعه های مستحکم خود بیرون بیایند و به راحتی در دست رس سپاه مسلمانان قرار بگیرند . بنابراین ، ذکر «أنزل» پیش از «قذف» ممکن است به خاطر اهمیت خارجی آن باشد .

11- معاهده یهود بنی قریظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 4

4 - یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، هم پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الكتب

مراد از «الذین ظاهرُوا» یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر «هم»، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان

ص: 4

مدینه را بر عهده داشتند.

12- یهود بنی قریظه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 4

4 - یهود بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان ، با مشرکان مکه ، علیه مسلمانان ، ائتلاف کردند .

إذ جاءوكم من فوقكم و من أسفل منكم

طبق شواهد تاریخی، غزوه احزاب، با ائتلاف یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه و غطفان و مشرکان مکه به وجود آمد. «من فوقکم» اشاره به یهودیانی دارد که از بخش شرقی مدینه هجوم آوردند و «من أسفل منکم» اشاره به مشرکانی دارد که از بخش غربی مدینه به آن دیار هجوم آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 4

4 - یهود بنی قریظه ، در غزوه احزاب ، هم پیمان مشرکان مکه بودند و از آنان پشتیبانی می کردند .

و أنزل الذین ظهروهم من أهل الكتب

مراد از «الذین ظاهروا» یهود بنی قریظه، و مرجع ضمیر «هم»، مشرکانی اند که سردمداری احزاب متحد علیه مسلمانان مدینه را بر عهده داشتند.

13- یهود بنی قریظه و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 26 - 3

3 - دل های یهودیان بنی قریظه ، آکنده از ترس و وحشت از مسلمانان مدینه شده بود .

وقذف فی قلوبهم الرعب

«رعب» در لغت، بریدن و لاعلاج شدن ناشی از ترسی است که همه جان را فراگرفته است (مفردات راغب).

2- بنیامین

1- آثار اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 6

6- اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله «إن ابنک سرق» (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

2- آثار محبت یعقوب (ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 8 - 7

7- محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

چنان چه یوسف (ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف (ع) اکتفا می کردند.

3- آثار ملاقات یوسف (ع) با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 10

10- توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دوازده رفتاری های گذشته برادران

إنی أنا أخوک فلا تبتئس بما کانوا یعملون

تفریع «فلا تبتئس...» به وسیله حرف «فاء» بر «إنی أنا أخوک» بیانگر دلیل یوسف (ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند

برادرانش است؛ یعنی، یوسف(ع) با این تقریب بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل شدم؛ ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

ص: 6

4- اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 1,2,7,8

1- برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در ائاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

2- برادران یوسف در حضور او ، بنیامین را به داشتن روحیه سرقت متهم کردند .

قالوا إن یسرق

چون از نظر ظاهر بنیامین سارق شناخته شد، اقتضای مقام آن بود که برادران یوسف از فعل ماضی (سرق) استفاده می کردند. آنان با آوردن فعل مضارع (یسرق) - که دلالت بر استمرار و تجدد دارد - به جای فعل ماضی درصدد بیان این معنا بودند که بنیامین دارای روحیه سرقت است.

7- فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله «فقد سرق . . .» - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله «إن یسرق . . .» چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست؛ زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

8- فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد ، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن یسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته ؛ ولی سایر برادرانش چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 8

8- دزدی مخفیانه بنیامین و ناتوانی برادران از مراقبت وی در نهان ، اعتذار آنان نزد یعقوب (ع) از باز نگرداندن او

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. و ما كنا للغيب حافظين

جمله «و ما كنا ..» در حقیقت پاسخ به پرسشی است که لاوی انتظار آن را از یعقوب(ع) داشت و آن اینکه: گیرم بنیامین دزدی کرد، چرا او را از دزدی کردن باز نداشتید تا کار به آنچه می گوئید بینجامد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 6

6- لاوی از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و إنا لصدقون

ص: 7

5- احترام بنیامین به یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 9

9- بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب (ع) به مسافرت اقدام نمی کرد .

از اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخوا) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

6- احساسات خطر برای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 8

8- احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله «إنا له لحافظون» می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

7- اذیت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 89 - 2,3,8

2- بنیامین ، برادر پدری و مادری یوسف (ع) ، همچون یوسف (ع) ، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

3- بنیامین برخورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف (ع) شرح داده بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت «ما فعلتم بیوسف و أخیه» گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

8- برادران یوسف پس از سپری کردن برهه ای از عمرشان از آزار و اذیت بنیامین دست کشیدند . *

هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه إذ أنتم جاهلون

چون «إذ أنتم جاهلون» ظرف برای «فعلتم» است، زمان آن فعل را مقید به زمان جهل و نادانی برادران یوسف می کند و این مفهوم را القا می کند که پس از آن زمان، برخوردشان با بنیامین برخورد نامناسبی نبوده است. تناسب حکم و موضوع و طبیعت حال، این احتمال را به ذهن می آورد که بگوییم آن زمان، زمان جدایی ایشان بوده است.

8- اندوه بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 6

ص: 8

6- تأسف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتس بما كانوا يعملون

9- اهتمام لاوی به بازگشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 7

7- فرزند بزرگ یعقوب، بازگشت کاروان بدون همراه داشتن بنیامین را تخلف از عهد و سوگند پیشین خود و برادرانش خواند.

قال کبیرهم ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقا من الله

لاوی با تفریع جمله «فلن أبرح . . .» بر «ألم تعلموا أن أباکم قد أخذ علیکم موثقا» بیان داشت که: با توجه به عهد و پیمانمان با یعقوب(ع)، سزاوار نیست بدون همراه داشتن بنیامین باز گردیم [اگر شما تصمیم به بازگشت دارید خود می دانید]، ولی من باز نخواهم گشت.

10- بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 1

1- یوسف (ع) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد.

فهو جزؤه . . . قالوا یا ایها العزیز إن له أبا شیخا کبیرا

الدرالمنثور، ج4، ص564.

11- بازرسی مال التجاره بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 2,3

2- یوسف (ع) پیش از بازرسی اثاثیه بنیامین، به تفتیش دقیق بار و اثاثیه دیگر فرزندان یعقوب پرداخت.

فبدأ بأوعیتهم قبل وعاء أخیه ثم استخرجها من وعاء أخیه

کلمه «ثم» دلالت می کند که مدتی طول کشید تا نوبت بازرسی بار بنیامین فرارسید. و این حکایت از آن دارد که بازرسی اثاثیه دیگر برادران به دقت انجام می گرفته که کار به درازا کشیده شده بود.

3- یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد.

ثم استخرجها من وعاء أخيه

ضمیر مفعولی در «استخرجها» به «صواع» و یا «سقایه» باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل «استخرج» (بیرون آورد) به جای «وجد» (یافت) به خاطر این است که یوسف (ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

ص: 9

12- برادران یوسف و استرداد بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 13

13- دریافت آذوقه در نزد فرزندان یعقوب ، دارای اهمیت بیشتر از یافتن و جست و جو کردن یوسف (ع) و استرداد بنیامین *

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرَّ . . فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا

فرزندان یعقوب به فرمان وی به مصر آمدند تا از یوسف(ع) خبر بگیرند و بنیامین را باز ستانند ، ولی پیش از آن سخن از فقر و تنگدستی و مطالبه آذوقه دارند. این معنا می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

13- برادران یوسف و بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 8 - 6,7

6- همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْتَمِلُ

ضمیر در «قالوا» به «إخوته» در آیه قبل برمی گردد ؛ یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

7- محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْتَمِلُ

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 9 - 5

5- برادران یوسف در صورت نبود او ، بنیامین را رقیب خویش در جلب محبت یعقوب (ع) نمی دیدند .

لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ . . . اِقْتُلُوا يُوسُفَ . . . يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ

برادران یوسف از محبت افزون تر یعقوب(ع) به یوسف(ع) و نیز بنیامین در رنج بودند؛ ولی با از میان بردن یوسف(ع) مشکل را حل شده می دانستند. بنابراین چنین می پنداشتند که بنیامین، نمی تواند مانع توجه کامل یعقوب(ع) به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 61 - 4,5

4- فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر، راهی جز جلب رضایت یعقوب(ع) نداشتند.

قالوا سنرود عنه أباه وإنا لفاعلون

5- برادران یوسف، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند.

ص: 10

14- سرود عنه أباه و إنا لفاعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 16

16- تعریض یعقوب (ع) به فرزندان مبنی بر دلسوز نبودن آنان و ترحم نداشتنشان بر یوسف (ع) و بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل فالله خیر حفظاً و هو أرحم الرحمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 13

13- فرزندان یعقوب سوگند یاد کردند و با خدا پیمان بستند که در حد استطاعت، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند .

حتى توتون موثقاً .. فلما ءاتوه موثقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 8

8- برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب، از محبوبیت افزون تری برخوردار است .

فخذ أحدنا مكانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 3

3- فرزندان یعقوب بر باز گرداندن بنیامین از سفر مصر، با پدرشان یعقوب پیمان بسته و سوگند یاد کرده بودند .

أن أباکم قد أخذ علیکم موثقاً من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 89 - 2،8

2- بنیامین، برادر پدری و مادری یوسف (ع)، همچون یوسف (ع)، مورد آزار و اذیت برادرانش بود .

قال هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

8- برادران یوسف پس از سپری کردن برهه ای از عمرشان از آزار و اذیت بنیامین دست کشیدند . *

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون

چون «إذ أنتم جاهلون» ظرف برای «فعلتم» است، زمان آن فعل را مقید به زمان جاهل و نادانی برادران یوسف می کند و این مفهوم را القا می کند که پس از آن زمان، برخوردشان با بنیامین برخورد نامناسبی نبوده است. تناسب حکم و موضوع و طبیعت حال، این احتمال را به ذهن می آورد که بگوییم آن زمان، زمان جدایی ایشان بوده است.

15- برادران یوسف و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 11

3- لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

این ابنک سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در «ما شهدنا» چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (این ابنک سرق). بر این اساس مفاد جمله «ما شهدنا...» چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (این ابنک سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد ، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند .

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا .. ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع «قولوا» و «ما شهدنا» و «علمنا» گویای برداشت فوق است.

5- لاوی از برادرانش خواست ، گزارش سفر و دزدی بنیامین را با لحنی مشفقانه ، به پدر بیان کنند .

یأبانا

تصریح لاوی به اینکه در ابتدای سخن پدر را با جمله «یأبانا» مخاطب قرار دهید ، رساننده این است که به گونه ای سخن بگوئید که شفقت او را بر خویش جلب کنید.

9- فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند .

ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در «ما شهدنا» بیان حکم سارق - که آیه 75 (جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است - باشد. بر این اساس مفاد «ما شهدنا إلا بما علمنا و ما كنا للغيب حافظين» چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم ؛ ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر است که بر این مبنا «حافظین» به معنای «عالمین» خواهد بود.

16- برادران یوسف و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین ، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود .

فإن لم تأتوني به فلا كيل لكم . . . فلما رجعوا إلى أبيهم قالوا يابانا منع منا الكي

3- فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان «أخانا» (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

4- فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین ، در طول سفرشان به مصر متعهد شدند و بر آن تأکید کردند .

فأرسل معنا أخانا نكتل و إنا له لحفظون

5- گزارش تحریم سهمیه آذوقه بدون همراهی بنیامین ، خبر و گزارشی مهم در دیدگاه فرزندان یعقوب

يابانا منع منا الكيل

فرزندان یعقوب پیش از باز کردن بارها و محموله ها - که معمولاً اولین اقدام مسافران و کاروانهاست - خبر تحریم سهمیه

ص: 12

آذوقه را برای پدرشان بیان کردند. این تعجیل نشان دهنده اهمیت این خبر در نظر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 10، 11، 12، 7

7- فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند.

قال هل ءامنکم . . . یاأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا. ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

10- ضرورت تهیه طعام، دغدغه خاطر نداشتن برای بهای آذوقه و لطف و عنایت خاص دربار مصر به فرزندان یعقوب، دلیل های آنان برای لزوم سفر به مصر و اصرارشان بر جلب موافقت پدر با مسافرت بنیامین

ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا و نمیر أهلنا

سخنان فرزندان یعقوب (یا أبانا هذه. . .) در راستای جلب رضایت وی برای سفر بنیامین است و هر جمله آن اشاره به دلیلی بر لزوم این مسافرت دارد. فرزندان یعقوب با جمله «ما نبغی...» بیان می دارند که مورد توجه خاص عزیز مصر قرار گرفته اند و سزاوار نیست درخواست او (آوردن بنیامین) را برآورده نسازند. آنان با عطف جمله «نمیر أهلنا» بر جمله ای مقدر نظیر «نستظهر بها» (از این بضاعت باز گردانده شده برای تهیه آذوقه کمک می گیریم) بیان می کنند که مشکل نداشتن بهای آذوقه را ندارند و با جمله «نحفظ أخانا» می رسانند که به خاطر پاسخ مثبت به عزیز مصر و دریافت آذوقه، ملزم به حفظ برادرشان هستند و با جمله «ذلک کیل یسیر» بیان می کنند که سخت نیازمند تهیه طعام هستند.

11- تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمیر أهلنا و نحفظ أخانا

12- لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غلّه با آمدن بنیامین به مصر، از دلیل های ارائه شده به یعقوب (ع) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

«ازدیاد» (مصدر «نزداد» از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. «کیل بعیر»؛ یعنی، بار و محموله ای که معمولاً بر یک شتر حمل می کنند. گفتمی است جمله های «فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم...» و «منع منا الکیل» دلالت می کند بر اینکه یوسف(ع) اعطای سهمیه به فرزندان یعقوب را بدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از «نزداد کیل بعیر» این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 1

1- یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندان، موافقت نمود.

قال لن أرسله معکم حتی توتون موثقاً

17- برادران یوسف و نجات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 13

2- فرزندان یعقوب با تحریک عواطف یوسف (ع) درصدد جلب رضایت او برای آزادسازی بنیامین برآمدند .

قالوا یا ایها العزیز إن له أبا شیخاً کبیراً

3- اقتدار یوسف (ع) بر انجام خواسته های خویش ، نیکوکار بودن وی و سزاواری یعقوب (ع) برای ترحم ، دلیل های ارائه شده از سوی فرزندان یعقوب به یوسف (ع) برای آزادسازی بنیامین

قالوا یا ایها العزیز إن له أبا شیخاً کبیراً .. . إنا نریک من المحسنین

هدف برادران یوسف از مخاطب ساختن یوسف(ع) با عنوان «عزیز» بیان اقتدار او بر انجام خواسته هایش است، و توصیف یعقوب به «پیر مردی سالخورده» بیان سزاواری او برای ترحم است و مدح یوسف(ع) به نیکوکاری به منظور ترغیب او به احسان و گذشت می باشد.

6- بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أهدنا مکانه

7- فداکاری و گذشت برادران بنیامین ، برای بازگرداندن او به پدرشان یعقوب

فخذ أهدنا مکانه

11- مشاهده نیکوکار بودن یوسف ، مایه تشجیع فرزندان یعقوب به تقاضای آزادی بنیامین و بازداشت یکی از آنان به جای وی

فخذ أهدنا مکانه إنا نریک من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أهدنا مکانه .. . قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا

«معاذ» مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت «أن نأخذ» به تقدیر «من» و متعلق به «معاذ الله» می باشد. بنابراین جمله «معاذ الله أن نأخذ...» ؛ یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- فرزندان یعقوب به جلب رضایت یوسف موفق نشدند و از آزاد شدن بنیامین کاملاً ناامید گشتند .

فلما استیئسوا منه

«یأس» و «استیئاس» به معنای ناامید شدن است، با این تفاوت که «استیئاس» حاکی از مبالغه و شدت ناامیدی می باشد. مراد از ضمیر در «منه» یوسف و یا بنیامین است. بنابراین «فلما استیئسوا منه ...»؛ یعنی، پس آن گاه که فرزندان یعقوب از [جلب رضایت] یوسف و یا [آزادی] بنیامین کاملاً ناامید شدند

2- فرزندان یعقوب پس از ناامید شدن از آزادی بنیامین، در کناری به دور از یوسف و کارگزارانش برای چاره اندیشی درباره مشکل پیش آمده به مشورت و گفت و گوی محرمانه پرداختند .

فلما استیئسوا منه خلصوا نجیاً

از معانی «خلص» اعتزال و کناره گیری کردن است. «نجی» به فرد و یا افرادی اطلاق می گردد که در نهان با او گفت و گو شود. این کلمه در آیه شریفه حال برای فاعل «خلصوا» می باشد. بنابراین «خلصوا نجیاً»؛ یعنی، برادران یوسف از دیگران

جدا شدند و با یکدیگر به نجوا و گفت و گوی سرّی پرداختند.

18- بنیامین از متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 7

7- یوسف (ع) و بنیامین از تقوایندگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

19- بنیامین از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 7

7- یوسف (ع) و بنیامین از تقوایندگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

20- بنیامین در فراق یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 89 - 4

4- فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر ، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

«ما» در عبارت «ما فعلتم بیوسف و أخیه» می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

21- بنیامین و اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 7

7- یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلا تبتس بما كانوا يعملون

ص: 15

22- بنیامین و برخورد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 6

6- تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتّس بما کانوا یعملون

23- بنیامین و رضایت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 9

9- بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب (ع) به مسافرت اقدام نمی کرد .

از اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخاناً) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

24- بنیامین و قصه یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 6

6- تأسّف و اندوه بنیامین از رفتار گذشته برادرانش در ماجرای ناپدید شدن یوسف (ع)

فلاتبتّس بما کانوا یعملون

25- بنیامین و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 8 - 1

1- از میان برادران یوسف ، بنیامین برادر پدری و مادری یوسف (ع) و سایرین ، برادران پدری او بودند .

فرزندان یعقوب، بنیامین را برادر یوسف می خواندند، با اینکه وی نیز فرزند یعقوب(ع) و با آنان برادر بود (لیوسف و أخوه). این تعبیر می رساند که ارتباط اخوت میان یوسف(ع) و بنیامین قوی تر از ارتباط اخوت وی با دیگر فرزندان یعقوب می باشد؛ یعنی، بنیامین برادر پدر و مادری یوسف(ع) و با سایر برادران، برادر پدری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 4

4- بنیامین به اینکه عزیز مصر، برادر ناپدید شده وی (یوسف ع) باشد، ناباور بود.

ص: 16

تأکید حکم در جمله «ینی انا أخوک» با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید «إِنَّ» و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 6

6- بنیامین و یوسف (ع) دو فرزند یعقوب (ع) از یک مادر

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 89 - 3

3- بنیامین بر خورد های نامناسب و آزار های برادرانش را برای یوسف (ع) شرح داده بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

عبارت «ما فعلتم بیوسف و أخیه» گویای این است که فرزندان یعقوب بنیامین را نیز آزار داده بودند و یوسف(ع) از آن مطلع بود و ظاهر این است که او از طریق بنیامین با خبر شده بود.

26- تأثیر بازداشت بنیامین در یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 2

2- ماجرای بنیامین ، خاطره یوسف (ع) را برای یعقوب (ع) تجدید کرد و موجب اظهار تأسف شدید او بر فراق یوسف (ع) شد .

وقال یأسفی علی یوسف

حرف «الف» در آخر «اسفی» منقلب از یای متکلم است. بنابراین «یأسفی»، یعنی ای دریغ من.

27- تشویق به آوردن بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 9

9- یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان ، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد .

اثنونی بأخ لكم من أياكم ألا ترون أني أوفى الكيل و أنا خير المنزلين

جمله «ألا- ترون . . .» (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از «اثنونی بأخ لكم» بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

ص: 17

28- تهمت به مادر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 7

7- فرزندان یعقوب گرایش بنیامین به دزدی را از ناحیه مادر وی دانسته و او را منشأ پیدایش ناهنجاری فرزندانش شمردند .

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

جواب شرط (إن یسرق) جمله ای محذوف است و جمله «فقد سرق ..» - از باب آمدن سبب به جای مسبب - جانشین جواب می باشد. بنابراین جمله «إن یسرق ...» چنین معنا می شود: اگر او دزدی کرد خلاف انتظار نیست؛ زیرا برادر مادری اش نیز دزدی کرده بود پس دزدی آنان ریشه مادری دارد.

29- جستجوی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 2,4,6

2- یعقوب (ع) به فرزندانش دستور داد برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین حرکت کنند و به جست و جوی آنها پردازند .

یبنی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه

«تحسس» (مصدر تحسسوا) به معنای طلب کردن و جست و جو نمودن است.

4- یعقوب (ع) از فرزندانش خواست برای یافتن یوسف (ع) و بنیامین تلاشی پی گیر داشته و از یافتن آنها هرگز مأیوس نشوند .

ولا تأیسوا من روح الله

6- یعقوب (ع) مطمئن به یاری و رحمت خداوند در یافتن یوسف و بنیامین

فتحسسوا من یوسف و أخیه و لا تأیسوا من روح الله

جلوه و نمود رحمت خداوند در آیه شریفه ، یاری و کمک او در یافتن یوسف و دستیابی به بنیامین است.

30- حکمت در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 25

25- یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع)، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید.

فصیر جمیل... إنه هو العلیم الحکیم

31- درخواست استرداد بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 12

ص: 18

12- فرزندان یعقوب از یوسف (ع) تقاضا کردند برادرشان بنیامین را به آنان باز گرداند .

و تصدق علینا

در اینکه مقصود فرزندان یعقوب از عطیه درخواستی چیست سه نظر ایراد شده است: 1 منظور بنیامین است که به ظاهر ملک یوسف(ع) می باشد. 2- مقصود آنان مقداری بیش از سهمیه و جیره ایشان است. 3 مراد همان سهمیه است بدون دریافت همه بهای آن. برداشت فوق، ناظر به اولین احتمال است.

32- درخواست تفحص از دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 4

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد از یعقوب بخواهند که وی از اهالی مصر و نیز از همسفران ایشان ، داستان سرقت بنیامین را جويا شود .

فقولوا یاأبانا .. وسئل القریه ... والعیبر التی أقبلنا فیها

«اقبال» (مصدر اقبلنا) به معنای روی آوردن است و متعلق آن «إلیک» و مانند آن است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده و «فیها» حال برای ضمیر «أقبلنا» می باشد. بنابراین «وسئل ... العیبر التی ...» ; یعنی، از کاروانی پرس که ما در میان آنها به سوی شما آمدیم. قابل ذکر است که آیه مورد بحث نیز مانند آیه سابق، از سفارشهای لاوی به برادرانش می باشد.

33- دشمنان بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 6

6- اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله «إن ابنک سرق» (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

34- دعوت از بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 2

2- یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش ، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد .

ولما دخلوا .. ءاوی إلیه أخواه

ص: 19

35- دلایل عدم همراهی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 61 - 3

3- علاقه شدید یعقوب (ع) به بنیامین، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

«با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نماییم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم» - که مفاد «سنرود عنه أباه» می باشد - اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین، ممانعت پدرشان می باشد.

36- رازداری بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 8

8- یوسف (ع) به رازداری بنیامین، اطمینان داشت .

إني أنا أخوك

37- رضایت به مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 2

2- یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند).

لن أرسله معكم حتى تؤتون موثقا من الله

«موثق» به معنای عهد و پیمان است که به دلیل «لام» قسم در «لتأتتنی» عهد و پیمانی است همراه با سوگند. «من الله» بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقا)؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

38- رنجهای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه

«ما» در عبارت «ما فعلتم بیوسف و أخیه» می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی یوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

ص: 20

39- شک بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 4

4- بنیامین به اینکه عزیز مصر، برادر ناپدید شده وی (یوسف ع) باشد، ناباور بود.

إني أنا أخوك

تأکید حکم در جمله «إني أنا أخوك» با اسمیه آوردن جمله به همراه حرف تأکید «إنّ» و ضمیر فصل (أنا) گویای تردید و شک بنیامین در برادری عزیز مصر با اوست.

40- شیوع دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 1, 2

1- خبر دزدی بنیامین در آبادی محل سکونت یوسف (مصر)، شایع شده بود.

وسئل القرية التي كنا فيها

«قریه» به محل سکونت و اجتماع انسانها (شهر و روستا) گفته می شود. از این رو در برداشت از آن به «آبادی» تعبیر شد. پرسش از آبادی با اینکه مقصود پرسش از اهل آبادی است، برای رساندن این معناست که: خبر سرقت بنیامین در شهر شایع شده و همگان از آن مطلع بودند.

2- کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند.

وسئل... العير التي أقبلنا فيها

41- صبر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 7

7- یوسف ع) و بنیامین از تقوایشگان صبور و از زمره محسنان بودند.

قد منّ الله علينا إنه من يتقّ ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

42- ظلم به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 89 - 5

5- یوسف (ع) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

ص: 21

43- عزت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 9

9- حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقوایندگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

44- علاقه یعقوب (ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 4

4- تعلق قلبی یعقوب (ع) به یوسف (ع) ، بسی افزون تر از تمایل او به بنیامین و دیگر برادرانش بود .

عسى الله أن يأتيك بهم جميعا .. وقال يأسفى على يوسف

45- علاقه یوسف (ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 60 - 8

8- اشتیاق وافر یوسف (ع) به بنیامین و دیدار او

اتنونی بأخ لکم .. فإن لم تأتونی به فلاکیل لکم عندی ولا تقربون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 62 - 8

8- یوسف (ع) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم .. لعلهم یرجعون

46- عوامل رفع اندوه بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- توفیق ملاقات یوسف (ع) در مقام عزیزی مصر با برادرش بنیامین ، از میان برنده تلخ کامی ها و زایل کننده ناراحتی آن دوازده رفتاری های گذشته برادران

إني أنا أخوك فلا تبئس بما كانوا يعملون

تفریع «فلا تبئس . . .» به وسیله حرف «فاء» بر «إني أنا أخوك» بیانگر دلیل یوسف(ع) برای جا نداشتن حزن و اندوه بر رفتار ناپسند برادرانش است ؛ یعنی، یوسف(ع) با این تفریع بیان می دارد که هر چند بر اثر رفتار آنان مشکلاتی را متحمل

ص: 22

شدم؛ ولی همانها زمینه شد که به این مقام نایل شوم. بنابراین نه تو و نه من نباید از عملکرد برادرانمان محزون باشیم.

47- غیر قانونی بودن بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 7

7- نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر، برای یوسف (ع) مجاز نبود.

ما کان لیأخذ أخواه فی دین الملک

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به «ملک» قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه «فما جزاؤه...» در آیه 74، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

48- فضایل بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 7

7- یوسف (ع) و بنیامین از تقوای پیشگان صبور و از زمره محسنان بودند.

قد منّ الله علینا إنه من یتقّ و یصبر فإنّ الله لایضیع أجر المحسنین

49- فلسفه نهمت به مادر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 8

8- فرزندان یعقوب با این تحلیل که دزدی بنیامین ریشه مادری دارد، درصدد پیراستن خویش از عار و ننگ دزدی او بودند.

إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

برادران یوسف با توصیف بنیامین به دارا بودن روحیه دزدی (إن یسرق) و اثبات آن با مطرح ساختن دزدی برادر مادری اش، درصدد بیان این معنا بودند که مادر آن دو در پیدایش روحیه دزدی نقش داشته؛ ولی سایر برادرانش چون از مادرانی دیگرند، از این ناهنجاری پیراسته اند.

50- فلسفه نگهداری بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 6

6- حضور بنیامین نزد یوسف (ع)، به سود و منفعت یوسف (ع) بود.

ص: 23

کذلک کدنا لیوسف

لام در «لیوسف» لام منفعت است. بنابراین نقشه طرح شده و هدف از آن (نگه داشتن بنیامین) در جهت منافع یوسف(ع) بوده است.

51- کاروان تجاری و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 82 - 2

2- کاروانیان همراه فرزندان یعقوب به ماجرای دزدی بنیامین آگاه بودند .

وسئل . . . العیر الی أقبلا فیها

52- کیفر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 4

4- طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

53- گواهان دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 6

6- اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله «إن ابنک سرق» (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

54- گواهی بر دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 2,3,4

2- شهادت به دزدی بنیامین در نزد یعقوب با جمله ای متضمن تأکید ، از سفارش های لاوی به برادران خویش

إن ابنک سرق

3- لاوی از برادرانش خواست ، به پدرشان تفهیم کنند که به دزدی بنیامین اطمینان پیدا کردند و گزارش و شهادت آنان عالمانه است .

ص: 24

إن ابنك سرق و ما شهدنا إلا بما علمنا

در اینکه مراد از شهادت در «ما شهدنا» چیست، چند نظر ابراز شده است. از جمله آنهاست همین شهادت برادران یوسف نزد یعقوب به دزدی کردن فرزندش بنیامین (إن ابنك سرق). بر این اساس مفاد جمله «ما شهدنا...» چنین می شود: آنچه هم اکنون در نزد تو می گوئیم (إن ابنك سرق) شهادتی است از روی علم و ما بدان اطمینان و یقین داریم.

4- لاوی به برادرانش سفارش کرد، دسته جمعی به حضور پدر برسند و همگان بر دزدی بنیامین شهادت دهند.

ارجعوا إلى أبيكم فقولوا... ما شهدنا إلا بما علمنا

تصریح لاوی به صیغه های جمع «قولوا» و «ما شهدنا» و «علمنا» گویای برداشت فوق است.

55- گواهی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 5

5- عزیز مصر برادرش بنیامین را شهادی بر صدق دعوای خویش (من یوسفم) دانست.

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله «هذا أخی» می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای «قد منّ الله» باشد به عنوان شهادی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را در خواهید یافت.

56- لاوی و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 7

7- لاوی از برادرانش خواست برای پدرشان بیان کنند که بنیامین در نهان و به دور از چشم آنان دزدی کرد.

و ما كنا للغیب حفظین

در معنای جمله «و ما كنا...» چند نظر ابراز شده است. با توجه به اطمینان برادران یوسف به دزدی بنیامین که جمله «إن ابنك سرق» گویای آن است، این معنا به نظر روشن تر می رسد که: ما نمی توانستیم آنچه را در غیاب و به دور از چشم انجام می گیرد، نگهبان باشیم؛ یعنی، دزدی بنیامین در نهان انجام گرفت. از این رو نتوانستیم او را باز داریم.

57- لاوی و دزدی بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 81 - 1

1- لاوی ضمن موافقت با مراجعه برادرانش به کنعان ، نحوه گزارش سرقت بنیامین را به آنان تعلیم داد .

قال کبیرهم . . . ارجعوا إلى أیکم فقولوا یأبانا إن ابنک سرق

ص: 25

58- لاوی و نجات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 80 - 6

6- ناراحتی و شرمساری فرزند ارشد یعقوب از توفیق نیافتن در عمل به عهد و پیمان خویش (بازگرداندن بنیامین)

قال کبیرهم... قد أخذ علیکم موثقاً... فلن أبرح الأرض

59- مجازات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 4

4- طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود.

کذلک کدنا لیوسف

60- محافظت از بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 4

4- فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین، در طول سفرشان به مصر متعهد شدند و بر آن تأکید کردند.

فأرسل معنا أختانا نکتل و إنا له لحفظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 3

3- بی تعهدی برادران یوسف در حفاظت از او، دلیل یعقوب (ع) برای اطمینان نکردن بر تعهد آنان به حفاظت از بنیامین

هل ءامنکم علیه إلاّ کما ءامنکم علی آخیه من قبل

یعقوب(ع) اعتماد و اطمینان به فرزندانش درباره بنیامین را، به اعتماد و اطمینانش به آنان درباره یوسف(ع) تشبیه کرد. وجه شبهه در این تشبیه بی ثمری و نتیجه بخش نبودن است. بنابراین مفاد «هل ءامنکم علیه إلاّ...» چنین می شود: اعتماد من به شما [اگر اعتماد کنم] در بی نتیجه ماندن و ثمر نداشتن نیست مگر همانند اعتمادم به شما درباره یوسف(ع).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 11

11- تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمیر اهلنا و نحفظ أخاننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 26

3- یعقوب در توصیه بر حفاظت از بنیامین به فرزندانش تأکید کرد که هیچ عذری جز مغلوب شدن و ناتوان گشتن را از آنان نخواهد پذیرفت .

حتى توتون موثقاً من الله لتأتني به إلا أن يحاط بكم

5- یعقوب (ع) از فرزندانش انتظار نداشت با به خطر انداختن خویش در حفظ بنیامین و باز گرداندن او تلاش کنند .

إلا أن يحاط بكم

احاطه که ظاهراً مصدر «یحاط» است به معنای گرفتن پیرامون چیزی از همه جوانب آن است و در آیه شریفه کنایه از مغلوب شدن و بسته شدن همه راهها و چاره هاست.

6- یعقوب (ع) از فرزندانش خواست صورت ناتوانی و عذر را، در سوگندشان بر محافظت از بنیامین و باز گرداندن او استثنا کنند .

لتأتني به إلا أن يحاط بكم

ظاهر این است که عبارت «إلا أن يحاط بكم» استثنا از قسم - که مفاد «لتأتني به» است - می باشد. بر این اساس یعقوب(ع) به فرزندانش توصیه کرد که در اجرای صیغه سوگند مورد عذر و ناتوانی را استثنا کنند و چنین بگویند: «والله لتأتينك به إلا أن يحاط بنا» (به خدا سوگند بنیامین را به تو باز می گردانیم مگر مغلوب شویم و همه راهها و چاره ها بر ما بسته شود).

13- فرزندان یعقوب سوگند یاد کردند و با خدا پیمان بستند که در حد استطاعت، از بنیامین مراقبت کنند و او را به نزد پدر باز گردانند .

حتى توتون موثقاً .. فلما اتوه موثقهم

61- محبت به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 3

3- فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند .

فأرسل معنا أخانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان «أخانا» (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

62- محبت یعقوب(ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 8 - 13، 9، 6، 4، 3

3- یوسف (ع) و بنیامین محبوب تر از دیگر فرزندان یعقوب در نزد آن حضرت

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب إلى أبينا

مراد از «أخوه» چنانچه مفسران گفته اند بنیامین است.

4- یوسف (ع) محبوب تر از بنیامین در نزد یعقوب (ع)

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب إلى أبينا

ص: 27

برداشت فوق ، از تقدیم «یوسف» بر برادرش «بنیامین» استفاده شده است.

6- همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب إلى أبينا منا

ضمیر در «قالوا» به «إخوته» در آیه قبل برمی گردد ; یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

9- لطف و محبت افزون تر یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین و شایسته نبودن آن دو برای آن لطف و محبت ، از سخنان و پیش درآمد های جلسه مشورتی برادران یوسف علیه وی

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب إلى أبينا منا ونحن عصبة إن أبانا لفي ضلل مبين

13- محبت فراوان یعقوب (ع) به یوسف (ع) و بنیامین ، خطا و لغزشی روشن از دیدگاه دیگر فرزندان او

إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب . . . إن أبانا لفي ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 61 - 3، 2، 1

1- یعقوب (ع) به فرزندش بنیامین علاقه ای ویژه داشت .

قالوا سنرود عنه أباه

2- یعقوب (ع) ، همواره از مسافرت کردن بنیامین به همراه برادرانش ، جلوگیری می کرد .

قالوا سنرود عنه أباه

3- علاقه شدید یعقوب (ع) به بنیامین ، دلیل برادران یوسف برای همراه نبودن بنیامین با آنان

قالوا سنرود عنه أباه

«با پدرمان گفت و گو می کنیم و تلاش می نمایم که رضایت او را برای سفر بنیامین جلب کنیم» - که مفاد «سنرود عنه أباه» می باشد - اشاره ای است از سوی برادران یوسف به او که علت همراه نبودن بنیامین ، ممانعت پدرشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 4

4- یعقوب (ع) ، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود .

لتأتتني به

جمله های «إنا له لحافظون» و «فإله خير حافظاً» در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب(ع) خواهان نرسیدن گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله «لتأتتني به» (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 8

8- برادران بنیامین می دانستند که وی در نزد پدرشان یعقوب ، از محبوبیت افزون تری برخوردار است .

فخذ أهدنا مكانه

ص: 28

63- مسافرت بنیامین به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 5

5- برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال ائتونی بأخ لکم من ائیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 61 - 4,5,6,7

4- فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

5- برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

6- برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

«مراوده» (مصدرنرود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و «عنه» دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد «سنرود...» چنین است، همانا با ملاحظت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

7- تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف (ع)

إنا لفاعلون

جمله «سنرود عنه أباه» این احتمال را برای یوسف(ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی با جمله «إنا لفاعلون» به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید ، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

64- معرفی یوسف (ع) به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 3

3- یوسف (ع) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش ، خود را به وی شناساند .

قال إني أنا أخوك

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله «قال...» از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

65- ملاقات بنیامین با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 1,3,5

1- فرزندان یعقوب به همراه بنیامین به جایگاه یوسف (ع) درآمدند و به حضور وی رسیدند .

ص: 29

و لما دخلوا على يوسف ءاوى إليه أخاه

3- يوسف (ع) در نشستی با بنیامین و به دور از حضور دیگر برادرانش، خود را به وی شناساند.

قال إني أنا أخوك

از آیات قبل و آیات بعد معلوم می شود که یوسف(ع) از اینکه برادرانش وی را بشناسند، امتناع داشت. بنابراین انجام معرفی خود به بنیامین در خفای از برادران بوده است. فصل جمله «قال...» از ما قبل می تواند اشاره به این داشته باشد که سخن یوسف(ع) با برادرش در مقامی غیر از مقام ورود برادرانش بر وی انجام گرفته است.

5- یوسف (ع) شرح ماجرای خود و برادرانش (داستان قرار دادن او در چاه کنعان و...) را برای بنیامین باز گفت.

قال إني أنا أخوك فلا تبئس بما كانوا يعملون

مراد از ضمیر در «کانوا» و «یعملون» برادران یوسف است. آوردن جمله «لا تبئس» (اندوهگین نشو و تأسف نخور) پس از «إني أنا أخوك» می رساند که یوسف(ع) پس از معرفی خویش، ماجرای چاه کنعان و مسائل پیرامون آن را برای بنیامین باز گفته بود و گرنه مجرد معرفی خودش، زمینه ای برای ناراحتی و اندوه بنیامین نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 11، 4

4- بنیامین در سومین جلسه ملاقات فرزندان یعقوب با عزیز مصر، حضور داشت.

و هذا أخي

11- دیدار یوسف (ع) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا يوسف و هذا أخي قد منّ الله علينا

66- ملاقات یوسف (ع) با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 11

11- دیدار یوسف (ع) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا يوسف و هذا أخي قد منّ الله علينا

67- منشأ بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 5,6

5- یعقوب (ع)، ماجرای گرفتاری بنیامین را نتیجه توطئه ای برخاسته از جلوه پردازهای نفس فرزندان خویش دانست.

قال بل سؤلت لکم أنفسکم امرًا

جمله «سؤلت لکم...»؛ یعنی، نفس شما امر ناپسندی را برای شما زیبا جلوه داد و ارتکاب آن را برای شما آسان ساخت. این جمله حاکی از اطمینان یعقوب به توطئه فرزندانش است.

6- آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندانش (یوسف، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است.*

ص: 30

قال بل سؤلت لكم أنفسكم أمراً

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندانش را باور نکرد و آنان را علی رغم داشتن شهود عینی - که جای شک باقی نمی گذاشت - به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: 1- یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. 2- کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. 3- این کید و نقشه از ناحیه فرزندانش اجرا شده است. اینها واقعیتهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت؛ ولی نکته ای که برای او - پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندانش است - مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طراح و مجری آن نقشه بودند.

68- نعمتهای بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 90 - 11، 6

6- خداوند یوسف (ع) و بنیامین را از نعمتی بزرگ بهره مند ساخت .

قد منّ الله علينا

«منّ» به معنای احسان کردن و نعمت بخشیدن است. در «مفردات راغب» آمده که «منّه» به معنای نعمت گران سنگ است. مراد از ضمیر در «علینا» به قرینه جمله بعد (إنه من یتق ...) - که تعلیل برای «قد منّ الله علينا» است - یوسف(ع) و بنیامین می باشد نه همه برادران.

11- دیدار یوسف (ع) و بنیامین و پایان یافتن فراق آن دو، از نعمت های بزرگ خداوند به ایشان

قال أنا یوسف و هذا أخی قد منّ الله علينا

69- نگرانی از سرنوشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 4

4- احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع)، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلاّ كما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

70- نگهداری بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 1

1- طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

ص: 31

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقايه في رحل أخيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 76 - 21, 15, 14, 5, 4

4- طرح و نقشه يوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

5- گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به يوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

«کذلک» اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات 70 تا 75 بیانگر آن بود.

14- مشیت الهی ، زمینه ساز باقی ماندن بنیامین نزد يوسف (ع)

ما کان .. إلا أن یشاء الله

15- يوسف (ع) جز به مشیت خدا و امداد او با هیچ سبب و مستمسکی ، نمی توانست بنیامین را نزد خویش نگه دارد .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک إلا أن یشاء الله

21- موفقیت يوسف (ع) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تر وی

کذلک کدنا لیوسف .. نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصدق مورد نظر برای «من نشاء» يوسف (ع) است.

71- یعقوب (ع) در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 83 - 8

8- یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود(مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 6

6- افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً . . . وابيضت عيناه من الحزن

72- یعقوب(ع) و اتهام دزدی به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 32

2- یعقوب (ع) داستان سرقت بنیامین را داستانی ساختگی یافت و گفته های فرزندان را باور نکرد .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

کلمه «بل» دلالت می کند که یعقوب(ع) سخن فرزندان را نپذیرفت.

14- یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جميل عسى الله أن يأتيني بهم جميعًا

73- یعقوب(ع) و بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 6، 3

3- یعقوب (ع) ، فرزندان را در گرفتاری بنیامین و باز نگشتن وی مقصر دانست .

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

6- آگاهی یعقوب به اینکه بازداشت بنیامین بر اساس کید و نقشه ای از طرف فرزندان (یوسف ، بنیامین یا برادران دیگر) بوده است . *

قال بل سؤلت لکم أنفسکم أمرًا

در اینکه چرا یعقوب(ع) گزارش فرزندان را باور نکرد و آنان را علی رغم داشتن شهود عینی - که جای شک باقی نمی گذاشت - به تسویل کردن متهم ساخت، پاسخهایی ذکر کرده اند. آنچه به نظر روشن تر می رسد این است که: 1- یعقوب(ع) به فراست خاص خویش و اطمینانش به درست کاری بنیامین دریافته بود که گزارش یاد شده واقعیت ندارد. 2- کید و نقشه ای برای گرفتار شدن بنیامین در کار بوده و به اصطلاح کاسه ای زیر نیم کاسه بوده است. 3- این کید و نقشه از ناحیه فرزندان اجرا شده است. اینها واقعیتهایی بود که یعقوب(ع) به فراست دریافت ؛ ولی نکته ای که برای او - پس از آنکه فهمیده بود نقشه گرفتاری بنیامین از ناحیه فرزندان است - مجهول و مبهم مانده بود، این بود که متوجه نشد خود بنیامین و یوسف طراح و مجری آن نقشه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 1

1- یعقوب (ع) پس از شنیدن خبر بازداشت بنیامین و مقصر دانستن فرزندان ، بر آنان خشم گرفت و از ایشان روی برتافت .

و تولى عنهم

«تولی» به معنای روی گردانی است. روی گردانی یعقوب(ع) از فرزندانش به قرینه «فهو کظیم» از سر خشم و غضب بر آنان بوده است.

74- یعقوب(ع) و بازگشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 12

ص: 33

12- یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش ، یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

75- یعقوب (ع) و بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 4

4- احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلا كما أمنتكم على أخيه من قبل

یعقوب (ع) با نام نبردن از یوسف (ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

76- یعقوب (ع) و حیات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 11

11- یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

مراد از ضمیر جمع در «بهم» یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 1

1- یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

بینی اذهبوا فتحسسوا من يوسف وأخيه

77- یعقوب (ع) و فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- یعقوب (ع)، علاقه ای وافر به بنیامین و سلامتی او داشت و جدایی و فراق او برایش رنج آور بود.

لتأتئی به

جمله های «إنا له لحافظون» و «فالله خیر حافظاً» در آیات پیشین دلالت بر آن داشت که یعقوب(ع) خواهان نرسیدن گزند و آسیب به بنیامین بود و جمله «لتأتئی به» (او را نزد من آورید) حاکی است که دوری او نیز بر آن حضرت مشکل بود و خواهان حضور وی نزد خویش بود.

ص: 34

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 84 - 14

14- بسنده کردن یعقوب (ع) به اعراض از فرزندان، علی رغم مقصر شناختن آنان در فراق یوسف (ع) و بنیامین، بیانگر توان بالای او بر نهان ساختن و پوشیده داشتن خشم و غضب خویش است.

و تولی عنهم... فهو کظیم

برداشت فوق، مقتضای تفریع «هو کظیم» به وسیله حرف «فاء» بر «تولی عنهم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 3

3- یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق بنیامین را نشانه پایان یافتن اندوه های خویش دانست و به یافتن یوسف (ع) و بنیامین امیدوار شد.

بینی اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه و لاتأیسوا من روح الله

از آن جا که یعقوب (ع) پس از داستان بنیامین، جستوجو از یوسف را مطرح می سازد و فرزندانش را مأمور تفحص از وی می کند، چنین برمی آید که وی قضیه بنیامین را نشانه ای به نزول فرج الهی دانسته و به یافتن یوسف (ع) امیدوار شده بود. اقدام نکردن وی برای یافتن یوسف پیش از داستان بنیامین، دلیل این حقیقت است و این معنا توجیه کننده برنامه یوسف (ع) در بازداشت بنیامین می باشد.

78- یعقوب (ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 61 - 2

2- یعقوب (ع)، همواره از مسافرت کردن بنیامین به همراه برادرانش، جلوگیری می کرد.

قالوا سنرود عنه أباه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 8

8- احساس خطر برای بنیامین، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله «إنا له لحافظون» می رساند که از دلایل این امر، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 1

1- یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و باروانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 1، 2

ص: 35

1- یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندان، موافقت نمود.

قال لن أرسله معکم حتی تؤتون موثقاً

2- یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را، منوط به آن دانست که فرزندان و ثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند).

لن أرسله معکم حتی تؤتون موثقاً من الله

«موثق» به معنای عهد و پیمان است که به دلیل «لام» قسم در «لتأتتنی» عهد و پیمانی است همراه با سوگند. «من الله» بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقاً)؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 67 - 6

6- یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود.

لاتدخلوا من باب وحد .. ما أغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب (ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه 87) - که بنیامین همراه آنان نبود - نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

79- یعقوب (ع) و ملاقات با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 12

12- یعقوب (ع) به مراجعت سه فرزندش، یوسف (ع)، بنیامین و لاوی و ملاقات با آنان امیدوار بود.

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

80- یوسف (ع) در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 89 - 4

4- فراق یوسف (ع) و بنیامین و جدایی آنان از یکدیگر، رویدادی سخت و رنج آور برای آن دو برادر

هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه

«ما» در عبارت «ما فعلتم بيوسف و أخيه» می تواند اشاره به رنج فراق و جدایی يوسف(ع) و بنیامین نیز باشد.

81- يوسف(ع) و اتهام به بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 36

8 - یوسف - 12 - 79 - 5

5- اجتناب یوسف (ع) از نسبت دادن دزدی به بنیامین

أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مِنْ وَجْدِنَا مَتَعِنَا عِنْدَهُ

آوردن عبارت «إِلَّا مِنْ وَجْدِنَا مَتَعِنَا عِنْدَهُ» (مگر کسی که متاع خویش را نزد او یافتیم) به جای «إِلَّا مِنْ سَرَقَ مَتَعِنَا» (مگر کسی که متاع ما را سرقت کرده باشد) گویای اجتناب یوسف از نسبت دادن سرقت به بنیامین است.

82- یوسف (ع) و بازداشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 7

7- نگاه داشتن بنیامین در مصر حتی به جرم سرقت، بر طبق قوانین جزایی پادشاه مصر، برای یوسف (ع) مجاز نبود.

مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ

دین به معنای آیین و روش است و مراد از آن به اعتبار اضافه شدنش به «ملک» قوانین و مقررات حاکم بر مصر می باشد. قابل ذکر است که به قرینه «فَمَا جَزَاؤُهُ...» در آیه 74، اگر سارق می خواست بر اساس آیین خودش تنبیه شود، قاضی و حاکم مصر می توانست بر آن اساس حکم کند.

83- یوسف (ع) و بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 60 - 8

8- اشتیاق وافر یوسف (ع) به بنیامین و دیدار او

اِتُّونِي بِأَخٍ لَّكُم... فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَاكِلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 69 - 2,7

2- یوسف (ع) در پی ملاقات با برادرانش، بنیامین را فراخواند و او را در کنار خویش جای داد.

وَلَمَّا دَخَلُوا... ءَأْوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ

7- یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 70 - 1

1- طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگاهداشتن بنیامین نزد خویش

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

ص: 37

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 76 - 4,5,21

4- طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

5- گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جو یا شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

«کذلک» اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات 70 تا 75 بیانگر آن بود.

21- موفقیت یوسف (ع) در طرح و اجرای نقشه برای نگه داشتن بنیامین ، جلوه ای از برتری او بر برادران خویش و نمودی از دانش افزون تروی

کذلک کدنا لیوسف . . . نرفع درجت من نشاء و فوق کل ذی علم علیم

مصدق مورد نظر برای «من نشاء» یوسف(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 78 - 1

1- یوسف (ع) بنیامین را بازداشت کرد و از رفتن او به همراه برادرانش جلوگیری کرد .

فهو جزؤه . . . قالوا یاأبها العزیز إن له أبا شیخاً کبیراً

الدرالمنثور، ج4، ص564.

84- یوسف(ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 62 - 7,8,9

7- یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

8- یوسف (ع) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

9- طرح و نقشه یوسف (ع) برای مسافرت بنیامین از کنعان به مصر

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم .. اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

85- یوسف (ع) و ملاقات با بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 12، 9

ص: 38

9- یوسف (ع) با توجه دادن برادرانش به عدالت خویش در معامله و پذیرایی نیکویش از مهمانان، آنان را به آوردن بنیامین ترغیب کرد.

ائتونی بأخ لکم من أیکم ألا ترون أنى أوفى الكیل و أنا خیر المنزلین

جمله «ألا- ترون . . .» (آیا ملاحظه نمی کنید که...) پس از «ائتونی بأخ لکم» بیانگر هدف یوسف(ع) (ترغیب به آوردن بنیامین) از توجه دادن برادرانش به مهمان نوازی و عدالتش در معامله است.

12- یوسف (ع) به برادرانش وعده داد که اگر در سفر بعد ، بنیامین را به همراه بیاورند ، باز هم از آنان به خوبی پذیرایی خواهد کرد .

ألا ترون . . . أنا خیر المنزلین

ص: 39

3- بهانه جوئی

1- اعراض از بهانه جویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 6

6- لزوم فیصله دادن به بحث و گفتگو با بهانه جویان و حق ناپذیران

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

2- هدایت ناپذیری بهانه جویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 3

3- اگر امور غیبی برای بهانه جویان و منکران آیات الهی محسوس شود، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزلنا إليهم الملائكة و كلمهم الموتى و حشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا

ملائكة، سخن گفتن مردگان، شهادت موجودات جملگی از امور غیبی هستند که حتی در فرض محسوس شدن آنها، گروهی ایمان نخواهند آورد.

3- هشدار به بهانه جویان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 15

15 - سوزنده تر بودن آتش دوزخ از گرمی هوای دنیا، هشدار شدید به تخلف کنندگان از جهاد به بهانه گرمی هوا

قل نار جهنم أشد حراً

بهانه جویی

4- آثار بهانه جویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 11

11 - نگرش مادی در مورد خداوند و بهانه جویی در مقابل پیامبران ، از مصادیق بارز ظلم و موجب گرفتاری به عذاب الهی است .

يسئلك أهل الكتب .. فأخذتهم الصعقة بظلمهم

5- آثار بهانه جویی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 9 - 4

4 - گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إن هذا إلا إفك .. وقالوا مال هذا الرسول ... إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

«فاء» در «فضّلوا» برای سببیت و در «فلا یستطیعون» تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر (صلی الله علیه و آله) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

6- آثار بهانه جویی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 9 - 4

4 - گمراهی گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إن هذا إلا إفك .. وقالوا مال هذا الرسول ... إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً

«فاء» در «فضّلوا» برای سببیت و در «فلا یستطیعون» تفسیریه است؛ یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر (صلی الله علیه و آله) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

7- بهانه جویی اخروی گناهکاران

1 - مجرمان در روز قیامت ، بهانه جویی می کنند .

يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون . . . فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا معذرتهم

مراد از «الذين ظلموا» می تواند «المجرمون» باشد که در آیه پنجاه و پنج گذشت.

8- بهانه جویی اشراف قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 9

9- برخورداری پیامبر از اوصاف بشری ، دستاویز اشراف جامعه پس از نوح در انکار رسالت وی

ما هذا إلا بشر مثلكم

9- بهانه جویی اشراف قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 33 - 9

9- برخورداری پیامبر از اوصاف بشری ، دستاویز اشراف جامعه پس از نوح در انکار رسالت وی

ما هذا إلا بشر مثلكم

10- بهانه جویی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 7

7- انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فقال الملأء .. ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 24 - 6

6- « از جنس بشر بودن نوح (ع) » دستاویز اشراف کافر در انکار رسالت آن حضرت

فقال الملأء .. ما هذا إلا بشر مثلكم

11- بهانه جویی اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أكبر مجرمیها .. قالوا لن نؤمن

ص: 42

12- بهانه جویی اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 185 - 4

4- برخورداری شعيب (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز مردم «ایکه» در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

«مسحّر» می تواند مشتق از «سحر» باشد «مسحّر» مرادف «رئه» (شُش) است. بنابراین واژه «مسحّر» به معنای موجود دارای شُش - که از خصوصیات بشری است - می باشد. این تعبیر کنایه از همگونی شعيب (ع) با سایر مردم و امتیاز نداشتن وی می باشد. گفتنی است برپایه این احتمال، آیه بعد توضیح همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 186 - 3

3- عدم برخورداری شعيب (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع پذیرش رسالت او از سوی مردم ایکه

و ما أنت إلاّ بشر مثلنا

تعبیر «مثلنا» می تواند به معنای همانندی در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد، مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی باشد.

13- بهانه جویی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 10 - 17

17- کافران اقوام پیشین به جای دادن جواب مساعد به دعوت منطقی انبیای خویش ، بشر بودن آنان را بهانه نپذیرفتن دعوتشان قرار دادند .

قالت رسلهم أفي الله شكّ فاطر السموت والأرض .. قالوا إن أنتم إلاّ بشر مثلنا

14- بهانه جویی امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 59 - 8

8- تکذیب معجزات درخواستی از سوی امت های پیشین ، دلیل بهانه جویی و بی صداقتی تقاضا کنندگان معجزات متعدد است .

و ما منعنا أن نرسل بالآيت إلا أن كذب بها الأولون

از اینکه تکذیب معجزات درخواستی (اقتراحی) از سوی پیشینیان، دلیل امتناع خداوند از ارائه معجزات برای امتهای بعدی مطرح شده است می تواند نشان از بی صداقتی و بهانه جویی این امتها باشد و خداوند به همین دلیل به معجزات درخواستی اینها، پاسخ منفی داده است.

ص: 43

15- بهانه جویی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 21، 3

3 - عناد ، لجاجت و بهانه جویی ، ریشه درخواست های بی جای اهل کتاب از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و موسی (ع)

فقد سألوا موسى أكبر من ذلك .. فأخذتهم الصعقة بظلمهم

لحن مذمت آمیز آیه در بیان خواسته های اهل کتاب، می رساند که آنان نه به خاطر حق جویی بلکه از سر بهانه جویی و عنادورزی چنین تقاضاهایی را مطرح می کرده اند.

21 - دلجویی و حمایت خداوند از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ، در برابر بهانه جویی ها و گزافگویی های اهل کتاب

يسئلك أهل الكتب أن تنزل عليهم .. وءاتينا موسى سلطناً مبيناً

بیان گرفتاری یهودیان بهانه جو برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به منظور دلجویی و وعده حمایت از آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 1 - 98 - 12

12 - ادعای نبودن برهانی روشن بر حقانیت اسلام ، بهانه اهل کتاب و مشرکان ، در امتناع از پذیرش آن

لم يكن الذين كفروا.. منفكين حتى تأتيهم البيئه

16- بهانه جویی بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 90 - 3

3 - عذرتراشی برخی از بادیه نشینان برای شرکت نکردن در جنگ

وجاء المعذرون من الأعراب

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که «معذرون» اسم فاعل از باب تفعیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول . . . فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر «یقولون. . .» در رابطه با «شغلتنا أموالنا و أهلونا» باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

ص: 44

17- بهانه جویی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 3

3 - قساوت قلب بنی اسرائیل ، نتیجه لجاجت ها ، بهانه جویی ها و عصیانگری های آنان بود .

قالوا أتتخذنا هزواً .. ثم قست قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 108 - 8

8 - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم كما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبرشان داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

18- بهانه جویی بیمار دلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 11، 8

8 - برخی از منافقان و بیمار دلان مدینه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إن بیوتنا عوره

مراد از «عوره» در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود (مفردات راغب).

11 - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیمار دل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إن بیوتنا عوره و ما هی بعوره إن یریدون إلاّ فر

19- بهانه جویی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أوتى مثل ما أوتى موسى

مقصود از «ما أوتى موسى» تورات است که یکباره نازل شده بود؛ یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

20- بهانه جویی در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 45

5 - انعام - 6 - 148 - 8

8 - جبرگرایی بهانه ای برای فرار از مسؤلیت است.

سیقول الذین أشركوا لو شاء الله ما أشركنا

21- بهانه جویی در عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 75 - 4

4 - مشروط نمودن انجام فرایض و صالح شدن، به برخورداری از مال و ثروت، خصلتی است منافقانه.

و منهم من عهد الله... لنكونن من الصالحين

22- بهانه جویی دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 32 - 1

1 - تدریجی نازل شدن قرآن، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

وقال الذین كفروا لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

مجموعه اشیای به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را «جمله» گویند. بنابراین «جمله» در آیه شریفه، به معنای «مجتمعاً» (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

23- بهانه جویی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 7 - 3

3 - سران شرک و کفر، نوپیدایی و بی سابقه بودن پیام توحیدی پیامبر اسلام را در تاریخ ادیان گذشته، بهانه ای بر مخالفت خود قرار داده بودند.

ما سمعنا بهذا فی المله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

قید «من بیننا» در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است؛ یعنی، پیامبر اسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد؛ پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

ص: 46

24- بهانه جویی رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 124 - 12

12 - القای شبهات و بهانه جویی در برابر آیات الهی و رسالت رسولان او، از مکرهای سردمداران مجرم بوده است.

اکبر مجرمیها لیمکروا... لن نؤمن حتی نؤتی... بما کانوا یمکرون

یادآور شدن اشکال تراشیهی سردمداران کفر، پس از ذکر مکر و فریبکاری آنان، می تواند بیان مصداقی بارز برای مکر و فریب آنان باشد.

25- بهانه جویی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 7 - 3

3 - سران شرک و کفر، نوپیدایی و بی سابقه بودن پیام توحیدی پیامبراسلام را در تاریخ ادیان گذشته، بهانه ای بر مخالفت خود قرار داده بودند.

ما سمعنا بهذا فی المله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 8 - 3

3 - سران کفر و شرک، برگزیده شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند.

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا

قید «من بیننا» در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است؛ یعنی، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد؛ پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

26- بهانه جویی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 9

9 - تنها ستم پیشگان پس از تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، دست از بهانه جویی برداشته و به دشمنی خویش علیه مسلمانان ادامه می دادند .

لئلا یكون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

ص: 47

27- بهانه جویی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 26 - 9

9 - حفظ آیین مردم (قبطیان) ، بهانه فرعون برای کشتن موسی (ع)

أقتل موسی . . . إتی أخاف أن یبدل دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 53 - 6

6 - همراه نبودن فرشتگان با موسی (ع) ، دستاویزی برای فرعون در انکار رسالت او

فلولا . . . أو جاء معه الملكة مقتربین

«مقتربین» حال برای ملائکه و تأکیدکننده معنای «معه» است.

28- بهانه جویی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 36 - 7

7 - دیرینه نداشتن موضوع نبوت در تاریخ گذشته مصر ، دستاویز فرعونیان برای انکار رسالت موسی (ع)

و ما سمعنا بهذا فی ءابائنا الأولین

29- بهانه جویی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 153 - 5

5 - برخورداری صالح (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

«مسحّر» می تواند مشتق از «سحر» باشد. «سحر» نیز مرادف «رئه» (شش) است. بنابراین واژه «مسحر» به معنای موجود دارای شش

است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 154 - 4

4- برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا .. ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر «مثلنا» می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 48

4- معجزه خواهی ثمودیان ، پیشنهادی بهانه جویانه بود ؛ نه درخواستی صادقانه .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین . . . فعقروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 24 - 1

1 - بشر بودن صالح پیامبر (ع) ، بهانه قوم ثمود ، برای تکذیب رسالت آن حضرت

فقالوا أبشراً منا وحداً نتبعه

30- بهانه جویی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 3

3- بشر بودن نوح (ع) ، بهانه و دستاویز کفرپیشگان برای انکار پیامبری و رسالت آن حضرت

فقال المألأ . . . ما نریک إلا بشراً مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 1

1 - امتناع قوم نوح از ایمان آوردن به وی ، به بهانه وجود گروهی محروم ، بی اعتبار و فاقد پایگاه اجتماعی - اقتصادی در کنار او

قالوا أنؤمن لك واتبعك الأردلون

«أردلون» جمع «أردل» است و آن تفضیل «ردل» (حقیر، پست و فرومایه) می باشد. بنابراین «أردلون»؛ یعنی، پست ترین فرومایگان و فرومایه ترین مردمان. گفتنی است که اشراف قوم نوح، این نسبت ناروا را از آن جهت به پیروان آن حضرت می دادند که آنان از طبقات محروم جامعه بودند و از اعتبارات اجتماعی و اقتصادی بهره ای نداشتند.

31- بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 8 - 2، 1

1 - مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

وقالوا لو لا أنزل عليه ملك ولو أنزلنا ملكا لقضى الأمر

2 - گریز کفرپیشگان بهانه جواز ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

ولو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون

حرف «لو» غالباً در مواردی به کار گرفته می شود که شرط، امری غیر عملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 49

5 - انعام - 6 - 9 - 10، 3، 2

2 - درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلنه ملکا

جمله «و لو جعلناه ملکا ..» می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

3 - گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

10 - بقای مغالطه کاری و بهانه جویهای کافران، حتی در صورت انتخاب پیامبر از میان فرشتگان

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا و للبسنا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 106 - 5

5 - بهانه جویی و اتهام کافران نباید سبب نگرانی و تزلزل مؤمنان گردد.

و ليقولوا درست .. اتبع ما أوحى الیک

فرمان به اتباع از وحی، پس از اشاره به شبهات کافران، تأکیدی بر لزوم استقامت مؤمنان در برابر شبهات کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 2

2 - بشر بودن رسولان الهی، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

و قالوا لن نؤمن لک حتی .. إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 51 - 7

7 - تاریخ گذشتگان و تحلیل آن، دست آویز کافران و ناباوران به معارف الهی، برای رد و انکار ایمان و توحید

قال فما بال القرون الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 32 - 1

1 - تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جمله وحده

مجموعه اشیاى به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را «جمله» گویند. بنابراین «جمله» در آیه شریفه، به معنای «مجتمعاً» (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 33 - 7

7 - خداوند ، همواره حامی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر بهانه تراشی ها و سخنان شبهه آلود و باطل کفار و دشمنان

و لایأتونک بمثل إلاّ جئنک بالحقّ و أحسن تفسیراً

ص: 50

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 68 - 5

5 - تحقق نیافتن قیامت پس از گذشت زمان ها و اعصار طولانی ، دستاویز کافران برای انکار آن

إن هذا إلا أسطير الأولین

طرح پیشینه طولانی عقیده به معاد، ظاهراً تلاشی است از سوی کافران برای بیان این که اگر واقعاً وعده رستاخیز حق بود، باید تاکنون محقق می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 48 - 8، 3، 5

3 - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أوتی مثل ما أوتی موسی

مقصود از «ما أوتی موسی» تورات است که یکباره نازل شده بود؛ یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

5 - نزول دفعی قرآن همانند تورات ، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فلما جاءهم الحق من عندنا

8 - انکار پیشین تورات از سوی کافران ، نشانه بهانه جویی و عدم صداقت آنان در پیشنهاد خویش

أولم یکفروا بما أوتی موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 55 - 8

8 - کافران ، در قیامت بهانه می آورند که در دنیا ، فرصت لازم را برای ایمان آوردن نداشته اند . *

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مکانی که کافران مجرم، از آن سخن می گویند، دنیا باشد و مرادشان از بیان چنین نکته ای، با ذکر قسم، به قرینه آیه پنجاه و هفت «فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم» عذرخواهی و یا بهانه تراشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 10

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به بیان فواید و آثار قرآن، در پاسخ به بهانه جویی های کافران

و لو جعلنه... أعجمی و عربی قل هو للذین ءامنوا هدی و شفاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 4

4 - بشر بودن پیامبران، بهانه و دستاویز کافران برای کفر و روی گردانی از تعالیم دین

فقالوا ابشر یهدوننا فکفروا و تولّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 25 - 2,7

ص: 51

2 - روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و يقولون متى هذا الوعد

7 - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . . . و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 53 - 1

1 - مشروط دانستن ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به نازل شدن نامه های سرگشاده از سوی خداوند در تأیید آن ، بهانه ای از سوی کافران بود .

بل یرید کلّ امریء منهم . . . کلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 5 - 1

1 - انکار و زیر سؤال بردن برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انجام هرگونه فسق و فجور

أیحسب الإنسان أنّ نجّمع عظامه . . . بل یرید الإنسان لیفجر أمامه

«فجور» (مصدر «یفجر») به معنای فسق (صحاح اللغه) و لام در «لیفجر» برای تعلیل است. «أمام» اسم مکان و در این آیه مجازاً در زمان مستقبل - که مفید استمرار است - استعمال شده است. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: «بلکه انسان می خواهد تا راه فسق و فجور، برای همیشه به روی او باز باشد و آن را ادامه دهد و همین سبب انکار معاد از جانب او است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 4

4 - استبعاد و تردید در توانایی خداوند ، مشکل و بهانه کافران در پذیرش مسأله معاد و احیای مردگان

ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

طرح مسأله توانایی خداوند بر احیای مردگان به صورت سؤال، نشان دهنده حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأولین . کلاب ران علی قلوبهم

32- بهانه جویی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 20 - 3

3- کفرپیشگان عصر بعثت - علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن - خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

ص: 52

و يقولون لولا أنزل عليه آية من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - فرقان - 25 - 32 - 2

2- دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - يس - 36 - 47 - 2

2- روزی رسان بودن خداوند برای بشر، بهانه و دستاویز کافران صدراسلام برای خودداری از انفاق به مستمندان و گرسنگان

و إذا قيل لهم أنفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين آمنوا أنطعم من لوی

استفهام در «أنطعم» استفهام انکاری است؛ یعنی، «لأنطعم من لو شاء الله لأطعمهم».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - يس - 36 - 48 - 3

3- مشخص نبودن زمان برپایی قیامت، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و يقولون متى هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 4 - 3

3- انسان بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و برخاستن ایشان از میان توده های مردم، مانع ایمان آوردن کافران صدراسلام بود.

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم وقال الكفرون هذا سحر كذاب

33- بهانه جویی کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 76 - 4

4 - ایمان مستضعفان قوم ثمود بهانه ای برای کفرورزی و استکبار اشراف کفرپیشه آن قوم

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مجادله کافران با مستضعفان اقتضا می کرد که کفرپیشگان در پاسخ مؤمنان بگویند: «إنا به کفرون» و یا «إنا بما ارسل به کفرون»، ولی در پاسخ گفتند ما به آنچه شماها بدان ایمان آورده اید کافر هستیم. و این تعبیر نشان می دهد که از ریشه های استکبار آنان در برابر حق، ایمان مستضعفان بوده است. تقدیم «بالذی» بر «کفرون»، که افاده حصر می کند، این معنا را تأیید می کند.

ص: 53

34- بهانه جویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 8 - 4

4- درخواست نزول ملائکه، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی کافران مکه، بهانه ای بیش نبود.

لو ما تأتینا بالملئکه .. ما ننزل الملئکه إلا بالحق

قید «إلا بالحق» می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه «إذا منظرین» نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نمی پذیرفتند.

35- بهانه جویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 49 - 7

7- متخلفان از جنگ، به بهانه مصون ماندن از فتنه و گناه، خود در منجلاب فتنه و گناه بودند.

انذن لی ولاتقتی الا فی الفتنه سقطوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 2

2- بهانه جویان متخلف از جنگ، آرزومند عدم موفقیت سپاه اسلام و نگران از پیروزی آنان.

إن تصبک حسنه تسؤهم

36- بهانه جویی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 13، 6

6- ادعای سرگرمی به مال و خانواده، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا وأهلونا

13 - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سَيَقُولُ . . . فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر «يقولون. . .» در رابطه با «شغلتننا أموالنا و أهلونا» باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

37- بهانه جویی مخالفان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 54

2- بشر بودن رسولان الهی، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

وقالوا لن نؤمن لك حتى . . . إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

38- بهانه جویی مخالفان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 115 - 16

16 - ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . . . و هو السميع العليم

از وجوه محتمل در بیان تناسب «السمیع» با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

39- بهانه جویی مخالفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 113 - 3

3 - مخالفان نوح، بهانه جویانی فاقد خرد و توان کافی، برای فهم رسالت تبلیغی او

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذلون . . . إن حسابهم إلا على ربی لو تشعرون

40- بهانه جویی مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 28 - 4

4- توانگران، با اظهار آمادگی برای کمک های مادی، حضور مؤمنان تهیدست را در پیرامون پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مانع نشست با آن حضرت می شمردند.

و اصبر نفسک . . . و لاتعد عیناک عنهم ترید زینه الحیوه الدنیا

41- بهانه جویی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 118 - 12

12 - تسلی دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر بهانه های نا به جای مشرکان

ص: 55

لولا يكلمنا الله أو تأتينا آية كذلك قال الذين من قبلهم

از هدفهای بیان کفرورزی امتهای گذشته و یادآوری بهانه جوییهای آنان، دلداری و تسلی دادن به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؛ یعنی، ای پیامبر! اگر مشرکان ایمان نمی آورند و بهانه جویی می کنند، مپندار که کوتاهی کرده ای؛ زیرا مردمان گذشته نیز در برابر پیامبران همین گونه عمل می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 37 - 2

2 - نازل نشدن معجزه ویژه و دلخواه مشرکان، بهانه کفرورزی آنان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا لولا نزل علیه آیه من ربه

درخواست معجزه از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، علی رغم ارائه معجزات از سوی آن حضرت، حاکی است که آنان خواهان معجزه ویژه و دلخواه خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 114 - 13

13 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان در اینکه معجزه طلبی مشرکان از سر حقیقی نیست، نباید به خود تردید راه دهند.

فلا تكونن من الممترین

متعلق «مترین» باید چیزی متناسب با مضمون آیه باشد. پیام اصلی آیه آن است که معجزه طلبی کافران و مخالفتهای اهل کتاب با پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سر حقیقی نیست. بنابراین «لا تكونن من الممترین» یعنی تردیدی در این مسأله نداشته باش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 48 - 3

3 - نامشخص بودن زمان وقوع عذاب استیصال، دستاویز مشرکان برای به استهزا گرفتن تهدید آن بود.

و يقولون متی هذا الوعد إن كنتم صدقین

پاسخ به این پرسش - که در آیه بعد آمده - مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- نسخ و تغییر برخی از پیام های الهی ، دستاویزی برای مشرکان در مبارزه با پیامبر (صلی الله علیه و آله) و متهم کردن او به دروغ گویی

و إذا بدلنا آیه مکان آیه . . . قالوا إنما أنت مفتتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 2

2- بشر بودن رسولان الهی ، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

وقالوا لن نؤمن لك حتى . . . إلا أن قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 7

ص: 56

7- دلداری خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قبال بهانه جویی های مشرکان

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

آیه فوق، همان گونه که می تواند تهدیدی علیه مشرکان حق ستیز باشد، می تواند نوعی تسلی و دلداری از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 3 - 15

15- سحر بودن قرآن و ساحر بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دلیل واهی و بهانه دیگر مشرکان ستم پیشه برای ایمان نیاوردنشان

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

مشرکان برای ردّ ادعای نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دو دلیل واهی و بهانه جویانه می آوردند: 1- بشر بودن آن حضرت (هل هذا إلا بشر مثلكم)، 2- ساحر بودن ایشان (أفتأتون السحر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 2,3,1

1 - اقدام مشرکان به طرح یکی دیگر از بهانه های خویش در ردّ دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا إن نتبع الهدی معك نتخطف من أرضنا

در آیات پیشین یکی از بهانه جویی های مشرکان مطرح شد (چرا قرآن همانند تورات یکباره نازل نشده است). در این آیه نیز به یکی دیگر از بهانه تراشی های آنان اشاره شده است.

2 - ترس ربوده شدن از سرزمین مکه به وسیله مشرکان عرب (کوچ اجباری و از دست دادن ملک و خانه و اموال)، بهانه شرک پیشگان مکه در نپذیرفتن دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقالوا إن نتبع الهدی معك نتخطف من أرضنا

3 - رد دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی مشرکان، علی رغم اعتقاد آنان به هدایت بخش بودن آیین آن حضرت

وقالوا إن نتبع الهدی معك نتخطف من أرضنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مشرکان ، به بهانه حفظ سنت های دینی به یادگار مانده از پدرانشان ، در مقابل آیات روشن الهی موضع گیری کردند .

إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كان يعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 36 - 2

2 - مشرکان ، دلیل نپذیرفتن دعوت پیامبر اسلام را ، مجنون و شاعر بودن آن حضرت معرفی می کردند .

و يقولون أئنا لتاركوا آلهاتنا لشاعر مجنون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لام در «لشاعر» برای تعلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 168 - 1

ص: 57

1 - مشرکان ، منکر وجود کتاب آسمانی جدید از سنخ کتاب های رسولان پیشین

لو أنّ عندنا ذكراً من الأولين

«لو» شرطیه بوده و جواب آن، جمله «لكنّا عباد الله..» (در آیه بعد) است. مقصود از «ذکر»، کتاب های آسمانی و مراد از «الأولین» رسولان پیشین است. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: اگر پیش ما کتابی مانند کتاب های آسمانی رسولان پیشین بود، ما از بندگان خالص بودیم؛ ولی چون چنین کتابی در دست ما نیست، پس به آیین توحیدی جدید ایمان نخواهیم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 169 - 1

1 - مشرکان ، مدعی پذیرش آیین توحیدی و بندگی خالصانه خدای یکتا ، در صورت برخوردار بودن از کتاب آسمانی

لو أنّ عندنا ذكراً من الأولين . لكنّا عباد الله المخلصين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 6 - 1

1 - تأکید پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، بر نقش پیام آوری خویش در مقابل مخالفت ها و بهانه جویی های مشرکان

وقالوا قلوبنا في أكنه . . . قل إنّما أنا بشر مثلكم يوحى إليّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 25 - 4

4 - بهانه جویی مشرکان ، در قبال دلایل روشن وحی بر معاد

وإذا تتلى عليهم ءآيتنا بينت ما كان حجّتهم إلاّ أن قالوا اتوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 1 - 12

12 - ادعای نبودن برهانی روشن بر حقانیت اسلام ، بهانه اهل کتاب و مشرکان ، در امتناع از پذیرش آن

لم يكن الذين كفروا. . . منفكّين حتّى تأتّيهم البيّنه

42- بهانه جویی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 20 - 5

5 - کفر اهل کتاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام، بهانه مشرکان صدر اسلام برای گریز از ایمان

لتشهدون أن مع الله آلهة أخرى . . . الذين آتینهم الكتب يعرفونه

روی اصلی سخن در این آیه با مشرکان و علل ایمان نیاوردن آنان است. مطرح کردن اهل کتاب می تواند برای پاسخگویی به سؤالی باشد که برای مشرکان مطرح بوده و آن اینکه اگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) حق است، چرا اهل کتاب - که آنان نیز دین آسمانی دارند - به او ایمان نیاورده اند.

ص: 58

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 20 - 7، 8، 2

2 - شرک پیشگان عصر بعثت ، مردمانی بهانه جو

و یقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه

درخواست نزول معجزه از سوی مشرکان - علی رغم نزول مستمر آیات قرآن - در واقع نوعی بهانه جویی برای فرار از پذیرش رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

7 - وعده نزول معجزه از سوی خدا به شرک پیشگان بهانه جوی عصر بعثت

و یقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه فقل إنما الغیب لله فانتظروا

8 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در پی بهانه جویی های مشرکان و پرسش های مکرر آنان از علت عدم نزول معجزه ، در انتظار پاسخ و رهنمودی از سوی خداوند بود .

و یقولون لو لا أنزل علیه آیه من ربه .. . إني معکم من المنتظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 10، 9

9- درخواست معجزه ، همانند معجزات پیامبران پیشین ، از بهانه های مشرکان برای نپذیرفتن رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

و أسروا النجوی الذین ظلموا .. . فلیأتنا بایه کما أرسل الأولون

10- مشرکان ستم پیشه صدر اسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بل قالوا .. . فلیأتنا بایه کما أرسل الأولون

43- بهانه جویی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 90 - 3

3- مشرکان مکه ، با درخواست معجزه ، درصدد بهانه جویی و دستیابی به منافع خویش بودند نه کشف حقایق پیامبر (صلی الله علیه و آله) (آله)

و لقد صرفنا للناس في هذا القرآن من كل مثل فأي أكثر الناس إلا كفورًا . و قا

از اینکه مشرکان برای شناخت حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) راههای گوناگون موجود را رها کرده و ایمان خود را منحصر به برآوردن پیشنهادهای محدودی، کردند که بیشتر منافع مادی اشان را تأمین می کرد، مطلب فوق قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 94 - 3

3- تنها دستاویز مشرکان مکه برای ایمان نیاوردن به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، بشر بودن آن حضرت بود .

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 59

8- درخواست معجزه از سوی مشرکان ستم پیشه مکه ، در جهت بهانه جویی بود ؛ نه حقیقت طلبی .

فلیأتنا .. أفهم يؤمنون

خداوند، درخواست معجزه از طرف مشرکان را به این دلیل ردّ فرمود که آنان مانند مشرکان اقوام گذشته، قصد ایمان آوردن نداشتند. بنابراین چنین درخواستی بهانه و دست آویزی بیش نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 57 - 22، 8

8 - رد شدن ادعای مشرکان مکه (ربنوده شدن آنان در صورت گرویدن به آیین پیامبر (صلی الله علیه و آله)) از سوی خداوند

وقالوا .. نتخطف من أرضنا أولم نمکن لهم حرماً آمناً

22 - « عن زین العابدین (ع) إنه اجتمعت قریش إلى ابي طالب و رسول الله عنده . . . وقالت و الله لو سمعت بهذا فارس و الروم لأختطفتنا من أرضنا و لقلعت الكعبه حجراً حجراً ، فنزل « وقالوا إن تتبع الهدی معك » . . . ;

از امام سجاده (ع) روایت شده: همانا قریش نزد ابي طالب جمع شدند، در حالی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد وی بود. . . و گفتند به خدا سوگند اگر این پیروی از محمد (صلی الله علیه و آله) را اهل فارس و روم بشنوند، ما را از سرزمینمان می ربایند و کعبه را سنگ به سنگ از جا خواهند کند پس این آیه نازل شد: « وقالوا إن تتبع الهدی معك تتخطف من أرضنا »

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 44 - 2

2 - مشرکان مکه ، مردمی عناد پیشه و بهانه جو بودند .

و لو جعلنه قرءاً أعجمياً لقالوا لولا فصلت آیتة أعجمی و عربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 13 - 23

23 - ادعای تازگی و پیشینه نداشتن معارف اسلام ، از بهانه های مشرکان مکه

شرع لكم . . . کبر علی المشرکین ما تدعوهم إليه

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مشرکان بوده است، ذکر سابقه معارف توحیدی در شرایعت های پیشین؛ می تواند ناظر به این نکته باشد که مشرکان مکه به بهانه تازگی معارف اسلامی تلاش در انکار آن داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 31 - 5

5 - بهانه جویی های پیاپی و گوناگون مشرکان مکه ، در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

قالوا هذا سحر . . . وقالوا لولا نزل هذا القرآن

از این که مشرکان مکه گاهی قرآن را به سحر متهم می کردند و گاهی فقر و تنگدستی پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بهانه قرار می دادند، مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 60

44- بهانه جویی معرضان از عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 4 - 14

14 - تلاش برای ایجاد امنیت ، پیش از تبلیغ خداپرستی ، کاری الهی و از بین برنده بهانه مشرکان در ترک عبادت است .

فلیعبدوا .. وءامنهم من خوف

45- بهانه جویی مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 85 - 6

6 - فروماندن ظالمان تکذیب کننده آیات خدا ، از عذرآوری و بهانه تراشی در محکمه الهی ، پس از قطعی شدن عذاب بر آنان

وقع القول علیهم .. فهم لاینطقون

در برداشت یاد شده قید «پس از قطعی شدن..» ، بر این اساس است که «وقع القول...» به معنای «حَقَّ القول...» باشد.

46- بهانه جویی مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 5 - 9

9- در خواست معجزه ، همانند معجزات پیامبران پیشین ، از بهانه های مشرکان برای نپذیرفتن رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

وأسروالنجوی الذین ظلموا .. فلیأتنا بایه کما أرسل الأولون

47- بهانه جویی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 18

18- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد ، روی آوردند .

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

48- بهانه جویی مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 109 - 4

4 - انکار معجزه بودن معجزات ارائه شده از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از بهانه های منکران رسالت

لئن جاءتهم آیه لیؤمننّ بها

تردیدی نیست که پیامبر (صلی الله علیه و آله) معجزاتی را به مردم ارائه می کرد، ولی مشرکان با درخواست نزول آیات گویا در صدد انکار آن معجزات بودند.

49- بهانه جویی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 167 - 9، 11

9 - بهانه جویی منافقان برای سرباز زدن از حضور در میدان احد ، با این ادّعا که در آن میدان ، پیکاری رخ نخواهد داد .

قاتلوا لو نعلم قتالا لا تبغناکم

برخی از مفسّران گفته اند مراد از جمله «لو نعلم . . .» نفی برخورد نظامی است ؛ یعنی ما می دانیم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا با شما نمی آییم.

11 - اظهار عدم آشنایی با دانش و مهارت های جنگی ، بهانه منافقان برای سرباز زدن از حضور در پیکار احد *

لو نعلم قتالاً لا تبغناکم

برداشت فوق احتمال سوّمی است که در بیان جمله «لو نعلم . . .» گفته شده است. یعنی اگر پیکار می دانستیم، شرکت می کردیم، ولی ما با فنون جنگ و مبارزه آشنایی نداریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 9

9 - اشکال تراشی و اخلال گری ، از ترفند های منافقان پس از روی نمودن مشکلات و سختی ها به جامعه ایمانی برای تحکیم موقعیت خویش

لو اطاعونا ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 49 - 1

1 - اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من يقول اذن لی و لاتقتنی

در شأن نزول آیه آورده اند که: یکی از منافقان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گفت: «یا رسول الله اذن لی و لاتقتنی بینات الأصغر فانی أخاف أن أفتتن بهن»؛ یعنی، ای رسول خدا! به من اذن بده تا در جنگ شرکت نکنم. . . چون، می ترسم مفتون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

ص: 62

50- بهانه جویی منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 43 - 2

2 - اجازه گرفتن بهانه جویان (منافقان) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برای شرکت نکردن در جنگ تبوک با اظهار دروغین عجز و ناتوانی خود

لم أذنت لهم حتى يتبين لك

مقصود از «اذن» در آیه فوق - به قرینه آیه قبل (لو استطعنا ..) و شأن نزولها - اذن دادن به کسانی است که از شرکت در جهاد، خود را معذور می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 11

11 - گرمی هوا ، بهانه منافقان صدر اسلام برای تخلف از جنگ و دستاویزی برای تبلیغ و بازداشتن از شرکت دیگران در جهاد

وقالوا لاتنفروا فی الحر

51- بهانه جویی منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 20، 11، 8

8 - برخی از منافقان و بیمار دلان مدینه ، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای ترک جهاد در غزوه احزاب ، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان ، مصرانه اجازه می خواستند .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از «عوره» در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود(مفردات راغب).

11 - مستحکم نبودن خانه و کاشانه ، بهانه منافقان و افراد بیمار دل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و یستئذن فریق منهم النبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره إنّ یریدون إلاّ فر

20 - « عن عبد الله الحلبي عنه (ع) : إنّهم قالوا « إنّ بیوتنا عوره . . . » فأکذبهم الله قال : « و ما هی بعوره . . . » و هی رفیعه السمک

از عبدالله حلبی، از امام(ع) نقل شده که منافقان گفتند: خانه های ما بی حفاظ است. خداوند آنان را تکذیب کرد و فرمود: «و ما هی بعوره...» و آن خانه ها، دارای دیوارهای بلند و محکم بود.»

52- بهانه جویی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 21، 24

21 - بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

الَّذِينَ قَالُوا... فَلَمْ قَتَلْتُمُوهُمْ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

ص: 63

جمله «فلم قتلتموهم . . .»، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن، بهانه ای بیش نبوده است.

24 - سرزنش یهود از سوی خداوند به جهت بهانه جویی و ادعاهای واهی

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ... فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 155 - 8

8 - غیر علمی شمردن تعالیم انبیا، بهانه بی اساس یهود، برای نپذیرفتن آنها

وقولهم قلوبنا غلف

مقصود یهودیان از اینکه می گفتند قلبهایمان آکنده از علم است، می تواند این باشد که تعالیم انبیا اگر دارای مبنایی علمی بود، قلبهای ما آن را درک می کرد و در خود جای می داد و چنین نتیجه می گرفتند که تعالیم انبیا - به دلیل نافذ نبودنش در قلبها - علمی نیست.

53- بی اعتنایی به بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 35 - 7

7 - بی اعتنایی خداوند به بهانه تراشی ها و عذرخواهی های کافران، برای رهایی از عذاب دوزخ

فالیوم لایخرجون منها ولا هم یستعتبون

چنانچه از «استعتاب» (طلب عذرخواهی)، لازمه آن (قبول عذر) اراده شده باشد، برداشت بالا به دست می آید.

54- تداوم بهانه جویی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 167 - 1

1 - مشرکان، سخنانی بهانه جویانه علیه اسلام و به دفاع از مواضع عقیدتی خود پیوسته، تکرار می کردند.

وإن كانوا ليقولون

«إن» مخفف «إن» است. آمدن فعل «كانوا» دلالت می کند که خبر آن (لیقولون)، امری ثابت در گذشته و دارای پیشینه است و آمدن خبر به صورت فعل مضارع بیانگر تکرار مضمون آن است. بنابراین مقصود از آیه شریفه - با توجه به آیات بعد - سخنان بهانه جویانه مشرکان

است که پیوسته آن را تکرار می کردند.

55- رد بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 6 - 4

4- با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل

ص: 64

قبول نیست .

فالمَلَقِيتَ ذَكَرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

56- رد بهانه جویی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 6 - 4

4 - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالمَلَقِيتَ ذَكَرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

57- رد بهانه جویی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 69 - 6

6 - بستن راه توجیه منکران ، حکمت برانگیخته شدن پیامبران از میان مردم محیط خویش

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مَنكَرُونَ

قرآن، ضمن ردّ موجه بودن انکار کافران، به این نکته اشاره می کند که: اگر شخصیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای شما ناشناخته بود و او در میان شما رشد نکرده بود، راهی برای تردید در حقانیت او وجود داشت؛ اما حتی چنین مجالی نیز، در اختیار شما گذاشته نشده است.

58- زمینه اجتناب از بهانه جویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 96 - 10

10- توجه به احاطه علمی خدا بر بندگان ، زمینه ساز پرهیز آنان از حق ناپذیری و بهانه جویی است .

قل كَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا .. إِنَّهٗ كَانَ بَعْبَادَةً خَبِيرًا بَصِيرًا

اینکه خداوند بر مشرکان حق ناپذیر اتمام حجت کرده و آنگاه فرموده است: «او بر حال بندگان آگاه و بیناست» می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

ص: 65

59- زمینه بهانه جویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 72 - 5

5- اجرت خواهی و مزد طلبی در راه تبلیغ دین و هدایت مردم ، دارای تأثیر منفی بوده و بهانه دادن به دست بهانه جویان است .

أم تسئلهم خرَجًا

60- زمینه بهانه جویی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 3

3- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

وقال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تعبیر «لو کان خیرًا..»، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

61- عوامل بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 105 - 5

5- آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و لیتولوا درست و لنبینه لقوم یعلمون

62- منشأ بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 6 - 2

2- آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

يسئل ايتان يوم القيمه

63- منشأ بهانه جویی مشركان مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 66

5- غرور و سرمستی ، ریشه بهانه جویی های مشرکان عصر بعثت

و کم اهلکنا من قریه بطرت معیشتها

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین - که درباره بهانه جویی های مشرکان مکه است - برداشت یاد شده استفاده می شود.

64- موانع بهانه جویی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 4 - 14

14 - تلاش برای ایجاد امنیت ، پیش از تبلیغ خداپرستی ، کاری الهی و از بین برنده بهانه مشرکان در ترک عبادت است .

فلیعبدوا .. وءامنهم من خوف

65- موانع بهانه جویی معرضان از عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قریش - 106 - 4 - 7

7 - تأمین غذای مردم ، قبل از الزام آنان به بندگی خداوند ، کاری است الهی و از میان برنده بهانه مخالفان در ترک عبادت

فلیعبدوا .. الذی أطعمهم من جوع

66- نشانه های بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 54 - 1

1 - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و

نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره .. کلاّ إنّہ تذکره

کلمه «کلاّ»، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاّ بل لایخافون.. ..) بیان شده است؛ یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی

از جانبِ خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

ص: 67

4- بهداشت

1- اهمیت بهداشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 222 - 10

10 - لزوم رعایت بهداشت در آمیزش جنسی

و لا تقربوهنّ حتی يطهرنّ فاذا تطهّرنّ فأتوهنّ

با توجه به اینکه جواز آمیزش جنسی، وابسته به قطع خون و تحویل طهارت شده است.

2- اهمیت بهداشت تغذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 168 - 5

5 - ضرورت رعایت بهداشت در بهره‌وری از خوراکی‌های زمین

كلوا مما فی الارض حلالاً طیباً

3- اهمیت بهداشت در تغذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 172 - 6

6 - توجه اسلام به بهداشت در تغذیه

كلوا من طیب ما رزقناكم

4- بهداشت تغذیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 15

15 - توجه اسلام به نظام تغذیه و سالم‌سازی آن

حرمت علیکم المیتة . . . و ما اكل السبع الا ما ذکیتم

تفصیل و تبیین موارد خوردنیهای حلال و حرام، نشانه توجه اسلام به نظام تغذیه می باشد.

5- بهداشت در آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 222 - 10

10 - لزوم رعایت بهداشت در آمیزش جنسی

و لا تقربوهنّ حتی یطهرن فاذا تطهّرن فأتوهنّ

با توجه به اینکه جواز آمیزش جنسی، وابسته به قطع خون و تحصیل طهارت شده است.

6- بهداشت در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 3

3 - توجه به بهداشت و تغذیه سالم در آیین موسی (ع)

كلوا من طیبّت ما رزقنكم

7- زمینه بهداشت روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 48 - 7

7 - ایمان به انبیا، همراه با شایسته ساختن عمل، زمینه سلامت، تعادل و بهداشت روانی

فمن ءامن و أصلح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

اندوه و ترس از ویژگیهای افرادی است که از سلامت و بهداشت روانی برخوردار نیستند. چون خداوند زمینه دور ماندن از اندوه را در این آیات بیان فرموده است، مطلب فوق را می توان برداشت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 201 - 6

6 - حسنه در دنیا، وسعت روزی و اخلاق نیک و در آخرت، رضوان الهی و بهشت است .

رَبَّنَا اتِّنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

امام صادق (ع) درباره آیه «رَبَّنَا اتِّنَا . . .»، فرمود: رضوان الله و الجنة في الآخرة و السعه في الرزق و المعاش و حسن الخلق في الدنيا

معانی الاخبار، ص 175؛ نورالثقلین، ج 1، ص 199، ح 725 و 728.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 133 -

5,6,7,8,9,12,14,15,16,17

5 - آمرزش الهی و بهشت تقوایبندگان، مقصود بایسته ای برای اهل ایمان

و سارعوا الی مغفره من ربکم . . . اعدت للمتّقین

6 - نیل به آمرزش الهی و بهشت تقوایبندگان، برانگیزنده اهل ایمان به اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

یا ایّها الذّین امنوا . . . و اطیعوا الله و الرّسول . . . سارعوا الی مغفره من ربّک

جمله «سارعوا الی . . .»، بعد از امر به اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، برای ایجاد انگیزه و نیز تشویق مؤمنان به پیروی از خدا و پیامبرش است.

7 - امید نیل به آمرزش الهی و بهشت، برانگیزنده اهل ایمان برای شرکت در نبرد با دشمنان

یا ایّها الذّین امنوا . . . و اطیعوا الله و الرّسول . . . سارعوا الی مغفره من ربّک

چون آیات پیشین درباره نبرد و رویارویی با کافران بود، گویا آیات مورد بحث به منظور دستورالعملی است برای اینکه جامعه ایمانی را به گونه ای تربیت کند که دیگر همچون نبرد اُحد، دلبسته به دنیا نباشد و دچار دلهره و ترس نگردد تا همیشه بر دشمنان دین غالب شود.

8- ورود به بهشتِ تقوایندگان ، در گرو آمرزش گناهان

و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

تقدیم ذکری آمرزش الهی بر بهشت پهناور، بیانگر تقدّم خارجی آن است؛ یعنی نخست باید آمرزش حاصل شود، و آنگاه ورود به بهشت متّقین.

9- بهشتِ تقوایندگان ، منزلگاه پاکان

و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

ص: 70

چون در آمدن به بهشت مهیا شده برای تقواییشان در گرو آمرزش گناهان است، آن بهشت، جایگاه پاکان از گناه خواهد بود.

12 - بهشت موعود اهل تقوا، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

بنابر اینکه مراد از «عرض»، وسعت باشد، نه عرض مقابل طول.

14 - بهشت، در انتظار تقواییشان است و برای آنان مهیا شده.

و جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

15 - اطاعت خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، جلب رحمت الهی و آمرزش گناهان، مراحل در طول هم برای ورود به بهشت متقین

وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا

16 - بهشت تقواییشان، اکنون حاضر و آماده است.

أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

کلمه «أُعِدَّتْ» (مهیا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل بهشت دارد.

17 - بهشت، در اصل، برای تقواییشان آفریده و مهیا شده است.

و جَنَّةٍ .. أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

بنابر اینکه توصیف «جَنَّةٍ» به صفت «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»، وصف توضیحی باشد و نه احترازی؛ یعنی بهشت، جایگاهی برای تقواییشان است و اگر دیگران وارد شوند، به تبع خواهد بود، نه بالاصاله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 11، 12، 13

11 - بهشت، پاداش کامل برای اعمال نیک انسانها

وَ إِنَّمَا تُوَفُّونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ

12 - سعادت مندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ

«زحزح»، از مصدر «زحزحه»، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

13 - بهشت ، جایگاه سعادت‌مندان

فمن زحزح . . . و ادخل الجنة فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 22 - 15

15- زندگی دنیا دارای عاقبت و فرجامی نیک (بهشت) می باشد .

أولئك لهم عقبى الدار

«ال» در «الدار» عهد حضوری است و لذا مراد از «الدار» حیات دنیاست. مقصود از فرجام نیک آن (عقبی الدار) به قرینه آیه بعد بهشت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 1

1- بهشت ، سرانجام و فرجام حیات دنیاست .

أولئك لهم عقبى الدار. جنّت عدن

ص: 71

«جنات عدن» عطف بیان و یا بدل برای «عقبی الدار» در آیه قبل است.

2- آبریزهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 18 - 3

3 - جام ، آبریز و پیاله ، ظروف باده بهشت

بأکواب و أبریق و کأس

«کوب» (مفرد «أکواب») به ظرفی که نه خرطوم دارد و نه دسته گفته می شود. بهترین معادل فارسی آن ظاهراً جام است. «أبریق» (مفرد «أباریق» و به معنای آبریز) ظرفی است که هم دسته و هم خرطوم دارد و «کأس» پیاله ای است که از شراب پر شده باشد.

3- آبهای جاری بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 31 - 1

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای آبی همواره جاری

و ماء مسکوب

«ماء مسکوب»؛ یعنی، آبی که همواره ریزان است.

4- آثار جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 59 - 2

2 - سرور و شادمانی بهشتیان ، از نمردن و جاودانه زیستن و نیز رهایی از عذاب الهی در آخرت

إلا موتنا الأولى و ما نحن بمعذبین

5- آثار جاودانگی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - آسایش خاطر بهشتیان ، در پرتو اطمینان از زوال ناپذیری نعمت ها

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذلک یوم..» در مقام تعلیل برای «ادخلوها بسلام» باشد؛ یعنی، چون در بهشت

ص: 72

جاودانه اید، دیگر مجال هیچ اندوه ندارید و خاطرتان آسوده باد.

6- آثار ذکر جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 7

7- توجه یکتاپرستان استوار بر ایمان به جاودانگی در بهشت، زداینده هر گونه بیم و اندوه از ایشان

فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون . أولئک أصحاب الجنة خلدین فیها

با توجه به ارتباط این آیه با «فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون» در آیه قبل، توجه به وعده خداوند به بهشتی بودن موحدان نیک کردار، می تواند زداینده ترس و اندوه آنان باشد.

7- آثار علاقه به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 77 - 5

5 - اشتیاق به نعمت های موعود خداوند و ارزش های بهشت، مستلزم پرهیز از هرگونه کفر و تکذیب

متکین علی رفر ف خضر . . . فبأیء الاء ربکما تکذبان

خداوند با برشمردن نعمت های بهشت، شوق دستیابی به آن را در خلق فزونی می بخشد و در پی آن هشدار می دهد که کفر و تکذیب، مانع ره یابی به آن نعمت ها است؛ زیرا تکذیب کنندگان، منفور خدا و شایسته توبیخ اند؛ نه احسان.

8- آثار ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 5

5- وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

ونزعنا ما فی صدورهم من غل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 57 - 4

4- سعادت واقعی ، تنها در پرتورهایی از دوزخ و ره یابی به بهشت میسر است .

ووقهم عذاب الجحیم .. ذلک هو الفوز العظیم

ص: 73

9- آخرت طلبان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 10 - 1

1 - انسان های کوشا و آخرت طلب ، از بین مناطق گوناگون بهشت ، بوستانی ارجمند و عالی رتبه ، در اختیار خواهند داشت .

10- لسعيا راضيه . فی جنه عالیه

«عالیه»، ممکن است وصف توضیحی بوده و بهشت موعود را به علو رتبه توصیف کرده باشد. هم چنین می تواند وصف احترازی باشد؛ حاکی از این که برخی از بوستان های بهشت، در مقایسه با دیگر بوستان های آن، رتبه برتری دارند. برداشت یاد شده، نظر به احتمال دوم دارد.

11- آخرین قطرات شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 26 - 2

2 - صُراح باده بهشتی نیکوکاران ، با مشک لاک و مهر شده است .

ختمه مسک

برخی از اهل لغت، «ختم» را به معنای وسیله ختم و علامت گذاشتن می دانند و می گویند: تنگ شراب را در آخرت، با مشک ممهور می کنند؛ نه این که مانند صُراح (تنگ شراب) دنیا، آن را با گل و امثال آن سربسته سازند. راغب این معنا را با آیه شریفه مناسب نمی داند.

12- آدم (ع) در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 3

3 - حوا ، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت ، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 1,2

1 - خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و يأدم أسكن أنت وزوجك الجنة

2 - خداوند تمام خوردنیهای بهشت را برای آدم و همسرش مباح کرد.

فكلا من حيث شئتما

ص: 74

13- آرامش در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 2

2 - بهشت، خانه ای دارای امنیت و آرامش کامل است.

لهم دارالسلام

چنانکه مفسران گفته اند مراد از دارالسلام می تواند بهشت باشد که از ویژگیهای آن سلامت و امنیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 25 - 1

1 - بهشت، سرایی است سراسر سلامت، امنیت و آرامش.

والله يدعوا إلى دارالسلام

14- آرزوی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 85 - 2

2 - چشمداشت به پاداش الهی، آرزوی بهشت و درخواست نعمت های آن از خداوند، امری شایسته و بایسته برای اهل ایمان

واجعلنی من ورثه جنّہ النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 87 - 8

8 - عزّت اخروی و بهشت پر نعمت، والاترین آرزو و درخواست ابراهیم (ع) از خداوند

واجعلنی من ورثه جنّہ النعیم... و لاتخزنی یوم یبعثون

از این که دو مسأله یاد شده، به عنوان آخرین آرزو و درخواست ابراهیم (ع) بوده است، می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- بهشت، هدف اصلی و آرزوی نهایی مؤمنان مجاهد

قیل ادخل الجنة

برخی از مفسران برآنند که حذف «مقول له» (کسی که سخن درباره او است؛ یعنی، مؤمن انطاکیه) و ذکر «مقول» تنها (آنچه که درباره آن سخن به میان آمده است؛ یعنی، بهشت) برای بیان این حقیقت است که آنچه اهمیت دارد و باید غرض اصلی و هدف نهایی باشد، بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 75

4- بهشت و بودن در جوار لطف خداوند ، نهایت آرزو و آرمان معنوی همسر فرعون (آسیه)

إذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

ایطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم . کلاً

15- آزادی متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- تقوایندگان ، مجاز به ورود به هر قسمتی از باغ های بهشتند . *

ادخلوها بسلم ءامنین

ذکر جمله «ادخلوها»، پس از آنکه گفته شد «مقین در بهشت قرار خواهند داشت»، ممکن است از این جهت باشد که آنان، در آزاد بودن در بخشهای مختلف تردید داشته باشند که به آنها گفته می شود: «با سلامت و امنیت وارد هر بخشی می توانند بشوند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - تقوایندگان ، در انتخاب جایگاه و منزل خود در بهشت آزاد خواهند بود .

و أورثنا الأرض ننبوّاً من الجنّه حیث نشاء

«نَبوّاً» (مصدر «نَبوّاً») به معنای سکنی و منزل گرفتن است.

16- آسایش در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- بهشت ، مكاني بس آسائش آفرين ، و نعمت هاي آن ، پاداشي بس نيك براي مؤمنان است .

نعم الثواب و حسنرت مرتفقاً

«مرتفق» اسم مكان به معنای «متكا» (تكيگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمين می گذارند، به محل استراحت و لمیدن «مرتفق» گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 108 - 4

ص: 76

4- عالی ترین نعمت ها و آرمانی ترین ارزش و آسایش برای مؤمنان در بهشت برین ، وجود دارد .

لایبغون عنها حوالاً

درخواست تغییر، نوعاً، در پی تصوّر چیزی بهتر و بالاتر پدید می آید. این که بهشتیان، خواهان تغییری در وضع خود نیستند، می تواند بدین جهت باشد که چیزی فوق آنچه آنان در بهشت برخوردارند، به ذهن شان نمی رسد تا آن را آرزو کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 2

2- بهشت ، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنت عدن

برخی «عدن» را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج 3). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار - در مقام تمجید - به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 1

1 - بهشت ، جایگاهی سرشار از امن و آسایش و از هر جهت آماده برای ماندن و استقرار بهشتیان است .

جنت عدن

در باره این که مراد از «عدن» چیست، نظریاتی از سوی مفسران ابراز گردیده است. برخی آن را نام یکی از بهشت های هشت گانه دانسته اند، و برخی دیگر معنای لغوی آن را لحاظ نموده و آن را به «اقامت کردن» معنا کرده اند. در این صورت «عدن» قیدی توضیحی برای «جَنّات» خواهد بود نه قید احترازی. گروهی دیگر «عدن» را اسم خاص برای زمین بهشت می دانند و می گویند جایگاه اقامت بودن بهشت، باعث این نام گذاری است. گفتنی است که «محل اقامت» در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط آسایش در آن فراهم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 3

3 - بهشت ، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لایمسنّا فیها نصب و لایمسنّا فیها لغوب

«نصب» به معنای تعب و رنج و «لغوب» به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

17- آسایش در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 5

5- بهشت مسکونی آدم و حوا ، جایگاهی آماده برای آسایش و راحتی و به دور از هرگونه مشقت و سختی

ص: 77

18- آستر پشتي هاى بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - رحمن - 55 - 54 - 2

2- ارزشمندترین پارچه های دنیا، به کار رفته در لایه های زیرین پشتي های اهل بهشت

متكین علی فرش بطائنها من إستبرق

واژه «بطائن» ممکن است نظر به این داشته باشد که آنچه در دنیا بهترین به حساب می آید، آن جا کمترین جلوه را دارد؛ تا حدی که به عنوان آستر و یا مواد درونی پشتي ها مورد استفاده قرار می گیرد.

19- آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - صافات - 37 - 45 - 4، 3، 2، 1

1 - گردش ظرف هایی از شراب ناب، گرداگرد بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بكأس

«كأس» به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است؛ نه ظرفی که در آن شراب باشد.

2- جاری بودن چشمه هایی از شراب ناب در بهشت

یطاف علیهم بكأس من معین

«معین» به آبی زلال گفته می شود که بر روی زمین جاری باشد (چون نهر). این واژه به منزله صفت برای «كأس» است؛ بنابراین بهشت بندگان خالص خدا دارای نهرهایی از شراب ناب است که جام هایی از آنها به بهشتیان عرضه می شود.

3- در دسترس بودن شراب و فراوانی و مستمر بودن آن، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بكأس من معین

تعبیر دور دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن «یطاف» به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این

عمل دارد.

4- شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 46 - 2، 1

1 - سپید و درخشان بودن شراب ، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

بیضاء

«بیضاء» به اعتبار مظروف (شراب) صفت برای «کأس» (ظرف شراب) است؛ نه به اعتبار ظرف. توصیف دیگر آن در آیه بعد به این که مایه در دسر و مستی نمی شود، مؤید همین مطلب است.

ص: 78

2 - لذت بخش و گوارا بودن شراب بهشتی برای نوشندگان آن

لذّه للشربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 4، 1

1 - پذیرایی خادمان بهشتی از پرهیزگاران، با نوشیدنی هایی در جام های زرین

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

«صِحَاف» (از ماده «صحف») به معنای گستردن و در این جا به معنای ظرف های بزرگ و وسیع است. «أكواب» نیز به معنای ظرف های آب است که دسته ندارند (منظور همان «جام» یا «قدح» است). گفتنی است که در آیه شریفه حذفی صورت گرفته است؛ بدین صورت: «یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب من ذهب...».

4 - دسترسی بهشتیان به طعام و نوشیدنی بدون هیچ گونه رنج و تلاش

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

از مجهول آمدن «یطاف» استفاده می شود که ظرف های غذا و جام های نوشیدنی، بدون تلاش بهشتیان در اختیار آنان قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 1

1 - مؤمنان بهشتی، برخوردار از خوردنی ها و نوشیدنی ها

كلوا و اشربوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 5 - 3، 1

1 - می آمیخته با کافور، نوشیدنی ابرار در بهشت

إنّ الأبرار یشربون من كأس کان مزاجها کافورًا

«بَرّ» و «بَارّ» (مفرد «أبرار»)، به کسی گفته می شود که احسان و خیر او، بسیار است (قاموس المحيط) و «كأس» در معنای می و نیز جام می به کار می رود (لسان العرب). «کافور» به گیاه و ماده عطری و خوشبو گفته می شود. (قاموس المحيط)

3 - احسان و نیکوکاری ، موجب بهره مندی از نعمت های بهشتی ، همچون نوشیدنی های گوارا و معطر

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا

توصیف بهشتیان به ابرار، نشانگر این حقیقت است که آنچه موجب بهشتی شدن آنان می شود، برّ و نیکوکاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 7

7 - بهشتیان ، از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هر گونه آثار ناگوار ، خواهند نوشید .

وَسَقِيهِمْ رِبِّهِمْ شَرَابًا طَهُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 79

1 - پذیرایی شدن تقوایبشگان در بهشت ، از خوردنی ها و نوشیدنی ها

کلوا و اشربوا

20- آشنایی شهیدان با بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 6 - 2

2- آشنایی شهیدان با بهشت ، قبل از ورود به آن

عرّفها لهم

ماضی بودن "عرّفها" و مضارع آمدن "یدخلهم" ، مطلب بالا را افاده می کند.

21- آفتاب در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 3

3- وجود نوعی سایه دلپذیر و نور خورشیدمانند در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلل

وجود سایه ها (ظلال) در بهشت، دلیل وجود نوعی نور است.

22- آفرینش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 133 - 16، 17

16 - بهشتِ تقوایبشگان ، اکنون حاضر و آماده است .

اعدت للمتّقین

کلمه «اعدت» (مهیا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل بهشت دارد.

17 - بهشت، در اصل، برای تقوایپیشگان آفریده و مهیا شده است.

و جَنَّةٌ .. اَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

بنابر اینکه توصیف «جَنَّة» به صفت «اَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»، وصف توضیحی باشد و نه احترازی؛ یعنی بهشت، جایگاهی برای تقوایپیشگان است و اگر دیگران وارد شوند، به تَبِع خواهد بود، نه بالاصاله.

ص: 80

23- آمادگی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 10، 11

10 - بهشت موعود ، هم اکنون موجود و آماده است . *

أُعدَّت للذین ءامنوا

به کار رفتن تعبیر «أُعدَّت» (آماده شده است) به صورت فعل ماضی، بیانگر مطلب یاد شده است.

11 - بهشت ، برای کسانی آماده شده است که به خداوند و پیامبران او ایمان دارند .

أُعدَّت للذین ءامنوا بالله ورسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 13 - 4

4 - آماده سازی بهشت و جهنم برای ورود اهل آن ، هم زمان با برپایی قیامت

و إذا الجحیم سعرت . و إذا الجنة أزلفت

24- آمادگی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 17 - 3

3 - وجود خدمت کارانی آماده پذیرایی ، برای ابرار در بهشت

و یسقون فیها كأساً کان مزاجها زنجبلاً

25- آمیختگی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 27 - 1

1 - باده های بهشتی نیکوکاران ، با شربتی از چشمه « تسنیم » آمیخته است .

به هر یک از عناصر مخلوط شده با چیز دیگر، «مزاج» گفته می شود. «تسنیم» نام چشمه ای است که مقرّبان در بهشت از آن می نوشند. ممکن است این نام، از ماده «سنم» - که به معنای علوّ و ارتفاع است - مشتق باشد و بر ارزش والای آن چشمه دلالت کند.

26- ابرار در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 13 - 1,2,3

ص: 81

1 - ابرار در بهشت ، بر تخت های مزین تکیه می زنند .

متكئين فيها على الأرائك

«أريكة» (مفرد «أرائك») به معنای تخت مزین است.

2 - ابرار در بهشت ، برخوردار از آرامش و آسایش کامل

متكئين فيها على الأرائك

تکیه زدن ابرار بر تخت های مزین، نشانه آرامش و آسایش کامل آنان است؛ زیرا فرد مضطرب و دغدغه دار، این گونه بر جایگاهی قرار نمی گیرد.

3 - ابرار در بهشت ، آسوده از گرما و سرمای آزاردهنده و برخوردار از هوای مطبوع و معتدل در بهشت

لا يرون فيها شمسًا و لا زمهريًا

«زمهیر» به معنای سرمای شدید است. مقصود از ندیدن خورشید و سرما، روبه رو نشدن با گرما و سرمای آزاردهنده و برخورداری از هوای مطبوع و معتدل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 14 - 1

1 - ابرار در بهشت ، از سایه های دل انگیز و دامن کشیده بر فراز آنان برخوردار بوده و در کمال آسایش به سر می برند .

و دانية عليهم ظلالها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 1

1 - گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و يطاف عليهم بانية من فضة و أكواب كانت قواريرا

«اناء» (مفرد «انیه») به معنای ظرف است و «کوب» (مفرد «أکواب») در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. «قاروره» (مفرد «قواریر») نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

قواریرا من فضّه

2 - قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرا . قواریرا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند؛ نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - وجود خدمت کارانی آماده پذیرایی ، برای ابرار در بهشت

ص: 82

و یسقون فیها کأسًا کان مزاجها زنجبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 4

4 - خدمت گزاران ابرار در بهشت ، جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

و یطوف علیهم ولدن مخلدون

برخی احتمال داده اند که «مخلدون»، مشتق از «خُلد» به معنای گوشواره باشد. بنابراین «ولدان مخلدون»؛ یعنی، جوانانی که گوشواره، بر گوششان آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 20 - 2

2 - ابرار در بهشت ، از هر نوع امکانات و نعمت های مادی و معنوی به مقدار گسترده برخوردار خواهند بود .

وإذا رأیت ثَمَّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً

مطلب یاد شده، از توصیف «ملکاً» به «کبیراً» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 1,6

1 - ابرار در بهشت ، برخوردار از بالا پوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

«سندس»، در لغت به معنای پارچه ابریشمی نازک و «استبرق» به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته از کلمه فارسی «استبر» یا «ستبر» دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر «عالیهم» (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود، لباس رویی و بالا پوش است.

6 - ابرار در بهشت ، برخوردار از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار (بیهوشی ، غفلت و عقل زدایی)

و سقیهم ربهم شراباً طهوراً

«طهور»، صیغه مبالغه و صفت برای «شراباً» است؛ یعنی، شراب ابرار در نهایت پاکیزگی و خالص از هرگونه آثار ناگوار شراب های دنیا

(همچون بیهوشی، غفلت و کم شدن عقل) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 2

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متكئين فيها على الأرائك . . . و ذللت قطوفها... يسقون فيها كأسًا ... يطوف عليهم

تقديم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

ص: 83

27- ابعاد بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 15

15 - بهشت دارای بعد مکانی و زمانی *

آن لهم جنت تجري من تحتها الأنهر كلما رزقوا منها

«کلما» به معنای هرگاه، بر وجود بعد زمانی دلالت دارد و کلمه «تحتها» از بعد مکانی حکایت می کند.

28- اجابت کنندگان خدا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 18 - 5

5- بهشت، جایگاه اجابت کنندگان دعوت خداوند است.

لذین استجابوا لربهم الحسنى

29- اختفای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 11

11- خداوند، بهشت موعود را از دیدگان مردم پنهان داشته است.

يدخلون الجنة .. التي وعد الرحمن عباده بالغيب

«بالغيب» در برداشت بالا حال برای ضمير محذوف در «وعد الرحمن» است که به «التي» برمی گردد.

30- اخراج آدم(ع) از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 3,4,22

3 - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد.

4- خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

وقلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول «اهبطوا» به دلیل جمله بعد، «الأرض» می باشد.

22- از امام رضا (ع) روایت شده: «... فتسلط عليه (آدم (ع)) الشيطان... و تسلط على حوا... فأخرجهما الله عز وجل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلى الأرض...»

... پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو

فرستاد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 4، 1

1 - خداوند، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند.

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله «قلنا اهبطوا» (آمدنش در این آیه و آیه 36) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: «قلنا اهبطوا» در آیه فوق، تأکید جمله «قلنا اهبطوا» در آیه 36 است.

4 - خداوند، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش، بشارت داد.

فإما يأتينكم منى هدى

«إما» مرکب از «إن» شرطیه و «ما»ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با «ما»ی زایده و نون تأکید در «يأتين» از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ...

31- اخراج حوا از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 22، 4، 3

3 - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد.

فأخرجهما مما كانا فيه

4 - خداوند، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد.

وقلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول «اهبطوا» به دلیل جمله بعد، «الأرض» می باشد.

22 - از امام رضا (ع) روایت شده: «... فتسلط عليه (آدم (ع)) الشيطان... و تسلط على حوا... فأخرجهما الله عز وجل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلى الأرض...»

... پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرستاد ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 1,4

1 - خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله «قلنا اهبطوا» (آمدنش در این آیه و آیه 36) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: «قلنا اهبطوا» در آیه فوق، تأکید جمله «قلنا اهبطوا» در آیه 36

ص: 85

است.

4 - خداوند، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش، بشارت داد.

فَإِذَا يَأْتِيَنكُمْ مَنِي هَدًى

«إِذَا» مرکب از «إِنْ» شرطیه و «مَا»ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با «مَا»ی زایده و نون تأکید در «يَأْتِيَنَّ» از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد... .

32- اخراج شیطان از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 8

8 - خداوند به شیطان فرمان داد تا از بهشت خارج شود و به زمین فرود آید.

و قلنا اهبطوا

«اهبطوا» - به صورت صیغه جمع - می نمایند که: خطاب در آن، علاوه بر آدم(ع) و حوا متوجه شخص و یا اشخاص دیگری نیز هست. برخی بر این نظر هستند که شیطان نیز مخاطب آن امر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 3

3 - خداوند، شیطان را نیز از بهشت خارج کرد. *

قلنا اهبطوا منها جميعاً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: خطاب در «اهبطوا» علاوه بر آدم(ع) و حوا، شامل شیطان نیز باشد.

33- ارزش باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 6

6 - برخوردارى مؤمنان مهاجر و مجاهد از رحمت ویژه خدا و مقام رضوان، نعمتی است بسیار ارجمندتر از دستیابی آنان به باغ ها و

بوستان های بهشت .

هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّٰه . . . یبشرهم ربهم برحمة منه ورضون و جنت

تقدیم «رحمه» و «رضوان» بر «جنات» رساننده برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 2

2 - باغ های بهشت ، دارای مراتب و ارزش متفاوت

و من دونهما جنتان

برداشت بالا بر این اساس است که «دون» - در «من دونهما» - بیانگر مرتبه پایین تر باشد.

ص: 86

34- ارزش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 175 - 4

4 - بهشت ، مظهر رحمت الهی

فسیدخلهم فی رحمه منه

بنابر اینکه پاداشهای ذکر شده، پاداشهای اخروی باشد؛ بر این مبنا «رحمت»، به قرینه واژه «دخول» و «فی» بهشت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 12

12 - جلب رضایت خداوند و خشنودی انسان از وی ، برتر از بهره مندی از بهشت جاویدان

رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك الفوز العظيم

برداشت فوق بر این مبناست که ذلك تنها اشاره به جمله «رضی الله عنهم و رضوا عنه» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 17

17 - بهشت ، جایگاهی بس والا و ارجمند در پیشگاه خداوند

أن تلکم الجنة

به کارگیری کلمه «تلکم»، علی رغم نزدیک بودن مشارالیه آن (بهشت)، بیانگر عظمت و ارجمندی بهشت است.

35- ارزش فرشهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 16 - 1

1 - بهشت برین ، تزئین یافته با فرش های مخمل باف و گران قدر که همواره گسترده است .

وزرایی مینوئه

«زرابی» جمع «زُرب» (بر وزن قُمَّل) یا «زریّه» (به فتح، ضم یا کسر حرف اول) است و به فرش هایی گفته می شود که دارای، پرزهای لطیف باشد (نهایه ابن اثیر). اصل معنای آن، لباس هایی با خطوط زیبا است که به یکی از مناطق انتساب دارد (مفردات راغب) برخی از مفسران، «زریّه» را تخفیف یافته «آزریّه» می دانند که در انتساب به آذربایجان گفته می شود. (التحریر والتنویر)

36- ارزش نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 46 - 4

4 - حقارت و ناچیزی زخارف دنیا، در مقایسه با موهبت های بهشتی

كلوا و تمتعوا قليلاً

ناچیز شمرده شدن بهره های دنیوی کافران در این آیه، با مواهب بی پایان و گسترده بهشت سنجیده شده است.

37- ارضای تمایلات در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 42 - 3,4

3 - وجود تمایلات مادی، برای انسان، در قیامت و ارضای کامل آنها در بهشت

وفوکه ممّا یشتهون

4 - بهشت، محل ارضای تمامی تمایلات و خواسته های بشر

وفوکه ممّا یشتهون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «من» در «ممّا یشتهون» برای تبعیض باشد، بر این اساس معنای آیه چنین می شود: بهشتیان از میوه هایی که بخشی از خواسته ها و تمایلات آنان را تشکیل می دهد، بهره مند خواهند شد.

38- ازدواج در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 2

2- وجود ازدواج و همسری در بهشت

كذلك و زوجنهم

39- استحاله ورود کافران به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 38 - 1

1 - ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّہ نعیم

استفهام در «أیطمع» انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 39 - 1

ص: 88

1 - ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم . کلاً

40- استفاده از شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 4

4 - آر میدان متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لا یدوقون فیها بردًا و لا شرابًا . . . حدائق و أعبًا . . . و كأسًا دهاقًا

41- استفاده از میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 12

12 - بهشتیان در بهره گیری از میوه ها و روزی های بهشت ، کمترین رنج و محنت را نخواهند برد .

کلما رزقوا منها . . . وأتوا به متشبها

مجهول آوردن کلمه «رزقوا» و «أتوا» اشاره به این دارد که: خدمتکارانی در بهشت روزیها و میوه ها را در اختیار بهشتیان قرار می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 73 - 2، 1

1 - بهره‌وری متقین در بهشت ، از میوه های فراوان آماده شده برای ایشان

لکم فیها فکھه

2 - میوه های بهشت ، چندان فراوان اند که تقوایشگان تنها از بخشی از آن بهره می برند .

لکم فیها فکھه کثیره منها تأکلون

از «منها» - که برای تبعیض است - استفاده می شود که مؤمنان تنها از گوشه ای از نعمت های بهشت استفاده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 3

3 - برخورداری تقوایپیشگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادت‌مندی آنها است .

مفازاً . حدائق و أعنبا

ص: 89

42- استفاده از نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 12

12 - بهشتیان در بهره‌گیری از میوه‌ها و روزی‌های بهشت، کمترین رنج و محنت را نخواهند برد.

کَلِمَا رَزَقُوا مِنْهَا . . . وَأَتُوا بِهَمْثِهَا

مجهول آوردن کلمه «رزقوا» و «أتوا» اشاره به این دارد که: خدمتکارانی در بهشت روزیها و میوه‌ها را در اختیار بهشتیان قرار می‌دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 1

1 - تقوایندگان، مورد تکریم و دعوت الهی برای بهره‌وری آزاد از نعمت‌های بهشتی

كَلُوا وَاشْرَبُوا

43- استفاده از باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 32 - 3

3 - برخورداری تقوایندگان از باغ‌ها و میوه‌جات بهشت و موهبت‌های مادی جهان آخرت نمونه‌ای از سعادت‌مندی آنها است.

مَفَازًا . حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا

44- استهزاگران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 77 - 6

6- «عن أبي جعفر (ع) في قوله «أفرايت الذي كفر بآياتنا وقال لأؤتین مالا وولداً»: . . . كان لخبّاب بن الأزرتّ على العاص بن وائل حقّ فأتاه يتقاضاه، فقال له العاص: أستم تزعمون أنّ في الجنّة الذهب والفضة والحريّر قال: بلى قال: فموعد ما بيني وبينك الجنّة فوالله لأؤتین في ها خيراً ممّا أوتيت في الدنيا؛

از امام باقر(ع) در مورد سخن خداوند «أفرايت الذي كفر بآياتنا وقال لأؤتین مالا وولداً» روایت شده که فرمود: خبّاب بن ارتّ از عاص بن

وائل طلبی داشت نزد او آمد و حق خویش را طلب کرد. پس عاص به او گفت: مگر شما نمی گوئید که در بهشت طلا- و نقره و حریر هست. خبّاب جواب داد: بلی، عاص - از روی تمسخر - گفت: پس بهشت وعده گاه بین من و تو باشد. قسم به خداوند بهتر از آنچه در دنیا به من داده شده در آن جا به من داده خواهد شد».

ص: 90

45- استهزای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 38 - 2

2 - ادعای استهزاآمیز کافران ، به بهشتی بودن خود بر فرض برپایی قیامت

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنة نعیم

مفسران اظهار داشته اند: که کافران به هنگام شنیدن سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به استهزا می گفتند: اگر آنچه پیامبر می گوید درست باشد؛ ما زودتر از آنان به بهشت خواهیم رفت و از آنان سزاوارتریم.

46- اشتیاق به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 5

5 - شوق دیدار بهشت ، باعث حرکت شتابان مؤمنان در قیامت و دویدن آنان در مسیر منتهی به آن

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم

حرکت سریع و دوان دوان مؤمنان به سوی بهشت، حکایت از اشتیاق شدید آنان به دیدار آن و رساندن هر چه زودتر خود به آن جایگاه همیشگی دارد.

47- اشتیاق خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 4

4 - خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی ، برای تقواییشان از سرشوق و پروانهوار

و یطوف علیهم غلمان لهم

تعبیر «یطوف»، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

48- اصحاب یمین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - عالی ترین نوع درختان سدر، موجود در بهشت اصحاب الیمین

و أصحاب الیمین . . . فی سدر مخضود

توصیف درخت سدر به «مخضود» (بدون تیغ)، ظاهراً اشاره به نوع عالی آن دارد.

3 - استراحت اصحاب الیمین، در سایه درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

ص: 91

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 1,4

1 - وجود درختان موز ، در بهشت اصحاب الیمین

و طلح منضود

درباره واژه «طلح» چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها «موز» است.

4 - بهشت اصحاب الیمین ، معطر با عطر گل های درختان اقاچیا

و طلح منضود

برخی از مفسران «طلح» را به «ام غیلان» (درخت اقاچیا) تفسیر کرده اند. درخت اقاچیا دارای گلی بسیار خوشبو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 30 - 1,2

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

«ممدود»؛ یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت «ظلّ ممدود» را به سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

2 - اصحاب الیمین ، همواره در هوای مطبوع بهشت قرار داشته و از گزند گرمای خورشید در امان خواهند بود .

و ظلّ ممدود

«ظلّ» عطف بر «سدر» و خبر برای مبتدای محذوف است. تقدیر آن «و هم فی ظلّ ممدود» می باشد. گفتنی است که تعبیر بالا، کنایه از مطبوع بودن هوای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 31 - 1,3

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای آبی همواره جاری

و ماء مسکوب

«ماء مسكوب»؛ یعنی، آبی که همواره ریزان است.

3- اصحاب الیمین، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسكوب

عبارت «و ماء مسكوب» به تقدیر «هم فی ماء مسكوب» است؛ یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 32 - 2، 1

1 - بهشت اصحاب الیمین، دارای میوه های فراوان

و فكهه كثیره

2 - تنوع و فراوانی میوه ها در بهشت اصحاب الیمین

و فكهه كثیره

«كثرت» در آیه شریفه هم شامل كثرت در مقدار و هم شامل كثرت در نوع میوه می شود، برداشت یاد شده ناظر به معنای دوم است.

ص: 92

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 33 - 1, 2

1 - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ؛ نه فصلی و مقطعی

و فکته کثیره . لامقطوعه

2 - در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و فکته . . . و لاممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 1, 2

1 - وجود فرش های عالی و گران ب ها در بهشت اصحاب الیمین

و فرش مرفوعه

«فُرُش» جمع «فراش» است و «فراش» به چیزی گفته می شود که پهن باشد و انسان بتواند روی آن استقرار پیدا کند. از این رو در قرآن بر «زمین»، «مرکب»، «فرش»، «تشک» و «تخت»، «فراش» اطلاق شده است. بنابراین «و فرش مرفوعه» می تواند به معنای فرش های نفیس و گران بها باشد.

2 - استفاده اصحاب الیمین در بهشت ، از تخت های بلند و با شکوه

و فرش مرفوعه

برداشت یاد شده بر این احتمال است که «فرش» به معنای تخت ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 38 - 1

1 - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إِنَّا أَنشَأْنَهُمْ إِنشَاءً .. لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - کسانی که نامه اعمالشان به دست راست آنان داده می شود، در بهشت برین جای خواهند داشت .

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ حَسَابِيه . . . فِي جَنَّةِ عَالِيه

«عالیه» هم می تواند بیانگر علو قدر و منزلت باشد و هم به علو مکانی اشاره داشته باشد. در این صورت مقصود از آن، مسرت آفرین بودن بوستان های بهشتی است؛ زیرا صاحبان آنها به خوبی بر همه مناظر آن اشراف داشته و از این رهگذر لذت برده و مسرور خواهند شد. برداشت بالا براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 40 - 2، 1

1 - اصحاب الیمین (خوبان و نیکان)، در بوستان های پر عظمت و وصف ناپذیر جای خواهند گرفت .

أَصْحَابِ الْيَمِينِ . فِي جَنَّةٍ

«جَنَّاتٍ» جمع «جَنَّت» (بوستان) است و تنوین آن بر تعظیم دلالت دارد.

ص: 93

2- اصحاب الیمین در بهشت، به گفتگو و پرسوجو از یک دیگر خواهند پرداخت.

یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 41 - 1

1 - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

49- اقامت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 1

1 - بهشت، جایگاهی سرشار از امن و آسایش و از هر جهت آماده برای ماندن و استقرار بهشتیان است.

جنت عدن

در باره این که مراد از «عدن» چیست، نظریاتی از سوی مفسران ابراز گردیده است. برخی آن را نام یکی از بهشت های هشت گانه دانسته اند، و برخی دیگر معنای لغوی آن را لحاظ نموده و آن را به «اقامت کردن» معنا کرده اند. در این صورت «عدن» قیدی توضیحی برای «جَنّات» خواهد بود نه قید احترازی. گروهی دیگر «عدن» را اسم خاص برای زمین بهشت می دانند و می گویند جایگاه اقامت بودن بهشت، باعث این نام گذاری است. گفتنی است که «محل اقامت» در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط آسایش در آن فراهم باشد.

50- امکانات مادی بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 15

15 - بهشتی که آدم و حوا(ع) در آن می زیستند، بوستانی مادی و دارای آثار و خواص ماده بود.

یخصفان علیهما من ورق الجنة

51- امنیت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 2,8

2 - بهشت، خانه ای دارای امنیت و آرامش کامل است.

لهم دارالسلام

چنانکه مفسران گفته اند مراد از دارالسلام می تواند بهشت باشد که از ویژگیهای آن سلامت و امنیت است.

8 - دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

ص: 94

لهم دارالسلام .. بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 8

8 - اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحاب الجنة أن سلم عليكم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «سلم عليكم» جمله ای اخباری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5,6

5 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف عليكم و لا أتم تحزنون

6 - بهشت ، جایگاهی امن ، بی خطر و به دور از حوادث حزن آور

لا خوف عليكم و لا أتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 25 - 1

1 - بهشت ، سرایی است سراسر سلامت ، امنیت و آرامش .

و الله يدعو إلى دارالسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 2

2- بهشت ، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنت عدن

برخی «عدن» را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت

بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج 3). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار - در مقام تمجید - به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 1

1 - بهشت، جایگاهی سرشار از امن و آسایش و از هر جهت آماده برای ماندن و استقرار بهشتیان است.

جَنّت عدن

در باره این که مراد از «عدن» چیست، نظریاتی از سوی مفسران ابراز گردیده است. برخی آن را نام یکی از بهشت های هشت گانه دانسته اند، و برخی دیگر معنای لغوی آن را لحاظ نموده و آن را به «اقامت کردن» معنا کرده اند. در این صورت «عدن» قیدی توضیحی برای «جَنّات» خواهد بود نه قید احترازی. گروهی دیگر «عدن» را اسم خاص برای زمین بهشت می دانند و می گویند جایگاه اقامت بودن بهشت، باعث این نام گذاری است. گفتنی است که «محل اقامت» در مقام تمجید

ص: 95

به جایی گفته می شود که همه شرایط آسایش در آن فراهم باشد.

52- امنیت در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 9

9- بهشت آدم ، محیط صفا و صلح و تأمین کامل نیازها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ . . . اهبطا . . . بعضكم لبعض عدو

چون موضوع دشمن به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیده. چنین برمی آید که در مسکن قبلی آدم(ع) (بهشت) چنین عارضه ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

53- امنیت متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 1

1- دعوت از تقوایپیشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

«باء» در «بسلام» در معنای «مصاحبت» به کار رفته است.

54- امیدواری به نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 3

3 - بهشتیان ، به دور از ملال و دلسردی نسبت به نعمت های اخروی

جَنَّاتٍ . . . ذَوَاتَا أَفْنَانٍ

در صورتی که «أفنان» به معنای انواع باشد، در حقیقت تذکر به آن، برای افاده مطلب یاد شده است.

55- انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 69 - 1,2

1 - وجود انواع میوه ها - خصوصاً خرما و انار - در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما فکھه و نخل و رمان . فبأیّ الاء ربکما تکذبان

ص: 96

2 - میوه های متنوع - به ویژه خرما و انار - در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکھه و نخل و رمان . فبأیء الاء ربکما تکذبان

56- اندازه جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 3

3 - ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قَدْرُوها تقدیرًا

نصب «تقدیراً» به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل «قَدِّروا» است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

57- اندازه ظروف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 5

5 - اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهشتی و مقدار محتوای آنها ، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قَدْرُوها تقدیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل «قَدِّروا» خود ابرار باشد.

58- اندوه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5,6

5 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا اَنتم تحزنون

6 - بهشت ، جایگاهی امن ، بی خطر و به دور از حوادث حزن آور

لا خوف علیکم و لا اَنتم تحزنون

59- اهل تسلیم در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 6

6- خردمندان روی آورده به خدا، با روحیه شکر، توبه و تسلیم، در زمره بهشتیان
و بلغ أربعین سنه قال ربّ أوزعنی . . . إتی تبت . . . نتجاوز عن سیئاتهم فی أصحاب ال

ص: 97

مرجع ضمیر «سینّاتهم» کسانی است که به سن رشد و کمال رسیده و به نیایش پرداخته و بر توبه و تسلیم خویش تأکید میورزند.

60- اهل کتاب و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 111 - 1

1 - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، تنها خویشان را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

وقالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری

ضمیر در «قالوا» به «اهل الکتاب» (در آیه 109) باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 112 - 1

1 - ادعای اهل کتاب مبنی بر اختصاص بهشت به آنان ، ادعایی بی اساس است .

وقالوا لن یدخل الجنه إلا من کان هوداً أو نصری . . . بلی

کلمه «بلی» برای ابطال ادعای مطرح شده به کار می رود. بنابراین، «بلی» در آیه شریفه دلالت بر بطلان سخن یهود (لن یدخل الجنه ...) دارد.

61- اهمیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 119 - 11

11 - بهره مندی از بهشت جاویدان ، جلب خشنودی خدا ، و دلشاد بودن از وی ، رستگاری و موفقیتی بس بزرگ

لهم جنت . . . رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم

در برداشت فوق «ذلک» اشاره به تمامی پادشاهای مذکور در آیه گرفته شده است. و «ال» در «الفوز» برای استغراق مجازی است یعنی پادشاهای مذکور کمال رستگاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 5

5- نیل به بهشت ، تنها دستاورد شایسته و بدون زیان در برابر سرمایه عمر و جان آدمی است .

أولئك الذين خسروا أنفسهم .. إن الذين آمنوا ... أولئك أصحاب الجنة

عنوان کردن بهشت ، به عنوان پاداش مؤمنان در مقابل زیانکار شمردن کفرپیشگان ، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 10 - 2

2 - سعادت و رستگاری اخروی ، در سایه دستیابی به بهشت

ص: 98

قد أفلح المؤمنون . . . أولئك هم الورثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 16, 17

16 - ره یابی به بهشت جاودان و زودوده شدن گناهان ، رستگاری بزرگ و حقیقی در بینش الهی

و كان ذلك عند الله فوزًا عظيمًا

17 - ورود به بهشت جاودان ، کامیابی واقعی است و نه سرخوشی ها و پیروزی های مقطعی زندگی دنیوی .

و كان ذلك عند الله فوزًا عظيمًا

تصریح به «کان ذلک...» می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اگر صلح حدیبیه، در نظر شما یک پیروزی و مایه خشنودی است؛ توجه داشته باشید که این امور زودگذر است و رستگاری واقعی در بهشت می باشد.

62- اهمیت جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 61 - 2, 1

1 - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هرگونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعدّيين . إنّ هذا لهو الفوز العظيم . لمثل هذا فليعمل العملون

«لام» در «لمثل» برای تعلیل و «هذا» اشاره به مضامین آیات گذشته است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

2 - رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی (رستگاری بزرگ) ، تنها هدف شایسته برای هرگونه سعی و تلاش در زندگی آدمی

لمثل هذا فليعمل العملون

از تقدم جار و مجرور (لمثل) بر عامل خود (فليعمل) - که مفید حصر است - برداشت یاد شده به دست می آید.

63- اهمیت گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 3

3- میوه و گوشت ، دو غذای مهم در بهشت

و آمدنهم بفرکهه و لحم

64- اهمیت لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 3

ص: 99

3 ارزش ها و لذت های بهشتی ، فراتر از تصوّر و اندیشه بشر

مثل الجنّة التي وعد المتّقون

در صورتی که واژه «مثل» به معنای تمثیل و تشبیه باشد؛ می رساند که بیان نعمت های اخروی بدون استفاده از تمثیل و تشبیه، برای بشر قابل فهم نیست.

65- اهمیت میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 3

3 - میوه و گوشت ، دو غذای مهم در بهشت

و آمدنهم بفقکه و لحم

66- اهمیت نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 10

10 - دستیابی به غفران الهی و نعمت های جاودان بهشت ، رستگاری بزرگی است .

يغفر لكم ذنوبكم . . . ذلك الفوز العظيم

67- اهمیت نه‌های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 8

8 - اهمیت نقش نه‌های بهشت ، در زیبایی و جذابیت آن

جنّات تجري من تحتها الأنهر

از این که خداوند، تنها وصفی را که برای باغ های بهشت یاد کرده وصف «تجری..» است؛ مطلب یاد شده استفاده می شود.

68- ایمان به بهشت

10 - هابیل ، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف الله رب العلمین . . . تبوأ باثمی و اثمک فتکون من اصحاب النار

ص: 100

69- باغهای انگور بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 1

1 - تقوایشتگان در آخرت ، برخوردار از چندین باغ و تاکستان بزرگ ، با انگوری فراوان

حدائق و أعنبا

«حدیقه» (مفرد «حدائق») به باغی گفته می شود که اطراف آن را برجستگی های طبیعی یا دست ساز احاطه کرده باشد (لسان العرب). کلمه «حدائق» بدل برای «مفازا» و بیانگر این است که بوستان های متعدد، گوشه ای از جایگاه سعادت و خوشبختی متقین است. نکره آوردن «حدائق» و «أعناب»، برای بیان عظمت آنها است.

70- باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 5

5 - بهشت دارای بوستان های فراوان است .

أن لهم جنّات

برداشت فوق با توجه به جمع بودن کلمه «جنات»، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 11

11 - وجود باغ های متعدّد در آخرت ، برای متّقین

لّلذین اتّقوا عند ربّهم جنّات تجري من تحتها الأنهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 8,9

8 - بهشت ، دارای نهر ها و باغ های متعدد

لهم جنّات تجري من تحتها الأنهار

9- جریان نهر های متعدد، در زیر باغ های بهشت

جَنَّات تجري من تحتها الأنهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 122 - 6

6- بهشت، دارای باغ های متعدد، نهر های جاری و جاودانه است.

جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 101

4 - مائده - 5 - 12 - 27

27 - بهشت ، دارای نهر های جاری و باغ های متعدد

جنت تجری من تحتها الانهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 65 - 11

11 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

«نعیم» به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 85 - 6

6 - کثرت باغ های بهشت و فراوانی نهر های جاری در آن

جنت تجری من تحتها الانهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 6

6 - بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهرهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 8

8 - نعمت سرشار باغ ها و بوستان های بهشت ، جاودان و زوال ناپذیر است .

جنت لهم فیها نعیم مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 15، 2

2 - باغ های پوشیده از درختان

جنت تجری

«جنت» (مفرد جنات) به بوستانی گفته می شود که زمین آن پوشیده از درخت باشد.

15 - بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و المؤمنون و المؤمنات ... یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 3

3 - باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

ص: 102

لهم جنت تجري من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 9 - 10

10 - باغ های بهشت ، سرشار از نعمت های الهی است .

فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 1

1- جایگاه تقواییان ، باغ ها و چشمه سار های بهشت است .

إن المتقين فی جنّـت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 1

1- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. أولئک لهم جنّـت عدن

جمله «أولئک ..» یا خبر یکم برای «إنّ» در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه «أولئک» «الذین امنوا...» در آیه قبل است. «عدن» به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 107 - 1,2

1- بوستان های فردوس ، منزل گاهی تضمین شده برای نیک کرداران مؤمن به آیات الهی و قیامت است .

إنّ الذین ءامنوا .. نزلاً

متعلق ایمان در «آمنوا» به قرینه آیات قبل - که درباره کفر به آیات و لقای پروردگار بود - ایمان به آیات و قیامت است. «فردوس» یعنی «وادی سرسبز». برخی از زبان شناسان، آن را کلمه ای رومی می دانند که به زبان عرب وارد شده است (تاج العروس) کلمه «نزل» در معانی «منزل» و «وسایل پذیرایی» و... استعمال می شود. برداشت یاد شده، براساس معنای نخست است. فعل ماضی (کانت) درباره

حوادث آینده، بر وقوع حتمی و تضمین شده آن حوادث دلالت دارد.

2- باغ های سرسبز آخرت ، وسیله پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است .

كانت لهم جنّات الفردوس نزلاً

یکی از معانی «نزل»، «غذا» و یا «امکانات دیگری است که برای پذیرایی از میهمان آماده می شود.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 4

4 - بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جنّات تجری من تحتها الأنهر

ص: 103

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 5

5 - بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جَنّات تجرى من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 1

1 - بوستان عظیم بهشتی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ

نکره آورده شدن «روضه» دلالت بر عظمت آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 19 - 1,3,4,5

1 - باغ های بهشتی مهیّا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نَزْلًا

3 - منزل گاه واقعی مؤمنان ، باغ های بهشت است .

فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ

«مأوی» اسم مکانی از ریشه «أوی» به معنای «پناه گاه» است. اضافه شدن «جَنّات» به «الماوی» حکایت از جایگاه حقیقی بودن آن برای مؤمنان می کند.

4 - باغ های بهشت ، تنها به عنوان پیش پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است و نه پاداش کامل آنان .

فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نَزْلًا

«نزل» در لغت به چیزی گفته می شود که برای مهمان تهیه و آماده می شود (مفردات راغب). لازم به ذکر است که «نَزْلًا» حال برای «جَنّات» و مفید معنای یاد شده است.

5- پیشکش باغ های بهشت به مؤمنان نیک کردار، پاداشی فوق تصور و روشنی بخش دیده آنان است .

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قَرَّةٍ أَعْيَنَ . . . فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نَزْلًا

جمله «فلهم جنّات المأوی..» می تواند تأکیدی بر «ما أخفی لهم...» و نیز نمادی از آنچه در خفا، برای مؤمنان در نظر گرفته شده، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 43 - 1

1 - بندگان مخلص خدا، در بوستان های پر نعمت متنعم اند .

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ . أُولَئِكَ ... مَكْرَمُونَ . فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 44 - 2

2- بندگان مخلص خدا، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ . عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ

ص: 104

رویاروی هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 62 - 3

3 - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلص خدا

إلّا عباد الله المخلصين . . . فی جنّـت النعیم ... و عندهم قصرت الطرف ... أذلک خ

«نزل» به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 3,5

3 - باغ های جاویدان بهشت ، فرجامی نیک برای انسان ها

لحسن مناب . جنّـت عدن

5 - درب های باغ های جاویدان بهشت ، به روی تقوایندگان باز و گشوده است .

مفتّحه لهم الأبواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 1,2

1 - تقوایندگان ، در باغ های بهشتی بر تخت ها تکیه می زنند .

متکئین فیها

مقصود از تکیه کردن بهشتیان - به قرینه آیات مشابه - (علی الأرائک متکئین) [سوره یس (36) آیه 56] تکیه زدن آنان بر تخت های بهشتی است.

2 - آرامش کامل تقوایندگان در باغ های بهشتی

متکئین فیها

برداشت یاد شده بر این فرض استوار است که تعبیر «متکئین فیها» کنایه از آرامش کامل باشد؛ زیرا این حالت مربوط به کسانی است که در

آرامش به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 10، 9

9 - مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل «تری الظالمین» با «و الذین ءامنوا» مطلب یاد شده استفاده می شود.

10 - بهشت ، دارای باغ هایی خرم و سرسبز با درختانی انبوه

فی روضات الجنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 52 - 1

ص: 105

1- بوستان ها و چشمه ساران بهشت ، جایگاه امن تقوایندگان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ . فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 15 - 2

2- بهشت ، دارای باغ های پوشیده از درختان و چشمه ساران متعدد

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

«جَنَّت» (مفرد «جَنَّت») به باغ پوشیده از درختان گفته می شود و «عیون» (جمع «عین») به معنای چشمه ساران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 2

2- باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ

«جَنَّة» (مفرد «جَنَّت») به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 54 - 1, 3

1 - استقرار حتمی تقوایندگان ، در باغ های پر درخت و کنار نهر های بهشت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

«جَنَّة» (مفرد «جَنَّت») به باغ پوشیده شده از درختان گفته می شود.

3 - باغ ها و نهر های بهشتی ، پاداش عملکرد خود متقین

و كَلَّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ... إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

از ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در زمینه نقش مؤثر عمل در پاداش و کیفر انسان بود، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمار چشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ انس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالا بدین احتمال است که «قاصرات الطرف» کنایه از چشم خمار باشد که در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 11

11 - وجود نهر های همیشه روان در باغ های بهشت

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع «تجری»، بیانگر همیشگی بودن جریان نهرها در بهشت است.

ص: 106

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 18

18 - بوستان های بهشت ، پوشیده از درختان است .

و یدخلهم جنّ-ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 3

3 - آمرزش گناه و حیات جاودان در بوستان های بهشت ، تضمین شده از سوی خداوند ، برای مؤمنان راستین و مجاهدان راه او

تؤمنون بالله ... یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّ-ت... و مسکن طیّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 1

1 - مؤمنان و مسلمانان راستین ، بهره مند از بوستان های بهشتی

إلّا المصلّین .. أولئک فی جنّ-ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 38 - 3

3 - بهشت ، بوستانی پر نعمت

جنّہ نعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 12 - 1

1 - بوستانی بزرگ و پر نعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إنّ الأبرار ... و جزیهم بما صبروا جنّہ و حریراً

«جنّہ» به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفضیح دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 1

1 - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . . . جزاؤهم عند ربهم جنّـت عدن تجرى من تحتها الأن

71- باغهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 4

ص: 107

4- بهشت عدن در بردارنده باغ ها و بوستان های متعدد

جنت عدن

72- بالش های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 15 - 2

2- بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزین به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از «ردیف بودن» بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

73- بدن در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 4

4- حضور انسان ها در بهشت ، جسمانی است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ إخواناً علی سرر متقبلین

74- برات

بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 13 - 8

8- « عن أبي بصير قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إن المؤمن يعطى يوم القيامة كتاباً يلقاه منشوراً مكتوب فيه : كتاب الله العزيز الحكيم ، ادخلوا فلاناً الجنة ;

ابی بصیر گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: همانا در روز قیامت نامه ای به مؤمن داده می شود که او را گشوده می بیند و در آن نوشته شده که این نامه خداوند عزیز و حکیم است؛ فلانی را داخل بهشت کنید».

75- برگ درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 8

8 - تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقاً یخسفان علیهما من ورق الجنه

کلمه «طفق» از افعال مقاربه، و به معنای «شروع کرد» است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم

ص: 108

دوختن آنها را خصف می گویند و چون «یخصفان» به «علی» متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

76- بشارت به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 11

11 - بشارت خداوند به مهاجران و انصار و تابعان نیک کردار ، به مهیّا بودن بهشت برای آنان

أعد لهم جنت تجري تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 23

23 - مژده خداوند به مجاهدان و معامله گران جان و مال خویش در قبال بهشت

فاستبشروا بیعکم الذی بايعتم به

77- بشارت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 1

1 - بشارت اهل ایمان به بهشت با توصیف و بیان نعمت های آن از وظایف تبلیغی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و بشر الذین ءامنوا . . . و هم فیها خلدون

«أنّ لهم . . .» به تقدیر حرف «باء»، متعلق به «بشّر» است؛ یعنی: «بشّر الذین آمنوا بأنّ لهم . . .»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 29 - 12

12 - بشارت به عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین رفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إنّما یخشی الله من عباده العلموا . . . إنّ الذین یتلون کتب الله و أقاموا الصل

«بوار» (ریشه «لن تبور») به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای «هلاک» به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 11

11 - فرشتگان ، بشارت دهنده موحدان پایدار بر حق ، به بهشت موعود

و أبشروا بالجنّة الّتی كنتم توعدون

«الإبشار» (مصدر «أبشروا») به معنای مسرور بودن است. بنابراین «أبشروا بالجنّة»؛ یعنی، به بهشت مسرور و خوشنود

ص: 109

باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 23 - 1

1 - فضل و بخشش بی کران الهی در بهشت ، بشارت خداوند به مؤمنان نیک کردار

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . . . ذلك الذی یشّر اللّٰه عباده الذین ءامنوا و

«ذلک» اشاره به بهشت و تفضل الهی دارد که در آیه قبل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 1

1- نوید الهی به ورود مؤمنان نیک کردار ، به باغ های بهشت با تکریم و اجلال

إنّ اللّٰه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّـت

واژه «یدخل» و اسناد فعل به خداوند، می رساند که مؤمنان با تکریم و اجلال و در سایه لطف و اراده الهی، گام در بهشت می نهند.

78- بشارت بهشت به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 19

19 - بهشت ، مزدگانی مؤمنان راستین

إنّ اللّٰه اشترى من المؤمنین . . . بأنّ لهم الجنه . . . و بشر المؤمنین

79- بشارت بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 9

9- قیامت ، روز دریافت بشارت بهشت برای مردان و زنان مؤمن

یوم ترى المؤمنین و المؤمنت . . . بشریکم الیوم جنّـت

80- بشارت‌های نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 10

10 - بشارت دربانان بهشت به تقوایندگان ، مبنی بر در امنیت و سلامت بودن آنان در بهشت جاویدان

وقال لهم خزنتها سلم عليكم

ص: 110

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که عبارت «قال لهم خزنتها سلام»، جمله اخباری باشد؛ یعنی، درصدد اخبار از آینده تقوایندگان در بهشت و در واقع بشارت به ایشان باشد.

81- بُعد زمانی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 15

15 - بهشت دارای بعد مکانی و زمانی *

أن لهم جنت تجري من تحتها الأنهر كلما رزقوا منها

«كلما» به معنای هرگاه، بر وجود بعد زمانی دلالت دارد و کلمه «تحتها» از بعد مکانی حکایت می کند.

82- بعد مکانی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 15

15 - بهشت دارای بعد مکانی و زمانی *

أن لهم جنت تجري من تحتها الأنهر كلما رزقوا منها

«كلما» به معنای هرگاه، بر وجود بعد زمانی دلالت دارد و کلمه «تحتها» از بعد مکانی حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 8 - 98 - 7

7 - بهشت، دارای ابعاد مکانی است .

تحتها

83- بکارت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 49 - 3

کأنهنّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شتر مرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان - که مفاد عبارت «مکنون» می باشد - کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

بلندی باغهای بهشت

ص: 111

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 3

3 - بوستان های مؤمنان در بهشت ، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد .

فی جنة عالیہ

84- بلندی تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 13 - 1

1 - بهشت برین ، دارای تخت هایی بر افراشته و با عظمت

فیها سرر مرفوعه

«سریر» (مفرد «سرر»)، به معنای مکان دراز کشیدن است (قاموس). این کلمه به معنای جایگاه جلوس نیز آمده و با سرور (شادمانی)، از یک ریشه است. تناسب آن این است که «سریر» ویژه رفاه مندان است (مفردات راغب). نکره آوردن «سریر»، برای بیان عظمت است و توصیف آن به «مرفوعه» - با آن که «سریر» همواره از زمین برجسته است - تأکیدی بر کمال برجستگی آن است.

85- بلندی غرفه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 58 - 3

3 - غرفه ها و قصر های بهشت ، بلند و با شکوه است .

من الجنة غرفاً

«غرفه» مفرد «غرف» به «بنای بلند» گفته می شود (مفردات راغب). نکره آوردن آن دلالت بر شکوه و عظمت می کند.

86- بندگان خدا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 10، 3، 1

1 - بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: 1- «أولئك» اشاره به «عبادالرحمان» است. 2- «غرفه» به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

3- صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی، و شب زنده داری، حلم، ترس از قیامت، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق و دعا و نیایش، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هوئاً . . و الذین یقولون ربنا... أولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن - به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرّماتی است که آنان می بایست ترک می کردند - مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرّمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

10 - بندگان خالص خدا، در بهشت با درود و سلام روبه رو خواهند شد .

و یلقون فیها تحیه و سلماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 1

1 - بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن، پاداش بندگان خالص خدا

و عباد الرحمن... أولئک یجزون الغرفه... خلدین فیها حسنت مستقرّاً و مقاماً

«مستقرّاً» تمیز برای ضمیر در «حسنت» و به معنای محل استقرار است و «مقام» اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 43 - 1

1 - بندگان مخلص خدا، در بوستان های پر نعمت متنعم اند .

إلاّ عباد الله المخلصین . أولئک ... مکرمون . فی جنّات النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 44 - 2, 4, 1

1 - بندگان مخلص خدا، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد .

علی سرر متقبلین

«سرر» (جمع «سریر») به معنای تخت ها است.

2 - بندگان مخلص خدا، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبّلین

رویاری هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

4- انس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلص خدا در بهشت

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبّلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 45 - 4, 3, 1

1 - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

ص: 113

«کأس» به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است؛ نه ظرفی که در آن شراب باشد.

3- در دسترس بودن شراب و فراوانی و مستمر بودن آن ، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف عليهم بكأس من معين

تعبیر دور دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن «یطاف» به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این عمل دارد.

4- شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف عليهم بكأس من معين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 3

3- بندگان مخلص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

وعندهم قصر الطرف

مقصود از «طرف» می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

87- بوی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 5 - 2

2- می بهشت ، معطر و پیراسته از بوی آزاردهنده

إنَّ الأبرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 17 - 2

2- می بهشت ، معطر و پیراسته از بوی آزاردهنده

و یسقون فیها كأسًا کان مزاجها زنجبیلًا

88- بهترین آشامیدنی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 27 - 3

3- «عن أبی جعفر (ع) . . . عن النبّی (صلی الله علیه و آله) قال : قوله تعالی « و مزاجه من تسنیم » قال : هو أشرف شراب فی الجنّه یشربه محمّد (صلی الله علیه و آله) و آل محمّد (صلی الله علیه و آله) ، . . . تَسْنَمُ علیهم من اعالی دُورهم ؛

امام باقر (ع) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود: [درباره] قول خدای تعالی «و مزاجه من تسنیم». تسنیم بهترین نوشابه ای است که در بهشت هست و آن را محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) می نوشند... و از [منطقه] بالای منزل هایشان بر آنان جریان پیدا

ص: 114

می کند».

89- بهترین لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 15

15 - از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: «ان اطیب شیء فی الجنه و ألدّه حب اللّٰه و الحب فی اللّٰه و الحمد لله قال اللّٰه عزوجل: «و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین» . . .»

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و «حمد» برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین دعا [و گفتار] مؤمنان در بهشت «الحمد لله رب العالمین» است . . .

90- بهشت اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 5

5 - «عن أبی جعفر (ع) قال: . . . و أمّا قوله «و من دونهما جنتان» يقول من دونهما فی الفضل و لیس من دونهما فی القرب و هما لأصحاب الیمین و هی جنة النعیم و جنة المأوی . . .»

از امام باقر (ع) روایت شده: . . . اما این قول خداوند «و من دونهما جنتان» می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به «جنت النعیم» و «جنت المأوی» می باشد.

91- بهشت برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 26 - 6,7

6 - بهشت برزخی پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنة

7 - وجود زندگی بهشتی در عالم برزخ

قیل ادخل الجنة

92- بهشت جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 9

9 - برخورداری از رحمت و رضوان الهی و بهشت سرشار از نعمتِ زوال ناپذیر ، نمودی از رستگاری انسان است .

ص: 115

و أولئك هم الفائزون. يشرهم ربهم برحمة منه ورضون و جنت لهم فيها نعيم مقيم

93- بهشت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 5

5 - بهشت نخستین آدم و حوا، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود.

و يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة .. قال اهبطوا

جمله «و لكم فى الأرض مستقر» دلالت می کند که بهشتی که آدم و حوا در آن سکونت داشتند در زمین نبوده است و کلمه «اهبطوا» حکایت از آن دارد که آن مکان برتر و بالاتر از زمین بوده است.

94- بهشت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 1

1 - خائفان مقام پروردگار ، علاوه بر دو بوستان بهشت ، از دو بوستان دیگر نیز برخوردارند .

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. و من دونهما جنتان

واژه «دون» - در «من دونهما» - در صورتی که به معنای «غیر» باشد بیانگر برداشت بالا خواهد بود.

95- بهشت در آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 40 - 8,9

8 - بهشت، حقیقتی موجود در آسمان

لا تفتح لهم أبواب السماء و لا يدخلون الجنة

برداشت فوق مبتنی بر این است که «السماء» در جمله «لا تفتح ..» حقیقتی مقابل زمین باشد. در این صورت مراد از نگشودن درهای آسمان، به قرینه فراز بعد، باز نبودن آنها برای ورود کافران به بهشت خواهد بود.

9 - آسمان حاوی بهشت، دارای درهایی متعدد و راههایی گوناگون برای ورود به آن جایگاه برین

لا تفتح لهم أبواب السماء ولا يدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 22 - 5

5 - بهشت موعود الهی، در آسمان قرار دارد . *

و فی السّماء .. و ما توعدون

با توجه به این که عمده ترین وعده خداوند به آدمیان بهشت است، بسیاری از مفسران «ما توعدون» را به معنای بهشت

ص: 116

گرفته اند.

96- بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 13 - 1

1 - بهشت در قیامت ، به جایگاهی نزدیک مردم آورده خواهد شد .

و إذا الجنة أزلفت

«ازلاف» (مصدر «أزلفت»); یعنی، نزدیک آوردن.

97- بهشت صاحبان نفس راضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 1

1 - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلى جنتى

اضافه «جَنَّة» به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

98- بهشت صاحبان نفس مرضیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 1

1 - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلى جنتى

اضافه «جَنَّة» به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

99- بهشت صاحبان نفس مطمئنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 1

1 - خداوند در قیامت، انسان های دل آرام، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد.

و ادخلی جنتی

ص: 117

اضافه «جنّه» به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

100- بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 6

6 - وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در «جنات عدن»

و مسکن طیبه فی جنت عدن

«جنات عدن» می تواند نامی خاص باشد و غیر از «جنات تجری . . .» به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 6

6- وارد شدگان به بهشت عدن متشکل از طایفه ای که بالأصاله مستحق آن جایگاهند و طایفه ای که به تبع آنان به آن جایگاه برین برده خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

عطف شدن «من صلح . . .» بر ضمیر «یدخلون» حاکی است که طوایف مذکور (اباءهم و . . .) از کسانی نیستند که دارای همه اوصاف یاد شده در آیات قبل باشند و در نتیجه بالأصاله مستحق جنات عدن باشند و گرنه لازم به عطف نبود زیرا جمله «یدخلونها» شامل آنان نیز می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 1

1 - بهشت پاینده ، فضل بزرگ الهی

ذلک هو الفضل الکبیر . جنّت عدن یدخلونها

«جنّات» بدل از «الفضل الکبیر» و «عدن» به معنای اسقرار و پایندگی است.

101- بهشت قبل از قیامت

3 - جایگاه بهشت پیش از برپایی قیامت ، در فاصله ای دور نسبت به جایگاه مردم است .

وإذا الجنة أُلْفَت

از آنجا که ظاهر آیه شریفه نزدیک آوردن بهشت است؛ نه نزدیک ساختن مردم به آن، می توان گفت: جایگاه بهشت در آغاز برپایی قیامت به عرصه محشر نزدیک نیست.

ص: 118

102- بهشت مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 46 - 4

4- بیمناکان از مقام پروردگار، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جتّان

تشبیه آمدن «جتّان» ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

103- بهشت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 133 -

5,6,8,9,12,14,15,16,17

5- آمرزش الهی و بهشت تقواییان، مقصود بایسته ای برای اهل ایمان

و سارعوا الی مغفره من ربکم ... اعدت للمتّقین

6- نیل به آمرزش الهی و بهشت تقواییان، برانگیزنده اهل ایمان به اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

یا ایّها الذّین امنوا ... و اطیعوا الله و الرسول ... سارعوا الی مغفره من ربکم

جمله «سارعوا الی ...»، بعد از امر به اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، برای ایجاد انگیزه و نیز تشویق مؤمنان به پیروی از خدا و پیامبرش است.

8- ورود به بهشت تقواییان، در گرو آمرزش گناهان

و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدت للمتّقین

تقدیم ذکری آمرزش الهی بر بهشت پهناور، بیانگر تقدّم خارجی آن است؛ یعنی نخست باید آمرزش حاصل شود، و آنگاه ورود به بهشت متّقین.

9- بهشت تقواییان، منزلگاه پاکان

و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدت للمتّقین

چون در آمدن به بهشت مهیا شده برای تقواییشان در گرو آمرزش گناهان است، آن بهشت، جایگاه پاکان از گناه خواهد بود.

12 - بهشت موعود اهل تقوا، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جنّه عرضها السّموات و الأرض اعدّت للمتّقين

بنابر اینکه مراد از «عرض»، وسعت باشد، نه عرض مقابل طول.

14 - بهشت، در انتظار تقواییشان است و برای آنان مهیا شده .

و جنّه عرضها السّموات و الأرض اعدّت للمتّقين

15 - اطاعت خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)، جلب رحمت الهی و آمرزش گناهان، مراحل در طول هم برای ورود به بهشت متّقین

و اطیعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون. و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنّه عرضها

16 - بهشت تقواییشان، اکنون حاضر و آماده است .

اعدّت للمتّقين

کلمه «اعدّت» (مهیا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل بهشت دارد.

17 - بهشت، در اصل، برای تقواییشان آفریده و مهیا شده است .

و جَنَّةٌ .. اَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

بنابر اینکه توصیف «جَنَّة» به صفت «اَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»، وصف توضیحی باشد و نه احترازی؛ یعنی بهشت، جایگاهی برای تقوایبندگان است و اگر دیگران وارد شوند، به تَبَع خواهد بود، نه بالاصاله.

104- بهشت معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 46 - 4

4 - بیمناکان از مقام پروردگار، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

و لمن خاف مقام ربّه جَنَّتَان

تشبیه آمدن «جَنَّتَان» ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

105- بهشت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 133 - 7

7 - امید نیل به آمرزش الهی و بهشت، برانگیزنده اهل ایمان برای شرکت در نبرد با دشمنان

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا .. و اطيعوا الله و الرسول ... سارعوا الي مغفرة من ربك

چون آیات پیشین درباره نبرد و رویارویی با کافران بود، گویا آیات مورد بحث به منظور دستورالعملی است برای اینکه جامعه ایمانی را به گونه ای تربیت کند که دیگر همچون نبرد اُحُد، دلبسته به دنیا نباشد و دچار دلهره و ترس نگردد تا همیشه بر دشمنان دین غالب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 5

5 - بهشت مؤمنان دارای اعمال صالح، جاودانه، دارای نهرهای جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الذين آمنوا و عملوا الصّالحات .. و ندخلهم ظلا ظليلا

«ظلّ» به معنای سایه و «ظليلا» تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

106- بهشت و اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 8

8- بهشت ، دور از هرگونه حزن و اندوه

فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون . أولئك أصحاب الجنة

ص: 120

107- بهشتیان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 7

7 - بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 9

9 - بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیشان به بهشت ، سپاس می گویند .

وقالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 1

1 - بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الجنة اصحاب النار

(نداء) به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

108- بی زبانی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 55 - 3

3- بهرهوری بی ضرر و زیان بهشتیان ، از انواع خوراکی های مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکّه ءامنین

109- بی زبانی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- بهشت در تمامی امکانات و نعمت هایش ، ایمن از هرگونه ناگواری و زیان برای بهشتیان

یدعون فیها بکلّ فکّه ءامنین

با توجه به این که «فاکّه»، در میان سایر بهرهوری های بهشتیان خصوصیتی ندارد؛ وصف «آمنین» می تواند بیانگر تمامی نعمت ها و امکانات بهشت باشد.

ص: 121

110- بی ضرری شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 47 - 1

1 - شراب بهشتیان ، از هرگونه ضرر و زیان و پی آمد ناگوار ، به دور و خالص است .

لا فیها غول

«غول» به معنای فساد و آسیبی مخفی است که دیده و حس نشود. مقصود از آن در آیه شریفه، پی آمدهای ناگوار و ضرر و زیانی است که در همه شراب های دنیایی وجود دارد.

111- بیماری در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 33 - 2

2 - در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

و فکھه . . . و لا ممنوعه

112- پاداش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 34,35

34 - ضایع نشدن اعمال مؤمنان و ثمردهی آن ، به بهره مندی از پاداش های الهی (مغفرت و بهشت) است .

اِنَّی لا اَضِیْعُ عَمَلْ عَامِلٍ . . . ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ

35 - بهشت و آمرزش گناهان ، پاداش نیک خداوند

لَا کُفْرَانَ . . . و لا دَخَلَتْهُمْ . . . ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ و اللّٰهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 5

5 - بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 1،24

1 - خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة

ص: 122

24 - ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن الله اشترى من المؤمنين .. فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 11 - 10

10- صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أولئك لهم مغفرة وأجر كبير

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از «أجرکبیر» بهشت و موهبت‌های اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 60 - 10

10- بهشت ، پاداش کامل مؤمنانی که کردار نیک داشته و از کارهای بد توبه کنند .

فأولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 63 - 4

4- بهشت ، پاداشی فراتر از اجر کردار متقیان ، است ؛ نه هم پایه آن .

نورث من عبادنا من كان تقياً

به مالی که بدون رنج و سختی به کسی برسد «ارث» اطلاق می گردد (مفردات راغب). این تعبیر برای بهشت در کنار تخصیص آن به «من کان تقیاً» اشاره به این دارد که تا تقوا نباشد، ورود به بهشت ممکن نیست. از طرفی بهشت را سرمایه ای که بدون تلاش به دست آمده معرفی کرده است تا بفهماند که این پاداش، با آن کردار، قابل قیاس نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 1

1 - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 23 - 2

2- بهشت ، پاداش خداوند به مؤمنان نيك كردار

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 56 - 4

4- بهشت ، پاداشت مؤمنان نيك كردار

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

ص: 123

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 26 - 3,6

3 - بهشت ، پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

در این که مقصود از «الجنّه» چیست؟ میان مفسران دو نظریه وجود دارد: 1- برخی آن را بهشت اخروی دانسته اند؛ 2- برخی دیگر آن را بهشت برزخی گرفته اند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

6 - بهشت برزخی پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 53 - 2

2 - بهشت و نعمت های آن ، پاداش تقوایندگان است .

جنّ-ت . . . هذا ما توعدون لیوم الحساب

«لیوم الحساب» به تقدیر «لأجل جزاء یوم الحساب» است؛ یعنی، این نعمت ها همان چیزی است که به خاطر روز حساب به شما وعده داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 2

2 - بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقوایندگان

لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنای بناهای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چند طبقه چون کاخ) است. گفتنی است لام در "لهم" برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 12

12 - بهشت ، پاداش و بهای عمل و تلاش تقوایندگان است که آن را به بهانه نمی دهند .

تَبَوُّوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 72 - 1

1 - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 4

4- بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ .. جزاء بما كانوا يعملون

ص: 124

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 4

4 - باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع الله و رسوله یدخله جنّات تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد؛ مراد از «من یطع..» کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 10

10 - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لیلوکم ائکم احسن عملاً

به مقتضای جمله «لیلوکم ائکم احسن عملاً»، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است؛ ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 8

8 - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من كأسٍ . . . و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه 5 تا آیه مورد بحث (آیه 22)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج 10؛ الکشاف، ج 4، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 36 - 1

1 - بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد تقوایبشگی است .

«جزاء» مفعول مطلق و تأكيد كمنده مفاد «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 8 - 10

10 - «قال الرضا (ع) ولقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَسْتَلُّ عِبَادَهُ عَمَّا تَفَضَّلَ عَلَيْهِمْ وَ لَا يَمُنُّ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ الْإِمْتِنَانُ بِالْإِنْعَامِ مُسْتَقْبِحٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ فَكَيْفَ يُضَافُ إِلَى الْخَالِقِ عَزَّوَجَلَّ مَا لَا يَرْضَى الْمَخْلُوقُ بِهِ وَ لَكِنَّ النِّعَمَ حَبْنًا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِئَنَا يَسْتَلُّ اللَّهُ عِبَادَهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ النَّبُوَّةِ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا وَفَى بِذَلِكَ آدَاهُ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ الَّذِي لَا يَزُولُ ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزوجل دربارہ آنچه به

ص: 125

بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منت نمی گذارد. منت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزوجل چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه «ثم لتسئلنّ یومئذ عن النعیم»] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند».

113- پاکان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 31 - 15

15 - خداوند ، آمرزنده گناهان و جای دهنده پاکان در بهشت

نکفر عنکم . . . و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 5 - 48 - 14

14 - بهشت ، سرای پاکان و طهارت یافتگان از بدی ها

جنّ-ت . . . و یکفر عنهم سیئاتهم

تعبیر «یکفر» می رساند که بهشت، جایی نیست که انسان ها با آلودگی گناه و تیرگی لغزش ها بدان گام نهند؛ بلکه باید پس از تطهیر در آن استقرار یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 12 - 61 - 2

2 - بهشت ، جایگاه انسان های پاک و تطهیرشدگان از گناه

یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّ-ت

ذکر جمله «یغفر لکم. . .» پیش از «یدخلکم جنّات»، بیانگر مطالب بالا است.

114- پاکی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فیها ازوج مطهره

ص: 126

115- پاکیزگی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 6,7

6 - ابرار در بهشت ، برخوردار از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار (بیهوشی ، غفلت و عقل زدایی)

و سقیهم ربهم شراباً طهوراً

«طهور»، صیغه مبالغه و صفت برای «شراباً» است؛ یعنی، شراب ابرار در نهایت پاکیزگی و خالص از هرگونه آثار ناگوار شراب های دنیا (همچون بیهوشی، غفلت و کم شدن عقل) است.

7 - بهشتیان ، از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار ، خواهند نوشید .

و سقیهم ربهم شراباً طهوراً

116- پاکیزگی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 49 - 3

3 - تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

كأَنَّهُنَّ بِيضٌ مَّكْنُونٌ

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شتر مرغ، کنایه از تمیزی بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان - که مفاد عبارت «مکنون» می باشد - کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

117- پدران مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 14، 4، 8

4 - بهره مندی پدران ، همسران و فرزندان صالح از بوستان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنّات عدن الّتی وعدّتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعده بهشت داده؛ ولی در عین حال فرموده است:

پدران، همسران و فرزندان ایشان نیز - در صورت صالح بودنشان - وارد بهشت خواهند شد. یادآوری اینان در ردیف مؤمنان تائب - که وعده بهشت تنها به آنان اختصاص دارد - می تواند نوعی پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

8 - بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

و أدخلهم جنات عدن التي وعدتهم ومن صلح من آبائهم وأزوجهم وذریّتهم

یاد کردن مسأله بودن پدران و .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حدی نیستند که مانند مؤمنان باشند (هرچند صلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد؛ زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

14 - عزت و حکمت بی مانند خداوند ، مقتضی دل بستن و امید داشتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسران و فرزندان

ص: 127

صالح آنان به بهشت جاویدان

رَبَّنَا وَاَدْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ... إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» تعلیل برای جمله های پیشین است.

118- پذیرایی با شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 17 - 1

1 - ابرار در بهشت ، از می آمیخته با زنجبیل پذیرایی خواهند شد .

و یسقون فیها كأسًا کان مزاجها زنجبیلًا

«کأس» در معنای می و نیز جام به کار می رود. (لسان العرب)

119- پذیرایی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 1

1 - پذیرایی خادمان بهشتی از پرهیزگاران ، با نوشیدنی هایی در جام های زرین

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

«صِحَاف» (از ماده «صحف») به معنای گسترده و در این جا به معنای ظرف های بزرگ و وسیع است. «أکواب» نیز به معنای ظرف های آب است که دسته ندارند (منظور همان «جام» یا «قدح» است). گفتنی است که در آیه شریفه حذفی صورت گرفته است؛ بدین صورت: «یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب من ذهب...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 5,1

1 - گردش پروانهوار جوانکان بهشتی ، پیرامون ابرار برای خدمت گزاری

و یطوف علیهم ولدن

5 - ابرار در بهشت ، می آمیخته با زنجبیل را از دست جوانکان همیشه شاداب خواهند نوشید .

و يطاف عليهم بانيه . . . و يستقون فيها . . . مزاجها زنجبيلاً . . . و يطوف عليهم ولدن

آيات گذشته، قرينه بر اين است كه يكى از مصاديق اصلى خدمت گزاري جوانكان به ابرار، نوشاندن مى بهشتى به آنان است، چنان كه در آيه 17 و 18 سوره «واقع» بدان تصريح شده است: «يطوف عليهم ولدان مخلدون . بأكواب و أبارق و كأس من معين».

120- پذيرايى در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 128

4- باغ های بهشت ، تنها به عنوان پیش پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است و نه پاداش کامل آنان .

فلهم جنت المأوی نزلًا

«نزل» در لغت به چیزی گفته می شود که برای مهمان تهیه و آماده می شود (مفردات راغب). لازم به ذکر است که «نزلًا» حال برای «جنت» و مفید معنای یاد شده است.

5- پیشکش باغ های بهشت به مؤمنان نیک کردار ، پاداشی فوق تصور و روشنی بخش دیده آنان است .

فلا تعلم نفس ما أخفی لهم من قره أعین . . . اللهم جنت المأوی نزلًا

جمله «فلهم جنت المأوی . . .» می تواند تأکیدی بر «ما أخفی لهم...» و نیز نمادی از آنچه در خفا، برای مؤمنان در نظر گرفته شده، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 17 - 1

1 - گردش پروانهوار جوانکان بهشتی پیرامون پیشتازان راه خدا (سابقون) ، جهت خدمت گذاری به آنان در مجالس انس آنها

متکین علیها متقبلین . يطوف علیهم ولدن مخلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 20 - 2

2 - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

وفکھه ممّا یتخیرون

واژه «فاکھه» عطف بر «أکواب» (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، «و يطوف علیهم ولدان مخلدون بفاکھه ممّا یتخیرون».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 2

2 - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و اکواب کانت قواریرا

1 - تقوایشگان در بهشت ، با جام لبریز از شراب پذیرایی خواهند شد .

و کاساً دهاقاً

«کأس» به جامی گفته می شود که در آن «خمر» باشد. گاهی بر خود «خمر» نیز «کأس» اطلاق می شود. «دهاق» که در دو معنای متضاد (بافشار پر کردن ظرف و یا خالی کردن آن) کاربرد دارد، در این آیه به معنای پرکردن به صورت فشرده و متراکم است (لسان العرب). این کلمه گرچه مصدر است؛ ولی چون وصف «کأساً» می باشد، به معنای اسم مفعول آن (لبالب و پر شده) است.

ص: 129

121- پرسش از کیفیت ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 25 - 2

2 - پرسش بهشتیان از یکدیگر ، درباره چگونگی راهیابی شان به بهشت

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

از آنچه در آیه بعد آمده است، محتوای سؤال - به گونه ای که یاد شد - استفاده می شود.

122- پستی ابریشمی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 1

1 - بهشتیان ، تکیه زده بر پستی ها با آسترهایی از ابریشم

متکین علی فرش بطاننها من إستبرق

«بطائن» (جمع «بطانه») به معنای آسترها است. «إستبرق» به ابریشم درشت باف گفته می شود.

123- پوشاک در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 1

1 - آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إنّ لك ألتجوع فیها و لاتعری

تعبیر «إنّ لك..» وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد؛ زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده «لاتعری» در حق او عملی نگردد.

124- پیشگامان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله «فالسابقات سبقاً» يعني أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنة . . . وأرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «فالسابقات سبقاً» روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند. . . و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند].».

ص: 130

125- پیشگامان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 12 - 1

1 - بهشت ، سرای اخروی سابقون (پیشتازان)

و السابقون ... فی جنّات النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 15 - 2، 1

1 - محل سکونت پیشتازان راه خدا در بهشت ، آراسته به تخت های جواهرنشان

علی سرر موضونه

یکی از معانی «موضونه»، بافته شده به همراه جواهر است.

2 - زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضونه

وجود تخت های جواهرنشان در قصرهای پیشتازان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 16 - 2، 1

1 - پیشتازان راه خدا (سابقون) ، دارای مجلس انس با یکدیگر در بهشت

علی سرر موضونه . متکین علیها متقبلین

از قید «متقابلین» (روبه روی هم)، انس و الفت بهشتیان با همدیگر استفاده می شود.

2 - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضونه . متکین علیها متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متکین علیها متقبلین . . . بأکواب و أباریق و كأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجود میوه های متنوع و گوناگون در بهشت پیشتازان (سابقون)

و فکھه ممّا یتخیرون

2 - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکھه ممّا یتخیرون

واژه «فاکھه» عطف بر «أکواب» (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، «و یتوف علیهم ولدان مخلصون بفاکھه ممّا یتخیرون».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طير ممّا يشتهون

«طير» (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. «ممّا يشتهون» (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

2 - جوانان خدمت گذار، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طير ممّا يشتهون

«لحم طير» عطف بر «أكواب» است؛ یعنی، «و يطوف عليهم ولدان مخلدون بلحم طير».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - در بهشت پیشتازان (سابقون)، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید.

لا يسمعون فيها لغواً و لا تأثيماً

«لغو» به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و «تأثیم» به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - در بهشت پیشتازان (سابقون)، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود.

لا يسمعون فيها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

«قیل» معادل «قول» و موصوف «سلاماً» است؛ یعنی، «لا يسمعون فيها إلا قولاً هو سالم من اللغو و التأثيم».

2 - مکالمات در بهشت پیشتازان، همراه با درود و تحیت پی در پی است؛ نه آمیخته با لغو و نسبت های ناروا.

لا يسمعون فيها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

کلمه «سلاماً» می تواند بدل برای «قیلاً» باشد. گفتنی است که تکرار «سلاماً»، برای بیان تعاقب و پی در پی بودن است؛ یعنی، «سلاماً اثر سلام» (درود پی در پی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 89 - 5

5- ره یافتگان به مقام قرب در آخرت (پشتازان)، برخوردار از بهشتی سرشار از نعمت

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ... وَجَنَّاتٍ نَعِيمٍ

واژه «نعیم»، به معنای نعمت فراوان آمده است (مفردات راغب).

126- تأمین خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 4

4- بهشت، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است.

ص: 132

و هم فی ما اشتھت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 3,6

3 - تأمین تمامی خواسته های متقین در بهشت جاویدان ، وعده تخلف ناپذیر و متعهدانه خداوند به آنان

لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربک وعداً مسئولاً

6 - بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که: «تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)» می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 8

8 - آدمی ، در بهشت به تمامی آنچه می خواهد و طلب می کند ، خواهد رسید .

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدعون

تقدیم «فیها» بر «تشتهی» گویای حصر است؛ یعنی، آنچه می خواهید و آرزو می کنید تنها در بهشت بدان دست می یابید و در غیر بهشت این گونه نیست که آدمی هر آنچه بخواهد، بتواند آن را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 9

9 - تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

و فیها ما تشتهیه الأنفس

تقدیم «فیها» اشعار به این نکته دارد که تمایلات و جودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

127- تأمین نیازها در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- بهشت آدم، محیط صفا و صلح و تأمین کامل نیازها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود.

إِنَّ لِكِ الْأَتْجُوعِ... أَهْبَطًا... بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

چون موضوع دشمن به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیده. چنین برمی آید که در مسکن قبلی آدم (ع) (بهشت) چنین عارضه ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

128- نأبان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 133

6- خردمندان روی آورده به خدا، با روحیه شکر، توبه و تسلیم، در زمره بهشتیان

و بلغ أربعين سنة قال ربّ أوزعنی .. إتی تبت ... نتجاوز عن سيئاتهم فی أصحاب ال

مرجع ضمیر «سیئاتهم» کسانی است که به سن رشد و کمال رسیده و به نیایش پرداخته و بر توبه و تسلیم خویش تأکید میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 32 - 2

2 - بهشت، از آن همه تائبان خداجوی و پاسدار ارزش ها و وظایف دینی

هذا ما توعدون لكلّ أوّاب حفیظ

129- تائبان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 3

3- بهشت های عدن، جایگاه توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح

فأولئك یدخلون الجنة .. جنّ عدن

130- تحریم نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 50 - 6,7

6 - خداوند آب و دیگر مواهب بهشت را بر دوزخیان تحریم کرده است .

إن الله حرمهما علی الکفرین

7 - تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا .. قالوا إن الله حرمهما علی الکفرین

131- تحول در بهشت

2- بهشتیان، از جایگاه خود، رضایت کامل داشته و هیچ تمایلی به جابه جایی از آن و یا تغییری در وضع موجود ندارند.

لايغون عنها حولاً

«بغی» به معنای «طلب» است. «بغی عنه» حاوی تضمین است؛ یعنی، از چیزی اعراض کرد و چیز دیگر به جای آن

طلبید. «حول» مصدر و به معنای «تحول» (جابه جایی) است. بنابراین، «لایبغون عنها حولاً» یعنی: «بهشتیان، طالب هیچ دگرگونی و تحوّل در وضع خود نیستند.».

132- تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 6

6- متقین، در بهشت در حالی که رویه روی یکدیگر قرار دارند، بر تخت ها می آرامند .

إن المتقین فی جنّات .. علی سرر متقبّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت وگویی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إن أصحاب الجنّة الیوم فی شغل فکھون . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متکئون

جمله «هم و أزواجهم ..» استتفای بیانی برای آیه پیشین (إن أصحاب الجنّة...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «آریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 44 - 1

1 - بندگان مخلص خدا، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد .

علی سرر متقبّلین

«سرر» (جمع «سریر») به معنای تخت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 1,3

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج

دوزخیان نیست .

أذلك خير نزلأ أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

3- انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلص خدا

إلأ عباد اللأه المخلصین . . . فی جنّـت النعیم . . . و عندهم قصرت الطرف ... أذلك خ

«نزل» به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

ص: 135

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 13 - 2

2 - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

133- تختهای جواهرنشان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 16 - 2

2 - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضوعه . متکین علیها متقبلین

134- تختهای مزین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 13 - 1

1 - ابرار در بهشت ، بر تخت های مزین تکیه می زنند .

متکین فیها علی الأرائک

«أریکه» (مفرد «أرائک») به معنای تخت مزین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 2

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت

های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متکین فیها علی الأرائک ... و ذللت قطوفها... یسقون فیها كأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

135- تداوم پذیرایی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 3

3 - خدمت گزاری جوانکان بهشتی به ابرار ، دائمی و پیوسته است .

و يطوف عليهم ولدن مخلدون

ص: 136

136- تداوم جوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 2

2 - جوانان خدمت گزار بهشتی ، در جوانیشان جاودان بوده و گرد پیری هرگز بر رخسار آنان نمی نشیند .

و يطوف عليهم ولدن مخلدون

مقصود از جاودانگی در «مخلدون» (جاودانگان)، هم می تواند جاودانگی جوانی باشد و هم می تواند اشاره به ملازمت دائمی جوانکان، با ابرار و خدمت گزارای پیوسته به آنان باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

137- تداوم نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 6

6- بهره مندی همواره و سهل موحدان نیکوکار ، از نعمت های الهی در بهشت

أولئك أصحاب الجنة

تعبیر به «اصحاب» اشاره به همنشینی دائم و همیشگی یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان، با نعمت های بهشتی دارد.

138- تداوم وفور میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 33 - 1

1 - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ; نه فصلی و مقطعی

و فكهه كثيره . لا مقطوعه

139- تذکر اجابت خواسته ها در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 48 - 6

6- یادآوری برآورده شدن خواسته های انسان در بهشت ، از روش های هدایت و جذب انسان ها به دین *

إن المتقين في جنّات وعيون . ادخلوها بسلم ءامنين . ونزعنا ما في صدورهم من غلّ

ص: 137

140- تزکیه قبل از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 5

5 - وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

141- تزئین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 3

3 - رنگ سبز ، از رنگ های زینت بخش امکانات تجملی بهشت

متکین علی رفرف خضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 16 - 2

2 - مکان های فراوانی از بهشت ، برای بزم بهشتیان ، همواره مفروش و آماده است .

وزرابی مبثوئه

«بثّ»؛ یعنی، متفرق ساختن و آشکار کردن و «مبثوئه»؛ یعنی، فراوان و متفرق. (مقاییس اللغه)، مراد از متفرق بودن فرش ها در بهشت، مفروش بودن نقاط مختلفی از آن است.

142- تزئین تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 15 - 1

1 - محل سکونت پیشتازان راه خدا در بهشت ، آراسته به تخت های جواهرنشان

علی سرر موضونه

یکی از معانی «موضونه»، بافته شده به همراه جواهر است.

143- تزیین فرشهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 16 - 1

1 - بهشت برین ، تزیین یافته با فرش های مخمل باف و گران قدر که همواره گسترده است .

وزرابیّ مبثوثة

«زرابیّ» جمع «زُرب» (بر وزن قُفل) یا «زربیه» (به فتح، ضم یا کسر حرف اول) است و به فرش هایی گفته می شود که

ص: 138

دارای، پرزهای لطیف باشد (نهایه ابن اثیر). اصل معنای آن، لباس هایی با خطوط زیبا است که به یکی از مناطق انتساب دارد (مفردات راغب) برخی از مفسران، «زربیه» را تخفیف یافته «آذربیه» می دانند که در انتساب به آذربایجان گفته می شود. (التحریر والتنویر)

144- تشبیه خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 3

3 - خدمت کاران بهشتی ، چونان مروارید های نهفته در صدف

غلمان لهم کأنهم لؤلؤ مکنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 6

6 - جوانکان خدمت گزار ابرار در بهشت ، چون مروارید پراکنده اند .

و يطوف عليهم ولدن مخلدون إذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤا منثورًا

إذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤا منثورًا

145- تشنگی در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 119 - 1

1 - آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

وإنك لاتظمؤا فيها ولا تضحى

«لاتضحى»؛ یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی «جئه» - که بستان پوشیده از درخت است - به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

146- تضمین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 58 - 1

1 - خداوند ، بهشت را ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، تضمین کرده است .

و الذين آمنوا و عملوا الصلحٰت لنبوتّهم من الجنّه عرفاً

لام تأکید و نون ثقیله در «لنبوتّهم» دلالت بر ضمانت می کند.

ص: 139

147- تعدد باغ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 13

13 - باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

أعد لهم جنت تجري تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 9 - 9

9 - بهشت ، دارای باغ های متعدد

فی جنت

148- تعدد باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 4

4- بهشت ، مجموعه ای از باغ های متعدد است . *

جنّات تجري من تحتها الأنهر

جمع آورده شدن «جنات» می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 3

3- بهشت ، باغ ها و بوستان های متعددی دارد .

جنّات عدن

«جنه» به معنای باغ دارای درختانی که به هم تنیدگی درختانش زمین را می پوشاند است. جمع آوردن آن دلالت بر نکته فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- بهشت ، دارای بوستان های متعدّد است .

جَنّت الفردوس

مراد از «فردوس» (وادی سرسبز) همان بهشت موعود است و «جَنّات» دلالت بر تعدّد بوستان های آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 1

1- بهشت ، از بوستان هایی متعدّد تشکیل شده است .

يدخلون الجنة .. جَنّت عدن

ص: 140

«جَنّاتِ عدن» بدل از «الجَنّة» در آیه قبل است. آمدن «جَنّات» به صورت جمع و بدل بودن آن از «الجَنّة»، نشانگر آن است که بهشت از باغ های متعددی تشکیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 2

2 - بهشت ، از بوستان هایی متعدد تشکیل یافته است .

جَنّت عدن

ذکر «جَنّات» به صورت جمع، حکایت از آن دارد که باغ هایی متعدد و ممتاز از یکدیگر بهشت را تشکیل می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 3

3 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد ، سرسبز و پوشیده از درختان

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنّاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 4

4 - بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جَنّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

«جَنّات» جمع جَنّة است و «جَنّت» به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 56 - 7

7 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

فِي جَنّاتِ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 8 - 5

5 - بهشت ، باغ های متعدد دارد .

جنّات النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 2

2 - بهشت ، دارای باغ های متعدد

جنّات عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 11

ص: 141

جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 63 - 4، 1

1 - تعدد و تنوع باغ های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر الهی و غیر قابل تکذیب

و من دونهما جنّتان . فبأیّ الآء ربّکما تکذّبان

4 - بهشت های متنوع و متعدد ، جلوه ای از ربوبیت الهی به جن و انس

و من دونهما جنّتان . فبأیّ الآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 10

10 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

«جنّات» (جمع «جنّه») به معنای بوستان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 15

15 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

«جنّه» (مفرد «جنّات») به معنای بوستان است و جمع آن، نشان دهنده تعدد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 8

8 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های روان در قسمت زیرین آنها

جنّات تجرى من تحتها الأنهر

«جنّه» (مفرد «جنّات») به معنای بوستان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 34 - 4

4 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و گوناگون

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ .. جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 1

1 - تقوایندگان در آخرت ، برخوردار از چندین باغ و تاکستان بزرگ ، با انگوری فراوان

حدائق و أعنبا

ص: 142

«حدیقه» (مفرد «حدائق») به باغی گفته می شود که اطراف آن را برجستگی های طبیعی یا دست ساز احاطه کرده باشد (لسان العرب). کلمه «حدائق» بدل برای «مفازا» و بیانگر این است که بوستان های متعدد، گوشه ای از جایگاه سعادت و خوشبختی متقین است. نکره آوردن «حدائق» و «أعصاب»، برای بیان عظمت آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 3، 1

1 - مؤمنان دارای عمل صالح، برخوردار از بوستان هایی متعدد، در آخرت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

3 - بهشت، دارای بوستان های متعدد است.

لَهُمْ جَنَّاتٌ

149- تعداد بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 13 - 6

6 - تعدّد و جاودانگی بهشت

يدخله جنّات .. خالدین فیها

لازمه خلود بهشتیان در بهشت، جاودانگی خود بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 46 - 2

2 - بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار، بهره مند از دو بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

خوف از مقام پروردگار، می تواند کنایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- دو بهشت خائفان از خدا، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان*

و لمن خاف .. جتّان ... ذواتا أفنان ... فیهما عینان تجریان

از این که پس از عبارت «و لمن خاف .. جتّان» اوصاف به گونه تثنیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو «جتّان» اعتباری نیست؛ بلکه آن چشمه ای دارد و این چشمه ای دیگر؛ به خصوص اگر «أفنان» به معنای «انواع» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 4

4 - تعدد و تنوع بهشت ها در قیامت

ص: 143

150- تعدد تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 44 - 3

3 - وجود تخت های متعدد برای بهشتیان

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین

151- تعدد دربهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 7

7 - بهشت ، دارای درب های متعدد

مفتّحه لهم الأبواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 6

6 - بهشت ، دارای درب های متعدد

فتحت أبوابها

152- تعدد درهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 40 - 9

9 - آسمان حاوی بهشت، دارای درهایی متعدد و راههایی گوناگون برای ورود به آن جایگاه برین

لا تفتح لهم أبواب السماء و لا یدخلون الجنة

153- تعدد نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 8

8 - بهشت ، دارای دربانان متعدد

وقال لهم خزنتها

ص: 144

154- تعداد نه‌های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 6

6 - بهشت دارای نه‌هایی متعدد، لبریز و همواره جاری

تجری من تحتهم الأنهر

اسناد جریان به خود نه‌ها، همانند «جری المیزاب»، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نه‌های بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 13

13 - باغ‌های بهشت، متعدد و دارای نه‌های فراوان

أعد لهم جنت تجری تحتها الأنهر

155- تفاوت باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 2

2 - باغ‌های بهشت، دارای مراتب و ارزش متفاوت

و من دونهما جنتان

برداشت بالا بر این اساس است که «دون» - در «من دونهما» - بیانگر مرتبه پایین‌تر باشد.

156- تفریح در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 28 - 2

2 - تفریح و تفریح اصحاب الیمین، در میان درختان سدر در بهشت

فی سدر مخضود

«فی سدر» خبر برای مبتدای محذوف است؛ یعنی، «هم فی سدر مخضود». این جمله به دو گونه معنا می شود: الف) آنان در میان درختان سدر به سر می برند؛ ب) آنان در سایه درختان سدر به سر می برند. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 3

3 - گردش و تقریح اصحاب الیمین ، در میان درختان پر از میوه موز در بهشت

ص: 145

«و طلح منضود» به تقدیر «هم فی طلح منضود» است؛ یعنی، آنان در میان درختان میوه موز به سر می برند.

157- تکامل در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 3

3 - بهشت برین ، جایگاه رشد و کمال در پرتو ربوبیت خداوند

ارجعی إلى ربك . . . و ادخلى جنتی

این آیه، عطف بر آیه قبل و هر دو تفصیل رجوع به خداوند است. برگزیدن واژه «ربك» در آیات پیشین، بیانگر مواجه شدن بهشتیان با ربوبیت خداوند است.

158- تکامل مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 5

5 - بهره مندی مؤمنان از کمال معرفت و شناخت خداوند در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحک اللهم

159- تکذیب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 6 - 7

7 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «الکفر فی کتاب الله علی خمسہ أوجه . . . فمن کفر الجحود و الجحود علی وجهین . . . فأما کفر الجحود فهو الجحود بالربوبیه و هو قول من یقول لارب و لاجنه و لانار . . . قال الله عز و جل : . . . إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا یؤمنون . . .» ;

کفر در کتاب خدا به پنج معنا آمده است . . . یکی از آنها کفر جحود است که دو وجه دارد: یک وجه آن، انکار ربوبیت است و آن قول کسی است که می گوید: نه خدایی هست نه بهشتی و نه جهنمی . . . خداوند فرمود: إن الذین کفروا سواء علیهم . . .» .

160- تکلیف آدم(ع) در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 5,8,12

5 - استفاده از تمام خوراکی های بهشت ، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود .

ص: 146

و کلا منها رغداً حیث شئتما

8 - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجرة

به قرینه «و کلا» (بخورید) می توان گفت: مراد از «لاتقربا» (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهییه بوده است.

12 - هر گونه بهره برداری از شجره منهییه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله «و لاتقربا . . .» کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجرة.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 9

9 - آدم (ع) و حوا، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف، ملزم بوده اند .

فلا یخرجنکما

گرچه نهی در «فلا یخرجن» متوجه ابلیس است؛ ولی خطاب آن به آدم (ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القانات او است.

161- تکلیف حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 5، 8، 12

5 - استفاده از تمام خوراکی های بهشت، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

8 - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجرة

به قرینه «و کلا» (بخورید) می توان گفت: مراد از «لاتقربا» (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهییه بوده است.

12 - هر گونه بهره برداری از شجره منهیه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لا تقربا هذه الشجره

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله «و لا تقربا . . .» کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لا تاكلا من هذه الشجره.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 9

9 - آدم (ع) و حوا، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف، ملزم بوده اند .

فلا یخرجنکما

ص: 147

گرچه نهی در «فلا یخرجن» متوجه ابلیس است؛ ولی خطاب آن به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القائنات او است.

162- تکیه بر پستی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 1

1 - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پستی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متکین علی رفرخ خضر و عبقری حسان

163- تکیه بر تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 1

1 - بهشتیان ، دارای مجالس انس و تکیه زده بر تخت های چیده شده در کنار هم

متکین علی سرر مصفوفه

«اتكاء» (مصدر «متکین») به معنای تکیه زدن و «سُرر» (جمع «سریر») به معنای تخت ها است. «مصفوفه» (صفت «سُرر»؛ یعنی، چیده شده در کنار هم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 16 - 2

2 - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضونه . متکین علیها متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 13 - 1

1 - ابرار در بهشت ، بر تخت های مزین تکیه می زنند .

متکین فیها علی الأرائک

«أريكة» (مفرد «أرائك») به معنای تخت مزین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 23 - 1،2

1 - نیکوکاران در قیامت ، بر تخت های تزیین شده آرمیده و به تماشای منظره ها خواهند پرداخت .

على الأرائك ينظرون

«أريكة» (مفرد «أرائك») به تختی گفته می شود که تزیین یافته و در خیمه یا خانه ای نهاده شود. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن - اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب - اطلاق می شود. (قاموس)

ص: 148

2 - چشم نیکوکاران در آخرت ، بی نیاز از خواب است و حتی به هنگام آرمیدن بر تختخواب ، نظاره گر زیبایی نعمت ها است . *

علی الأرائک ينظرون

«أرائک» (تخت خواب ها)، به معنای محل خوابیدن است که در آیه شریفه محل نظاره گری معرفی شده است. شاید این تعبیر، به نبود خواب در بهشت اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 35 - 3

3 - صحنه قیامت ، در چشم انداز مؤمنان آرمیده بر تخت های بهشتی است .

فالیوم .. علی الأرائک ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 36 - 6

6 - مؤمنان ، با آرمیدن بر تخت های بهشتی ، مراحل کیفر دادن کافران را نظاره می کنند .

ينظرون . هل ثوب الكفار ما كانوا يفعلون

در برداشت یاد شده، آیه مورد بحث مفعول برای «ينظرون» (در آیه قبل) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 14 - 2

2 - نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

164 - تلاش برای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 3,4

3 - تلاش هرچه بیشتر انسان ها ، برای رسیدن به غفران الهی و بهشت جاودان ، توصیه خداوند به آنان

سابقوا إلى مغفره من ربكم و جنّه

4 - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ؛ نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی

سابقوا إلى مغفره من ربكم و جنّه

165- تلاش برای جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 149

1 - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هرگونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذبين . إن هذا لهو الفوز العظيم . لمثل هذا فليعمل العملون

«لام» در «لمثل» برای تعلیل و «هذا» اشاره به مضامین آیات گذشته است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

166- تنوع آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 4

4 - باغ های بهشتی ، دارای انواع میوه ها و نوشیدنی های عالی و نفیس

بفکجه کثیره و شراب

167- تنوع باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 3

3- بهشت متقین ، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إن المتقين فی جنّات و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 43 - 2

2 - بهشت ، دارای بوستان های گوناگون و متنوع

فی جنّات النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 11

11 - بهشت ، دارای بوستان های متفاوت و متعدد

1 - تعدد و تنوع باغ های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر الهی و غیر قابل تکذیب

و من دونهما جنتان . فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

4 - بهشت های متنوع و متعدد ، جلوه ای از ربوبیت الهی به جن و انس

و من دونهما جنتان . فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 34 - 4

4 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و گوناگون

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ ... جَنَّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 2

2 - بهشت ، دارای بوستان های گوناگون

جَنَّت

«جَنَّة» (مفرد «جَنَّت») به معنای بوستان است.

168- تنوع بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 50 - 2

2 - دو بهشت خائفان از خدا ، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان *

و لمن خاف .. جَنَّتَان .. ذواتا أفنان .. فیهما عینان تجریان

از این که پس از عبارت «و لمن خاف .. جَنَّتَان» اوصاف به گونه تثنیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو «جَنَّت» اعتباری نیست؛ بلکه آن چشمه ای دارد و این چشمه ای دیگر؛ به خصوص اگر «أفنان» به معنای «انواع» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 4

4 - تعدد و تنوع بهشت ها در قیامت

جَنَّتِي

169- تنوع چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 3

3- بهشت متقین ، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إن المتقين فی جنّـت و عیون

ص: 151

170- تنوع گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 21 - 2، 1

1 - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طير ممّا يشتهون

«طير» (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. «ممايشتهون» (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

2 - جوانان خدمت گذار، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طير ممّا يشتهون

«لحم طير» عطف بر «أكواب» است؛ یعنی، «و يطوف عليهم ولدان مخلدون بلحم طير».

171- تنوع میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 42 - 1

1 - انواع میوه ها، رزق و روزی مخصوص و ممتاز بندگان مخلص خدا در بهشت

أولئك لهم رزق معلوم . فوکه

«فواکه» (جمع «فاکهه») بدل کل از «رزق معلوم» و یا خبر برای مبتدای محذوف است و تقدیر آن «ذلک الرزق فواکه» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 4

4 - باغ های بهشتی، دارای انواع میوه ها و نوشیدنی های عالی و نفیس

بنفکة کثیره و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 52 - 3، 2، 1

1 - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو گونه متمایز از هر نوع میوه

فیهما من کلّ فکّه زوجان

2 - دو بوستان خائفان از خدا ، هر یک دارای میوه هایی مخصوص به خود و متمایز از دیگری *

فیهما من کلّ فکّه زوجان

برداشت یاد شده بدین احتمال است که «زوجان» به معنای وجود دو نوع در دو بهشت باشد که در هر بهشت یک نوع از هر میوه وجود داشته باشد.

3 - بهشت ، دارای همه گونه میوه ها

فیهما من کلّ فکّه

ص: 152

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 53 - 1, 2

1 - وجود انواع مختلف از هر میوه در بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما من کلّ فکّه زوجان . فبأیّ ءالاء ربکمما تکذّبان

2 - میوه های متنوع بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما من کلّ فکّه زوجان . فبأیّ ءالاء ربکمما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 69 - 1, 2

1 - وجود انواع میوه ها - خصوصاً خرما و انار - در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

فیهما فکّه و نخل و رمان . فبأیّ ءالاء ربکمما تکذّبان

2 - میوه های متنوع - به ویژه خرما و انار - در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکّه و نخل و رمان . فبأیّ ءالاء ربکمما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 20 - 1, 2

1 - وجود میوه های متنوع و گوناگون در بهشت پیشتازان (سابقون)

و فکّه ممّا یتخیرون

2 - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکّه ممّا یتخیرون

واژه «فاکّه» عطف بر «أکواب» (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، «و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکّه ممّا یتخیرون».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 32 - 2

2- تنوع و فراوانی میوه ها در بهشت اصحاب الیمین

وفکھه کثیره

«کثرت» در آیه شریفه هم شامل کثرت در مقدار و هم شامل کثرت در نوع میوه می شود، برداشت یاد شده ناظر به معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 42 - 2

2- وجود انواع میوه های دلخواه در بهشت

وفوکه ممّا یشتهون

ص: 153

172- تنوع نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 7

7 - بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 2

2 - نعمت های بهشت ، دارای تنوع و گوناگونی فراوان

ذواتا أفنان

«أفنان» می تواند جمع «فان» به معنای انواع باشد. در این صورت «أفنان»، اشاره به گوناگونی نعمت های بهشت و تنوع آن خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 49 - 1، 4

1 - درختان پرطراوت و نعمت های متنوع بهشت ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

ذواتا أفنان . فبأىء الآء ربكما تكذبان

4 - نعمت های متنوع بهشت ، جلوه ربوبیت الهی به جن و انس

ذواتا أفنان . فبأىء الآء ربكما تكذبان

به کار گرفتن وصف «رب» بیانگر مطلب بالا است. تشبیه آمدن «کما» و «تکذبان»، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

173- تنوع نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 6

6نهر های مختلف، زلال، گوارا و لذت آفرین، نمودی از نعمت های والای بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن . . . و أنهر من خمر لذّه

174- توصیف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 2

2- خداوند، توصیف کننده بهشت برای متقین، در قبال جلوه دنیا در چشم کافران

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون . . . زین له سوء عمله . . . مثل الجنّه الّتی وعدا

در صورتی که «مثل» به معنای توصیف باشد، از ارتباط این آیه با آیات پیشین مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 154

175- توقع بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 20 - 6

6 - انتظار بهشتی بودن با داشتن عملی چون دوزخیان ، پنداری ناروا است .

و لاتكونوا كالذين نسوا الله . . . لا يستوى أصحاب النار و أصحاب الجنة

با توجه به این که مخاطب «لاتكونوا» در آیه قبل، مؤمنان می باشند. روی سخن این آیه با مؤمنان است که نپندارند، در صورت همگون بودن با غافلان از خدا و دوزخیان، می توانند در زمره بهشتیان باشند.

176- جابجایی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 108 - 2,5

2- بهشتیان ، از جایگاه خود ، رضایت کامل داشته و هیچ تمایلی به جابه جایی از آن و یا تغییری در وضع موجود ندارند .

لا یبغون عنها حولاً

«بغی» به معنای «طلب» است. «بغی عنه» حاوی تضمین است؛ یعنی، از چیزی اعراض کرد و چیز دیگر به جای آن طلبد. «حول» مصدر و به معنای «تحول» (جابه جایی) است. بنابراین، «لا یبغون عنها حولاً» یعنی: «بهشتیان، طالب هیچ دگرگونی و تحوّل در وضع خود نیستند.».

5- «عن أبي عبد الله (ع) فی قوله «... لا یبغون عنها حولاً» قال : «لا یریدون بها بدلاً» ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خدا «.. لا یبغون عنها حولاً» روایت شده که فرمود: (ساکنان فردوس) مکان دیگری را بدل از فردوس، درخواست نمی کنند.».

177- جام شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 45 - 1

1 - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلص خدا در بهشت

«کأس» به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است؛ نه ظرفی که در آن شراب باشد.

178- جامهای بلورین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 2، 1

1 - گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرا

«اناء» (مفرد «انیه») به معنای ظرف است و «کوب» (مفرد «أکواب») در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. «قاروره» (مفرد «قواریر») نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

2 - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 1

1 - ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

قواریرا من فضّه

179- جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 18 - 3، 2

2 - جوانکان خدمت گذار ، باده گردانان مجالس انس بیشتازان (سابقون) در بهشت

یطوف علیهم ولدن . . . بأکواب و أباریق و کأس من معین

3 - جام ، آبریز و پیاله ، ظروف باده بهشت

بأکواب و أباریق و کأس

«کوب» (مفرد «أکواب») به ظرفی که نه خرطوم دارد و نه دسته گفته می شود. بهترین معادل فارسی آن ظاهراً جام است. «أباریق» (مفرد «أباریق») و به معنای آبریز) ظرفی است که هم دسته و هم خرطوم دارد و «کأس» پیاله ای است که از شراب پر شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 25 - 3

3 - در آخرت ، ساقی شراب ، در خدمت نیکوکاران و عهده دار باده نوشاندن به آنان خواهد بود .

یسقون

فعل مجهول «یُسُقُونَ» بیانگر این است که در آخرت فرد یا افرادی، باده ریز و شرابدار محفل می گساری نیکوکاران خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 14 - 1,2

ص: 156

1 - بهشت ، دارای جام های آماده برای پذیرایی از بهشتیان

و أكواب موضوعه

«كوب» (مفرد «اكواب»); یعنی، تنگ آب که سر آن حلقه مانند است و دستگیره ندارد. برخی آن را پیاله بی دسته می دانند. (مصباح)

2- نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آر میدان بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أكواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 15 - 2

2- بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزین به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از «ردیف بودن» بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

180- جامهای شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 3, 1

1 - تقوایشگان در بهشت ، با جام لبریز از شراب پذیرایی خواهند شد .

و كأساً دهاقاً

«كأس» به جامی گفته می شود که در آن «خمر» باشد. گاهی بر خود «خمر» نیز «كأس» اطلاق می شود. «دهاق» که در دو معنای متضاد (بافشار پر کردن ظرف و یا خالی کردن آن) کاربرد دارد، در این آیه به معنای پرکردن به صورت فشرده و متراکم است (لسان العرب). این کلمه گرچه مصدر است؛ ولی چون وصف «كأساً» می باشد، به معنای اسم مفعول آن (لبالب و پر شده) است.

3 - جام هایی پیایی از شراب ناب ، وسیله پذیرایی از تقوایشگان در بهشت

و كأساً دهاقاً

برخی گفته اند: «دهاقاً»؛ - از ریشه «دهق» (گره زدن پیچی) به معنای رساندن پیچی به نوشتندگان است. برخی دیگر آن را به معنای خالص و صاف دانسته اند. (لسان العرب)

181- جامهای طلایی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 2، 1

1 - پذیرایی خادمان بهشتی از پرهیزگاران، با نوشیدنی هایی در جام های زرین

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

«صحاف» (از ماده «صحف») به معنای گسترده و در این جا به معنای ظرف های بزرگ و وسیع است. «أكواب» نیز به

ص: 157

معنای ظرف های آب است که دسته ندارند (منظور همان «جام» یا «قدح» است). گفتنی است که در آیه شریفه حذفی صورت گرفته است؛ بدین صورت: «یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب من ذهب...».

2 - ظرف ها و جام های بهشتیان ، از جنس طلا است .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

182- جامهای نقره ای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 2, 1

1 - گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرا

«اناء» (مفرد «انیه») به معنای ظرف است و «کوب» (مفرد «أکواب») در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. «قاروره» (مفرد «قواریر») نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

2 - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 1

1 - ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

قواریرا من فضّه

183- جاودانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 3

3 - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنّت عدن الّتی وعدّتهم و من صلح من آبائهم و أزوجهم و ذریّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «مَن» در «و من صلح . . .» عطف بر ضمیر «هم» در «وعدتهم...» باشد؛ یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

184- جاودانان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 9 - 1

1 - بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان نیک کردار

ص: 158

إن الذين آمنوا وعملوا الصلحت . . . في جنت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 26 - 7

7- نیکوکاران، در بهشت جاودانه خواهند ماند.

للذين أحسنوا . . . أولئك أصحاب الجنة هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 23 - 1،7

1- مؤمنان دارای عمل صالح قطعاً وارد بهشت می شوند و در آن جاودانه خواهند بود.

وَأَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ... خلدین فیها

7- مؤمنان دارای عمل صالح، مورد عنایت پروردگار خویش بوده و ورود و جاودان ماندنشان در بهشت برخاسته از ربوبیت اوست.

أَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا... جَنَّاتٍ... خلدین فیها یأذن ربهم

اضافه شدن «رب» به ضمیر «هم»، که مرجع آن «الذین آمنوا» است، مشعر به معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9- حجر - 15 - 48 - 2

2- متقین، از بهشت اخراج نمی شوند و در آن جاوید خواهند ماند.

و ما هم منها بمخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

9- نحل - 16 - 31 - 1،7

1- جایگاه تقوایبشگان در آخرت، بهشت جاودانه است.

و لنعم دار المتقین. جنّـت عدن

«عدن» در لغت به معنای استقرار و ثبات است و این معنا دلالت بر جاودانگی می کند.

7- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبندگان است .

دار المتقين . جنّـت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 3 - 1

1- مؤمنان نيك كردار ، در بهشت و نعمت های آن جاودانه اند .

أنّ لهم أجرًا حسنًا . مكثين فيه أبدًا

مرجع ضمير «فيه» واژه «أجر» است و مراد از «أجر» به قرينه «ماکثين» (ماندگاران)، بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 108 - 1

ص: 159

1- مؤمنان نیک کردار، در باغ های بهشت برین، جاودانه اند.

جَنَّتِ الْفَرْدُوسِ نَزْلًا . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 3

3- بهشت، جاودانه است و متقین در آن جاویدان اند.

أُمُّ جَنَّةِ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

جاودانگی تقوایندگان، از وعده ای که خداوند به آنان برای دخول در بهشت جاوید داده است، قابل استفاده می باشد و در واقع این سخن، کنایه از جاوید بودن خود متقین در بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 1,5

1 - بهشت جاودان و برخوردار از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن، پاداش بندگان خالص خدا

و عباد الرحمن... أولئك يجزون الغرفة... خلدین فیها حسنت مستقرًا و مقامًا

«مستقرًا» تمیز برای ضمیر در «حسنت» و به معنای محل استقرار است و «مقام» اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

5 - بهشت جاودان و برخوردار از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن، پاداش صابران است.

يجزون الغرفة بما صبروا... خلدین فیها حسنت مستقرًا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 58 - 6

6 - مؤمنان دارای عمل صالح، در بهشت، جاودانه خواهند بود.

و الذين آمنوا و عملوا الصلحت لنبؤنَّهم من الجنة.. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 9 - 1,4

1 - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّةٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا أَنْهَارٌ فِيهَا

4 - وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا أَنْهَارٌ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 2,3

2 - بهشت پاینده ، فرجام تمامی مسلمین (تقریظ کننده ، میانه رو و پیشتاز)

جَنَّةٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا أَنْهَارٌ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که فاعل «یدخلون» سه دسته یاد شده در آیه پیش باشد؛ یعنی، تمامی مسلمانان - که امت برگزیده خدایند - سرانجام وارد بهشت خواهند شد؛ هرچند برخی از آنان در اثر بعضی از گناهان، بر خود

ص: 160

ستم کرده باشند، ولی در نهایت بر اثر شفاعت و عفو عمومی خداوند از بهشت بهره مند خواهند شد. گفتنی است آیه بعد - که سخن از غفران الهی است - و دو آیه بعد - که از کافران سخن گفته و در مقابل «الذین اصطفینا» قرار داده شده است - تأکید کننده همین مطلب است.

3- پیشگامان در انجام کارهای خیر و وارثان قرآن کریم، بهره مند از بهشت پاینده

جنّ-ت عدن یدخلونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 14

14 - تقوایپیشگان، در بهشت، جاودانه خواهند ماند.

فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 13

13 - مؤمنان متقی، در بهشت جاویدان اند.

و أنتم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 1

1- تقوایپیشگان، دارای حیاتی جاودان در بهشت برین

لا یدوقون فیها الموت إلاّ الموتة الأولى

عبارت «الموتة الأولى»، ناظر به مرگ دنیوی است و استثناً «إلاّ الموتة الأولى» تأکیدی بر جاودانگی تقوایپیشگان در آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 1

1- یکتاپرستان پایدار بر طریق ایمان، برخوردار از زندگی جاودان در بهشت

إنّ الذين قالوا .. أولئك أصحاب الجنّة خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 7

7 - زنان و مردان مؤمن ، برخوردار از حیات جاودان و پرنشاط در باغ های بهشت

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّ - ت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 21

21 - مؤمنان راستین ، در بوستان های بهشت جاودان خواهند ماند .

خلدین فیها

ص: 161

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 3

3 - آمرزش گناه و حیات جاودان در بوستان های بهشت ، تضمین شده از سوی خداوند ، برای مؤمنان راستین و مجاهدان راه او

تؤمنون بالله... یغفر لكم ذنوبکم و یدخلکم جنّـت... و مسکن طیّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 11

11 - مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت جاودانه اند .

و من يؤمن بالله و یعمل صلحًا . . . یدخله جنّـت... خلدین فیها أبدًا

185- جاودانان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 5

5 - خلود در بهشت عدن ، تبلور درجات عالی مؤمنان دارای عمل صالح در آخرت

لهم الدرجت العلی . جنّت عدن ... خلدین

«جنّات عدن» بدل برای «الدرجات العلی» است؛ یعنی، آن درجات بلند، همان باغ های بهشت عدن است.

186- جاودانگی باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 1

1 - باغ های جاویدان بهشت ، فرجام تقوای پیشگان

و إنّ للمتّقین لحسن مئاب . جنّـت عدن

«جنّات» (جمع «جنّه») به معنای باغ ها و «عدن» به معنای خلود و استقرار است و جمله «جنّات عدن» عطف بیان برای «لحسن مئاب» می باشد.

187- جاودانگی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 14

14 - بهشت جایگاهی است زوال ناپذیر و بهشتیان در آن جاودان خواهند بود .

و هم فیها خلدون

ص: 162

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 82 - 3

3 - بهشت جایگاهی است ابدی و همیشگی .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 4،8

4 - بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقوایبندگان

لَّذَیْنِ اتَّقَوْا . . جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّٰه

8 - پرهیز از شیفتگی به تمایلات نفسانی ، عامل دستیابی به بهشت جاودان و رضوان الهی

لَّذَیْنِ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ

به قرینه آیه قبل می توان مفعول «اتَّقُوا» را موارد ذکر شده در آن آیه دانست. موارد یاد شده عبارت است از حب و شیفتگی به شهوات و
گفتنی است معنای لغوی «اتَّقُوا»، پرهیز و دوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 136 - 1،2،7،8،9،10

1 - آمرزش الهی و جاودانگی در بهشت ، پاداش تقوایبندگان

اعَدَّتْ لِلْمُتَّقِیْنَ . . اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات ... خالدین فیها

«اولئک»، اشاره به تقوایبندگان است؛ یعنی آنان که به ویژگیهای یاد شده، ستوده شدند.

2 - آنان که پشیمان از کرده های ناشایست و ستم بر خویش هستند و اصراری بر گناهان ندارند ، بهره مند از آمرزش الهی و بهشت جاودانه خواهند بود .

و الذّین اذا فعلوا . . اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات ... خالدین فیها

7 - ورود بندگان به بهشتی جاودانه ، در گرو آمرزش گناه آنان

اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات تجرى .. خالدين فيها

تقدّم ذکرى مغفرت و آمرزش بر بهشت (جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات)، حکایت از تقدّم واقعی و خارجی آن بر بهشت دارد؛ یعنی نخست باید آمرزش صورت گیرد، آنگاه اجازه ورود به بهشت داده شود.

8- آمرزش الهی و بهشت جاودان، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الذین ینفقون فی السّراء و الضّراء .. اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات

9- آمرزش الهی و بهشت جاودان، پاداش احسان و نیکوکاری

و اللّٰه یحب المحسنین .. اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم

10- بهشت ها، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جنّات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 198 - 11، 7، 1

1- بی ارزشی بهره ها و قدرت محدود کافران در دنیا، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

ص: 163

متاع قليل ثم ماويهم جهنم . . . لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات ... خالدین فیہ

7- توجه به بهشت جاودانه ، موجب گرایش به تقوا و فریفته نشدن در برابر بهره های اندک دنیا

متاع قليل . . . لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات ... خالدین فیها

11- بهشت جاودان با نهر های روان ، مهیا برای پذیرایی از پرهیزکاران

لهم جنات تجري من تحتها الانهار . . . نزلا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 13 - 6,8

6 - تعدد و جاودانگی بهشت

یدخله جنات . . . خالدین فیها

لازمه خلود بهشتیان در بهشت، جاودانگی خود بهشت است.

8- دخول در بهشت جاودان ، رستگاری بزرگ است .

یدخله جنات . . . و ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 15

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 85 - 1,2,5,8,9

1 - ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فائبهم الله بما قالوا جنت

2- ایمان به خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن عامل ورود به بهشت جاویدان

فائبهم الله بما قالوا جنت

5- بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهرهایی روان

جنت تجرى من تحتها الانهر خلدین فیها

8 - صالحان بهره مند از بهشت جاویدان

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین. فاثبهم اللّٰه بما قالوا جنت

9 - بهشت جاودانه ، پاداش محسنان

جنت تجرى من تحتها الانهر خلدین فیها و ذلك جزاء المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 120 - 7

7 - مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصّٰدقین صدقهم لهم جنت . . . و ما فیهن و هو علی کل شیء قذیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

ص: 164

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 42 - 6 - 1

1 - بهشت جاودان ، جایگاه کسانی که به آیات الهی ایمان آورند و اعمال نیک انجام دهند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. اولئک اصحاب الجنة هم فیها خلدون

متعلق «ءامنوا» به دلیل آیه 40، آیات الهی است.

6 - بهشت جایگاه ابدی و بهشتیان در آن جاویدان هستند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 10

10 - رهیابی به بهشت جاودان ، جز در پرتو هدایت الهی میسر نیست .

و ما كنا لنهتدی لو لا أن هدینا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 15

15 - بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و

نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و المؤمنون و المؤمنت .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 7

7 - بهشت ، جایگاهی همیشگی و زوال ناپذیر

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غیر مجذوذ

«عطاء» حال برای «الجنه» است و «مجذوذ» به معنای مقطوع می باشد. بنابراین «عطاءً غیر مجذوذ»؛ یعنی ، [وارد بهشت می شوند] در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 4

4- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی ما اشتتھم أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 165

12 - فرقان - 25 - 15 - 3,4,5

3 - بهشت ، جاودانه است و متقین در آن جاویدان اند .

أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

جاودانگی تقوایندگان، از وعده ای که خداوند به آنان برای دخول در بهشت جاوید داده است، قابل استفاده می باشد و در واقع این سخن، کنایه از جاوید بودن خود متقین در بهشت است.

4 - زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقوایندگان

جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

5 - بهشت جاودان ، پاداش و سرانجام تقوایندگان

جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جِزَاءً وَ مَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 3

3 - بهشت ، سرایی جاودانه است و بهشتیان در آن جاویدان اند .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 58 - 7,10

7 - بهشت ، جاودانه و ابدی است .

من الجنة .. خلدین فیها

10 - بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبؤننهم من الجنة .. خلدین فیها نعم أجر ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 9 - 2

2- بهشت ، مکانی جاودان است .

جنّات النعیم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 2

2- بهشت ، سرای همیشگی

دارالمقامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 5

5- بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جنّات عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً

ص: 166

188- جاودانگی چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 12 - 1

1 - بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

«عین» نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه «جاریه» یا «تجری»، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

189- جاودانگی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 6

6- میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُكَلِّهَا دَائِمًا وَظِلَّهَا

«ظللها» مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

190- جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 12

12 - حیات جاودانه متقین در بهشت

لَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ .. خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 12

12 - بهشت و بشارت خلود در آن ، تنها بخشی از ضیافت الهی برای تقوایندگان است .

نزلا من عند الله

کلمه «نزل»، به چیزهایی گفته می شود که در آغاز ورود میهمان برای پذیرایی از وی فراهم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 13 - 2

2 - اطاعت از خدا و رسولش ، عامل دخول و جاودانگی در بهشت

و من يطع الله ورسوله يدخله جنّات . . . خالدین فیها

ص: 167

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 7

7 - جاودانگی مؤمنان دارای اعمال صالح در بهشت

و الذین امنوا .. خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 122 - 5

5 - مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند .

و الذین ءامنوا .. سندخلهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 2، 1

1 - باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیا شده از جانب خدا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

2 - بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد الله لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 16

16 - آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 8

8 - بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

أولئك أصحاب الجنة هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 6,8,2

2- بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین فيها مادامت السموت و الأرض

6- خلود بهشتیان در بهشت ، بسته به مشیت خداوند است .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین . . . إلا ما شاء ربك

8- وعده خداوند بر مخلّد ساختن بهشتیان در بهشت ، مشیت او را محدود نخواهد ساخت و مانع او در موقت قرار دادن آن نخواهد شد .

خلدین فیها . . . إلا ما شاء ربك عطاءً غیر مجذوذ

«عطاءً غیر مجذوذ» حاکی از دوام بهشت و نعمتهای آن و تأکیدی بر «خالدین فیها» است. استثنای «ما شاء ربك» در

ص: 168

ضمن بیان خلود و دوام نعمتهای بهشت گویای این نکته است که وعده های خداوند، موجب آن نمی شود که مشیت او مقید شود و وی را از این که برخلاف آن عمل کند، ناتوان سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 108 - 3

3- خلود در بهشت، هیچ ملالت و خستگی برای اهل بهشت فراهم نمی آورد.

خلدین فیها لایبغون عنها حولاً

جمله «لایبغون» مانند «خالدین» حال است برای «هم» در آیه قبل؛ یعنی، آنان، در عین خلود در بهشت، چیزی غیر آن نمی طلبند، گرچه، نوعاً، ماندن در یک مکان، قدری ملالت همراه دارد، ولی بهشت، به گونه ای است که چنین ملالتی در پی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 39 - 14

14- «عن رسول الله (صلی الله علیه و آله): إذا دخل أهل الجنة النار وأهل النار النار... . يقال: يا أهل الجنة خلود فلاموت و یا أهل النار خلود فلاموت ثم قرأ رسول الله (صلی الله علیه و آله): «وأنذرهم يوم الحسرة إذ قضی الأمر و هم فی غفله» و أشار بیده و قال: أهل الدنيا فی غفله»

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم درآیند... گفته می شود: ای اهل بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این آیه را خواند «وأنذرهم يوم الحسرة إذ قضی الأمر و هم فی غفله» (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود: اهل دنیا در غفلت اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 2

2- بهشت، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنت عدن

برخی «عدن» را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج 3). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار - در مقام تمجید - به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 2

2 - متقین ، در بهشت موعود خویش همواره جاودان خواهند بود .

لهم فيها ما يشاءون خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 2

ص: 169

2 - فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 29 - 12

12 - بشارت به عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إنّما یخشی الله من عباده العلموا .. إنّ الذین یتلون کتب الله و أقاموا الصل

«بوار» (ریشه «لن تبور») به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای «هلاک» به کار می رود (برگرفته از مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 1

1 - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر وارد کردن آنان به سرای همیشگی

الحمد لله .. الذی أحلّنا دار المقامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 59 - 4

4 - «عن أبی جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنّة النار وأهل النار النار ... یقال : خلود فلا موت أبداً . فیقول أهل الجنّة : «أفما نحن بمیّتین . إلاّ موتتنا الأولى ...» ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند.. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: «أفما نحن بمیّتین...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 60 - 1

1 - رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی ، فوز عظیم و رستگاری بزرگ برای انسان ها است .

فی جنّات النعیم . . . و ما نحن بمعذبّین . إنّ هذا لهو الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 2

2- بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 4,5

4- بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

ص: 170

أولئك أصحاب الجنة .. جزاء بما كانوا يعملون

5- آمیخته ساختن ایمان با عمل صالح ، شرط بهرهوری مؤمنان از بهشت جاودان

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ .. أولئك أصحاب الجنة ... جزاء بما كانوا يعملون

در آیه قبل، دو عنصر ایمان و استقامت، زمینه ورود به بهشت جاودان معرفی شده است و در این آیه عمل، به عنوان اساس و ملاک ره یافتن به بهشت جاودان مطرح گشته است. از این نکته می توان استفاده کرد که تجلی عقیده در عمل، برای یکتاپرستان کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 6

6 - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 12

12 - بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان

جنّ-ت .. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 1,6

1 - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. جزاؤهم عند ربّهم جنّ-ت عدن تجری من تحتها الآن

6 - وجود تمامی امکانات ، برای اقامت دائمی انسان در بهشت

جنّ-ت عدن .. خلدین فیها أبداً

«عدن»، معرفه است؛ خواه علم برای مصدر «العدن» (اقامت گزیدن) باشد و خواه علم برای زمین بهشت. در صورت دوم نیز، تناسب معنای لغوی آن مورد نظر بوده است؛ یعنی، بهشت دارای تمام امکاناتی است که لازمه اقامت دائمی انسان در آن است.

191- جاودانگی در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 120 - 9

9- آدم (ع) به سکونت جاودانه خویش در بهشت اطمینان نداشت .

إِنَّ لَكَ الْآتِجُوعَ .. هَلْ أَدْلَكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ

خداوند، تأمین بودن آدم(ع) از نظر غذا، پوشاک، آب، و مسکن را به او خبر داد؛ ولی گویا آدم در عین تضمین این نعمت ها، نسبت به جاوید بودن خود در آن بهشت اطمینان نداشت. از همین رو وسوسه شیطان در او اثر کرد.

ص: 171

192- جاودانگی در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 4

4 - بهشتیان در بهشت های عدن ، جاودانه و مخلدانند .

جنت عدن . . . خلدین فیها

193- جاودانگی سایه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 30 - 1

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

«ممدود»؛ یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت «ظلّ ممدود» را به سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

194- جاودانگی لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 6

6 - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

195- جاودانگی متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 55 - 7

7 - تجلی فرمانروایی و اقتدار یگانه خداوند برای متقین ، در جایگاه جاودانه بهشت

فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

196- جاودانگی مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 1

ص: 172

1 - حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین . . . تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 16

16 - آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 9 - 1

1 - بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان نیک کردار

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . . . فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 7

7 - زنان و مردان مؤمن ، برخوردار از حیات جاودان و پرنشاط در باغ های بهشت

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّـت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

197- جاودانگی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 6

6- میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُكلها دائم و ظلّها

«ظلّها» مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

198- جاودانگی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 8

8 - نعمتِ سرشارِ باغِها و بوستانِهای بهشت، جاودان و زوال ناپذیر است.

جنت لهم فیها نعیم مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 16

16 - آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت‌های بهشتی و زندگی در آن

ص: 173

خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 10

10- بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غیر مجذوذ

«عطاء» حال برای «الجنة» است و «مجذوذ» به معنای مقطوع می باشد. بنابراین «عطاءً غیر مجذوذ»؛ یعنی ، [وارد بهشت می شوند] در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 6

6- میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أكلها دائم و ظلّها

«ظلّها» مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 54 - 2

2 - نعمت های بهشت ، جاویدان و پایان ناپذیر است .

ما له من نفاد

«نفاد»، به معنای زوال و انقطاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 15

15 - نعمت های بهشتی ، تمام ناشدنی و پایان ناپذیر

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین و أنتم فیها خلدون

از جاودانگی تقوایندگان در بهشت (أنتم فیها خالدون) و فراهم بودن تمامی خواسته ها و لذت های آنان (وفیها ما تشتهیه الأنفس)، استفاده می شود که نعمت های پایان ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 72 - 1

1 - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلك الجنة التي أورثتموها بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 55 - 3

3 - لذت ها و نعمت های بهشتی ، پایدار و جاودان است ؛ نه چون نعمت های دنیا زوال پذیر .

فی جنّات و نهر . فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

ص: 174

در صورتی که عبارت «فی مقعد صدق»، در بیان اوصاف همان استقرار در باغ ها و نهرها باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 10

10 - دستیابی به غفران الهی و نعمت های جاودان بهشت ، رستگاری بزرگی است .

یغفر لکم ذنوبکم . . . ذلک الفوز العظیم

199- جاودانگی نه‌های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 5

5 - بهشت و جریان نه‌های آن ، جاودانه است .

جنّـت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً

200- جاودانگی هوای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 6

6- میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أكلها دائم و ظلّها

«ظلّها» مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

201- جایگاه بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 5

5 - بهشت نخستین آدم و حوا، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود.

و یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة . . . قال اهبطوا

جمله «و لکم فی الأرض مستقر» دلالت می کند که بهشتی که آدم و حوا در آن سکونت داشتند در زمین نبوده است و کلمه «اهبطوا» حکایت از آن دارد که آن مکان برتر و بالاتر از زمین بوده است.

202- جذابیت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 175

3 - بندگان مخلص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از «طرف» می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

4 - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

5 - زنان بهشتی ، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

«عیناء» (مفرد «عین») به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 3

3 - تقوایشگان در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «طرف» مربوط به غیر زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را، به خود مشغول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4 - همسران بهشتی تقوایشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 4

4 - بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصرت الطرف

مقصود از «طرف» می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

203- جریان نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 6

ص: 176

6 - بهشت دارای نه‌هایی متعدد ، لبریز و همواره جاری

تجری من تحتهم الأنهر

اسناد جریان به خود نه‌ها، همانند «جری المیزاب»، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نه‌های بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 15

15 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نه‌های جاری در زیر آنها

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

«جنّه» (مفرد «جنّات») به معنای بوستان است و جمع آن، نشان دهنده تعدد آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 6

6 - بوستان های بهشت ، دارای نه‌هایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد .

لهم جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

حرف «من» برای ابتدای غایت است و دلالت دارد که آب نه‌ها، از منابع زیر زمینی بوستان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه «اشجار»، مراد از «من تحتها»، «من تحت اشجارها» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 4,5

4 - جاری بودن نه‌های فراوان ، از زیر درختان بهشت

عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً

درباره مفاد «تجری من تحتها الأنهار»، سه تصور وجود دارد؛ 1. با تقدیر کلمه «اشجار»، مراد جریان آب از زیر درختان و کنار ساقه های آن است؛ 2. مراد جریان آب، زیر کاخ ها و تخت های بهشتیان است؛ 3. مراد بیان آب خیز بودن زمین بهشت است؛ به گونه ای که آب نه‌ها، از زیر زمین بهشت سرچشمه می گیرد.

5 - بهشت و جریان نه‌های آن ، جاودانه است .

جنّات عدن تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبداً

204- جنه المأوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 5

5- «عن أبي جعفر (ع) قال: . . . وأما قوله «و من دونهما جنتان» يقول من دونهما في الفضل وليس من دونهما في القرب و هما لأصحاب اليمين و هي جنة النعيم و جنة المأوى . . .»

از امام باقر(ع) روایت شده: . . . اما این قول خداوند «و من دونهما جنتان» می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به «جنة النعيم» و «جنة المأوى» می باشد.

ص: 177

205- جنه النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 5

5- « عن أبي جعفر (ع) قال: . . . وأما قوله « و من دونهما جنتان » يقول من دونهما في الفضل وليس من دونهما في القرب و هما لأصحاب اليمين و هي جنّ النعيم و جنّ المأوى . . . »

از امام باقر(ع) روایت شده: . . . اما این قول خداوند «و من دونهما جنتان» می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به «جنّ النعيم» و «جنّ المأوى» می باشد.

206- جنس جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 2

2- ظرف ها و جام های بهشتیان ، از جنس طلا است .

یطاف عليهم بصحاف من ذهب و أكواب

207- جنس فرشهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 4

4- « عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) « . . . فيها فرش مرفوعه » بعضها فوق بعض من الحرير و الديباج بألوان مختلفه . . . و ذلك قول الله عزّوجلّ « و فرش مرفوعه » . . . »

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است: در غرفه های بهشت فرش هایی است که بعضی از آنها بر روی بعضی دیگر گسترده شده و از جنس حریر و دیبا با رنگ های مختلف است. . . و این گفتار خداوند است که می فرماید: و فرش مرفوعه» . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 16 - 1

1- بهشت برین ، تزئین یافته با فرش های مخمل باف و گران قدر که همواره گسترده است .

«زرایّ» جمع «زُرب» (بر وزن قُفَّل) یا «زریّه» (به فتح، ضم یا کسر حرف اول) است و به فرش‌هایی گفته می‌شود که دارای، پرزهای لطیف باشد (نهایه ابن اثیر). اصل معنای آن، لباس‌هایی با خطوط زیبا است که به یکی از مناطق انتساب دارد (مفردات راغب) برخی از مفسران، «زریّه» را تخفیف یافته «آزریّه» می‌دانند که در انتساب به آذربایجان گفته می‌شود. (التحریر والتنویر)

208- جوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 17 - 2

2 - جوانان خدمت گذار بهشتی ، همواره جوان بوده و هرگز گرد پیری بر رخسار آنان نمی نشینند .

یطوف علیهم ولدن مخلدون

209- جواهرات تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 15 - 1, 3

1 - محل سکونت پیشتازان راه خدا در بهشت ، آراسته به تخت های جواهرنشان

علی سرر موضونه

یکی از معانی «موضونه»، بافته شده به همراه جواهر است.

3 - «عن جابر عن أبي جعفر (ع) قال: إنّ أسرّتها من درّ و یاقوت و ذلک قول اللّٰه «علی سرر موضونه» یعنی اوساط السرر من قضبان الدّرّ و الیاقوت ;

جابر از امام باقر(ع) روایت نموده که تخت های بهشتیان مقرب، از درّ و یاقوت است و این سخن خداوند است که می فرماید: «علی سرر موضونه»؛ یعنی، بر تخت های بافته شده که در میانه آن تخت ها، شاخه های درّ و یاقوت هست».

210- جوش چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 66 - 1

1 - وجود چشمه های همیشه جوشان در باغ های بهشت

فیهما عینان نضّاختان

«نضّاختان» وصف برای «عینان» است؛ یعنی، دو چشمه ای که دارای جوشش و فوران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- وجود چشمه های جوشان در باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان نضاختان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

211- جهنمیان و نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 50 - 6،7

ص: 179

6 - خداوند آب و دیگر مواهب بهشت را بر دوزخیان تحریم کرده است .

إن الله حرمهما على الكفرین

7 - تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا .. قالوا إن الله حرمهما علی الكفرین

212- چشمه بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 14 - 2

2 - نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أكواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

213- چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 9 - 8

8 - بهشت ، دارای چشمه سار های روان در زیر پای بهشتیان

تجری من تحتهم الأنهر فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 45 - 1

1- جایگاه تقوایپیشگان ، باغ ها و چشمه سار های بهشت است .

إن المتقین فی جنّات و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 4

4- بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 5

5- بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

ص: 180

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 52 - 1

1- بوستان ها و چشمه ساران بهشت ، جایگاه امن تقوایندگان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ . فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 15 - 2

2- بهشت ، دارای باغ های پوشیده از درختان و چشمه ساران متعدد

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

«جَنَّت» (مفرد «جَنَّت») به باغ پوشیده از درختان گفته می شود و «عیون» (جمع «عین») به معنای چشمه ساران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 50 - 3، 1

1 - دو بوستان عطا شده به خداترسان ، دارای دو چشمه همیشه جاری

و لَمَنْ خَافَ . . . جَنَّتَانِ . . . فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

3 - چشمه های همیشه جاری ، از نعمت های لذت آفرین و دلخواه بهشت

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 51 - 4، 1

1 - چشمه های جاری در بهشت خائفان ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ . فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

4 - وجود چشمه های همیشه جاری در بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ . فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 67 - 1

1 - چشمه های جوشان و فوران کننده بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما عینان نضاختان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 31 - 3

3 - اصحاب الیمین ، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسکوب

عبارت «و ماء مسکوب» به تقدیر «هم فی ماء مسکوب» است؛ یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 181

1 - وجود چشمه کافور در بهشت ابرار

کافورًا . عیناً یشرَب بها عباد اللّٰه

«عیناً»، بدل برای «کافوراً» در آیه پیش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجود چشمه سلسبیل در بهشت ابرار

زنجبیلًا . عیناً فیها تسمّی سلسبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - «عن أبی عبداللّٰه (ع) قال : قال رسول اللّٰه (صلی الله علیه و آله) : . . . إذا انتهى إلى باب الجنّة . . . فیدخل فإذا هو بشجرة ذات ظلّ ممدود . . . یخرج من ساقها عینان تجریان فینطلق إلى إحدىها فیغتسل منها . . . ثمّ یشرَب من الأخری فلا یکن فی بطنه مغص و لا مرض و لاداء أبداً و ذلك قوله تعالی « و سقاہم ربّہم شراباً طهوراً » . . . ;

امام صادق (ع) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود: هرگاه [بنده خدا] به در بهشت برسد. . . وارد آن می شود، آن گاه با درختی روبه رو می شود که دارای سایه ای گسترده است. . . از ساق آن دو چشمه جاری می شود آن گاه به سوی یکی از آن دو می رود و از آن غسل می کند. . . سپس از چشمه دیگر می نوشد، پس از آن برای همیشه در شکم او هیچ درد، مرض و بیماری نمی باشد و این است سخن خدای تعالی: «و سقاہم ربّہم شراباً طهوراً»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - جایگاه تقوایبندگان، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

2 - بهشت، دارای سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 1

1 - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون .. کلوا و اشربوا هنیئاً ... إنا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 12 - 3، 2

2 - نوشیدنی بهشتیان ، از چشمه ای همیشه جاری تأمین می گردد .

تسقی من عین ءانیه .. فیها عین جاریه

این آیه ، در مقابل آیه ای است که از نوشاندن مایعات چشمه سوزان به جهنمیان ، سخن گفته بود . بنابراین در این آیه نیز ،

ص: 182

ذکر چشمه جاری تنها به منظور بیان زیبایی آن نبوده؛ بلکه توصیف نوشیدنی بهشتیان نیز مراد است.

3 - چشمه های جاری در بهشت ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه .. فیها عین جاریه

کلمه «عین» اسم جنس نکره و قابل تطبیق بر یک یا چند چشمه می باشد. آیاتی که بهشت را به داشتن چشمه هایی متعدد توصیف کرده است، می تواند قرینه بر اراده تعدد در این آیه نیز باشد. ارتباط این آیه با «ناعمه» در آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

214- چشمهای همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 2,5

2 - بندگان مخلص خدا ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از «قاصرات الطرف» کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

5 - زنان بهشتی ، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

«عیناء» (مفرد «عین») به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 2

2 - تقوایشگان در بهشت ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مراد از «قاصرات الطرف»، کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- همسران بهشتی تقواییشان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 2

2 - بهشتیان ، دارای همسرانی نیکو ، با چشمانی سیاه و زیبا

ص: 183

«حور» (جمع «حوراء») به معنای سیاه چشمان و «عین» جمع «عیناء») و به معنای زیبا چشمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 22 - 2

2 - پیشنهاد در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

«حور» جمع «حوراء» است و «حوراء» به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. «عین» جمع «عیناء» است و «عیناء» در وصف چشم زیبا آورده می شود.

215- حبیب نجار در بهشت برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 26 - 9

9 - مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدنش ، از آگاه نبودن مردم از جایگاه بهشتی خود ، اظهار تأسف کرده و آرزو نمود که ای کاش آنان آگاه می شدند .

یلت قومى یعلمون

جمله «یا لیت قومى ..» برای استتفای بیانی است؛ یعنی، بیانگر امری است که پس از ورود به بهشت [برزخی] اتفاق افتاده است.

216- حقانیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 58 - 10

10- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسرّنه بلسانک لعلّهم یتذکرون

تعبیر «فإنّما یسرّنه ..» پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

217- حقیقت آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 14

14- شراب ها و نوشیدنی های بهشت ، متفاوت با شراب های دنیا و دارای ماهیت و اثری دیگر

وأنهر من خمر لذه للشربین

ص: 184

صفاتی که خداوند برای نوشیدنی های بهشت (آب، شیر و شراب) بیان داشته، صفاتی است که در دنیا برای آنها موجود نمی باشد. آنها در اسم شبیه اند، ولی در ماهیت و اثر متفاوت.

218- حقیقت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 16

16 - بهشت ، مقام قرب الهی است . *

فی روضات الجنّات . . . عند ربّهم

بنابراین احتمال که «عند ربّهم» خبر دیگری برای «الذین . . .» باشد، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 58 - 11

11- حقیقت بهشت و دوزخ ، فراتر از سطح درک بشر

فإنّما یسّرناه لبسانک لعلّهم یتذکّرون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در ترسیم دوزخ و بهشت بود - استفاده می شود که آنچه در آن آیات آمده، شکل آسان شده و تنزل یافته مطلب است؛ نه ماهیت عالی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 5

5 - بهشت ، سر منزل قرب و جوار الهی

ابن لی عندک بیتاً فی الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 38 - 3

3 - بهشت ، بوستانی پر نعمت

219- حقیقت بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 16

16 - « حسین بن میسر قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن جنة آدم فقال : جنة من جنات الدنيا تطلع فيها الشمس والقمر ولو كانت من جنات الآخرة ما خرج منها أبداً ;

حسین بن میسر گوید از امام صادق(ع) در مورد بهشت آدم(ع) سؤال کردم فرمود: آن باغی از باغ های دنیا بود که خورشید و ماه در آن جا طلوع می کرد و اگر از باغ های آخرت بود هرگز از آن جا خارج نمی شد.».

ص: 185

220- حقیقت بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 10

10- « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . جنات عدن قضيب غرسه الله بيده ثم قال له : كن فكان . . . » ;

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روایت شده است که فرمود: «جنات عدن» شاخه ای است که خداوند با دست خود کاشته سپس فرموده: [بهشت] باش، پس آن شد . . .».

221- حقیقت شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 14

14- شراب ها و نوشیدنی های بهشت ، متفاوت با شراب های دنیا و دارای ماهیت و اثری دیگر

و أنهر من خمر لذه للشربین

صفاتى که خداوند برای نوشیدنی های بهشت (آب، شیر و شراب) بیان داشته، صفاتی است که در دنیا برای آنها موجود نمی باشد. آنها در اسم شبیه اند، ولی در ماهیت و اثر متفاوت.

222- حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 1

1 - خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنة

223- حوربان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 15

15 - حوران بهشتی ، از آن مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ

منظور از «الخيرات» به قرينه آيه 70 سوره الرحمن (فيهن خيرات حسان) مي تواند حوران بهشت باشد.

ص: 186

224- خانواده مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 7

7- الحاق اعضای مؤمن خانواده بهشتیان به ایشان ، تبلور لطف و فضل الهی در حق آنان

و الذین ءامنوا و اتبعتهم ذرّیتهم بایمن ألحقنا بهم ذرّیتهم

225- خانه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 72 - 6

6- وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در « جنات عدن »

و مسکن طیبه فی جنت عدن

«جنات عدن» می تواند نامی خاص باشد و غیر از «جنات تجری ..» به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

226- خداترسان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 1,4

1- بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهان

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ .. من خشی الرحمن بالغیب

بنابراین که «بالغیب» متعلق به «خشی» باشد، برداشت بالا به دست می آید.

4- بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشی الرحمن بالغیب

بنابر این که «بالغیب» وصف برای «رحمان» باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بیم دارندگان از گناه و مخالفت پروردگار ، بهره مند از دو بهشت

ولمن خاف مقام ربّه جنتان

خوف از مقام پروردگار، می تواند کنایه از ترک گناه و پرهیز از مخالفت با فرمان پروردگار باشد. برداشت بالا بر پایه این احتمال است.

4 - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی مادی و بهشتی معنوی *

ولمن خاف مقام ربّه جنتان

تشبیه آمدن «جنتان» ممکن است اشاره به مطلب بالا داشته باشد؛ چه این که برخی از مفسران نیز بدان اشاره کرده اند.

5 - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنتان

طبق نظر برخی از مفسران، تشبیه آمدن «جنتان» نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 50 - 2

2- دو بهشت خائفان از خدا، دارای تفاوت های بسیار و تنوع فراوان*

و لمن خاف .. جنتان ... ذواتا أفنان ... فیهما عینان تجریان

از این که پس از عبارت «و لمن خاف .. جنتان» اوصاف به گونه تشبیه آمده است، چنین استفاده می شود که تفاوت آن دو «جنت» اعتباری نیست؛ بلکه آن چشمه ای دارد و این چشمه ای دیگر؛ به خصوص اگر «أفنان» به معنای «انواع» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 51 - 1

1 - چشمه های جاری در بهشت خائفان، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما عینان تجریان . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 4,5

4- شکوه، جلال، آسایش و تنعم، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام .. متکین علی فرش ... و جنی الجنتین دان

5- بی قراران از خوف مقام پروردگار، دارای آرامش و آسایش در نعمت های بهشت

و لمن خاف مقام ربّه جنتان .. متکین علی فرش ... و جنی الجنتین دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 55 - 2

2- آسایش، تنعم و بهره‌وری های خائفان مقام پروردگار در بهشت، جلوه ای از ربوبیت عالی خداوند و نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب

متکین ... فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 41 - 1

1 - بهشت ، تنها جایگاه نهایی برای خداترسان رهیده از هوای نفس

فإنّ الجنّه هی المأوی

جمله «فإنّ الجنّه ..» به دلیل وجود «ال» جنس در خبر، دلالت بر حصر دارد.

ص: 188

227- خدائشناسی مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 5

5 - بهره مندی مؤمنان از کمال معرفت و شناخت خداوند در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحک اللهم

228- خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 6

6 - مأموران الهی، خدمت گذاران اهل تقوا و همسران آنان در بهشت

ادخلوا الجنة انتم و أزواجکم... یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) به قرینه آیه قبلی می توان استفاده کرد که مرجع ضمیر «علیهم» پرهیزگاران و همسران آنانند. ب) از صیغه مجهول «یُطاف» می توان استفاده کرد که خدمت گذاران بهشتیان، مأموران الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 17 - 4

4 - « [عن مجمع] إنهم أولاد أهل الدنيا لم یکن لهم حسنات فیثابوا علیها و لا سیئات فیعاقبوا فأنزلوا هذه المنزله . عن علی (ع) ;

از امام علی (ع) درباره «ولدان مخلصان» روایت شده که آنان فرزندان اهل دنیا هستند که حسناتی نداشتند تا به آنان ثواب داده شود و گناهی نداشتند که مورد عقاب قرار گیرند. پس آنان در این منزلت (خادمان اهل بهشت) قرار گرفته اند.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 20 - 4

4 - « عن الحسن البصری أن رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال : إن أدنی أهل الجنة منزله الذی یرکب فی ألف ألف من خدمه من الولدان المخلدین علی خیل من یاقوت أحمر لها أجنحه من ذهب » إذا رأیت ثم رأیت نعمیاً و ملکاً کبیراً » ;

از حسن بصری روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: کمترین اهل بهشت از نظر مقام، کسی است که در میان یک

میلیون خدمت کار نوجوان، همیشه جوان بر اسبی از یاقوت سرخ - که بال های طلایی دارد - سوار می شود [سپس این آیه را تلاوت فرمود:] «إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مَلَكًا كَبِيرًا».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 2

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

مَتَكِّئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ . . . وَ ذَلَّلْتَ قَطُوفَهَا... يَسْقُونَ فِيهَا كَأْسًا ... يَطُوفُ عَلَيْهِمْ

ص: 189

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

229- خدمتکاران متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 2

2- خدمت کاران زیباروی تقوایندگان ، موجوداتی بهشتی

غلمان لهم

نکره آمدن «غلمان» می رساند که این خدمتکاران، مخلوقاتی بهشتی اند و نه از نوع خدمت کاران دنیوی متقین؛ و گرنه باید «غلمانهم» گفته می شد.

230- خرماي بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 69 - 2، 1

1- وجود انواع میوه ها - خصوصاً خرما و انار- در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما فکھه و نخل و رمان . فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

2- میوه های متنوع - به ویژه خرما و انار - در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکھه و نخل و رمان . فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

231- خستگي در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 108 - 3

3- خلود در بهشت ، هیچ ملالت و خستگی برای اهل بهشت فراهم نمی آورد .

خلدین فیها لایبغون عنها حولاً

جمله «لایبغون» مانند «خالدین» حال است برای «هم» در آیه قبل؛ یعنی، آنان، در عین خلود در بهشت، چیزی غیر آن نمی طلبند، گرچه، نوعاً، ماندن در یک مکان، قدری ملالت همراه دارد، ولی بهشت، به گونه ای است که چنین ملالتی در پی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 3

ص: 190

3- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إِنَّا أَنشَأْنَهُمْ إِنشَاءً

به کارگیری فعل ماضی «أنشأهون»، بیانگر مطلب یاد شده است.

233- خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 2

2 - خداوند تمام خوردنیهای بهشت را برای آدم و همسرش مباح کرد.

فَكَلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 5

5- بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أُكَلِّهَا دَائِمًا وَظِلَّهَا

«أُكَلِّ» به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. «ظِلٌّ» به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 4

4 - دسترسی بهشتیان به طعام و نوشیدنی بدون هیچ گونه رنج و تلاش

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ

از مجهول آمدن «يُطَافُ» استفاده می شود که ظرف های غذا و جام های نوشیدنی، بدون تلاش بهشتیان در اختیار آنان قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 1

1 - مؤمنان بهشتی ، برخوردار از خوردنی ها و نوشیدنی ها

کلوا و اشربوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 1

1 - پذیرایی شدن تقوایندگان در بهشت ، از خوردنی ها و نوشیدنی ها

کلوا و اشربوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 191

1 - محسنان، بهره مند از سایه ها، چشمه سارها، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون... کلوا و اشربوا هنیئاً... إنا کذلک نجزی المحسنین

234- خوردنیهای بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 5

5 - استفاده از تمام خوراکی های بهشت، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود.

و کلا منها رغداً حیث شئتما

235- خوش اخلاقی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 6

6 - «قال الصادق (ع) الخیرات الحسان من نساء أهل الدنيا و هنّ أجمل من الحورالعین»؛

امام صادق(ع) فرمود: «خیرات حسان» (زنان نیک خو و زیبا صورت بهشت) از زنان اهل دنیا هستند و آنان از «حورالعین» زیباتراند».

236- خوشبویی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطففین - 83 - 26 - 2

2 - صُراح باده بهشتی نیکوکاران، با مشک لاک و مهر شده است.

ختمه مسک

برخی از اهل لغت، «ختم» را به معنای وسیله ختم و علامت گذاشتن می دانند و می گویند: تنگ شراب را در آخرت، با مشک ممهور می کنند؛ نه این که مانند صُراح (تنگ شراب) دنیا، آن را با گل و امثال آن سربسته سازند. راغب این معنا را با آیه شریفه مناسب نمی داند.

237- خیریت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 4

4 - خیر و رستگاری واقعی ، دستیابی به بهشت و زندگی جاودان بهشتی است .

ص: 192

أولئك لهم الخيرات وأولئك هم المفلحون. أعد الله لهم جنت

238- خيمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 2

2- حوریان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 73 - 1، 2

1 - حوریان مستور در خیمه های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر پروردگار و غیرقابل تکذیب

حور مقصورت . . . فبأی الآء ربکما تکذبان

2- حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخيام . فبأی الآء ربکما تکذبان

239- دربهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 5

5- درب های باغ های جاویدان بهشت ، به روی تقوایندگان باز و گشوده است .

مفتّحه لهم الأبواب

240- درجات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 107 - 6، 7

6- « عن النبي (صلى الله عليه وآله) : الفردوس أعلى درجه فی الجنّه و فیها یكون عرش الرحمن و منها تفجر أنهار الجنّه الأربعة ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده: فردوس، بالاترین درجه بهشت است و عرش رحمان در آن جا است و نهرهای چهارگانه بهشت، از آن جا سرچشمه می گیرد».

7- « عن النبی (صلی الله علیه و آله) : الفردوس من ربوه الجنّه هی أوسطها و أحسنها ;

از پیامبر(صلی الله علیه و آله) روایت شده: فردوس، از مکان های مرتفع بهشت است و آن جا وسط و بهترین مکان بهشت است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 11 - 6, 3, 2

ص: 193

2 - بهشت ، دارای مراتب و درجات مختلف

الذین یرثون الفردوس

برخی از مفسران، «فردوس» را به «أعلى الجنان» (بالا ترین درجه بهشت) معنا کرده اند. برداشت فوق بر پایه این احتمال استوار است.

3 - فردوس ، نام بالاترین درجات بهشت

الذین یرثون الفردوس هم فیها خلدون

6 - « عن رسول الله (صلی الله علیه و آله) . . . والفردوس ربوه الجنة وأوسطها وأفضلها ;

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: فردوس، جایگاه بلند، و بهتر و برتر بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 5، 2، 1

1 - بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . . . أولئك یجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: 1- «أولئك» اشاره به «عبادالرحمان» است. 2- «غرفه» به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

2 - صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أولئك یجزون الغرفه بما صبروا

گفتنی است «با» در «بما» برای سببیت است.

5 - صبر و شکیبایی در انجام تکالیف و ترک محرمات الهی ، عامل بهره مندی از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هوناً . . و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . . . و الذین لایشهدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 3

3 - وجود فاصله میان موقف تقوایبندگان در محشر و بهشت

وسيق الذين اتقوا ربهم إلى الجنة زمراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 62 - 3,5

3 - مؤمنان به تناسب عملکرد خویش ، برخوردار از بهشت های متفاوت *

و لمن خاف مقام ربه جنتان ... و من دونهما جنتان

در صورتی که «دوניהما» به معنای مرتبه پایین تر باشد، احتمال می رود که دو بهشت قبل مخصوص خائفان و این دو بهشت فروتر، از آن کسانی باشد که در مرتبه پایین تر قرار دارند.

5 - « عن أبي جعفر (ع) قال: ... وأما قوله « و من دونهما جنتان » يقول من دونهما في الفضل وليس من دونهما في القرب و هما لأصحاب اليمين و هي جنة النعيم و جنة المأوى ... »

از امام باقر(ع) روایت شده: .. اما این قول خداوند «و من دونهما جنتان» می فرماید: پایین تر از آن دو در فضیلت نه پایین تر در نزدیکی (مکانی) و آن دو بهشت برای اصحاب الیمین است و آن [معروف] به «جنة النعيم» و «جنة المأوى» می باشد.

ص: 194

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 9

9 - بهشت ، دارای درجات و مراتب است .

جنّ - ت تجری . . . فی جنّ - ت عدن

از تمایز «جنّات تجری» و «جنّات عدن»، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

241- درخت اقاقای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 4

4 - بهشت اصحاب الیمین ، معطر با عطر گل های درختان اقاقیا

و طلح منضود

برخی از مفسران «طلح» را به «ام غیلان» (درخت اقاقیا) تفسیر کرده اند. درخت اقاقیا دارای گلی بسیار خوشبو است.

242- درخت موز بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 1,2,6

1 - وجود درختان موز ، در بهشت اصحاب الیمین

و طلح منضود

درباره واژه «طلح» چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها «موز» است.

2 - درختان موز در بهشت اصحاب الیمین ، پربار و میوه های آن چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

«نضد» به معنای چیدن بر روی هم است «طلح منضود» یعنی، درختان موز که میوه های آن بر روی هم چیده شده است.

6 - «عن علی بن ابی طالب (ع) فی قوله «و طلح منضود» قال : هو الموز ;

از امام علی (ع) درباره سخن خداوند «و طلع منضود» روایت شده که مراد درخت موز است».

243- درختان انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 1

1 - باغ های بهشت ، آکنده از میوه ها و درختان نخل و انار

فیهما فکھه و نخل و رمان

ص: 195

244- درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 7

7 - بهشت دارای درختانی انبوه و میوه دار

آن لهم جنت .. کلما رزقوا منها من ثمره

«ثمره» به میوه درختان گفته می شود. بهشت و بستان را از آن جهت جنت می گویند که پوشیده از درختان انبوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 31

31 - جریان نهر های متعدد ، زیر درختان بهشت

جنت تجری من تحتها الانهار

به نظر می رسد مراد از «من تحتها الانهار»، «من تحت اشجارها» باشد، یعنی نهرها از زیر درختان آن جاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 85 - 5

5 - بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهرهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 6

6 - بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهرهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 15، 2

جنت تجری

«جنت» (مفرد جنات) به بوستانی گفته می شود که زمین آن پوشیده از درخت باشد.

15- بهشت جاودان، بوستان های پوشیده از درخت، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و المؤمنون و المؤمنات .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... و وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 15

15 - جاری شدن نهر ها در زیر درختان انبوه بهشتی، جلوه ای از نعمت های جذاب و لذت آفرین اخروی

ص: 196

لهم جنت تجرى تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 3

3- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جنّ-ت تجرى من تحتها الأنهر

«جنات» به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشانند. جمع آورده شدن «جنات» هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 4,5

4 - بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جنّ-ت تجرى من تحتها الأنهر

«جنات» جمع جنّه است و «جنت» به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

5 - بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جنّ-ت تجرى من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 58 - 4

4 - از زیر درختان بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

من الجنّه غرّاً تجرى من تحتها الأنهر

جمله «تجرى من تحتها الأنهار» می تواند حال برای «الجنّه» باشد و ضمیر «تحتها» به «الجنّه» برگردد. در این صورت، این برداشت، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جَنّات تجرى من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 2،7

2 - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ

«جَنَّة» (مفرد «جَنَّات») به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

7- بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

ص: 197

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 64 - 5

5 - « عن أبي عبدالله (ع) في قوله « مدهامتان » قال : يتصل ما بين مكّه و المدينة نخلاً ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند: «مدهامتان» فرمود: [مثل این است که] ما بین مکه تا مدینه نخل های خرما به یکدیگر متصل باشد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 28 - 1

1 - عالی ترین نوع درختان سدر ، موجود در بهشت اصحاب الیمین

و أصحاب الیمین . . . فی سدر مخضود

توصیف درخت سدر به «مخضود» (بدون تیغ)، ظاهراً اشاره به نوع عالی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 1

1 - وجود درختان موز ، در بهشت اصحاب الیمین

و طلح منضود

درباره واژه «طلح» چند معنا ذکر کرده اند که یکی از آنها «موز» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 10

10 - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان است .

بشریکم الیوم جنّـت

«جنّته» (مفرد «جنّات»)، به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 19

19 - وجود نهر های همیشه روان ، از زیر درخت های بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 41 - 2

2 - بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینة - 98 - 8 - 4

ص: 198

4 - جاری بودن نهر های فراوان ، از زیر درختان بهشت

عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً

درباره مفاد «تجری من تحتها الأنهار»، سه تصور وجود دارد؛ 1. با تقدیر کلمه «أشجار»، مراد جریان آب از زیر درختان و کنار ساقه های آن است؛ 2. مراد جریان آب، زیر کاخ ها و تخت های بهشتیان است؛ 3. مراد بیان آب خیز بودن زمین بهشت است؛ به گونه ای که آب نهرها، از زیر زمین بهشت سرچشمه می گیرد.

245- درخواست آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 3

3 - تقوایشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفقہه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تکثیر «فاکھه» و «شراب» برای تفخیم می باشد؛ یعنی، میوه های عالی و نفیس.

246- درخواست بهشت برای نائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 1

1 - وارد کردن مؤمنان نائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربنا و ادخلهم جنات .. و من صلح من ابائهم و أزوجهم و ذریَّتہم

«مَنْ» در «و من صلح...» می تواند عطف بر ضمیر «هم» در «ادخلهم...» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «وعدتہم» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

247- درخواست بهشت برای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 1

1 - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ .. وَ مِنْ صَلْحٍ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

«مَنْ» در «و مِنْ صَلْحٍ ..» می تواند عطف بر ضمیر «هم» در «أَدْخِلْهُمْ...» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «وَعِدْتَهُمْ» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

ص: 199

248- درخواست بهشت برای فرزندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 1

1 - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و ادخلهم جنّاتٍ .. و من صلح من ءابائهم و ازوجهم و ذریّتهم

«مَنْ» در «(و من صلح..)» می تواند عطف بر ضمیر «هم» در «(ادخلهم...)» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «(وعدتهم)» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

249- درخواست بهشت برای مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 1

1 - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و ادخلهم جنّاتٍ .. و من صلح من ءابائهم و ازوجهم و ذریّتهم

«مَنْ» در «(و من صلح..)» می تواند عطف بر ضمیر «هم» در «(ادخلهم...)» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «(وعدتهم)» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

250- درخواست بهشت برای والدین مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 1

1 - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

ربّنا و ادخلهم جنّاتٍ .. و من صلح من ءابائهم و ازوجهم و ذریّتهم

«مَنْ» در «(و من صلح..)» می تواند عطف بر ضمیر «هم» در «(ادخلهم...)» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «(وعدتهم)» باشد. برداشت یاد

شده مبتنی بر احتمال نخست است.

251- درخواست بهشت برای همسران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 1

ص: 200

1 - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

رَبَّنَا وَاَدْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ. .. و من صلح من ابائهم و ازوجهم و ذریَّتہم

«مَنْ» در «و من صلح. ..» می تواند عطف بر ضمیر «هم» در «أَدْخُلْهُمْ...» و یا عطف بر ضمیر «هم» در «وعدتہم» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

252- درخواست خانه بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 11 - 3

3 - درخواست همسر فرعون از خداوند ، مبنی بر زیستن در جوار رحمت او و بنا کردن خانه ای در بهشت برای وی

إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ

253- درخواست میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 3

3 - تقوایبشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

يَدْعُونَ فِيهَا بِفَكَهٍ كَثِيرٍ وَ شَرَابٍ

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تکثیر «فاکهه» و «شراب» برای تفخیم می باشد؛ یعنی، میوه های عالی و نفیس.

254- درخواست نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 85 - 2

2 - چشمداشت به پاداش الهی ، آرزوی بهشت و درخواست نعمت های آن از خداوند ، امری شایسته و بایسته برای اهل ایمان

و اجعلنی من ورثه جنَّه النعیم

255- درخواست وراثت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 85 - 1

ص: 201

1 - دعای ابراهیم (ع) به درگاه خدا، برای قرار گرفتن در زمره وارثان بهشت

واجعلنی من ورثه جنّہ النعیم

«من» در این آیه تبعیضیه و «ورثه» جمع وارث است؛ یعنی، مرا یکی از وارثان بهشت قرار بده.

256- درهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 9

9- بهشت عدن دارای درب های بسیار

والملائکة یدخلون علیهم من کل باب

257- دشنام در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 25 - 1

1 - در بهشت پیشتازان (سابقون)، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید.

لا یسمعون فیها لغواً و لا تأثیماً

«لغو» به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و «تأثیم» به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

258- دعوت به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 21

21 - خداوند، دعوت کننده انسان ها به بهشت و آمرزش خویش است.

واللّٰه یدعوا الی الجنّٰه و المغفره باذنہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 25 - 2

2- خدا، مردم را از فریفته شدن به زندگی ناپایدار دنیا بر حذر داشته و به سرایی سراسر امن و سلامت (بهشت) فرامی خواند.

إنما مثل الحيوة الدنيا .. والله يدعوا إلى دارالسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 46 - 1

1- دعوت از تقوایبندگان برای ورود به بهشت، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج، درد، ناخوشی و

ص: 202

نامنی است .

إن المتقين في جنّات و عیون

«باء» در «بسلام» در معنای «مصاحبت» به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 13

13- دعوت فرشتگان از تقوایبندگان به هنگام قبض روح آنان ، برای ورود به بهشت

المتّین . الذین تتوفّهم الملكة طیبین یقولون ... ادخلوا الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 11

11 - تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلك خیر أم جنّ الخلد التي وعد المتّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 70 - 3

3 - دعوت خداوند از تقوایبندگان ، برای ورود آنان همراه با همسرانشان به بهشت

ادخلوا الجنة أنتم و أزواجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 1

1 - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنّتی

اضافه «جنّه» به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

259- دعوت کنندگان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 41 - 2

2- پیشوایان و رهبران جوامع در پیش الهی دو دسته اند : دعوت کنندگان به آتش دوزخ و فراخوانان به نعمت های بهشت .

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار

260- دعوت های نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 203

13 - دعوت دربانان بهشت از تقواییشان برای ورود به آن

قال لهم خزنتها .. فادخلوها خلدین

261- دلایل حقانیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 14

14 - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ الله لهم عذاباً شديداً .. جنّات تجري من تحتها الأنهار ... الله الذي خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها - پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته - می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

262- دوری بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 13 - 3

3 - جایگاه بهشت پیش از برپایی قیامت ، در فاصله ای دور نسبت به جایگاه مردم است .

وإذا الجنة أزلفت

از آنجا که ظاهر آیه شریفه نزدیک آوردن بهشت است؛ نه نزدیک ساختن مردم به آن، می توان گفت: جایگاه بهشت در آغاز برپایی قیامت به عرصه محشر نزدیک نیست.

263- دوستی متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 2

2- متقین در بهشت ، دارای روابط صمیمانه و به دور از هرگونه ناخالصی اند .

ادخلوها بسلم ءامنین . ونزعنا ما فی صدورهم من غلّ

«غَلّ» در لغت به معنای غش و ناخالصی آمده است.

264- ذکر نعمت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 204

5- یاد نعمت ها و تعظیم عطایای خداوند، نقل مجلس انس متقین، در بهشت *

فکھین بما ءاتیہم ربہم

در معنای «فاکھین» گفت و گوهای دوستانه در مجالس انس آورده شده است.

265- ربوبیت خدا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 3

3 - بهشت برین، جایگاه رشد و کمال در پرتو ربوبیت خداوند

ارجعی الی ربک . . . و ادخلی جنتی

این آیه، عطف بر آیه قبل و هر دو تفصیل رجوع به خداوند است. برگزیدن واژه «ربک» در آیات پیشین، بیانگر مواجه شدن بهشتیان با ربوبیت خداوند است.

266- رحمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 6

6- بهشت های عدن، جلوه ای از رحمت بی کران الهی است.

جنت عدن التي وعد الرحمن

کلمه «الرحمن» بیانگر نکته فوق است.

267- رضایت بخشی زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 2

2- زندگی در بهشت، زندگی کاملاً رضایت بخش و دل پسند

فی عیشہ راضیہ

به قرینه آیه بعد (فی جنّه عالیہ) زندگی رضایت بخش، در بهشت خواهد بود.

268- رفاه در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 6

ص: 205

6 - بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکنی گزیدند، جایگاهی مرفه و دارای نعمت های فراوان و نیکو بود.

و کلا منها رغداً حیث شئتما

«رغداً» به معنای: پر خیر و برکت، پاک و دارای رفاه می باشد. کلمه «رغداً» حال برای ضمیر «منها» است؛ یعنی، از بهشت استفاده برید، در حالی که این بهشت پر خیر و برکت و ... است.

269- رفع اندوه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 3،4

3 - بهشت، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لایمسننا فیها نصب و لایمسننا فیها لغوب

«نصب» به معنای تعب و رنج و «لغوب» به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

4 - اعطای بهشت و سرای پایدار و بی رنج و افسردگی، فضل و لطف خداوند به بندگان

لایمسننا فیها نصب و لایمسننا فیها لغوب

270- رفع سختی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 3

3 - بهشت، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لایمسننا فیها نصب و لایمسننا فیها لغوب

«نصب» به معنای تعب و رنج و «لغوب» به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

271- رفع کینه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- خداوند ، هرگونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

«غلّ» در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

ص: 206

272- رفعت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 10 - 3

3 - بهشت ، در مکانی بلند و رفیع

فی جتّه عالیّه

وصف «عالیه» در برداشت یاد شده، وصفی توضیحی لحاظ شده است.

273- رنگ پستی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 1

1 - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پستی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متکین علی رفرف خضر و عبقری حسان

274- رنگ سبز در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 3

3 - رنگ سبز ، از رنگ های زینت بخش امکانات تجملی بهشت

متکین علی رفرف خضر

275- رنگ شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 46 - 1

1 - سپید و درخشان بودن شراب ، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

«بیضاء» به اعتبار مطروف (شراب) صفت برای «کأس» (ظرف شراب) است؛ نه به اعتبار ظرف. توصیف دیگر آن در آیه بعد به این که مایه در دسر و مستی نمی شود، مؤید همین مطلب است.

276- رنگ همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 49 - 1,2

ص: 207

1- زنان و حوران بهشتی، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند.

كَأَنَّھُنَّ بَیضٌ

«بیض» اسم جنس و مفرد آن «بیضه» و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به «بیض» تشبیه می کنند.

2- رنگ زنان بهشتی، سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است.

كَأَنَّھُنَّ بَیضٌ

277- روابط عاطفی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 4

4- پیوند های عاطفی، باقی میان مؤمنان و نسل ایشان در بهشت

أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

نوید به ملحق شدن ذریه مؤمنان به آنان در بهشت، می رساند که مؤمنان در بهشت نیز به نسل خود دلبسته اند و از قرار گرفتن آنان در کنار خویش احساس لذت می کنند.

278- روابط متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 47 - 2

2- متقین در بهشت، دارای روابط صمیمانه و به دور از هرگونه ناخالصی اند.

ادخلوها بسلام ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

«غلّ» در لغت به معنای غش و ناخالصی آمده است.

279- رؤیت بهشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 31 - 2

2- « متقین » ، قادر به مشاهده بهشت در صحنه قیامت *

الجَنَّة .. غیر بعید

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر «غیر بعید» - از پی «أزلفت» - بیانگر این معنا باشد که بهشت آن قدر به متقین نزدیک خواهد شد، که در مرئی و منظر آنان قرار خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 208

5- بهشت و جهنم ، برای مردم در قیامت قابل مشاهده است . *

وإذا الجحیم سعرت . وإذا الجنة أزلفت

هدف از شعلهور کردن جهنم و نزدیک نمودن بهشت ممکن است این باشد که همگان آنها را مشاهده کرده و به فرجام نیکان و بدان آگاه شوند.

280- زمین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 14

14 - « عن أبي جعفر (ع) « الحمد لله الذي صدقنا وعده و أورثنا الأرض ... » یعنی : أرض الجنة ;

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره «.. و أورثنا الأرض...» فرمود: مقصود زمین بهشت است».

281- زمینه اخراج از بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 4

4- شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إليه الشیطن . . . قال اهبطا منها

282- زمینه بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 8

8- تقوا ، زمینه ساز ورود به بهشت و رسیدن به مواهب بی کران الهی

دار المتّقین . جنّـت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - نزول آرامش از سوی خداوند بر مؤمنان ، مایه افزایش ایمان و زمینه ساز ورود آنان به بهشت

أنزل السكينة .. ليزدادوا إيماناً ... ليدخل المؤمنین و ... جنّات

«لیدخل..» نتیجه اطمینان عطا شده از ناحیه خداوند و فزونی ایمان مؤمنان است که در آیات پیشین طرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 28 - 1

ص: 209

1 - دعا و نیایش به درگاه خداوند ، زمینه ساز راهیابی انسان به بهشت و رهایی از دوزخ

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ . إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 60 - 1

1 - نعمت های شگرف بهشت ، پاداش و احسان خداوند به اعمال نیک و شایسته خلق

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ . . . هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَانَ

واژه «احسان» در لغت عرب بر دو معنا اطلاق می شود: الف) کار نیک، ب) نیکی به غیر. در آیه شریفه «احسان» اول به معنای اول و احسان دوم به معنای دوم به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 2

2 - انسان ها ، باید دنیا را میدان مسابقه جهت دست یافتن به بهشت و آمرزش الهی قرار دهند .

و ما الحيوة الدنيا إلا متع الغرور . سابقوا إلى مغفرة من ربكم و جنّته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 5

5 - اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا ، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان ، قطع حرام خواری و دل نبستن به ثروت ، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ . . . و ادخلی جنتی

283- زمینه بهشت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 16 - 4

4 - پیشینه درخشان تقوایپیشگان و پابندی آنان بر نیکی و احسان ، مایه دستیابی آنان به بهشت و هدایای پروردگار

ءاخذین ما ءاتیهم . . . إئهم کائوا قبل ذلک محسنین

284- زمینه جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 7

7- هجرت در راه خدا و یاری دین ، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرین و الأنصار . . . رضی الله عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 210

17 - فتح - 48 - 5 - 2

2 - اطمینان و آرامش معنوی، در پی دارنده کمال ایمان در دنیا و بهشت جاودان در آخرت

أنزل السكينة .. ليزدادوا إيماناً ... ليدخل المؤمنین و المؤمنت جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 17

17 - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح، در به دست آوردن سعادت اخروی و بهشت جاودانه

و من يؤمن بالله و يعمل صلحاً یدخله جنّات .. خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 9

9 - ایمان و عمل، مکمل یکدیگر در رساندن انسان به بهشت جاویدان

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. جزاؤهم عند ربّهم جنّات عدن ... خلدین فیہ

285- زمینه نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 23 - 3

3 - دستیابی به بهشت و نعمت های فراوان آن، منوط به عبودیت و بندگی انسان به درگاه خداوند است.

یَبْشُرُ اللّٰهُ عِبَادَهُ الذّٰلِیْنَ ءَامَنُوا

ذکر کلمه «عباد»، می تواند اشعار به این داشته باشد که عبودیت بندگان صالح، موجب برخورداری آنان از بهشت و نعمت های آن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 3

3- پیوستگی ایمان و عمل صالح در زندگی مؤمنان، شرط بهره مندی آنان از نعمت بهشت

يدخل الذين آمنوا وعملوا الصلحت جنّـت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - رحمن - 55 - 60 - 3

3 - دستيابی به بهشت و نعمت های آن ، منوط به عملکرد نیک خود انسان

هل جزاء الإحسن إلا الإحسن

از این که احسان، در مقابل احسان مطرح شده - به دلالت التزام - دانسته می شود که آدمی، آن گاه به احسان و پاداش حق دست می یابد که خود، اهل احسان و عملکرد نیک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 211

5- بهشت برین و نعمت های آن ، محصول تلاش ها و دستاورد های انسان ها در دنیا است .

بما أسلفتم فی الأیام الخالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 12 - 6, 3, 2

2- صبر و شکیبایی ابرار در راه خدا ، سبب بهره مندی آنان از بهشت و موهبت های آن است .

و جزیههم بما صبروا جنّه و حریراً

3- وفای به نذر ، ایثار و انفاق به نیازمندان جامعه بدون چشمداشتی و خوف از قیامت ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . . . إنّما نطعمکم لوجه اللّٰه ... و جزیههم بما صبروا ج

از مصادیق مورد نظر صبر در این آیه، موارد یاد شده است که در آیات پیش در وصف ابرار آمده است.

6- صبر در راه خدا ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

و جزیههم بما صبروا جنّه و حریراً

286- زمینه های ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 133 - 10

10 - آمرزش گناهان و درآمدن به بهشت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و اطیعوا اللّٰه و الرّسول . . . سارعوا الی مغفره من ربّکم و جنّه

آمرزش گناهان، فعل خدا و در اختیار اوست. بنابراین مراد از شتاب به سوی مغفرت، انجام اعمالی است که موجبات آمرزش الهی را فراهم می سازد، که به قرینه عطف شدن «سارعوا» بر «اطیعوا اللّٰه و الرّسول»، همان پیروی از خدا و پیامبرش است.

287- زنان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20- زنان بهشتی از حیض و حدث پاک هستند .

و ازواج مطهّره

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: لا یحضن و لا یحدثن.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 164، ح 11؛ نورالثقلین، ج 1، ص 321، ح 57، 58.

ص: 212

288- زنجبیل بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 17 - 1

1 - ابرار در بهشت ، از می آمیخته با زنجبیل پذیرایی خواهند شد .

و یسقون فیها كأسًا کان مزاجها زنجبیلًا

«کأس» در معنای می و نیز جام به کار می رود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 5

5 - ابرار در بهشت ، می آمیخته با زنجبیل را از دست جوانکان همیشه شاداب خواهند نوشید .

و یطاف علیهم بانیه . . . و یسقون فیها . . . مزاجها زنجبیلًا . . . و یطوف علیهم ولدن

آیات گذشته، قرینه بر این است که یکی از مصادیق اصلی خدمت گزاری جوانکان به ابرار، نشان دادن می بهشتی به آنان است، چنان که در آیه 17 و 18 سوره «واقع» بدان تصریح شده است: «یطوف علیهم ولدان مخلدون . بأکواب و أبارق و كأس من معین».

289- زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5

5 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 7

7 - زندگی در بهشت جاودان ، بهترین و برترین زندگی و سرانجام برای انسان

قل أذلک خیر أم جنة الخلد . . . جزاء و مصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 8

8 - اهمیت نقش نهر های بهشت ، در زیبایی و جذابیت آن

جنّ - تجری من تحتها الأنهر

از این که خداوند، تنها وصفی را که برای باغ های بهشت یاد کرده وصف «تجری..» است؛ مطلب یاد شده استفاده می شود.

ص: 213

291- زیبایی پستی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 1

1 - بهشتیان ، در بزم با شکوه خویش ، تکیه زده بر پستی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متکین علی رفر خضر و عبقری حسان

292- زیبایی جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 2

2 - قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرا . قواریرا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند؛ نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

293- زیبایی جوش چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 66 - 2

2 - زیبایی فزاینده مناظر بهشت ، با فوران آب چشمه ها

فیهما عینان نضّاختان

294- زیبایی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 4، 1

1 - خدمت کاران جوان و زیبارو ، در طواف متعین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و يطوف عليهم غلمان لهم

«غلام» (مفرد «غلمان») به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

4- خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی ، برای تقوایشانگان از سرشوق و پروانهوار

و يطوف عليهم غلمان لهم

تعبیر «یطوف»، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

ص: 214

295- زیبایی درختان انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 3

3- زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در میان دیگر درختان بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

296- زیبایی فرشهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 1

1- بهشتیان، در بزم با شکوه خویش، تکیه زده بر پشتی های سبز و فرش های بی نظیر در جنس و زیبایی

متکین علی رفر ف خضر و عبقری حسان

297- زیبایی نخلستانهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 3

3- زیبایی ویژه منظره درختان نخل و انار در میان دیگر درختان بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

اختصاص به ذکر یافتن نخل و انار، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

298- زیبایی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 2,4

2- بندگان مخلص خدا، برخوردار از زنان چشم فروخته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از «قاصرات الطرف» کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

4- زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 2،4

ص: 215

2 - تقوایشگان در بهشت ، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مراد از «قاصرات الطرف»، کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

4 - زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 3، 2

2 - بهشتیان ، دارای همسرانی نیکو ، با چشمانی سیاه و زیبا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء») به معنای سیاه چشمان و «عین» جمع «عیناء») و به معنای زیبا چشمان است.

3 - همسران زیبا ، نمود لطف الهی به بهشتیان

و زوّجنهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 6

6 - «قال الصادق (ع) الخیرات الحسان من نساء أهل الدنيا و هنّ أجمل من الحورالعین» ;

امام صادق (ع) فرمود: «خیرات حسان» (زنان نیک خو و زیبا صورت بهشت) از زنان اهل دنیا هستند و آنان از «حورالعین» زیباتراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 22 - 2

2 - پیشتازان در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

«حور» جمع «حوراء» است و «حوراء» به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. «عین» جمع «عیناء» است و «عیناء» در وصف چشم زیبا آورده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 3

3 - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «فرش» در آیه شریفه - به قرینه آیه بعد (إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً) - همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف «مرفوعه» اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

ص: 216

299- زیباییهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 8

8 - تمامی زیباییها و لذت های مورد تمایل اهل تقوا، آماده برای آنان در بهشت

وفیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 52 - 2

2- امنیت و آسایش، مهم ترین نعمت در کنار زیباییها و طراوت های بهشت

فی مقام آمین . فی جنّـت و عیون

برداشت بالا با توجه به این نکته است که قرآن، در مقام ذکر نعمت های اخروی متقین، از امنیت به عنوان نعمتی مهم و حتی مقدم بر دیگر نعمت ها نام برده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 77 - 1

1 - لذت ها، زیباییها و آسایش بهشت، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

متکین علی رفرف خضر . . . فبأیّ ءالاء ربکما تکذبان

300- زینت خدمتگاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 17 - 3

3 - خدمت گزاران پیشتازان راه خدا (سابقون)، در بهشت جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که «مخلّدون» مشتق از «حُلْد» به معنای گوشواره باشد. بنابراین عبارت «ولدان مخلّدون»؛ یعنی، جوانانی که بر گوش آنها، گوشواره آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 4

4 - خدمت گزاران ابرار در بهشت ، جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

و يطوف عليهم ولدن مخلدون

برخی احتمال داده اند که «مخلدون»، مشتق از «خُلْد» به معنای گوشواره باشد. بنابراین «ولدان مخلدون»؛ یعنی، جوانانی که گوشواره، بر گوششان آویخته شده است.

ص: 217

301- زینتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 3

3 - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمار چشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ انس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالا بدین احتمال است که «قاصرات الطرف» کنایه از چشم خمار باشد که در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

302- ساختار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 119 - 6

6 - بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهلهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الانهر خلدین فیها

303- ساقی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 25 - 3

3 - در آخرت ، ساقی شراب ، در خدمت نیکوکاران و عهده دار باده نوشاندن به آنان خواهد بود .

یسقون

فعل مجهول «یُسَقُّون» بیانگر این است که در آخرت فرد یا افرادی، باده ریز و شرابدار محفل می گساری نیکوکاران خواهند بود.

304- سایه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 3

3 - وجود نوعی سایه دلپذیر و نور خورشیدمانند در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلال

وجود سایه ها (ظلال) در بهشت، دلیل وجود نوعی نور است.

ص: 218

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 8، 5

5 - بهشت مؤمنان دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. وَنَدَّخِلْهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا

«ظَلٌّ» به معنای سایه و «ظَلِيلًا» تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

8 - سایه آرام و دلپذیر ، جایگاهی ویژه در بهشت

و نَدَّخِلْهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا

تکرار «نَدَّخِلْهُمْ» حکایت از ویژگی ظَل (سایه) در بهشت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 14 - 1، 2

1 - ابرار در بهشت ، از سایه های دل انگیز و دامن کشیده بر فراز آنان برخوردار بوده و در کمال آسایش به سر می برند .

و دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا

2 - بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا

«دَانِيَةً» از ریشه «دُنُوٌّ» (قرب و نزدیکی) است و «دَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا»؛ یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 41 - 1، 2

1 - جایگاه تقوایبندگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعَيْون

2- بهشت، داری سایه‌هایی از درختان انبوه و چشمه‌سارها

فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 1

1 - محسنان، بهره‌مند از سایه‌ها، چشمه‌سارها، میوه‌های دل‌خواه و انواع خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون... کلوا و اشربوا هنیئاً... إنا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 4

4 - آرمیدن متقین در سایه بوستان‌ها و می‌گساری آنان، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی، انعکاسی از تقابل آثار طغیان‌گری و تقوا است.

لا یدوقون فیها برداً و لا شراباً.. حدائق و أعنباً... و کأساً دهاقاً

ص: 219

306- سخن پسندیده در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 26 - 1

1 - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لا یسمعون فیها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

«قیل» معادل «قول» و موصوف «سلاماً» است؛ یعنی، «لا یسمعون فیها إلا قولاً هو سالم من اللغو والتأثیم».

307- سرسبزی باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 64 - 1

1 - باغ های بهشت ، در نهایت سبزی و طراوت ، بدون کمترین زردی و پژمردگی

مدهامتان

«مدهامتان» وصف برای «جنتان» است و «ادهیمام»؛ یعنی، رنگ سبز که از شدت سبزی سیاه گون می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 65 - 2، 1

1 - باغ های سبز و پرطراوت بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

و من دونهما جنتان .. مدهامتان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

2 - برگ های سبز و پرطراوت باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

مدهامتان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

308- سرسبزی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 3

3- بهشت ، دارای بوستان های متعدد ، سرسبز و پوشیده از درختان

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 4

4- بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

«جنات» جمع جنّه است و «جنت» به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

ص: 220

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 7

7 - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلّا أن يؤمنوا بالله العزيز . . . إنّ الذين آمنوا و عملوا الصلحت لهم جنّـت تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. «الصالحات»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است؛ یعنی، تمام آن چه میسر است. «جَنَّة»؛ یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

309- سرسبزی درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 10

10 - بهشت ، دارای باغ هایی خرم و سرسبز با درختانی انبوه

فی روضات الجنّات

310- سرور در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 2

2 - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

«جبر» در لغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و «فی روضه یحبرون» یعنی در باغی شادمانند.

311- سرور مردان بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت وگویی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و

مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ

جمله «هم و أزواجهم..» استئناف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

ص: 221

312- سرور همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ

جمله «هم و أزواجهم...» استتلاف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

313- سرور بخشی باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 3

3 - بوستان های مؤمنان در بهشت ، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد .

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

314- سعادت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 31 - 3

3 - بهشت ، جایگاه خوشبختی و به دور از آزار و نوشیدنی های ناگوار و رنج گرما و تشنگی است .

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا . إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ... إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

رهایی از شرّ - که جزئی از معنای «مفاز» است - ناظر به شروری است که دامنگیر دوزخیان است و آیات پیشین، گوشه هایی از آن را بیان کرده است.

315- سعادت‌مندان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 12،13

12 - سعادت‌مندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النَّارِ وادخل الجنة فقد فاز

ص: 222

«زحزح»، از مصدر «زحزحه»، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

13 - بهشت ، جایگاه سعادت‌مندان

فمن زحزح . . . و ادخل الجنة فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 1

1- بهشت ، جایگاه سعادت‌مندان صحنه قیامت است .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین فیها

316- سفیدی بدن همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

317- سفیدی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 49 - 2، 1

1 - زنان و حوران بهشتی ، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند .

کاتّهنّ بیض

«بیض» اسم جنس و مفرد آن «بیضه» و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به «بیض» تشبیه می کنند.

2 - رنگ زنان بهشتی ، سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است .

318- سکونت آدم (ع) در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 1،2

1 - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

ص: 223

و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة

2- سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم . . . و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 5,19

5- فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة . . . فأزلهما الشيطان عنها

عطف جمله «أزلهما . . .» بر آیه قبل به وسیله حرف «فا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

19 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود : « انما كان لبث آدم و حوا فی الجنة حتی خرجا من ها سبع ساعات من أيام الدنيا . . . » ;

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 1

1 - ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشيطان

هنگامی که پس از کلمه «وسوسه» حرف «لام» آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 1

1 - آدم (ع) و همسرش حوا، در بهشت سکونت داشتند .

فقلنا . . . فلايخرجنكما من الجنة

«جَنَّة» به معنای باغ است و «الجنة» در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت

خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

319- سکونت حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 1,2

1 - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

2 - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لأدم . . . و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 224

5- فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود.

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه .. فأزلهما الشیطن عنها

عطف جمله «أزلهما ..» بر آیه قبل به وسیله حرف «فا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

19- از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: «انما کان لبث آدم و حوا فی الجنه حتی خرجا من ها سبع ساعات من ایام الدنیا . . .»؛

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 1

1 - ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه «وسوسه» حرف «لام» آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 1

1 - آدم (ع) و همسرش حوا، در بهشت سکونت داشتند.

فقلنا .. فلا یخرجنکما من الجنه

«جَدّه» به معنای باغ است و «الجنّه» در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

320- سلام به متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 3

3- متقین با سلام و خوشامدگویی ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوها بسلام ءامنین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از «سلام» همان سلام و درود گفتن متعارف باشد که جزء فرهنگ مسلمانان است.

321- سلام نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 9

9- سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقوایپیشگان ، هنگام ورود آنان

وقال لهم خزنتها سلم علیکم

ص: 225

322- سلامت متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 1

1- دعوت از تقوایپیشگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إن المتقین فی جنّات و عیون

«باء» در «بسلام» در معنای «مصاحبت» به کار رفته است.

323- سلامتی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 8

8 - اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحاب الجنة أن سلم علیکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «سلم علیکم» جمله ای اخباری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 25 - 1

1 - بهشت ، سرایی است سراسر سلامت ، امنیت و آرامش .

والله یدعوا الی دارالسلم

324- سنگ های نازله از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 23

23 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود : « نزلت ثلاثة احجار من الجنة . . . و حجر بنی اسرائیل . . . » ;

سه سنگ از بهشت نازل گشته . . . یکی از آنها سنگی بود که در میان بنی اسرائیل بود [و به هنگام نیاز از آن آب بر می گرفتند] . . .» .

27 - از امام باقر (ع) روایت شده: « نزلت ثلاثه أحجار من الجنة . . . و مقام إبراهيم . . . »

سه سنگ از بهشت فرود آمده . . . و از جمله آنها مقام ابراهیم است . . . ».

325- سهولت ورود متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 2

2- نبودن کمترین سختی و ملالت برای تقوایندگان، در انتقال از صحنه قیامت به باغ های بهشت

ادخلوها بسلم

326- سیری در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 33 - 2

2- در بهشت اصحاب الیمین، هرگز مانعی همچون سیر بودن، بیمار بودن، در دسترس نبودن و... برای تناول میوه وجود ندارد.

وفکھه... ولا ممنوعه

327- شاخه های درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 1

1- بهشت، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرتراوت

ذواتا أفنان

«أفنان» (جمع «فتن») است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 5

5- درختان روئیده در بهشت اصحاب الیمین، دارای شاخه های چیده شده بر روی هم

و طلع منضود

در صورتی که «طلع» به معنای درخت افاقیا باشد، «منضود» وصف شاخه های آن خواهد بود.

328- شادابی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 5

ص: 227

5- ابرار در بهشت، می آمیخته با زنجبیل را از دست جوانکان همیشه شاداب خواهند نوشید.

و يطاف عليهم بانيه... و يسقون فيها... مزاجها زنجبيلاً... و يطوف عليهم ولدن

آیات گذشته، قرینه بر این است که یکی از مصادیق اصلی خدمت گزاری جوانکان به ابرار، نوشاندن می بهشتی به آنان است، چنان که در آیه 17 و 18 سوره «واقعہ» بدان تصریح شده است: «يطوف عليهم ولدان مخلدون . بأكواب وأبارق و كأس من معين».

329- شادابی درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 1

1 - بهشت، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرطراوت

ذواتا أفنان

«أفنان» (جمع «فن») است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 49 - 1

1 - درختان پرطراوت و نعمت های متنوع بهشت، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

ذواتا أفنان . فبأىء آلاء ربكما تكذبان

330- شب در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 7

7- در زندگی بهشتیان، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد.

لهم رزقهم فيها بكرة و عشياً

331- شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متکین علیها متقبلین . . . بأکواب و أباریق و كأس من معین

2 - جوانکان خدمت گذار ، باده گردانان مجالس انس پیشتازان (سابقون) در بهشت

یطوف علیهم ولدن . . . بأکواب و أباریق و كأس من معین

ص: 228

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 5

5 - ابرار در بهشت ، می آمیخته با زنجبیل را از دست جوانکان همیشه شاداب خواهند نوشید .

و یطاف علیهم بانیه . . . و یستقون فیها . . . مزاجها زنجبیلآ . . . و یطوف علیهم ولدن

آیات گذشته، قرینه بر این است که یکی از مصادیق اصلی خدمت گزاری جوانکان به ابرار، نوشاندن می بهشتی به آنان است، چنان که در آیه 17 و 18 سوره «واقعہ» بدان تصریح شده است: «یطوف علیهم ولدان مخلدون . بأکواب و أبارق و کأس من معین».

332- شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 45 - 2,4

2 - جاری بودن چشمه هایی از شراب ناب در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

«معین» به آبی زلال گفته می شود که بر روی زمین جاری باشد (چون نهر). این واژه به منزله صفت برای «کأس» است؛ بنابراین بهشت بندگان خالص خدا دارای نهرهایی از شراب ناب است که جام هایی از آنها به بهشتیان عرضه می شود.

4 - شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 1,3

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلاً أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

3 - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلص خدا

إلاّ عباد الله المخلصين . . . في جنّات النعيم . . . و عندهم قصرت الطرف ... أذلك خ

«نزل» به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

333- شراب بهشتی و مستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 47 - 2

2- شراب بهشتیان ، مستی آور و عقل و هوش برنده نیست .

ص: 229

و لا هم عنها ينزفون

کلمه «ینزفون»، به معنای «یسکرون» است.

334- شرایط بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 3

3- ایمان به همراه عمل صالح ، شرط ورود به بهشت

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

335- شرایط جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 6

6- ورود به بهشت و جاودان ماندن مؤمنان صالح در آن به اذن خداوند است .

وَأُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ... بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

336- شرایط نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 4

4- تقوا و خویشتن داری از مخالفت با خدا ، شرط بهره‌وری از نعمت های عالی بهشت

الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

وصف «متقین»، مشعر به علیت است.

337- شرایط ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 6

6- ورود به بهشت و جاودان ماندن مؤمنان صالح در آن به اذن خداوند است .

وَأَدْخِلِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ... بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 10، 7، 6

ص: 230

6- صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّاتٍ ... و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

7- صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود به بهشت

و أدخلهم جنّاتٍ ... و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

10- ایمان ، توبه و پیروی از دین ، از شرایط ورود به بهشت

و یتغفرون للذین ءامنوا .. فاغفر للذین تابوا و اتّبعوا سیبک ... و أدخلهم جنّاتٍ

برداشت یاد شده از آن جا است که فرشتگان پیش از درخواست بهشت برای مؤمنان، آنان را به وصف ایمان، توبه و پیروی از راه دین توصیف کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 4

4- تقوا، اصلی ترین شرط ورود به بهشت و بارزترین ویژگی بهشتیان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

338- شفافیت جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 2

2- قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و ...) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

كانت قواریرا . قواریرا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند؛ نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

339- شکر نعمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 9

9- بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نيلشان به بهشت ، سپاس می گویند .

وقالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا

340- شکل جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 231

3 - ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قدروها تقدیراً

نصب «تقدیراً» به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل «قدروا» است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

341- شکل ظروف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهشتی و مقدار محتوای آنها ، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قدروها تقدیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل «قدروا» خود ابرار باشد.

342- شهیدان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- بهشت موعود ، پاداش شهیدان راه خدا

و یدخلهم الجنّة عرفها لهم

343- شیطان در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - شیطان در بهشت آدم (ع) ، حضور یافته بود .

قال ی-آدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - شیطان در بهشتِ آدم (ع) و حوا، حضور داشت .

فأزلهما الشيطان عنها

ص: 232

344- صابران در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 5

5 - بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

يجزون الغرفه بما صبروا .. خلدین فیها حسنت مستقرًا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 32 - 1

1 - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. نزلًا من غفور رحيم

«نُزِّل» به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

345- صادقان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 120 - 7

7 - مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ينفع الصديقين صدقهم لهم جنت .. و ما فيهن و هو على كل شىء قدير

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

346- صالحان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 84 - 4

4 - مسیحیان مؤمن به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) آرزومند همراهی با صالحان در بهشت

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول حذف شده از «یدخلنا» به قرینه مقام و نیز آیه بعد «الجنه» باشد یعنی «نطمع ان یدخلنا الجنه مع القوم الصالحین».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 85 - 8

8 - صالحان بهره مند از بهشت جاویدان

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین. فاثبهم الله بما قالوا جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 233

7- بهشت جایگاه صالحان است .

و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 1

1- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. أولئک لهم جنّـت عدن

جمله «أولئک ..» یا خبر یکم برای «إنّ» در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه «أولئک» «الذین امنوا...» در آیه قبل است. «عدن» به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 108 - 1

1- مؤمنان نیک کردار ، در باغ های بهشت برین ، جاودانه اند .

جنّـت الفردوس نزلاً . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 58 - 6

6 - مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت ، جاودانه خواهند بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئهم من الجنّه .. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 2

2 - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحیرون

«حِبر» در لغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و «فی روضه یحبرون» یعنی در باغی شادمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 8 - 1

1 - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنان دارای اعمال صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 9 - 4

4 - وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا

ص: 234

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 3

3- زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 9،13

9- مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنة

از تقابل «تری الظالمین» با «و الذین ءامنوا» مطلب یاد شده استفاده می شود.

13- تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 6

6- بهره مندی همواره و سهل موحدان نیکوکار ، از نعمت های الهی در بهشت

أولئك أصحاب الجنة

تعبیر به «أصحاب» اشاره به همنشینی دائم و همیشگی یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان، با نعمت های بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 2

2- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذلك بأن الله مولى الذين ءامنوا . . . إن الله يدخل الذين ءامنوا و عملوا الصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 3

3- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح

فأولئك يدخلون الجنة .. جنت عدن

348- صبح در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 7

ص: 235

7- در زندگی بهشتیان، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد.

لهم رزقهم فیها بکره و عشیًا

349- صداقت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 55 - 4

4- بهشت، سرزمین صداقت و راستی بدون کمترین دغل و نادرستی *

فی جنّات و نهر . فی مقعد صدق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «صدق» در مقابل کذب باشد. در این صورت جایگاه صدق؛ یعنی، جایگاهی که در آن صداقت و راستی حاکم است و از هرگونه دغل و نادرستی مبرا می باشد.

350- صفات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 4

4- بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی، پاداش تضمین شده از جانب خداوند، برای تقوایبندگان

لَّذین اتقوا . .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 133 - 12، 2

2- ضرورت شتاب برای نیل به بهشتی که به پهنای آسمان ها و زمین است .

و سارعوا . . . و جنّٰه عرضها السّموات و الارض

12 - بهشت موعود اهل تقوا، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جنّٰه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه مراد از «عرض»، وسعت باشد، نه عرض مقابل طول.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 136 - 10.12

10 - بهشت ها ، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

12 - آمرزش گناهان و بهشت های دارای نهر های جاری ، پاداش خوبی برای عمل کنندگان به دستورات الهی

اولئک جزاؤهم مغفره من ربّهم و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و نعم اجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 65 - 11

ص: 236

11 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

«نعیم» به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 3,4,5

3- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جَنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

«جنات» به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن «جنات» هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

4- بهشت ، مجموعه ای از باغ های متعدد است . *

جَنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

جمع آورده شدن «جنات» می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

5- نهر های فراوانی همواره در بهشت جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 31 - 5

5- بهشت ، واجد تمامی موهبت ها و خوبی های قابل تصور برای انسان

جَنّ-ت عدن . . . لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 17 - 10

10 - «عن أبي عبد الله (ع) . . . قال : إنّ الله خلق الجنّة . . . ولم ترها عين ولم يطلع عليها مخلوق . . . وهو قول الله تعالى : »

فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قره أعين» ؛

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: خداوند، بهشت را آفرید و هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ مخلوقی از آن آگاه نگشته است . . . و آن، این سخن خداوند است که می فرماید: فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قره أعين».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 7

7 - اطلاع فرشتگان از بهشت برین و خصوصیات آن

تتنزل عليهم الملكة . . . و أبشروا بالجنة . . . و لكم فيها ما تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 4

4- جریان نهرها در زیر قصرها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّات تجري من تحتها الأنهر

ص: 237

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 35 - 1

1 - بهشت ، در بردارنده همه آرزوها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما يشاءون فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 7

7 - بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 14 - 2

2 - بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانية عليهم ظلالها

«دانية» از ریشه «دُنُوٌّ» (قرب و نزدیکی) است و «دانية عليهم ظلالها»؛ یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 6

6 - بوستان های بهشت ، دارای نهرهایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد .

لهم جنّات تجري من تحتها الأنهر

حرف «من» برای ابتدای غایت است و دلالت دارد که آب نهرها، از منابع زیر زمینی بوستان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه «اشجار»، مراد از «من تحتها»، «من تحت اشجارها» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 8

8 - حسین بن میسرقال: سألت أبا عبدالله(ع) عن جنة آدم(ع) فقال: جنة من جنات الدنيا تطلع فيها الشمس والقمر ولو كانت من جنات الآخرة ما خرج منها أبدا.

حسین بن میسر گوید از امام صادق(ع) درباره بهشت آدم سؤال کردم، فرمود: باغی از باغهای دنیا بود که خورشید و ماه در آن طلوع می کرد و اگر از باغهای بهشتی بود، هرگز آدم(ع) از آن خارج نمی شد.

ص: 238

352- صفات جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 3

3 - ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قدروها تقدیراً

نصب «تقدیراً» به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل «قدروا» است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

353- صفات درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 11

11 - عبدالسلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا(ع): یا بن رسول الله أخبرنی عن الشجرة التي اكل منها آدم و حوا ما كانت؟ فقد اختلف الناس فيها فمنهم من یروی انها الجنيه و منهم من یروی انها العنب و منهم من یروی انها شجرة الحسد، فقال(ع): كل ذلك حق. قلت: فما معنی هذه الوجوه علی اختلافها؟ فقال: یا أبا الصلت ان شجرة الجنة تحمل انواعا فكانت شجرة الحنطة و فيها عنب و لیست كشجرة الدنيا . . .

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: به امام رضا(ع) گفتم: یا بن رسول الله(صلی الله علیه و آله) مرا آگاه کنید، درختی که آدم و حوا از آن خوردند چه بوده؟ مردم درباره آن اختلاف دارند؛ عده ای می گویند: آن، درخت گندم بوده، عده ای گویند: درخت انگور بوده و بعضی دیگر می گویند: آن، درخت حسد بوده، آن حضرت فرمود: تمامی اینها درست است. گفتم: این وجوه مختلفی که گفته شده چه معنایی دارد؟ فرمود: ای اباصلت، درخت بهشتی چند نوع ثمره دارد؛ یعنی درخت گندم انگور هم می دهد و مانند درختان دنیا نیست . . .

354- صفات نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 6

6 - بهشت دارای نهرهایی متعدد، لبریز و همواره جاری

تجری من تحتهم الأنهر

اسناد جریان به خود نهرها، همانند «جری المیزاب»، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نهرهای بهشتی دارد.

355- صفات همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 48 - 4,5,2

2 - بندگان مخلص خدا، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

ص: 239

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از «قاصرات الطرف» کوتاه کردن از نگاه و فروهستن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهستن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

4- زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند.

و عندهم قصرت الطرف

5- زنان بهشتی، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

«عیناء» (مفرد «عین») به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 49 - 1,2,3

1- زنان و حوران بهشتی، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر هستند.

کأتهنّ بیض

«بیض» اسم جنس و مفرد آن «بیضه» و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به «بیض» تشبیه می کنند.

2- رنگ زنان بهشتی، سفید و درخشنده و کمی متمایل به زردی است.

کأتهنّ بیض

3- تمیزی و دوشیزگی، از اوصاف زنان بهشتی

کأتهنّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان - که مفاد عبارت «مکنون» می باشد - کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 4

4- زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند.

و عندهم قصرت الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

ص: 240

356- ضامن بهشت شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 16

16 - تضمین قطعی بهشت از سوی خداوند ، برای مجاهدان رزمنده ای که سرانجام به شهادت می رسند . *

فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که «و یقتلون» قید باشد ؛ یعنی ، صرفاً کشتن دشمنان خدا تضمین کننده بهشت نیست و به حساب معامله با خدا گذاشته نمی شود ؛ بلکه کشتن و نهایتاً کشته شدن ، معامله با خداست .

357- طبقات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 10 - 2

2 - بخش های متعدد بهشت ، در ارزش و موقعیت جغرافیایی ، باهم برابر نیستند .

فی جنّه عالیه

«عالیه» مطلق بوده و ممکن است به علو مکانی ، یا رتبه ای و یا هر دو نظر داشته باشد .

358- طعام در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 1

1 - آدم(ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إِنَّ لَكَ الْأَتْجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرَى

تعبیر «إِنَّ لَكَ..» وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد؛ زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده «لاتعری» در حق او عملی نگردد.

359- طهارت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فيها ازوج مطهره

17 - « سئل الصادق (ع) عن قول الله عز و جل « لهم فيها أزواج مطهره » قال : الأزواج المطهره اللاتي لا يحصنن ولا يحدثن ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عز و جل که می فرماید: «برای مؤمنان در بهشت همسران پاکیزه هست» سؤال شد فرمود: یعنی همسران بهشتی آلوده به حیض و حدث نمی شوند».

ص: 241

360- ظروف بلورین بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 3

3 - لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین ، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و اکواب کانت قواریرا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

361- ظروف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 18 - 3

3 - جام ، آبریز و پیاله ، ظروف باده بهشت

بأکواب و أباریق و کأس

«کوب» (مفرد «اکواب») به ظرفی که نه خرطوم دارد و نه دسته گفته می شود. بهترین معادل فارسی آن ظاهراً جام است. «أباریق» (مفرد «أباریق» و به معنای آبریز) ظرفی است که هم دسته و هم خرطوم دارد و «کأس» پیاله ای است که از شراب پر شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 2

2 - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و اکواب کانت قواریرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 4

4 - پذیرایی از بهشتیان (ابرار و . . .) ، با ظرف ها و جام های متناسب با نیاز و میل آنان خواهد بود .

قدروها تقدیرا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که اندازه گیری ظرف ها و جام ها، ممکن است به لحاظ مقدار نیازها و میل های بهشتیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 3

3 - جام هایی پیایی از شراب ناب ، وسیله پذیرایی از تقوایندگان در بهشت

و كأساً دهاقاً

برخی گفته اند: «دهاقاً»؛ - از ریشه «دهق» (گره زدن پیایی) به معنای رساندن پیایی به نوشندگان است. برخی دیگر آن را

ص: 242

به معنای خالص و صاف دانسته اند. (لسان العرب)

362- ظروف طلائی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 2,3

2- ظرف ها و جام های بهشتیان ، از جنس طلا است .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

3- در بهشت ، خوردن و آشامیدن از ظرف های طلا ممنوعیتی ندارد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

363- ظروف نقره ای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 3

3- لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین ، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أكواب کانت قواریرا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

364- ظهور حقایق در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 14

14 - بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

365- عاقلان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- خردمندان روی آورده به خدا، با روحیه شکر، توبه و تسلیم، در زمره بهشتیان

و بلغ أربعين سنة قال ربّ أوزعنی . . . إئی تبت . . . نتجاوز عن سيئاتهم فی أصحاب ال

مرجع ضمیر «سیئاتهم» کسانی است که به سن رشد و کمال رسیده و به نیایش پرداخته و بر توبه و تسلیم خویش تأکید میورزند.

ص: 243

366- عبادت برای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 10

10 - پرستش خدا با انگیزه برخوردار شدن از موهبت ها و نعمت های بهشت ، امری جایز و بلا مانع است .

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

367- عجز از ادراک بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 7

7- آدمیان در حیات دنیا از تصور و درک صحیح بهشت و ویژگی های آن ، ناتوانند .

مثل الجنة التي وعد المتقون

برخی بر آنند که کلمه «مثل» در آیه شریفه به معنای شبیه و مانند می باشد و به این نکته اشاره دارد که آنچه در بیان بهشت ذکر می شود به عنوان مشابه است و گرنه واقعیت و حقیقت آن چیز دیگری است که نمی توان آن را توصیف کرد؛ زیرا بشر در تنگنای حیات دنیا از ادراک آن ناتوان است.

368- عجله در ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 5,6

5 - شوق دیدار بهشت ، باعث حرکت شتابان مؤمنان در قیامت و دویدن آنان در مسیر منتهی به آن

يوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین یدیهم

حرکت سریع و دوان دوان مؤمنان به سوی بهشت، حکایت از اشتیاق شدید آنان به دیدار آن و رساندن هر چه زودتر خود به آن جایگاه همیشگی دارد.

6 - منظره حرکت شتابان زنان و مردان مؤمن در قیامت ، به سوی بهشت با چهره هایی چونان چراغ فروزان ، بس زیبا و چشم نواز برای بینندگان

يوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم بین أیدیهم و بأیمنهم

در صورتی که مراد «تری» هر فرد بیننده باشد، به نظر می رسد آیه شریفه در مقام تصویر صحنه ای است که نظر هر بیننده ای را در آن روز به خود جلب می کند.

ص: 244

369- عطر بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 17 - 2

2 - می بهشت ، معطر و پیراسته از بوی آزاردهنده

و یسقون فیها كأسًا کان مزاجها زنجبیلًا

370- عطر شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 5 - 2

2 - می بهشت ، معطر و پیراسته از بوی آزاردهنده

إنّ الأبرار یشربون من كأس کان مزاجها کافورًا

371- عظمت باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 4

4 - بوستان های دنیوی در مقایسه با بوستان های بهشتی ، بی مقدار و ناچیز است .

فی جنّه عالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 40 - 1

1 - اصحاب الیمین (خوبان و نیکان) ، در بوستان های پر عظمت و وصف ناپذیر جای خواهند گرفت .

أصحاب الیمین . فی جنّ - ت

«جَنّات» جمع «جَنّت» (بوستان) است و تنوین آن بر تعظیم دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- برخورداری از بوستان های آب خیز بهشت ، دستاوردی عظیم و آزادی بزرگ است .

ذلك الفوز الكبير

«فاز به»؛ یعنی، به آن دست یافت و «فاز منه»؛ یعنی، از آن نجات پیدا کرد (قاموس). در این موارد - که حرف ربط آن ذکر نشده است - هر دو معنا می تواند، مراد باشد.

ص: 245

372- عظمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 31 - 12

12 - بهشت ، مکانی گرانمایه و با شرافت

و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 58 - 11

11- حقیقت بهشت و دوزخ ، فراتر از سطح درک بشر

فإنما یسرنه بلسانک لعلهم یتذکرون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در ترسیم دوزخ و بهشت بود - استفاده می شود که آنچه در آن آیات آمده، شکل آسان شده و تنزل یافته مطلب است؛ نه ماهیت عالی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 30 - 7

7- بهشت ، تجلی رحمت الهی در قیامت

فیدخلهم ربهم فی رحمته

بنابراین که مراد از «رحمت» بهشت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

373- عظمت تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 2

2- استفاده اصحاب الیمین در بهشت ، از تخت های بلند و با شکوه

و فرش مرفوعه

برداشت یاد شده بر این احتمال است که «فرش» به معنای تخت ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 13 - 1

1 - بهشت برین ، دارای تخت هایی بر افراشته و با عظمت

فیها سرر مرفوعه

«سریر» (مفرد «سرر»)، به معنای مکان دراز کشیدن است (قاموس). این کلمه به معنای جایگاه جلوس نیز آمده و با سرور (شادمانی)، از یک ریشه است. تناسب آن این است که «سریر» ویژه رفاه مندان است (مفردات راغب). نکره آوردن «سریر»، برای بیان عظمت است و توصیف آن به «مرفوعه» - با آن که «سریر» همواره از زمین برجسته است - تأکیدی بر کمال برجستگی آن است.

ص: 246

374- عظمت چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 12 - 1

1 - بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

«عین» نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه «جاریه» یا «تجری»، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

375- عفت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 1

1 - زنان بهشت ، تنها شیفته و فریفته شوهران خویش و چشم بسته بر هر اجنبی

فیهنّ قصرت الطرف

«قاصرات الطرف» (زنان فرو هشته نگاه)، ظاهراً کنایه از چشم دریده نبودن است.

376- عفت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 1

1 - بندگان مخلص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از «قاصرات الطرف» (چشم فرو هشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

377- عقل همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «فرش» در آیه شریفه - به قرینه آیه بعد (إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً) - همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف «مرفوعه» اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

ص: 247

378- علایق همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 1

1 - زنان بهشت ، تنها شیفته و فریفته شوهران خویش و چشم بسته بر هر اجنبی

فیهنّ قصرت الطرف

«قاصرات الطرف» (زنان فرو هشته نگاه)، ظاهراً کنایه از چشم دریده نبودن است.

379- علایق همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 1

1 - بندگان مخلص خدا ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود ، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

وعندهم قصرت الطرف

مقصود از «قاصرات الطرف» (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 1

1 - تقوایبشگان در بهشت ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهرانشان چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

إنّ للمتقين لحسن مئاب . . . وعندهم قصرت الطرف

مقصود از «قاصرات الطرف» (چشم فروهشتگان) زنانی اند که چشم از دیگران برمی گیرند و تنها به همسران خود می نگرند. این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسرانشان باشد.

380- عوامل آسایش در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 4

4 - آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لا یدوقون فیها برداً و لا شراباً . .. حدائق و أعباً ... و كأساً دهاقاً

ص: 248

381- عوامل اخراج آدم(ع) از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 2

2- ابلیس ، برای بیرون راندن آدم و حوا (ع) از بهشت ، در کمین آنان بود .

إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يَخْرُجَنَّكُمَا

382- عوامل جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 82 - 1,2

1 - مؤمنان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، که دارای اعمال صالح باشند ، اهل بهشت بوده و در آن جاودان خواهند بود .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

مراد از ایمان در آیه مورد بحث - به قرینه آیه 75 (أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ) - ایمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اسلام است.

2- ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان ، در پی دارنده پاداش (خلود در بهشت) نخواهد بود .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 23 - 7

7- مؤمنان دارای عمل صالح ، مورد عنایت پروردگار خویش بوده و ورود و جاودان ماندنشان در بهشت برخاسته از ربوبیت اوست .

أَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّاتٍ ... خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

اضافه شدن «رَبِّ» به ضمیر «هم»، که مرجع آن «الَّذِينَ آمَنُوا» است، مشعر به معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 3 - 3

3- درنگِ جاودانه مؤمنان در بهشت ، نتیجه مداومت آنان بر اعمال نیک است .

يعملون الصلحت . . . مكثين فيه أبداً

ذکر «ماکثین فیہ أبداً» پس از جمله «يعملون الصالحات» - که بر استمرار دلالت دارد - می تواند نشاندهنده این مطلب باشد که جاودانگی آنان در بهشت، نتیجه مداومت شان بر اعمال نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 15

15 - تقوا، عامل جاودانگی در بهشت

الذین اتَّقوا ربَّهم إلى الجنَّة زمراً . . . فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 249

14 - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن کامیابی اخروی و بهشت جاویدان

و من یؤمن بالله و یعمل صلحًا یکفر عنه سیئاته . . . ذلک الفوز العظیم

383- عوامل جذابیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 8

8 - اهمیت نقش نهر های بهشت ، در زیبایی و جذابیت آن

جنّات تجری من تحتها الأنهر

از این که خداوند، تنها وصفی را که برای باغ های بهشت یاد کرده وصف «تجری..» است؛ مطلب یاد شده استفاده می شود.

384- عوامل محرومیت از بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 1

1 - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند.

فأکلا منها .. قال اهبطا منها

«إهبطا» ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم(ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

385- عوامل محرومیت از نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 46 - 5

5 - جرم پیشگی ، عامل محرومیت از نعمت ها و موهبت های بهشت

إنکم مجرمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «إِنكُمْ مَجْرُمُونَ» در مقام تعلیل برای مطالب پیشین است.

386- غرفه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 58 - 5

5- از زیر غرفه های بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

ص: 250

من الجنة غرباً تجرى من تحتها الأنهر

بنابر بازگشت ضمیر «تحتها» به «غرف»، نکته بالا، قابل استفاده است.

387- غفلت از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 47 - 3

3- توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنتان . فبأیّ الآء ربکما تکذبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

388- فاصله بهشت و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 50 - 2

2- بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ و با فاصله ای زیاد از آن

و نادى اصحاب النار اصحاب الجنة أن أفیضوا علینا

کلمه «افاضه» که به معنای ریزش است، حکایت از این دارد که بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ قرار گرفته است. به کارگیری ندا (خواندن با صدای بلند)، اشاره به دوری بهشت و دوزخ از یکدیگر دارد.

389- فردوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 107 - 6،7

6- «عن النبی (صلی الله علیه و آله) : الفردوس أعلى درجه فی الجنة و فیها یكون عرش الرحمن و منها تفجر أنهار الجنة الأربعة ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده: فردوس، بالاترین درجه بهشت است و عرش رحمان در آن جا است و نهرهای چهارگانه بهشت، از آن جا سرچشمه می گیرد».

7- «عن النبی (صلی الله علیه و آله) : الفردوس من ربوه الجنة هی أوسطها و أحسنها ;

از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده: فردوس، از مکان های مرتفع بهشت است و آن جا وسط و بهترین مکان بهشت است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 11 - 3

3 - فردوس ، نام بالاترین درجات بهشت

الذین یرثون الفردوس هم فیها خلدون

ص: 251

390- فرزندان متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 1

1 - نوید الهی به ملحق گشتن نسل مؤمن تقوایشگان ، به ایشان در بهشت

و الذین ءامنوا و اتبعتهم ذریتهم بایمن ألحقنا بهم ذریتهم

391- فرزندان مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 14، 8، 4

4 - بهره مندی پدران ، همسران و فرزندان صالح از بوستان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنّات عدن الّتی وعدّتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعده بهشت داده؛ ولی در عین حال فرموده است: پدران، همسران و فرزندان ایشان نیز - در صورت صالح بودنشان - وارد بهشت خواهند شد. یادآوری اینان در ردیف مؤمنان تائب - که وعده بهشت تنها به آنان اختصاص دارد - می تواند نوعی پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

8 - بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

و أدخلهم جنّات عدن الّتی وعدّتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

یاد کردن مسأله بودن پدران و .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حدی نیستند که مانند مؤمنان باشند (هرچند صلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد؛ زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

14 - عزت و حکمت بی مانند خداوند، مقتضی دل بستن و امید داشتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بهشت جاویدان

ربّنا و أدخلهم جنّات .. إنّک أنت العزیز الحکیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إنّک أنت العزیز الحکیم» تعلیل برای جمله های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - « عن أبي عبدالله (ع) في قول الله عزّوجلّ: «والذين آمنوا واتبعتهم ذريّتهم بإيمان ألحقنا بهم ذريّتهم» قال: قصرت الأبناء عن عمل الأباء فألحقوا الأبناء بالأباء لتقر بذلك أعينهم؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ «والذين آمنوا واتبعتهم ذريّتهم بإيمان ألحقنا بهم ذريّتهم» روایت شده که فرمود: فرزندان از نظر عمل از پدرانشان کمترند؛ ولی برای چشم روشنی پدران مؤمن، فرزندانشان را به پدرانشان ملحق می کنند».

ص: 252

13 - « عن أبي عبدالله (ع) قال : إنَّ الله تبارك و تعالی کفَّل إبراهيم (ع) و ساره أطفال المؤمنین یغذونهم بشجره من الجنة . . . فإذا كان يوم القيامة ألبسوا و طیبوا و اهدوا إلى آبانهم و هو قول الله عزوجل « و الذين آمنوا و اتبعتهم ذریتهم بإیمان ألحقنا بهم ذریتهم ;

از امام صادق(ع) روایت شده که خداوند - تبارک و تعالی - اطفال مؤمنان را تحت تکفل ابراهیم(ع) و ساره قرار داده که آنان را به وسیله درختی از بهشت غذا می دهند. .. هرگاه قیامت فرارسد به آنان لباس پوشانده و آنها را معطر می کنند و به عنوان هدیه برای پدرانشان می برند... و این گفتار خدای عزوجل است «والذین آمنوا و اتبعتهم ذریتهم بإیمان ألحقنا بهم ذریتهم».

392- فضایل بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 18

18 - بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکونت داشتند ، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود .

قلنا اهبطوا .. و لکم فی الأرض مستقر

جمله «و لکم فی الأرض مستقر» دلالت می کند بر اینکه: بهشتی که آدم(ع) و حوا در آن سکونت داشتند در زمین نبوده و کلمه «اهبطوا» می رساند که آن جایگاه، برتر و بالاتر از زمین بوده است.

393- فضیلت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 24 - 3

3- بهشت ، برترین جایگاه و نیکوترین آسایشگاه

أصحاب الجنة یومئذ خیر مستقرًا و أحسن مقیلاً

394- فضیلت بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 16

16 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود : « عدن ، دارالله التي لم ترها عین و لم تخطر علی قلب بشر لا یسکنها غیر ثلاثه النبیین و الصدیقین و الشهداء . . . ;

«عدن» خانه [ویژه] خداست که هیچ چشمی آن را ندیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است. در آن خانه ساکن نمی شود مگر سه

دسته: پیامبران، صدیقان و شهیدان ...».

ص: 253

395- فعلیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 13 - 2

2- وجود بهشت، پیش از حسابرسی کردارها در قیامت

وإذا الجنة أزلفت

396- قیاس بهشت و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 1

1- زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها، تخت ها، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خير نزلأ أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

397- کاخهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 2، 1

1- بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن .. أولئك يجزون الغرفة

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: 1- «أولئك» اشاره به «عبادالرحمان» است. 2- «غرفه» به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

2- صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، عامل برخوردار شدن آنان از بنا ها و درجات عالی بهشت است .

أولئك يجزون الغرفة بما صبروا

گفتنی است «با» در «بما» برای سببیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 37 - 6,7

6 - مؤمنان دارای عمل صالح ، همواره در غرفه های بهشت ، در امنیت خواهند بود .

إلا من ءامن و عمل صالحًا . . و هم فی الغرفت ءامنون

7 - در بهشت ، غرفه های گوناگون و متعددی برای یک مؤمن دارای عمل صالح هست .

و هم فی الغرفت ءامنون

ص: 254

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 10، 2

2- بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقوایندگان

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنية

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنای بناهای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چند طبقه چون کاخ) است. گفتنی است لام در "لهم" برای اختصاص است.

10 - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقوایندگان

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف . . . وعد الله لا يخلف الله الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 4

4- جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّات تجري من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

398- کاخهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 2

2- در بهشت عدن ، نهر ها ، از زیر پای (کاخ ها و بنا های رفیع) بهشتیان جریان دارد .

تجری من تحتهم الأنهر

مرجع ضمیر «تحتهم» عبارت «الذین امنوا» در آیه قبل است؛ یعنی، از زیر پای بهشتیان، نهرها جاری است. روشن است که جریان آب از زیر پای بهشتیان، تعبیری برای ترسیم محل اقامت آنان در بهشت و جریان یافتن آب از زیر بناها و یا تکیگاه های آنان است.

399- کاسه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- جام ، آبریز و پیاله ، ظروف باده بهشت

بأكواب و أباريق و كأس

«كوب» (مفرد «أكواب») به ظرفی که نه خرطوم دارد و نه دسته گفته می شود. بهترین معادل فارسی آن ظاهراً جام است. «أباريق» (مفرد «أباريق» و به معنای آبریز) ظرفی است که هم دسته و هم خرطوم دارد و «كأس» پیاله ای است که از شراب پر شده باشد.

ص: 255

400- کام دهی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 36 - 3

3 - زنان بهشتی ، همواره در اوج کام دادن به همسران خویش

فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا

از این که زنان بهشتی همواره دوشیزه می مانند، گویای آن است که آنان - برخلاف زنان دنیایی - همواره مانند شب زفاف به همسران خود کام می دهند.

401- کمال همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 3

3 - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از «فرش» در آیه شریفه - به قرینه آیه بعد (إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً) - همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف «مرفوعه» اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

402- کوزه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 2

2 - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أكواب کانت قواریرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 1

1 - ابرار در بهشت ، از کوزه ها و قدح های بلورینی استفاده می کنند که از جنس نقره است .

403- کیفیت ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 1

1 - تقوایشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب ... و قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلى الجنّه

ص: 256

404- کیفیت ورود متقین به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 3,6

3- متقین با سلام و خوشامدگویی ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوها بسلام ءامنین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از «سلام» همان سلام و درود گفتن متعارف باشد که جزء فرهنگ مسلمانان است.

6- «عن أبي عبدالله (ع) : إن أمير المؤمنين (ع) لَمَّا بُويع . . . صعد المنبر فقال : . . . أيتها الناس . . . ألا وإن التقوى مطايا ذلل حمل عليها أهلها و اعطوا أزمتها فأوردتهم الجنة و فتحت لهم أبوابها و وجدوا ريحها و طيبها و قيل لهم : « ادخلوها بسلام آمنين » . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: پس از آنکه با امیرالمؤمنین(ع) بیعت شد . . . بالای منبر رفت و فرمود: . . . ای مردم! آگاه باشید تقوا! همانند] مرکبهای رامی است که اهل آن بر آنها سوار شده و زمام آنها به دست آنان است و آن مرکبها اهل خود را وارد بهشت می کنند و درهای آن جا برای آنان باز می شود و نسیم و بوی خوش آن را می یابند و به آنان گفته می شود: ادخلوها بسلام آمنین . . .».

405- کیفیت ورود متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 70 - 8

8 - پرهیزگاران با چهره ای سرشار از شادی و سرور ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوا الجنة أنتم و أزوجکم تحبرون

«حبر» (مصدر «تحبرون») به معنای شادمان شدن و سروری است که اثر آن در چهره نمایان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 1

1 - رهنمون شدن متقین در قیامت ، به سوی بهشت همراه با تکریم و درود و شادمانی

و أزلفت الجنة للمتقين . . . ادخلوها بسلام

406- گردش جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 45 - 1

1 - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلص خدا در بهشت

ص: 257

«کأس» به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است؛ نه ظرفی که در آن شراب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 1

1 - گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أكواب کانت قواریرا

«اناء» (مفرد «انیه») به معنای ظرف است و «کوب» (مفرد «أكواب») در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. «قاروره» (مفرد «قواریر») نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

407- گردش جامهای شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 23 - 2، 1

1 - دست به دست شدن جام های شراب ، میان متقین در بهشت

یتنزعون فیها کأسًا

«تناع» (مصدر «یتنزعون») به معنای گرفتن است و «کأس» به جامی که حاوی شراب باشد گفته می شود. احتمال دارد مراد، گرفتن جام شراب از دست خدمتکاران (غلمان) باشد و نیز می تواند گرفتن آن از دست یکدیگر باشد.

2 - سرخوشی بهشتیان در مجالس انس ، با ربودن جام های شراب از دست یکدیگر

یتنزعون فیها کأسًا

408- گرما در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 119 - 1

1 - آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

وإنك لاتظمؤا فيها و لاتضحى

«لاتضحى»؛ یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی «جنّه» - که بستان پوشیده از درخت است - به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

409- گشودن دربهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 4,5

ص: 258

4- باز شدن درب های بهشت ، به هنگام نزدیک شدن تقوایندگان

حتی إذا جاءوها و فتحت أبوابها

5- باز بودن درب های بهشت ، پیش از رسیدن تقوایندگان

حتی إذا جاءوها و فتحت أبوابها

برداشت یاد شده بر این اساس است که واو در «و فتحت» حالیه باشد نه زاید. بنابراین معنای آیه چنین می شود: به بهشت خواهند رسید در حالی که قبلاً درب های آن گشوده شده است.

410- گوارایی آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 2،4

2- خوردنی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا است .

كلوا و اشربوا هنيئاً

4- خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم في الآيام الخالية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 2

2- تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متكئين فيها على الأرائك . . . و ذللت قطوفها... يسقون فيها كأساً ... يطوف عليهم

تقديم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 2

2 - خوراکی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا و بدون عوارض نامطلوب است .

کلوا و اشربوا هنیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 1

1 - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون . . . کلوا و اشربوا هنیئاً . . . إنا کذلک نجزی المحسنین

411- گوارایی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 259

19 - حاقه - 69 - 24 - 2,4

2 - خوردنی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا است .

کلوا و اشربوا هنیئاً

4 - خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم فی الأيام الخالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 2

2 - خوراکی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا و بدون عوارض نامطلوب است .

کلوا و اشربوا هنیئاً

412- گوارایی شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 25 - 1

1 - نیکوکاران در آخرت ، با گواراترین باده و شرابی ناب ، پذیرایی خواهند شد .

یسقون من رحیق مختوم

«رحیق»، به باده خالص یا گواراترین نوع آن گفته می شود. (قاموس)

413- گوارایی شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 46 - 2

2 - لذت بخش و گوارا بودن شراب بهشتی برای نوشندگان آن

لذّه للشربین

414- گوارایی نعمتهای بهشت

3 - نعمت های بهشت ، گوارا و بی هیچ ناخالصی و رنج و زیان

کلوا و اشربوا هنیءاً

«هنیء» (معادل گوارا) به امری گفته می شود که رنج و تعب در پی نداشته باشد. «هینئاً» در آیه شریفه، صفت برای مصدر محذوف است؛ یعنی، «کلوا و اشربوا أكلاً و شرباً هینئاً».

ص: 260

415- گوشت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 1

1 - بهره مندی تقوایبندگان، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّات و نعیم... و آمدنهم بفرکه و لحم ممّا یشتهون

416- گوشواره خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 17 - 3

3 - خدمت گذاران پیشتازان راه خدا (سابقون)، در بهشت جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که «مخلّدون» مشتق از «خُلّد» به معنای گوشواره باشد. بنابراین عبارت «ولدان مخلّدون»؛ یعنی، جوانانی که بر گوش آنها، گوشواره آویخته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 4

4 - خدمت گزاران ابرار در بهشت، جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

و یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که «مخلّدون»، مشتق از «خُلّد» به معنای گوشواره باشد. بنابراین «ولدان مخلّدون»؛ یعنی، جوانانی که گوشواره، بر گوششان آویخته شده است.

417- لباسهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 2

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع، میوه های آماده، انواع شراب های دلپذیر، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر، از نعمت

های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متكئين فيها على الأرائك . . . و ذللت قطفوها... يسقون فيها كأسًا ... يطوف عليهم

تقديم جار و مجرور (لكم) مفيد اختصاص است. ضمن آن كه لام در «لكم»، می تواند برای اختصاص باشد.

ص: 261

418- لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 77 - 1

1 - لذت ها ، زیبایی ها و آسایش بهشت ، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

متکین علی رفرف خضر .. فبأیء آلاء ربکما تکذبان

419- لذایذ جنسی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 4,5

4 - وجود لذت های جنسی در بهشت

و کواعب أتراباً

5 - لذت های جنسی تقواییان در بهشت ، گوشه ای از سعادت مندی آنها است .

مفازاً .. و کواعب أتراباً

420- لذایذ مادی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 10

10 - وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت .. مسکن ... و رضون من الله أكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 4

4 - انسان در بهشت ، دارای ویژگی های موجود مادی است و از خوردنی ها و آشامیدنی ها لذت می برد .

کلوا و اشربوا هنیءاً

2- پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّات النعیم . . . لایسمعون فیها لغوًا و لا تأثیماً

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. از این رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان - پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی - بیانگر مطلب بالا است.

ص: 262

421- لذایذ مادی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 5

5 - انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

422- لذایذ معنوی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 10،14

10 - وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت ... مسکن ... و رضون من الله أكبر

14 - برترین لذت ها برای اهل بهشت ، لذت معنوی و روحانی است .

و رضون من الله أكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 25 - 2

2 - پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّات النعیم ... لا یسمعون فیها لغوًا و لا تأثیماً

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. از این رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان - پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی - بیانگر مطلب بالا است.

423- لذت بخشی شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 46 - 2

2- لذت بخش و گوارا بودن شراب بهشتی برای نوشندگان آن

لذّه للشربین

424- لذت بخشی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 9

9- نعمت های بهشتی ، خالی از نقص و بهره‌وری از آن به دور از هر گونه رنج و ملال

ماء غیر ءاسن . . . لبن لم یتغیّر طعمه ... خمر لذّه للشربین و أنهر من عسل مصفّی

ص: 263

تعبیر «غیر آسن»، «لم یتغیر طعمه»، «لذّه للشاریین» و «مصفی» بیانگر بدبو و بدطعم نشدن، رنج آور نبودن و ملال نیاوردن است.

425- لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 25 - 1

1 - در بهشت پیشتازان (سابقون)، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید.

لا یسمعون فیها لغواً و لا تأثیماً

«لغو» به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و «تأثیم» به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 26 - 1

1 - در بهشت پیشتازان (سابقون)، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود.

لا یسمعون فیها لغواً .. إلاّ قیلاً سلماً سلماً

«قیل» معادل «قول» و موصوف «سلاماً» است؛ یعنی، «لا یسمعون فیها إلاّ قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم».

426- مالک باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 4

4 - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند، مالک بوستان های بهشت خواهند شد.

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّـت

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

427- متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 16، 17، 12

12 - حیات جاودانه متقین در بهشت

لَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ .. خَالِدِينَ فِيهَا

16 - خرسندی و رضایتمندی تقوایبندگان در بهشت ، موهبت الهی به ایشان

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ

17 - خرسندی و رضایت خداوند از تقوایبندگان در بهشت ، نعمتی بزرگ برای آنان

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ

ص: 264

بنابراینکه «من»، ابتدائیه باشد؛ یعنی رضایتی از جانب خداوند نسبت به تقواییشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 11، 12، 2

2 - پرهیزکاران، جاودان در بهشت و برخوردار از نعمت های آن

لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنّات .. خالدین فیها

11 - بهشت جاودان با نهر های روان، مهیا برای پذیرایی از پرهیزکاران

لهم جنّات تجری من تحتها الانهار .. نزلا من عند الله

12 - بهشت و بشارت خلود در آن، تنها بخشی از ضیافت الهی برای تقواییشان است.

نزلا من عند الله

کلمه «نزل»، به چیزهایی گفته می شود که در آغاز ورود میهمان برای پذیرایی از وی فراهم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 1

1 - جایگاه تقواییشان، باغ ها و چشمه سار های بهشت است.

إن المتقین فی جنّات و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 6، 7، 1

1 - خداوند، هرگونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند.

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

«غلّ» در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

6 - متقین، در بهشت در حالی که رویه روی یکدیگر قرار دارند، بر تخت ها می آرامند.

إن المتقین فی جنّات .. علی سرر متقبّلین

7- متقین ، در بهشت بزم باصفایی دارند .

إن المتقین فی جنّاتٍ .. و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ إخواناً علی سرر متقبّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 48 - 5، 1، 2

1- متقین در بهشت ، دچار هیچ گونه سختی و رنجی نخواهند شد .

لایمّسّهم فیها نصب

«نصب» در لغت به معنای سختی و رنج است.

2- متقین ، از بهشت اخراج نمی شوند و در آن جاوید خواهند ماند .

و ما هم منها بمخرجین

5- متقین در بهشت ، در رفاه مادی و آسایش فکری کامل هستند .

إن المتقین فی جنّاتٍ و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین ... علی سرر متقبّلین . لایمّسّ

ص: 265

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 7, 9, 14

1- جایگاه تقوایبشگان در آخرت ، بهشت جاودانه است .

و لنعم دار المتقين . جنّ - ت عدن

«عدن» در لغت به معنای استقرار و ثبات است و این معنا دلالت بر جاودانگی می کند.

4- تمامی خواسته های تقوایبشگان در بهشت ، برآورده می شود .

دار المتقين . جنّ - ت عدن یدخلونها ... لهم فیها ما یشاءون

7- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبشگان است .

دار المتقين . جنّ - ت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

9- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایبشگان

و لنعم دار المتقين . جنّ - ت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 15

15- اعمال تقوایبشگان ، عامل ورود آنان به بهشت

المتقين . . ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 3, 4, 5

3 - بهشت ، جاودانه است و متقین در آن جاویدان اند .

أم جنّه الخلد التي وعد المتقون

جاودانگی تقوایبشگان، از وعده ای که خداوند به آنان برای دخول در بهشت جاوید داده است، قابل استفاده می باشد و در واقع این سخن، کنایه از جاوید بودن خود متقین در بهشت است.

4- زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقوایندگان

جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ

5- بهشت جاودان ، پاداش و سر انجام تقوایندگان

جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جِزَاءً وَ مُصِيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 7، 2، 1

1 - متقین ، در جایگاه ابدی خویش در بهشت ، هر آنچه را که بخواهند آماده است .

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ

2- متقین ، در بهشت موعود خویش همواره جاودان خواهند بود .

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ

7- تحقق وعده الهی بر تأمین تمامی خواسته ها در بهشت جاویدان ، انتظار و توقع متقین از خداوند

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَتْ عَلَى رَبِّكَ وَعْداً مَسْئُولاً

«مسؤول»؛ یعنی، کسی که مورد سؤال و مطالبه مستحقان و حق داران است و در آیه شریفه - به قرینه مقام - مقصود این

ص: 266

است که متقین، می توانند توقع و انتظار داشته باشند که خداوند به وعده خود عمل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 24 - 2

2- متقین، برخوردار از برترین جایگاه و نیکوترین آسایشگاه در بهشت

أَمْ جَنَّهَ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ... أَصْحَابِ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا أَحْسَنَ مَقِيلًا

آیه شریفه جایگاه اهل بهشت و برخورداری های آنان را، در برابر مجرمان مشخص کرده است؛ اما این که بهشتیان چه کسانی اند، در این آیه از آنان یاد نشده است؛ ولی در آیه 15 اهل بهشت به «متقین» توصیف شده است. ارتباط میان این دو دسته از آیات، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 6

6 - تقواییشان هنگام ورود به باغ های بهشتی، با استقبال گرم و احترام و تکریم روبه رو خواهند شد.

مَفْتَحَهُ لِهِمُ الْأُبُوبُ

برداشت یاد شده بر این فرض استوار است که مقصود از گشوده بودن درب های باغ های بهشتی بر روی تقواییشان و بهشتیان، استقبال گرم و با احترام و تکریم از ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 1,2,3

1 - تقواییشان، در باغ های بهشتی بر تخت ها تکیه می زنند.

مَتَّكِنِينَ فِيهَا

مقصود از تکیه کردن بهشتیان - به قرینه آیات مشابه - (علی الأرائك متكئين) [سوره یس (36) آیه 56] تکیه زدن آنان بر تخت های بهشتی است.

2 - آرامش کامل تقواییشان در باغ های بهشتی

مَتَّكِنِينَ فِيهَا

برداشت یاد شده بر این فرض استوار است که تعبیر «متکئین فیها» کنایه از آرامش کامل باشد؛ زیرا این حالت مربوط به کسانی است که در آرامش به سر می‌برند.

3 - تقوایشگان در باغ های بهشتی ، خواستار میوه ها و نوشیدنی های بسیار عالی ، متنوع و گوناگون

یدعون فیها بفرکه کثیره و شراب

مقصود از کثرت میوه ها و نوشیدنی ها، تنوع آنها است و تنکیر «فاکبه» و «شراب» برای تفخیم می باشد؛ یعنی، میوه های عالی و نفیس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 3

3 - تقوایشگان در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «طرف» مربوط به غیر زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب

ص: 267

اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را، به خود مشغول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 4،8

4 - تقوایشگان، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنیة

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

8 - کاخ ها و بنا های تقوایشگان در بهشت، دارای نهرهایی است جاری در پایین آنها .

غرف مبنیة تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 1،3،7،9،14

1 - تقوایشگان، پس از حسابرسی اعمالشان، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . . . و قضی بینهم بالحق . . . و سیق الذین اتقوا ربهم إلى الجنة

3 - وجود فاصله میان موقف تقوایشگان در محشر و بهشت

و سیق الذین اتقوا ربهم إلى الجنة زمراً

7 - تقوا، دارای مراتب مختلف و تقوایشگان برخوردار از جایگاه های گوناگون در بهشت

و سیق . . . إلى الجنة زمراً حتی إذا جاءوها و فتحت أبوابها

تقسیم شدن تقوایشگان به چند دسته و گروه (زمراً) و نیز ورود آنان از درب های گوناگون بهشت، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

9 - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقوایشگان، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم علیکم

14 - تقوایشگان، در بهشت، جاودانه خواهند ماند .

فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 8، 6، 4

4 - بهشت جاویدان ، میراث تقوایندگان

و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

6 - بهشت جاویدان ، فراتر از استحقاق تقوایندگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید؛ زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

8 - بهشت تقوایندگان ، بسیار گسترده و پهناور است .

ننبؤاً من الجنة حیث نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 268

17 - زخرف - 43 - 70 - 4,5

4- همراهی اهل تقوا در بهشت با همسران دنیوی خویش ، پاداش الهی برای آنان

ادخلوا الجنة أنتم و أزوجکم

5- وجود رابطه و دل بستگی میان همسران متقی ، در جهان آخرت و در بهشت

ادخلوا الجنة أنتم و أزوجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 13

13 - مؤمنان متقی ، در بهشت جاویدان اند .

و أنتم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 73 - 1,2

1 - بهره‌وری متقین در بهشت ، از میوه های فراوان آماده شده برای ایشان

لکم فیها فککه

2- میوه های بهشت ، چندان فراوان اند که تقواییشان تنها از بخشی از آن بهره می برند .

لکم فیها فککه کثیره منها تأکلون

از «منها» - که برای تبعیض است - استفاده می شود که مؤمنان تنها از گوشه ای از نعمت های بهشت استفاده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 52 - 3

3- فراهم آمدن نعمت های روحی و جسمی ، برای متقین در بهشت (مادی و معنوی)

فی مقام أمين . فی جنّـت و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایشگان در بهشت

یلسون من سندس و استبرق

«سندس» به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. «استبرق» نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

4- تقوایشگان در بهشت ، دارای دیدار ها و نشست های دوستانه و محافل انس

مقابلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- تقوایشگان بهشتی ، برخوردار از هرگونه میوه مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکّهه

ص: 269

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 1

1- تقوایندگان ، دارای حیاتی جاودان در بهشت برین

لا یدوقون فیها الموت إلا الموتة الأولى

عبارت «الموتة الأولى»، ناظر به مرگ دنیوی است و استثناً «إلا الموتة الأولى» تأکیدی بر جاودانگی تقوایندگان در آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 57 - 1

1- بهره‌وری متقین از نعمت های گسترده بهشت ، ناشی از فضل پروردگار است ؛ نه صرفاً استحقاق خود ایشان .

فضلاً من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 16، 15، 10

10- متقین در بهشت ، بهره مند از همه میوه ها

و لهم فیها من کل الثمرت

15- راه یافتن تقوایندگان به بهشت ، پس از غفران لغزش های دنیوی آنان از سوی پروردگار

الجنة التي وعد المتقون فيها . . . و مغفرة من ربهم

با توجه به این که در بهشت، زمینه لغزش و گناه نیست؛ تعبیر «مغفرة» نظر به خطاهای دنیوی دارد که به هر حال - حتی همه اهل تقوا - از آن مصون نیستند.

16- بهره مندی متقین از نعمت های عالی بهشت ، همراه با زدایش خاطره تلخ لغزش ها از یاد آنان *

و لهم فیها من کل الثمرت و مغفرة من ربهم

مراد از «مغفرة» می تواند، چشم پوشی از لغزش ها پس از ورود به بهشت باشد. در این صورت «مغفرة» به معنای صرف بخشش گناه نیست؛ زیرا اگر بخشیده نشده بودند، وارد بهشت نمی شدند. بنابراین مراد از غفران، ممکن است پوشاندن لغزش ها باشد؛ به گونه ای که دیگر بهشتیان، خود به یاد گذشته نیفتاده و خاطرشان ملول نگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 35 - 3

3 - بازدارندگان خویش از هوس ها ، برخوردار از هر آرزو در بهشت

وَأُزْلَفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ .. أَوَابَ حَفِيفٍ ... لَهْمَ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا

با توجه به این که «تقوا» و خودداری از گناه و هوای نفس، به عنوان بارزترین صفت اهل بهشت یاد شده است، نوید «لهم ما يشاءون فيها» می تواند بیانگر معنای بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 3، 1

1 - بهشت ، جایگاه حتمی تقوایندگان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

ص: 270

3 - بهشت تقوایندگان ، سرشار از نعمت است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

واژه «نعمیم» به معنای نعمت بسیار و فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 4،5،1

1 - شادمانی تقوایندگان در بهشت ، از عطایای پروردگار به آنان

فَكَهِنُ بِمَاءِ آتِيهِمْ رَبِّهِمْ

«فاکه» (از مصدر «فکاهه») به معنای شادمان است.

4 - بهشت ، جلوه ربوبیت خداوند ، در حق تقوایندگان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ ... آتِيهِمْ رَبِّهِمْ

مطرح ساختن ربوبیت خداوند ، در مقام اعطای بهشت به پرهیزکاران و نیز اضافه «رب» به «هم» ، مطلب بالا را افاده می کند.

5 - یاد نعمت ها و تعظیم عطایای خداوند ، نقل مجلس انس متقین ، در بهشت *

فَكَهِنُ بِمَاءِ آتِيهِمْ رَبِّهِمْ

در معنای «فکاهین» گفت و گوهای دوستانه در مجالس انس آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 1

1 - بهره مندی تقوایندگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ... وَأَمْدَدْنَهُمْ بِنُكْهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 23 - 1

1 - دست به دست شدن جام های شراب ، میان متقین در بهشت

«تنازع» (مصدر «یتنازعون») به معنای گرفتن است و «کأس» به جامی که حاوی شراب باشد گفته می شود. احتمال دارد مراد، گرفتن جام شراب از دست خدمتکاران (غلمان) باشد و نیز می تواند گرفتن آن از دست یکدیگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 1

1 - خدمت کاران جوان و زیبارو، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و یطوف علیهم غلمان لهم

«غلام» (مفرد «غلمان») به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 28 - 5,8

ص: 271

5- ستایش تقوایپیشگان از نیکی های خداوند ، در مجالس انس خویش در بهشت

یتساءلون . . . إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

8- راهیابی متقین به بهشت ، جلوه ای از نیکی و رحمت گسترده خداوند

فَمَنْ لَّهِ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ . . . إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 54 - 3، 1

1 - استقرار حتمی تقوایپیشگان ، در باغ های پر درخت و کنار نهر های بهشت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

«جَنَّة» (مفرد «جَنَّات») به باغ پوشیده شده از درختان گفته می شود.

3- باغ ها و نهر های بهشتی ، پاداش عملکرد خود متقین

وَ كُلِّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ . . . إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

از ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در زمینه نقش مؤثر عمل در پاداش و کیفر انسان بود، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 55 - 2

2- متقین در بهشت ، برخوردار از مقامات معنوی ، علاوه بر نعمت های مادی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ . فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که عبارت «فِي مَقْعَدِ صَدَقٍ» «نعمتی متفاوت و حقیقتی ممتاز از نعمت باغ ها و نهرها باشد و به تعبیر دیگر، نظر به ارزش های معنوی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 41 - 3، 1

1 - جایگاه تقوایپیشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعَيْون

3- زندگی تقوایندگان در بهشت ، در اوج آسودگی و شادابی است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعَيْون

زندگی در زیر سایه ها و در کنار چشمه سارها، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 3، 1

1 - پذیرایی شدن تقوایندگان در بهشت ، از خوردنی ها و نوشیدنی ها

كلوا و اشربوا

3 - تقوایندگان در بهشت ، مورد ضیافت و تکریم و تجلیل الهی اند .

كلوا و اشربوا هنيئاً

«هنيئاً» واژه ای است که به در وقت اطعام به میهمانان و برای تکریم به آنان گفته می شود.

ص: 272

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 31 - 1

1 - تقوایشگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادت‌مند و رهیده از عذاب اند .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

«مفاز» (مانند «فوز» و «مفازه») مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد - که بیان «مفازاً» است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید - این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 1

1 - تقوایشگان در آخرت ، برخوردار از چندین باغ و تاکستان بزرگ ، با انگوری فراوان

حدائق و أعنبا

«حدیقه» (مفرد «حدائق») به باغی گفته می شود که اطراف آن را برجستگی های طبیعی یا دست ساز احاطه کرده باشد (لسان العرب). کلمه «حدائق» بدل برای «مفازاً» و بیانگر این است که بوستان های متعدد، گوشه ای از جایگاه سعادت و خوشبختی متقین است. نکره آوردن «حدائق» و «أعناب»، برای بیان عظمت آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 1,3

1 - تقوایشگان در بهشت ، بهره مند از حوریانی نارس و نار پستان

كواعب

«كاعب» (مفرد «كواعب») به زنی گفته می شود که پستان هایش برجسته شده باشد. (لسان العرب)

3 - تقوایشگان ، برخوردار از هم نشینی صمیمانه حوریان جوان در بهشت

أترابًا

در «معجم مقاییس اللغه»، «تَرَبُّ» با «خِدْن» (دوست و همراه) به یک معنا گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 1

1 - تقوایشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لا یسمعون فیها لغواً

«لغو»؛ یعنی، بی فایده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سخنان زشت نیز «لغو» نامیده می شود. (مفردات راغب). نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است. ضمیر «فیها» به «مفازاً» بر می گردد؛ به این اعتبار که مراد از آن «جَنَّة» (بهشت) باشد.

428- متقین هنگام ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 273

4 - باز شدن درب های بهشت ، به هنگام نزدیک شدن تقوایندگان

حتی إذا جاءوها و فتحت أبوابها

5 - باز بودن درب های بهشت ، پیش از رسیدن تقوایندگان

حتی إذا جاءوها و فتحت أبوابها

برداشت یاد شده بر این اساس است که او در «و فتحت» حالیه باشد نه زاید. بنابراین معنای آیه چنین می شود: به بهشت خواهند رسید در حالی که قبلاً درب های آن گشوده شده است.

11 - تمجید دربانان بهشت از خوبی ها و پاکدامنی تقوایندگان ، در آستانه ورود آنان به بهشت

و قال لهم خزنتها.. .. طبتم

429- مجاهدان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 1

1 - باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیا شده از جانب خدا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 10

10 - افراد ناتوان از جهاد ، همانند مجاهدان ، برخوردار از بهشت در صورت داشتن روح اطاعت در برابر خدا و رسول او

لیس علی الأعمی حرج... .. و من یطع الله و رسوله جنّت

برداشت بالا بنا بر این نکته است که «من یطع..» جواب سؤال مقدر باشد، زیرا پس از رفع حکم جهاد از افراد ناتوان، ممکن است سؤال شود که: چرا این گروه از فیض جهاد محروم اند؟ خداوند در جواب می فرماید: آنان نیز اگر مطیع باشند، همانند مجاهدان، از پاداش الهی برخوردار خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آمرزش گناه و حیات جاودان در بوستان های بهشت ، تضمین شده از سوی خداوند ، برای مؤمنان راستین و مجاهدان راه او

تؤمنون بالله ... یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّات... و مسکن طیّبه

430- مجاهدان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - وجود خانه های عالی و دلپذیر برای مؤمنان مجاهد در « جنّات عدن »

ص: 274

و مسکن طیبه فی جنّات عدن

«جنّات عدن»، می توان اسم خاص باشد و غیر از «جنّات تجری» به شمار آید، برآشت یاد شده برگرفته از این احتمال است.

431- محدودیت در بهشت آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 120 - 14

14 - آدم (ع) ، دارای محدودیت در استفاده از برخی میوه های درختان بهشت بود .

هل أدلک علی شجرة الخلد و ملک لایلی

432- محرمات در بهشت آدم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 8

8 - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لا تقربا هذه الشجرة

به قرینه «و کلا» (بخورید) می توان گفت: مراد از «لا تقربا» (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهییه بوده است.

433- محرومان از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 111 - 10, 6, 5, 4, 3, 2, 1

1 - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، تنها خویشان را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

وقالوا لن یدخل الجنة إلا من کان هوذا أو نصری

ضمیر در «قالوا» به «اهل الکتاب» (در آیه 109) باز می گردد.

2 - یهودیان ، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند .

وقالوا لن یدخل الجنة إلا من کان هوذا

آیه 113، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث «لَفَّ اجمالی» وجود دارد و حرف «أو» نیز برای تفصیل است؛ یعنی، جمله «قالوا لن...» حاکی از دو جمله است: 1- قالت الیهود: «لن یدخل الجنة إلا من کان هوداً». 2- وقالت النصاری: «لن یدخل الجنة إلا من کان نصری».

3- نصارا، بهشت را از آن خویش دانسته و دیگران را از آن بی نصیب می پندارند .

قالوا لن یدخل الجنة إلا من کان هوداً أو نصری

نصارا جمع نصرانی است و به پیروان حضرت مسیح گفته می شود، و «هود» جمع هائد است و به پیروان حضرت موسی اطلاق می گردد.

4- اتفاق نظر یهود و نصارا، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

ص: 275

قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصری

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت «لَفَّ اِجْمَالِي» بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

5 - یهود و نصارا، در تلاش برای تضعیف روحیه مسلمانان و بازسازی مردم از گرایش به اسلام

قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصری

6 - محرومیت مسلمانان از بهشت از خیالات واهی و نادرست یهود و نصارا

تلك أمانيهم

«أماني» جمع امنیه و به معنای آرزوها، خیالات واهی و دروغهای یافته شده است.

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنكم إن كنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 40 - 6، 5

5 - تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران، محروم از ورود به بهشت

إن الذین کذبوا بآیتنا و استکبروا عنها .. لا یدخلون الجنة

6 - ورود تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران به بهشت، امری ناممکن، همچون عبور شتر از روزنه سوزن

و لا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط

«جمل» به معنای شتر است و «سم» به معنای روزنه ای است که در انتهای سوزن برای عبور نخ تعبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 22 - 7

7 - ملائکه هنگام رویه رو شدن با منکران معاد در قیامت، به آنان خواهند گفت که شما از غفران الهی و بهشت محرومید.

یوم یرون الملئکه لابیشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که فاعل «یقولون» ملائکه باشد و «حجراً محجوراً» نیز مقول قول ایشان باشد. گفتنی است که در این صورت، مقصود از این کلام، اعلام محرومیت و ممنوعیت منکران معاد از غفران الهی و بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 7

7 - مشرکان و کافران، محروم از بهشت و موهبت های آن

لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف

لام اختصاص در «لهم» بیانگر این حقیقت است: کافران و مشرکان - که در قطب مقابل مؤمنان قرار دارند - از نعمت های بهشتی محروم اند.

434- محرومان از نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 276

7 - مشرکان و کافران ، محروم از بهشت و موهبت های آن

لکن الذین اتقوا ربهم لهم غرف

لام اختصاص در «لهم» بیانگر این حقیقت است: کافران و مشرکان - که در قطب مقابل مؤمنان قرار دارند - از نعمت های بهشتی محروم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 5

5 - مشرکان از بهشت و موهبت های آن ، بهره ای نخواهند داشت .

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدعون

از تقابل این آیات با آیات پیشین - که در مورد مشرکان بود - و نیز از تقدیم «لکم» و تکرار آن، مطلب بالا استفاده می شود.

435- محرومیت از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 124 - 7

7 - کافران ، محروم از ورود به بهشت ، هر چند دارای اعمال صالح باشند .

و من یعمل من الصلحت . . . و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة

قید «و هو مؤمن» می رساند که ایمان، شرط ثمربخشی اعمال نیک است؛ بنابراین اعمال نیک، بدون ایمان و در حال کفر، پاداش بهشت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 72 - 19,21

19 - خداوند بهشت را بر مشرکان حرام کرده است .

انه من یشرک باللّه فقد حرم اللّه علیه الجنة

21 - معتقدان به الوهیت مسیح (ع) محروم از بهشت و گرفتار به آتش دوزخ

قالوا إنّ الله هو المسيح .. فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار

436- محرومیت از بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 13

13 - تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد؛ تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منهییه در نسل ایشان نیز اثری به جای

ص: 277

گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 2

2- نسل آدم (ع) و حوا نیز بر اثر تناول آن دو از شجره منهیه، از بهشت نخستین محروم شدند.

قلنا اهبطوا منها جميعاً

«اهبطوا» به صیغه جمع اقتضا می کند که: غیر از آدم (ع) و حوا فرد یا افراد دیگری نیز مورد خطاب باشند. در این باره چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه دیگر مخاطبان، نسل آدم (ع) و حوا می باشند. برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

437- محرومیت از لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 10

10 - اهل کتاب و مشرکان، در صورت کفر به اسلام، از لذت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود.

من أهل الكتب و المشركين في نار جهنم... الذين آمنوا و عملوا الصلحت... جزا

438- محرومیت از نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 51 - 10

10 - خداوند، منکران قیامت را از بهشت و مواهب آن محروم خواهد کرد.

إن الله حرهما على الكفرين... فاليوم ننسبهم كما نسوا لقاء يومهم هذا

از مصادیق کلمه «الکفرین» به دلیل «کما نسوا لقاء یومهم هذا»، منکران قیامت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 46 - 3

3 - تهدید تکذیب گران روز جزا، به محرومیت از موهبت های بهشتی

كلوا و تمتعوا قليلاً

امر در «كلوا و تمتعوا» در معنای تهدید و انذار به كار رفته است. در آیات گذشته، از مواهب بهشت و تأمین خواسته های تقواییشان در آن، سخن به میان آمده است. از این مطلب استفاده می شود كه این تهدید، ناظر به محرومیت از موهبت های بهشتی است.

439- محسان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 278

7 - یونس - 10 - 26 - 9، 6، 7

6 - نیکوکاران ، اهل بهشتند .

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا .. أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

7 - نیکوکاران ، در بهشت جاودانه خواهند ماند .

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا .. أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

9 - « عن ابی جعفر (ع) فی قوله « لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحَسَنَى وَزِيَادَهُ » فَمَا الْحَسَنَى ، الْجَنَّةُ وَ أَمَا الزِيَادَةُ فَالْدُنْيَا ، مَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَحْسَبْهُمْ بِهِ فِي الْآخِرَةِ ... » ;

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خدا که می فرماید: «برای کسانی که نیکی کرده اند، پاداشی نیکوتر و خیری زیاده بر آن هست» فرمود: اما پاداش نیکوتر، بهشت است و اما زیاده بر آن، عطای خدا در دنیاست. آنچه خدا در دنیا به آنان داده، در آخرت حساب آن را از ایشان نمی خواهد ...» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 1

1 - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فِي ظِلِّ وَعَيْون ... كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا ... إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

440- محمد (صلی الله علیه و آله) در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 1

1 - باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیا شده از جانب خدا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان مجاهد

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّةَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 85 - 16

16 - « عن عليّ رضي الله عنه عن النبي (صلی الله علیه و آله) لِرَادِّكَ إِلَى مَعَادٍ قَالَ : الْجَنَّةُ ;

علی (ع) از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت نموده که مقصود از «معاد» در آیه «لِرَادِّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ» بهشت است.

441- مخلصان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 2

2- بندگان خالص خداوند و هم نشینان آنان ، در بهشت برین جای داده خواهند شد .

فی عبدی . و ادخلی جنّتی

ص: 279

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 43 - 1

1 - بندگان مخلص خدا، در بوستان های پر نعمت متنعم اند .

إلاّ عباد الله المخلصین . أولئك ... مكرمون . فی جنّات النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 44 - 2,4,1

1 - بندگان مخلص خدا، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد .

علی سرر متقبلین

«سرر» (جمع «سریر») به معنای تخت ها است.

2 - بندگان مخلص خدا، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین

رویاری هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

4 - انس و محبت متقابل و بزم خوش، از نعمت های الهی برای بندگان مخلص خدا در بهشت

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 45 - 3,4,1

1 - گردش ظرف هایی از شراب ناب، گرداگرد بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

«کأس» به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است؛ نه

ظرفی که در آن شراب باشد.

3- در دسترس بودن شراب و فراوانی و مستمر بودن آن، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

تعبیر دور دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن «یطاف» به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این عمل دارد.

4- شراب ناب، از نعمت های الهی برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 3

3- بندگان مخلص خدا در بهشت، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از «طرف» می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران

ص: 280

(همسران) را به خود مشغول می‌دارند.

443- مدحهای نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 11

11 - تمجید دربانان بهشت از خوبی‌ها و پاکدامنی تقواییشان، در آستانه ورود آنان به بهشت

و قال لهم خزنتها.. طبتم

444- مراتب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 7

7 - بهشت دارای مراتب، و پاداش‌های اخروی، دارای گونه‌های متکامل

جنت تجری... جنت عدن و رضون من الله أكبر

در برداشت فوق، از تمایز «جنت تجری» و «جنت عدن» از یکدیگر مراتب بهشت، و از «رضوان من الله أكبر» تفاوت کمالی نعمتهای آن استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 5

5- هر یک از بندگان خاص خداوند، دارای بهشتی مخصوص به خود است. *

جنت عدن التي وعد الرحمن عباده

جمع آمدن «جنت» و «عباد» ممکن است حاکی از این باشد که برای هر بنده‌ای بهشتی مخصوص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 19 - 6

6 - بهشت، دارای گونه‌ها و مراتب مختلف است.

فلهم جنّ المأوی نزلاً

احتمال دارد که آمدن لفظ «المأوی» به دنبال «جنّات» برای جداسازی و تمییز این بهشت ها از بهشت های دیگر باشد و نشان می دهد که بهشت های دیگری نیز وجود دارد.

445- مراد از بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 16

ص: 281

16 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « عدن ، دارالّله التي لم ترها عين ولم تخطر على قلب بشر لا يسكنها غير ثلاثة النبیین و الصدیقین و الشهدا . . . » ;

«عدن» خانه [ویژه] خداست که هیچ چشمی آن را ندیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است. در آن خانه ساکن نمی شود مگر سه دسته: پیامبران، صدیقان و شهیدان ...».

446- مراد از بهشت فردوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 11 - 6

6 - « عن رسول الله (صلی الله علیه و آله) . . . والفردوس ربوه الجنة و أوسطها و أفضلها ;

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: فردوس، جایگاه بلند، و بهتر و برتر بهشت است.

447- مراد از نه‌های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 54 - 5

5 - « عن ابن عباس قال : قال : رسول الله (صلی الله علیه و آله) النهر الفضاء و السعه ليس بنهر جار ;

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: مراد از نهر [در این آیه] فضا و وسعت است [و] نهر جاری مراد نیست».

448- مرغوبیت فرشهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 34 - 1

1 - وجود فرش های عالی و گران ب ها در بهشت اصحاب الیمین

و فرش مرفوعه

«فُرْش» جمع «فراش» است و «فراش» به چیزی گفته می شود که پهن باشد و انسان بتواند روی آن استقرار پیدا کند. از این رو در قرآن بر «زمین»، «مرکب»، «فرش»، «تشک» و «تخت»، «فراش» اطلاق شده است. بنابراین «و فرش مرفوعه» می تواند به معنای فرش های نفیس و گران بها باشد.

449- مزاح مردان بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت

ص: 282

های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكئونَ

جمله «هم و أزواجهم...» استتلاف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

450- مزاح همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكئونَ

جمله «هم و أزواجهم...» استتلاف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

451- مزه شیر بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 7

7- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن و أنهر من لبن لم یتغیر طعمه و أنهر من خمر لذه للش-

452- مسابقه برای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 2

2- انسان ها ، باید دنیا را میدان مسابقه جهت دست یافتن به بهشت و آمرزش الهی قرار دهند .

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور . سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 283

13 - بهشت و تأمین تمامی خواسته ها ، پاداش استحقاقی و حق محسنان است .

ذلک جزاء المحسنین

تعبیر «جزاء» می رساند که محسنان در برابر احسان های خود، حتی بر خدا پیدامی کنند؛ هر چند این حق را خود او مقرر فرموده است.

454- مسلمانان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 40 - 3

3 - « عن عبدالله ابن مسعود قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إني لأرجو أن يكون من اتبعني من أمتي ربع أهل الجنة . . . ثم قال : إني لأرجو أن يكون من أمتي الشطر ، ثم قرأ « ثلثه من الأولين . وثلثه من الآخرين » ؛

از عبدالله بن مسعود نقل شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: من امیدوارم از امت من کسانی که از من تبعیت می کنند، یک چهارم اهل بهشت باشند. .. سپس فرمود: من امیدوارم پیروان من نیمی از اهل بهشت باشند و این آیه را قرائت فرمود: ثلثه من الأولین و ثلثه من الآخرين».

455- مسلمانان و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 111 - 6

6 - محرومیت مسلمانان از بهشت از خیالات واهی و نادرست یهود و نصارا

تلک أمانتهم

«آمانی» جمع امانیه و به معنای آرزوها، خیالات واهی و دروغهای یافته شده است.

456- مسیحیان و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 111 - 10، 8، 4، 1

1 - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، تنها خویشان را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن ، محروم می پندارند .

وقالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصرى

ضمیر در «قالوا» به «اهل الكتاب» (در آیه 109) باز می گردد.

4- اتفاق نظر یهود و نصارا، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصرى

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت «لفّ اجمالی» بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

ص: 284

8 - یهود و نصارا هیچ برهانی بر ادعای خویش (اختصاص بهشت به خویشان و محرومیت مسلمانان از آن) ندارند .

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

«هات» (مفرد هاتوا) اسم فعل و به معنای عطا کن است. بنابراین «هاتوا برهنکم» یعنی، برهانتان را ارائه کنید.

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

457- مشرکان و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 62 - 8

8- مشرکان مدعی بودند بهشت ، از آن آنان است .

و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از «أن لهم الحسنی»، به قرینه فراز بعدی (أن لهم النار) بهشت باشد.

458- معذوران از جهاد در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 10

10 - افراد ناتوان از جهاد ، همانند مجاهدان ، برخوردار از بهشت در صورت داشتن روح اطاعت در برابر خدا و رسول او

لیس علی الأعمی حرج . . . و من یطع الله ورسوله جنّت

برداشت بالا بنا بر این نکته است که «من یطع . . .» جواب سؤال مقدر باشد، زیرا پس از رفع حکم جهاد از افراد ناتوان، ممکن است سؤال شود که: چرا این گروه از فیض جهاد محروم اند؟ خداوند در جواب می فرماید: آنان نیز اگر مطیع باشند، همانند مجاهدان، از پاداش الهی برخوردار خواهند بود.

459- مفروش بودن بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 16 - 2

2 - مکان های فراوانی از بهشت ، برای بزم بهشتیان ، همواره مفروش و آماده است .

وزرایی مبثوئه

«بثّ»؛ یعنی، متفرق ساختن و آشکار کردن و «مبثوئه»؛ یعنی، فراوان و متفرق. (مقایس اللغه)، مراد از متفرق بودن فرش ها در بهشت، مفروش بودن نقاط مختلفی از آن است.

ص: 285

460- مهربان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 89 - 5

5 - ره یافتگان به مقام قرب در آخرت (پیشتانان)، برخوردار از بهشتی سرشار از نعمت

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ... وَجَنَّاتٍ نَعِيمٍ

واژه «نعیم»، به معنای نعمت فراوان آمده است (مفردات راغب).

461- مکان باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 3

3 - بوستان های مؤمنان در بهشت، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد.

فِي جَنَّاتٍ عَالِيَةٍ

462- مکان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 40 - 8,9

8 - بهشت، حقیقتی موجود در آسمان

لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

برداشت فوق مبتنی بر این است که «السَّمَاءُ» در جمله «لَا تَفْتَحُ...» حقیقتی مقابل زمین باشد. در این صورت مراد از نگشودن درهای آسمان، به قرینه فراز بعد، باز نبودن آنها برای ورود کافران به بهشت خواهد بود.

9 - آسمان حاوی بهشت، دارای درهایی متعدد و راههایی گوناگون برای ورود به آن جایگاه برین

لَا تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ و با فاصله ای زیاد از آن

و نادی اصحاب النار اصحاب الجنة أن أفيضوا علينا

کلمه «افاضه» که به معنای ریزش است، حکایت از این دارد که بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ قرار گرفته است. به کارگیری ندا (خواندن با صدای بلند)، اشاره به دوری بهشت و دوزخ از یکدیگر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 22 - 5

5 - بهشت موعود الهی، در آسمان قرار دارد. *

وفي السماء .. و ما توعدون

ص: 286

با توجه به این که عمده ترین وعده خداوند به آدمیان بهشت است، بسیاری از مفسران «ما توعدون» را به معنای بهشت گرفته اند.

463- مکان بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 21

21 - حسین بن میسر گوید : « سألت أبا عبد الله عن جنة آدم . فقال : جنة من جنان الدنيا تطلع في ها الشمس والقمر ولو كانت من جنان الآخرة ما خرج من ها ابداً ؛

از امام صادق (ع) از بهشت آدم(ع) سؤال کردم، فرمود: باغی از باغهای دنیا بود که ماه و خورشید در آن طلوع می کرد و اگر از بهشتهای آخرت بود، هرگز از آن خارج نمی گشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 18

18 - بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکونت داشتند ، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود .

قلنا اهبطوا .. و لكم في الأرض مستقر

جمله «و لكم في الأرض مستقر» دلالت می کند بر اینکه: بهشتی که آدم(ع) و حوا در آن سکونت داشتند در زمین نبوده و کلمه «اهبطوا» می رساند که آن جایگاه، برتر و بالاتر از زمین بوده است.

464- مکان بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 11

11- « رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال : جنة عدن و هي في وسط الجنان . . . فسورها ياقوت أحمر و حصاها اللؤلؤ . . . »

از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) روایت شده است که فرمود: بهشت عدن در وسط بهشت هاست . . . پس دیوار آن یاقوت سرخ و سنگریزه های آن لؤلؤ می باشد . . .».

465- مکان جنة المأوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - « جنه المأوى » ، در مجاورت « سدره المنتهى » قرار دارد .

عند سدره المنتهى . عندها جنة المأوى

ضمير «عندها» به «سدره المنتهى» بازمی گردد.

ص: 287

466- منشأ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 16

16 - آمرزش گناه بندگان و اعطای بهشت پهناور به آنان ، جلوه فضل و فزون بخشی خداوند به آنان است ؛ نه استحقاق ایشان .

سابقوا إلى مغفرة من ربكم وجنة .. ذلك فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 41 - 2

2 - بهشت و پاداش های اخروی ، برخاسته از مقام ربوبیت خداوند است .

من خاف مقام ربه .. فإن الجنة هي المأوى

467- منشأ جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 14

14 - بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت خداوند و راضی شدن از او ، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند ، پی برده و از او هراس دارند .

جنّ-ت عدن تجرى من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك

«خشیت»، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

468- منشأ جاودانگی در نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 14

14 - بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت خداوند و راضی شدن از او ، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند ، پی برده و از او هراس دارند .

جنّ-ت عدن تجرى من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك

«خشیت»، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

469- منشأ شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 288

10 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . إذا انتهى إلى باب الجنة . . . فيدخل فإذا هو بشجرة ذات ظلّ ممدود . . . يخرج من ساقها عينان تجريان فينطلق إلى إحدىها فيغتسل منها . . . ثم يشرب من الأخرى فلا يکن فی بطنه مغمص ولا مرض و لاداء أبداً و ذلك قوله تعالى « و سقاهم ربهم شراباً طهوراً » . . . ;

امام صادق(ع) از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) روایت کرده که فرمود: هرگاه [بنده خدا] به در بهشت برسد. .. وارد آن می شود، آن گاه با درختی روبه رو می شود که دارای سایه ای گسترده است ... از ساق آن دو چشمه جاری می شود آن گاه به سوی یکی از آن دو می رود و از آن غسل می کند ... سپس از چشمه دیگر می نوشد، پس از آن برای همیشه در شکم او هیچ درد، مرض و بیماری نمی باشد و این است سخن خدای تعالی: «و سقاهم ربهم شراباً طهوراً»...».

470- منشأ نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 57 - 1

1- بهره‌وری متقین از نعمت های گسترده بهشت ، ناشی از فضل پروردگار است ؛ نه صرفاً استحقاق خود ایشان .

فضلاً من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 6

6 - بهره مندی از نعمت های سرشار بهشتی ، جلوه تقدیر و سپاس گزاری خداوند از ابرار

و جزیههم بما صبروا جنّه و حریراً . إنّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکوراً

471- منظره های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 4

4 - تقوایبشگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 11

11 - منظره های زیبا و دلنشین بهشت ، مسحورکننده چشم نظاره گران

وتلذ الأعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 4

ص: 289

4- جریان نهرها در زیر قصرها و درخت های بهشت، از جاذبه های مهم آن است.

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 66 - 2

2 - زیبایی فزاینده مناظر بهشت، با فوران آب چشمه ها

فیهما عینان نضّاختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 7

7 - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت، ستودگی، حاکمیت، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است.

إلّا أن یؤمنوا باللّٰه العزیز .. إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّ-ت تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. «الصالحات»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است؛ یعنی، تمام آن چه میسر است. «جنّه»؛ یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 10

10 - اهل کتاب و مشرکان، در صورت کفر به اسلام، از لذّت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود.

من أهل الكتب و المشرکین فی نار جهنّم .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

472- موانع بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 51 - 11، 10، 5

5 - سرگرمی و بازیچه گرفتن دین و فریفته شدن به زندگانی دنیا ، موجب محرومیت از بهشت و مواهب آن

إن الله حرمهما علی الکفرین . الذین اتخذوا ... و غرتهم الحیوه الدنیا

توصیف کافران دوزخی به «الذین اتخذوا .. » بیانگر علت گرفتاری آنان به آتش جهنم است.

10 - خداوند ، منکران قیامت را از بهشت و مواهب آن محروم خواهد کرد .

إن الله حرمهما علی الکفرین .. فالیوم نسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

از مصادیق کلمه «الکفرین» به دلیل «کما نسوا لقاء یومهم هذا»، منکران قیامت هستند.

11 - انکار مستمر آیات الهی ، موجب محروم شدن از بهشت و مواهب آن

فالیوم نسیهم کما نسوا .. و ما کانوا بایتنا یجحدون

آیه مورد بحث تبیین کننده حال کافرانی است که در روز قیامت از مواهب بهشتی محروم خواهند شد و این فراز آیه (و ما

کانوا... (بیانگر این است که منکران آیات الهی از آن کافران خواهند بود).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 17

17 - ظلم و ستم پیشگی ، انسان را از رحمت الهی و ورود به بهشت ، محروم می سازد .

فريق في الجنة و فريق في السعير... و لكن يدخل من يشاء في رحمته و الظلمون ما

از مقابله دو گروه (فريق في الجنة و فريق في السعير) استفاده می شود که ستم پیشگان محروم از بهشت و رحمت الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 41 - 3

3 - بی پروایی در برابر خداوند و پیروی از هوای نفس ، مانع ورود به بهشت است .

و نهی النفس عن الهوى . فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى

473- موانع ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 40 - 10، 7

7 - ورود تکذیب کنندگان و مستکبران به بهشت، مخالف سنتهای خداوند در نظام آفرینش

و لا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط

ورود شتر به روزنه سوزن گرچه عقلا- محال نیست، ولی بر خلاف نظام جاری در طبیعت است. بنابراین به کارگیری ضرب المثل مذکور می تواند بیانگر این باشد که ورود تکذیب کنندگان به بهشت اگر چه امتناع عقلی ندارد، ولی با سنن الهی ناسازگار است.

10 - تکذیب آیات الهی و تکبر در مقابل معارف دین، موجب مسدود شدن تمامی راههای ورود به بهشت

لا تفتح لهم أبواب السماء و لا يدخلون الجنة

در برداشت فوق جمله «و لا يدخلون...» تفسیر جمله «لا تفتح لهم...» گرفته شده است.

474- موجبات بهشت

3 - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق «آمنوا» به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

4 - ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان ، آدمی را به بهشت رهنمون نخواهد شد .

و بشر الذین ءامنوا .. و عملوا الصلحت أن لهم جنت

عطف «عملوا ..» بر «آمنوا» - بدون تکرار «الذین» - ظهور در این دارد که: دستیابی به بهشت در گرو جمع شدن هر دو

وصف (ایمان و عمل) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 112 - 2,4,5

2 - پاداش های الهی (بهشت) از آن کسانی است که با تمام وجود تسلیم خدا شده و از سر اخلاص کار های نیک انجام دهند .

من أسلم وجهه لله و هو محسن فله أجره عند ربه

از مصادیق «أجر» - به دلیل آیه قبل - «بهشت» است. «وجه» به معنای صورت است و مراد از آن در آیه شریفه، وجود و ذات آدمی است. «محسن» به کسی گفته می شود که کار نیک انجام دهد.

4 - مجرد انتساب به ادیان الهی (یهودیت ، نصرانیت و یا هر آیینی دیگر) ، آدمی را به بهشت نخواهد رسانید .

قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصری . . . بلی من أسلم ... فله أجره

آیه شریفه پس از نفی ادعای یهود و نصارا - که معیار ورود به بهشت را یهودی یا نصرانی بودن می دانستند - انتساب به دینی خاص حتی اسلام را شرط برخوردار شدن از پاداشهای الهی نشمرد تا به این نکته اشاره کند که: منتسب بودن به ادیان الهی کار ساز نیست؛ بلکه معیار «تسلیم خدا بودن» است. البته پس از بعثت پیامبر و نزول قرآن انسان نمی تواند مدعی تسلیم خدا بودن باشد و دین اسلام را نپذیرد.

5 - یهود و نصارا، در صورتی که تسلیم خدا شوند (اسلام را بپذیرند) و کار های نیک انجام دهند ، اهل بهشت خواهند بود .

قالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً . . . بلی من أسلم ... فله أجره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 2,3

2 - ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

3 - ایمان ، بدون تحمل مصائب ، برای ورود آنان را به بهشت کافی نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

با توجه به اینکه خطاب به مؤمنان است ؛ ورود آنان را به بهشت، مشروط به تحمل مصائب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

22 - دستیابی به بهشت و مغفرت الهی ، به توفیق اوست .

والله يدعوا الى الجنة و المغفرة باذنه

باء در «باذنه» به معنای مصاحبت و متعلق به «یدعوا» است و کلمه «اذن» به معنای توفیق است؛ یعنی دعوت الهی به بهشت، همراه با توفیق او برای دستیابی مؤمنان به بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 136 - 11، 7

7 - ورود بندگان به بهشتی جاودانه ، در گرو آمرزش گناه آنان

اولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم و جنّات تجري .. خالدین فیها

ص: 292

تقدّم ذکری مغفرت و آمرزش بر بهشت (جزاؤهم مغفره من ربّهم و جنّات)، حکایت از تقدّم واقعی و خارجی آن بر بهشت دارد؛ یعنی نخست باید آمرزش صورت گیرد، آنگاه اجازه ورود به بهشت داده شود.

11 - آمرزش الهی و بهشت را به بهای عمل به اوامر خداوند دهند ، نه به صرف شعار و ادّعا

اولئک جزاؤهم مغفره من ربّهم و جنّات . . . و نعم اجر العاملین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 142 - 5، 2، 1

1 - گمان دستیابی به سعادت اخروی و بهشت ، به صرف داشتن ایمان ، پنداری باطل است .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا يعلم الله الذین جاهدوا منکم و يعلم الصّابرين

2 - پندار غلط ورود به بهشت بدون جهاد و صبر ، در میان مسلمانان صدر اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا يعلم الله الذین جاهدوا منکم و يعلم الصّابرين

5 - بدون مجاهده و صبر ، نمی توان به بهشت دست یافت .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لمّا يعلم الله الذین جاهدوا منکم و يعلم الصّابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 19، 20، 23، 29

19 - بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالذین هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اودوا في سبيلي و قاتلوا و قتلوا لا كفرن عنه

20 - آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فالذین هاجروا و اخرجوا من ديارهم . . . لا كفرن عنهم سيئاتهم و لادخلنهم جنّات

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخرجوا من ديارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

23 - تنها خداوند آمرزنده گناهان و واردکننده بندگان به بهشت .

لا كَفَرْنَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دَخَلَتْهُمْ جَنَّاتٍ

29 - پاکی از گناه، شرط ورود به بهشت *

لا كَفَرْنَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دَخَلَتْهُمْ جَنَّاتٍ

تقدّم جمله «لا كَفَرْنَ ..» بر جمله «لَا دَخَلَتْهُمْ»، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که پاک شدن از گناه، مقدمه ورود به بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 10

10 - تقوا، زمینه بر خورداری از موهبت بهشت و نعمت های آن

لكن الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 13 - 2،4

2 - اطاعت از خدا و رسولش، عامل دخول و جاودانگی در بهشت

ص: 293

و من يطع الله ورسوله يدخله جنّات .. خالدين فيها

4- عمل به احكام ارث ، اطاعت از خدا و رسول و عامل دخول در بهشت است .

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ .. و من يطع الله ورسوله يدخله جنّات

از موارد مورد نظر برای «من يطع ..» ، رعایت احكام و قوانين ارث است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - نساء - 4 - 31 - 13، 14، 10

10 - بهشت ، پاداش اجتناب کنندگان از گناهان کبیره

و ندخلکم مدخلا کریماً

13 - پاکی از گناهان صغیره و کبیره ، شرط ورود به بهشت

ان تجتنبوا کبائر .. نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم و مدخلا کریماً

14 - بهشت ، پیامد پاکی و پیراستگی از گناهان صغیره و کبیره

ان تجتنبوا .. و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 2

2- ایمان و اعمال صالح ، دو شرط لازم برای ورود به بهشت

و الذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

4 - نساء - 4 - 122 - 2

2- ایمان و عمل ، مکمل یکدیگر در رهنمون ساختن آدمی به سوی بهشت

و الذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

1 - ایمان و عمل صالح ، تضمین کننده ورود به بهشت

و من يعمل من الصلحت . . . و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

2 - راهیابی مؤمنان به بهشت ، منوط به انجام بخشی از اعمال صالح ؛ و نه مشروط به انجام تمامی کار های نیک

و من يعمل من الصلحت . . . و هو مؤمن

بنابر اینکه «من» برای تبعیض باشد.

5 - بهره مندی مردم از پاداش های الهی و ورودشان به بهشت ، در گرو ایمان و عمل صالح است ، نه جنسیت و انتساب به مذهب یا فرقه ای خاص .

و من يعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

6 - ایمان ، شرط باروری اعمال صالح آدمی و ورود وی به بهشت

و من يعمل من الصلحت . . . و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

ص: 294

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 175 - 3

3 - نیل به مقام قرب الهی ، بهره مندی کامل از بهشت و نعمت های آن و برخورداری از فضل الهی ، پاداش مؤمنان متمسک به خداوند

فاما الذین ءامنوا .. فسیدخلهم فی رحمہ منہ و فضل و یهدیہم الیہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 12 - 20،21،25،28

20 - اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا ، موجب تکفیر (نادیده گرفتن) قطعی گناهان و دخول حتمی در بهشت

لئن اقمتم .. لا کفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

21 - تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان بنی اسرائیل و دخول آنان به بهشت در گرو اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران و یاری آنان و انفاق در راه خدا

لئن اقمتم الصلوہ .. و لادخلنکم جنت

25 - ورود به بهشت در گرو پاک بودن از گناهان است .

لا کفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

28 - عمل کنندگان به میثاق و فرمان های الهی ؛ هر یک بهره مند از بهشتی خاص هستند .

لقد اخذ اللہ میثقی .. لئن اقمتم الصلوہ ... لادخلنکم جنت

بهره گیری عمل کنندگان به فرمانهای الهی از بهشتهای متعدد (جنت)، می تواند به این صورت باشد که هر کس به بهشت مخصوص خویش راه می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 65 - 7،9،10

7 - تأکید خداوند بر وارد ساختن اهل کتاب به بهشت پر نعمت در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تمامی کتب آسمانی و رعایت تقوا

و لو ان أهل الكتب . . . لادخلنهم جنت النعيم

9- آمرزش گناهان ، شرط ورود به بهشت

لكفرنا عنهم سيئاتهم ولادخلنهم جنت النعيم

تقدم آمرزش بر ورود به بهشت می تواند اشاره به این باشد که تا گناهان آدمی آمرزیده نشود، به بهشت وارد نخواهد شد.

10- پرهیز از رشوه گیری ، حرام خواری ، تجاوزگری و گفتار کفرآمیز شرط آمرزش گناهان اهل کتاب و ورود آنان به بهشت

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا

متعلق «واتقوا» چنانچه گذشت، گناهان است، از مصادیق مورد نظر آن - با توجه به آیات گذشته -، گناهایی است که در برداشت به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 85 - 1,2

1- ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

ص: 295

فائبهم الله بما قالوا جنت

2 - ایمان به خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن عامل ورود به بهشت جاویدان

فائبهم الله بما قالوا جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 120 - 7

7 - مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت . . . و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 9

9 - بهای بهشت و برخورداری از ولایت الهی، عمل در پرتو ایمان است.

لهم دارالسلام . . . بما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 10، 11، 13، 16

10 - رهیابی به بهشت جاودان، جز در پرتو هدایت الهی میسر نیست .

و ما كنا لنهتدی لولا أن هدینا الله

11 - خداوند هدایت کننده مردم به ایمان و انجام اعمال صالح برای رساندن آنان به بهشت و مواهب آن

وقالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق «هدینا»، به قرینه آیه پیشین، ایمان و عمل صالح و «لام» در «لهذا» بیانگر هدف و غایت هدایت باشد. یعنی: هدانا إلى ایمان لنكون من أصحاب الجنة.

13 - عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

وقالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی

16 - بهشت تفضلی است از جانب خداوند به مؤمنان نیک کردار ، نه پاداشی همپایه عملکرد آنان

تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم تعملون

خداوند از یک سو بهشت را پاداش عملکرد اهل ایمان دانسته (بما کنتم تعملون) و از سوی دیگر آن را میراث (دستیابی به چیزی بدون عوض) خوانده است تا به این حقیقت اشاره کند که اعطای بهشت همپایه اعمال مؤمنان نیست، بلکه تفضلی است از جانب خداوند به ایشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 5

5 - برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّٰه . . . یشرهم ربهم . . . و جنت

ص: 296

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 15، 11

11 - ایمان همراه با عمل نیک ، شرط دستیابی انسان به نعمت های جاودان بهشت و رستگاری عظیم

وعد الله المؤمنين و المؤمنات .. الفوز العظيم

مراد از «المؤمنين و المؤمنات»، با توجه به آیه پیش، زنان و مردان مؤمنی هستند که اهل عمل صالحند.

15 - بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و المؤمنون و المؤمنات .. يأمرن بالمعروف ... و يطيعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 2

2 - بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خالدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 18

18 - رضایت خدا از انسان و رضایت انسان از خدا ، عامل دستیابی انسان به بهشت جاودان و رستگاری حقیقی

رضى الله عنهم و رضوا عنه و أعد لهم جنت .. ذلك الفوز العظيم

ممکن است مقدم شدن «رضى الله عنهم ..» بر «أعد لهم جنات» مشعر به سببیت و علیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 2، 4، 25

2 - نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

4- ایمان ، شرط تأثیر ایثار های مالی و جانی انسان در دستیابی به بهشت

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم بأن لهم الجنة

قید «من المؤمنین» اشعار دارد به اینکه تنها انسانهای مؤمن در این معامله شرکت دارند.

25- دستیابی به بهشت در پرتو جهاد و شهادت ، تنها رستگاری و پیروزی بزرگ

إن الله اشترى .. . بأن لهم الجنة ... ذلك هو الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 11 - 11

11- دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أولئك لهم مغفرة وأجر كبير

تقدیم ذکری «مغفرت» بر «أجر كبير» می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

ص: 297

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 2, 1

1- بهشت از آن مؤمنانی است که اعمال صالح انجام دهند و در برابر خدا خاضع و فروتن باشند .

إن الذين آمنوا .. أولئك أصحاب الجنة

إخبات (مصدر أختبوا) به معنای خضوع و خشوع و نیز به معنای اطمینان است. برداشت فوق، براساس معنای اول می باشد. گفتنی است که در این صورت «إلی» به معنای لام است؛ یعنی: «أختبوا لر بهم؛ در برابر خدا خاضع هستند».

2- اطمینان به ربوبیت خدا و زدودن دل از تردید درباره آن، از شرایط ورود به بهشت است .

إن الذين .. أختبوا إلى ربهم أولئك أصحاب الجنة

برداشت فوق، بر این مبناست که «إخبات» به معنای اطمینان باشد. بنابراین «أختبوا إلى ربهم»؛ یعنی، به ربوبیت خدا اطمینان دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 2, 3

2- بهشت عدن، پاداش وفا کردن به پیمان های الهی، نشکستن عهد ها و برقرار کردن پیوندهایی که خدا به برقراری آن امر کرده است .

الذين يوفون بعهد الله .. أولئك لهم عقبى الدار. جنّت عدن

3- بهشت عدن، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذين صبروا .. أولئك لهم عقبى الدار. جنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 4

4- صبر و استقامت بر پیروی از فرمان های خدا در پی دارنده ورود به بهشت

سلم عليكم بما صبرتم

حرف «باء» در «بما صبرتم» سببیه و «ما» در آن مصدریه است. متعلق «صبرتم» اموری است که در آیات گذشته («الذين يوفون») تا «یدرءون بالحسنه السینه») مطرح شد که می توان از آنها به «طاعه الله» تعبیر کرد. بنابراین بما صبرتم؛ یعنی: «بسبب صبرکم علی طاعه الله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 2

2- آنان که از شرک بپرهیزند و از استهزای پیامبران و از کفر به ایشان حذر کنند ، به بهشت خواهند رفت .

مثل الجنة التي وعد المتقون . . . تلک عقبی الذین اتقوا

مقصود اولی از «متقون» و «الذین اتقوا» - به قرینه آیات گذشته - کسانی اند که از شرک ، استهزای پیامبران و کفر به آنان حذر کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 2

2- تقوا ، عامل برخورداری از موهبت های بهشت

ص: 298

إن المتقين في جنّات و عيون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 15، 16

15- اعمال تقواییشانگان ، عامل ورود آنان به بهشت

المتّقين . . ادخلوا الجنّه بما كنتم تعملون

16- بهشت ، پاداش کردار و اعمال متقین

ادخلوا الجنّه بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 60 - 2

2- توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح ، به بهشت وارد می شوند .

إلا من تاب و ءامن و عمل صلحاً فأولئك يدخلون الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 8، 12

8- بندگی خداوند ، مرتبتی والا و موجب ورود به بهشت

جنّت عدن التي وعد الرحمن عباده

12- ورود مؤمنان به بهشت عدن ، به خاطر ایمان آنان به غیب و تصدیق آن است .

جنّت عدن التي وعد الرحمن عباده بالغیب

«باء» در «بالغیب» می تواند سببیه و متعلق به «وعد» باشد؛ یعنی ، وعده خداوند به مؤمنان، به جهت ایمان آنان به غیب بوده است. روشن

است که بنابراین وجه، تقدیر کلام «بتصدیق الغیب» خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 63 - 3

3- عبادت و تقوا، موجب دستیابی به بهشت است .

تلك الجنة . . من عبادنا من كان تقياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 2

2- همراهی ایمان و عمل صالح، شرط ورود به بهشت

إنَّ اللهَ يدخلُ الذينَ ءامنوا و عملوا الصلحت جنّـت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 50 - 5

5- ایمان به خدای یگانه (توحید و نفی شرک)، مایه برخورداری از غفران الهی و عمل صالح، مایه بهره مندی از نعمت های بهشت

ص: 299

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که «مغفرت» مربوط به ایمان و «رزق کریم» مرتبط با عمل صالح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 10 - 3

3 - خشوع در نماز، اجتناب از لغو (گفتار بیهوده و کردار عبث)، پرداخت زکات، عفت و پاک دامنی، امانت داری، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ . الَّذِينَ هُمْ ... أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 6

6 - تقوایبشگی، عامل دستیابی به بهشت جاودان و سرانجامی خوش و برتر

جَنَّةِ الْخُلْدِ . . . وَ مُصِيرًا

از پاداش قرارگرفتن بهشت برای متقین، استفاده می شود که بهشت را به بهای تلاش می دهند نه به بهانه و این تلاش - به قرینه وصف «متقین» - تقوایبشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 3,4,5

3 - صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی، و شب زنده داری، حلم، ترس از قیامت، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق و دعا و نیایش، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا . . . وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا... أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْغُرْفَةَ بِمِ

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن - به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرّماتی است که آنان می بایست ترک می کردند - مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرّمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

4 - صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرّمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری، شرک، زنا، آدم کشی و سخن باطل، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا .. و لایزنون ... و الذین لایشهدون الزور ... أول-

5- صبر و شکیبایی در انجام تکالیف و ترک محرمات الهی ، عامل بهره مندی از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا ... و الذین لایشهدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 2

2- فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

ص: 300

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 90 - 4

4 - تقوایشگی و دوری کردن انسان از انجام گناه در دنیا ، سبب نزدیک شدن بهشت به وی در رستاخیز

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 58 - 2

2 - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، شرط دستیابی به غرفه های بهشت است .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 26 - 4

4 - بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قَالَ يَقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . . . إِنِّي ءَامِنٌ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ . قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 55 - 3

3 - بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

وَلَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ

از ارتباط میان این آیه - که سخن از بهشت و نعمت های آن است - و آیه پیش - که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 61 - 4

4 - منافات نداشتن عمل برای نیل به بهشت جاودانه ، با اخلاص و رسیدن به مقام شامخ عبودیت

إلاّ عباد الله المخلصين .. و ما نحن بمعذبين . إنّ هذا لهو الفوز العظيم . لم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 20 - 5

5 - تقوا، عامل اصلی ورود به بهشت و برخورداری از مواهب آن است .

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنية اختصاص یافتن بهشت به کسانی

اختصاص یافتن بهشت به کسانی که دارای صفت تقوا هستند - در حالی که بهشتیان باید از اوصاف دیگری نیز برخوردار باشند - می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 73 - 16

16 - پادکدامنی و طهارت از گناه ، عامل ورود تقوایبشگان به بهشت

ص: 301

طبتّم فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 9،10،12

9 - بهشت ، اجرى نیکو و پسندیده برای اهل عمل و تلاش

نتبوا من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العملين

10 - بهشت ، پاداشى نیکو و شایسته برای تقوایندگان

وسيق الذين اتقوا ربهم إلى الجنة زمراً .. فنعم اجر العملين

12 - بهشت ، پاداش و بهای عمل و تلاش تقوایندگان است که آن را به بهانه نمى دهند .

نتبوا من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العملين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 7

7 - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، موجب ورود به بهشت مى شود (نه یکی از آنها به تنهایی)

و من عمل صلحاً من ذکر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 13

13 - ثبات و پایداری در راه توحید ، شرط ایمنی از هر حزن و هراس و برخوردارى از بهشت

إنّ الذين قالوا .. كنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 6

6 - توحید و استقامت در راه ایمان ، در پی دارنده بهشت و نعمت های گسترده برای مؤمنان

إنّ الذين قالوا ربنا الله ثم استقموا .. و لكم فيها ما تشتهى أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 5

5 - تقسیم انسان ها به بهشتی و دوزخی ، نتیجه برخورداری آنان از اختیار و حق انتخاب

فريق في الجنة و فريق في السعير . و لو شاء الله لجعلهم أمه و حده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 23 - 3

3 - دستابی به بهشت و نعمت های فراوان آن ، منوط به عبودیت و بندگی انسان به درگاه خداوند است .

يَسِّرُ اللَّهُ عِبَادَةَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

ذکر کلمه «عباد»، می تواند اشعار به این داشته باشد که عبودیت بندگان صالح، موجب برخورداری آنان از بهشت و نعمت های آن شده است.

ص: 302

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 70 - 1،7

1 - راه یابی به بهشت ، فرجام نیک ایمان به آیات الهی و تسلیم بودن در برابر حق

الذین ءامنوا بآیتنا و كانوا مسلمین . ادخلوا الجنة اَنتم و أزواجکم

7 - ورود به بهشت ، تنها در پرتو عبودیت و بندگی خداوند میسر است .

یعباد . . . ادخلوا الجنة اَنتم و أزواجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 72 - 2

2 - پایداری و مداومت در اعمال نیک ، مایه راه یابی به بهشت

و تلک الجنة . . . بما کنتم تعملون

با توجه به واژه «کنتم» - که دلالت بر استمرار دارد - استفاده می شود برای دستیابی به نعمت بهشتی، باید در انجام اعمال نیک مداومت داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 5

5- آمیخته ساختن ایمان با عمل صالح ، شرط بهره‌وری مؤمنان از بهشت جاودان

إِنَّ الذین قالوا رَبِّنا اللّهُ . . . أولئک أصحاب الجنة ... جزاء بما كانوا یعملون

در آیه قبل، دو عنصر ایمان و استقامت، زمینه ورود به بهشت جاودان معرفی شده است و در این آیه عمل، به عنوان اساس و ملاک ره یافتن به بهشت جاودان مطرح گشته است. از این نکته می توان استفاده کرد که تجلی عقیده در عمل، برای یکتاپرستان کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 2

2- احسان به پدر و مادر ، همواره مورد توجه موحّدان و مایه دست یابی آنان به بهشت

جزاء بما كانوا يعملون . ووصينا الإنسن بولديه إحسنًا

بیان «وصّینا الإنسان..» - در پی «جزاء بما كانوا يعملون» - بیانگر این ارتباط است که یکی از وظایف مورد عمل یکتاپرستان، احسان به پدر و مادر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 10

10- راه یابی انسان به بهشت ، تنها پس از آمرزش گناهان وی از سوی خداوند است .

و تتجاوز عن سیئاتهم فی أصحاب الجنّه

از تعبیر «تجاوز..»، استفاده می شود که تا عفو و گذشت الهی شامل بنده گنه کار نشود، او قادر به ورود به بهشت و قرار گرفتن در زمره بهشتیان نیست.

ص: 303

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 7

7 - روح تسلیم و اطاعت از خدا و رسول او، ملاک اصلی ورود به بهشت

و من يطع الله ورسوله يدخله جنّات تجري من تحتها الأنهار

موضوع قرار گرفتن اطاعت به جای هر عنوان دیگری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 31 - 3

3 - تقوا، مهم ترین سرمایه مؤمنان برای ورود به بهشت

وَأُزْلِفَتُ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 7

7 - حفظ روحیه توبه و خداجویی تا پایان عمر، شرط ره جویی به بهشت *

وَأُزْلِفَتُ الْجَنَّةُ... و جاء بقلب منيب

تعبیر «جاء» می تواند اشاره به این نکته باشد که اگر کسی، برهه ای از عمر را با قلب منیب بگذراند؛ ولی آن را در نهایت از دست داده و نتواند آن را در صحنه قیامت به همراه آورد، برخوردار از بهشت نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 15 - 3

3 - تقوا، شرط دستیابی به بهشت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 17 - 2

2- تأثیر مهم عبادت شبانه ، در دستیابی به بهشت و نعمت های اخروی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ .. كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 18 - 4

4- استغفار در سحرگاهان ، از عوامل رهایی به بهشت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ ... وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 19 - 6

6- انفاق به سائلان و محرومان ، از عوامل دستیابی به بهشت و نعمت های آن

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ... وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

ص: 304

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 11

11 - اعتراف متقین به نقش اصلی ربوبیت خداوند ، در هدایت آنان به بهشت و نجات از دروخ

فكهنين بما ءاتيهم ربهم و وقىهم ربهم عذاب الجحيم

قید «بما آتاهم..» می رساند که پارسایان بهشتی، در عین برخورداری از نعمت ها، گرفتار غفلت نشده و مغرور به تقوای خود نمی باشند؛ بلکه توجه دارند که به هر نعمتی رسیده اند و از هر بلایی که رهیده اند جز در پرتو امداد و رهنمودهای رشد آفرین خداوند و الطاف او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 5

5 - بهره‌وری متقین از نعمت های گوارای بهشت ، پاداش عملکرد نیک و مداوم خود آنان

كلوا و اشربوا هنیٰ بما كنتم تعملون

تعبیر «کنتم تعملون»، ماضی استمراری و دلالت بر مداومت پارسایان بر اعمال نیک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 6

6 - اصل ایمان ، شرط بهره‌وری فرزندان ، از مزیت پیوستن نسل ها به پدران بهشتی خود

و اتبعتم ذریتهم بایمن الحقنا بهم ذریتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 3

3 - توجه به خداوند و دغدغه آخرت ، در تمامی لحظات زندگی ، عامل اصلی راهیابی متقین به بهشت

یتساءلون . قالوا انا كنا ... مشفقین

در صورتی که «یتساءلون» سؤال از علت رهیابی به بهشت باشد، «ان کنّا..» بیانگر علت آن خواهد بود. از این که پارسایان در محیط پرشور خانواده از یاد آخرت غافل نشده اند، استفاده می شود که در سایر شرایط به طریق اولی غافل نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 28 - 2

2 - متقین ، دستیابی خود به بهشت را مرهون دعا ها و نیایش های خود به درگاه خداوند می دانند .

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا .. إِنْ كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 60 - 3،8

3 - دستیابی به بهشت و نعمت های آن ، منوط به عملکرد نیک خود انسان

هل جزاء الإحسان إلا الإحسان

ص: 305

از این که احسان، در مقابل احسان مطرح شده - به دلالت التزام - دانسته می شود که آدمی، آن گاه به احسان و پاداش حق دست می یابد که خود، اهل احسان و عملکرد نیک باشد.

8 - « عن علی بن ابيطالب (ع) فی قول الله عزوجلّ « هل جزاء الإحسان إلا الإحسان » فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) هل جزاء من أنعمت عليه بالتوحيد إلا الجنة؟ »

از امام علی بن ابی طالب (ع) درباره سخن خداوند «هل جزاء الإحسان إلا الإحسان» روایت شده که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: [خداوند می فرماید] آیا پاداش کسی که به او نعمت توحید داده ام، غیر از بهشت است؟»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 24 - 3

3 - تداوم بر انجام عمل صالح و پایدار ماندن بر آن تا آخر عمر - و نه انجام دادن مقطعی آن - شرط لازم برای دستیابی به مقام قرب الهی در آخرت و بهشت سرشار از نعمت

أولئك المقربون . فی جنّـت النعیم ... جزاء بما كانوا يعملون

از تعبیر «كانوا يعملون» (ماضی استمراری) برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 89 - 6

6 - تقرب به خداوند ، عامل بهره مندی از رحمت بی کران الهی و بهشت سرشار از نعمت

فأما إن كان من المقربین . فروح وریحان و جنّت نعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 6

6 - دستیابی به بهشت ، در گرو جلب غفران و آمرزش الهی است .

سابقوا إلى مغفرة من ربكم و جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 23

23 - رضایت خداوند از مؤمنان راستین ، باعث دستیابی آنان به بوستان های بهشت

و یدخلهم جنّات... رضی الله عنهم

جمله «رضی الله عنهم» تعلیل برای «یدخلهم جنّات» است؛ یعنی، خداوند بدان جهت مؤمنان راستین را وارد بوستان های بهشت می کند که از آنان راضی و خرسند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 1

1 - دستیابی به مغفرت الهی و بوستان های بهشت ، ره آورد پایداری بر ایمان به خدا و رسول و جهاد با مال و جان در راه خدا است .

تؤمنون بالله... و تجهدون... یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّات

ص: 306

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 12، 9

9 - ایمان و عمل صالح ، موجب ورود انسان به بهشت

و من يؤمن بالله و يعمل صالحًا .. . یدخله جنّات

12 - آمرزش گناهان و دستیابی به بهشت ، کامیابی بزرگ است .

یکفّر عنه سیّئاته و یدخله جنّات .. . ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 14، 13

13 - خداوند ، مؤمنان دارای عمل صالح را به بهشت وارد می سازد .

و من يؤمن بالله و يعمل صالحًا یدخله جنّات

14 - ایمان و عمل صالح ، عامل ورود به بهشت

و من يؤمن بالله و يعمل صالحًا یدخله جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 5

5 - توبه خالصانه ، عامل ورود به بهشت

توبوا إلى الله توبه نصوحًا .. . و یدخلکم جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 5

5 - بهشت برین و نعمت های آن ، محصول تلاش ها و دستاورد های انسان ها در دنیا است .

بما أسلفتم فی الأیام الخالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به بهشت

إِلَّا الْمَصْلِينَ . . . وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ ... وَالَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ ... أُولَ

5- پاکدامنی ، رعایت امانت ، وفای به عهد ، ادای شهادت و مراقبت از نماز ، از موجبات ورود به بهشت

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ . . . وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْثَلِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رِعُونَ . وَالَّذِينَ هُمْ بِش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- وفای به نذر و خوف از قیامت ، از عوامل ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ . . . يُوْفُونَ بِالَّذِينَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرًّا مُسْتَطِيرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «یوفون بالذکر. .» جمله ای است بیانیه که علت بهره مندی ابرار از

مواهب بهشتی را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 12 - 6, 3, 2

2 - صبر و شکیبایی ابرار در راه خدا، سبب بهره مندی آنان از بهشت و موهبت های آن است .

و جزیهم بما صبروا جنة و حریرا

3 - وفای به نذر، ایثار و انفاق به نیازمندان جامعه بدون چشمداشتی و خوف از قیامت، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . . . إنما نطعمکم لوجه الله . . . و جزیهم بما صبروا ج

از مصادیق مورد نظر صبر در این آیه، موارد یاد شده است که در آیات پیش در وصف ابرار آمده است.

6 - صبر در راه خدا، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

و جزیهم بما صبروا جنة و حریرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 36 - 1

1 - بهشت و نعمت های آن، پاداش و مزد تقوایبشگی است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ . . . جزاء

«جزاء» مفعول مطلق و تأکید کننده مفاد «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 14 - 6

6 - ورود هر انسان به بهشت یا جهنم، سزای کردار او است .

و إذا الجحیم سعرت . و إذا الجنة أزلقت . علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مؤمنان دارای عمل صالح، برخوردار از بوستان هایی متعدد، در آخرت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

7 - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت، ستودگی، حاکمیت، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است.

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ .. إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. «الصالحات»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است؛ یعنی، تمام آن چه میسر است. «جَنَّةٌ»؛ یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 13 - 8

ص: 308

8 - « إِنَّ أَعْرَابِيًّا قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَلَّمَنِي عَمَلًا يَدْخُلُنِي الْجَنَّةَ؟ قَالَ: أَعْتَقَ النَّسَمَةَ وَفُكَّ الرِّقْبَةَ. قَالَ: أَوْ لَيْسَتْ بَوَاحِدَةٍ؟ قَالَ لَهُ: إِنَّ عَتَقَ الرِّقْبَةَ أَنْ تَفْرَدَ بَعْتَقَهَا وَفُكَّ الرِّقْبَةَ أَنْ تُعَيِّنَ فِي عَتَقِهَا... »;

مردی بادیه نشین به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: عملی را به من تعلیم ده که مرا به بهشت ببرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «أَعْتَقِ النَّسَمَةَ وَفُكَّ الرِّقْبَةَ» آن مرد گفت: آیا «عتق نسمة و فك رقبة» هر دو، به یک معنا (آزاد کردن برده) نیست؟ فرمود: نه؛ «عتق رقبة» آن است که به تنهایی برده را آزاد کنی و «فك رقبة» آن است که در آزادی برده ای کمک کنی».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 1

1 - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . . . جزاؤهم عند ربهم جنّـت عدن تجرى من تحتها الآن

475- موجبات بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 6

6 - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّـت عدن . . . خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

476- موجبات نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 5 - 3

3 - احسان و نیکوکاری ، موجب بهره مندی از نعمت های بهشتی ، همچون نوشیدنی های گوارا و معطر

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا

توصیف بهشتیان به ابرار، نشانگر این حقیقت است که آنچه موجب بهشتی شدن آنان می شود، برّ و نیکوکاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 7 - 5

5 - وفای به نذر و خوف از قیامت ، از عوامل ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن

إن الأبرار يشربون من كأس . . . يوفون بالنذر و يخافون يومًا كان شره مستطيرًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «یوفون بالنذر. . .» جمله ای است بیانیه که علت بهره مندی ابرار از مواهب بهشتی را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 5

5 - برخورداری تقوای پیشگان از موهبت های بهشت ، نتیجه عملکرد خود آنان است .

ص: 309

كلوا و اشربوا هنيئاً بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 2,3

2- بهره مندی از موهبت های بهشت ، جزا و پاداش الهی به نیکوکاران

فی ظلل و عیون . . . إنا كذلك نجزی المحسنین

3- احسان و نیکوکاری ، عامل بهره مندی از موهبت های بهشت

فی ظلل و عیون . . . إنا كذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

20 - نبأ - 78 - 36 - 1

1- بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد تقوایبشگی است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ . . . جزاء

«جزاء» مفعول مطلق و تأکید کننده مفاد «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَاذًا» است.

477- موحدان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

16 - فصلت - 41 - 32 - 1

1- یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا . . . نَزَلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

«نُزْلٌ» به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 1,6

1- یکتاپرستان پایدار بر طریق ایمان ، برخوردار از زندگی جاودان در بهشت

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا .. أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَلَدِينَ فِيهَا

6- بهره مندی همواره و سهل موحدان نیکوکار، از نعمت های الهی در بهشت

أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

تعبیر به «أصحاب» اشاره به همشینی دائم و همیشگی یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان، با نعمت های بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 2

2- احسان به پدر و مادر، همواره مورد توجه موحدان و مایه دست یابی آنان به بهشت

جزاء بما كانوا يعملون . و وصّينا الإنسن بولدیه إحسنًا

بیان «وصّينا الإنسان ..» - در پی «جزاء بماكانوا يعملون» - بیانگر این ارتباط است که یکی از وظایف مورد عمل

ص: 310

یکتاپرستان، احسان به پدر و مادر است.

478- موقعیت جغرافیایی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 10 - 2

2- بخش های متعدد بهشت، در ارزش و موقعیت جغرافیایی، باهم برابر نیستند.

فی جَنَّةِ عالیه

«عالیه» مطلق بوده و ممکن است به علو مکانی، یا رتبه ای و یا هر دو نظر داشته باشد.

479- مؤمنان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 10

10- اشخاص مؤمن، وعده الهی در مورد بهشت را - علی رغم پنهان بودن آن از دیده ها در دنیا - پذیرفته و باور دارند.

جَنَّتِ عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب

در این برداشت یاد شده «بالغیب...»، حال برای ضمیر محذوف گرفته شده است که به «التی» برمی گردد. در این صورت حرف «با» به معنای ملابست است؛ یعنی، وعده خدا به بندگان، در مورد بهشت هایی است که از دیده ها پنهان است و آنان گرچه بهشت های عدن را ندیده اند؛ ولی به آن ایمان دارند. این نحوه بیان، حاوی نوعی تمجید از مؤمنان به وعده الهی می باشد. هم چنین اگر «بالغیب» حال برای «عباده» گرفته شود و مراد غایب بودن بندگان از بهشت های عدن باشد، همین معنا استفاده می شود.

480- مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 1، 4

1 - بهشت، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح

و الذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنّات تجری من تحتها الانهار

4 - خداوند، واردکننده مؤمنان به بهشت

سندخلهم جنّات ... وندخلهم ظلا ظليلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 122 - 7، 5، 3، 1

1 - بهشت ، پاداش مؤمنان داراي اعمالِ صالح

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

ص: 311

3 - خداوند ، وارد کننده مؤمنان دارای اعمال صالح به بهشت

و الذين آمنوا وعملوا الصلحت سندخلهم جنت

5 - مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند .

و الذين آمنوا .. سندخلهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدین فیها ابدًا

7 - بهشت ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان دارای اعمال شایسته

سندخلهم جنت .. وعد الله حقًا

«وَعَدَ اللَّهُ» و «حقًا»، مفعول مطلق برای فعل محذوف است. یعنی «وعد الله وعدًا حقًا» و حق بودن وعده به این است که تخلف نشود و در موعد مقرر انجام پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 175 - 8

8 - ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

فاما الذين آمنوا بالله و اعتصموا .. يهديهم إليه صراطاً مستقيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 85 - 7

7 - سکونت مؤمنان در بهشت همیشگی و دایمی است .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 18، 5

5 - وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

ونزعنا ما فی صدورهم من غل

18 - برخورداری مؤمنان از نعمت های الهی در بهشت ، نتیجه کردار نیک و مستمر آنان است .

و نودوا آن . . . بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 2

2 - اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادى . . . أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 15

15 - بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و

نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (صلی الله علیه و آله)

و المؤمنون و المؤمنات . . . یأمرون بالمعروف . . . و یطیعون الله و رسوله . . . وعد الل

ص: 312

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 1

1 - باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیا شده از جانب خدا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 9 - 11

11 - از امام صادق (ع) روایت شده است : « . . . ان الله تبارک و تعالی . . . یوم القیامه . . . یهدی اهل الإیمان و العمل الصالح إلى

جنته . . . قال عزّ و جل : « إن الذین آمنوا و عملوا الصالحات یهدیهم ربهم بإیمانهم تجری من تحتهم الأنهار فی جنات النعیم » . . . ;

. . . خدای تبارک و تعالی . . . روز قیامت . . . اهل ایمان و عمل صالح را به سوی بهشت خود راهنمایی می کند . . . خدای عزوجل فرمود:

به تحقیق کسانی که ایمان آورده اند و دارای اعمال صالح هستند، پروردگارش آنان را در پرتو ایمانشان هدایت می کند. از زیر [قصرهای]

آنان در باغهای پر نعمت، نهرها جاری است . . . ».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 14

14 - از امام باقر (ع) روایت شده است : « . . . و إذا اراد المؤمن شیئاً أو اشتهی انما دعواه فیها إذا أراد ، أن یقول : « سبحانک اللهم »

فاذا قالها تبادرت إليه الخدم بما اشتهی من غیر ان یكون طلبه منهم أو امر به و ذلك قول الله عز و جل : « دعواهم فیها سبحانک اللهم

و تحیتهم فیها سلام » یعنی الخدام قال : « و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین » یعنی بذالك عند ما یقضون من لذاتهم من

الجماع و الطعام و الشراب یحمدون الله عز و جل عند فراغتهم . . . ;

. . . هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: «سبحانک

اللهم». پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این

است معنای قول خدا «دعواهم فیها سبحانک اللهم». [و اینکه خدا می فرماید] «تحیتهم فیها سلام»؛ یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت،

سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: «و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین»؛ یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و

خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن «الحمد لله رب العالمین» خدای عزوجل را حمد می گویند . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 3

3- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جَنّ - ت تجرى من تحتها الأنهر

«جنات» به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشانند. جمع آورده شدن «جنات» هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 3 - 3

ص: 313

3- درنگِ جاودانه مؤمنان در بهشت، نتیجه مداومت آنان بر اعمال نیک است.

يعملون الصلحت .. مكثين فيه أبداً

ذکر «ماکثین فیہ ابدًا» پس از جمله «يعملون الصالحات» - که بر استمرار دلالت دارد - می تواند نشاندهنده این مطلب باشد که جاودانگی آنان در بهشت، نتیجه مداومت شان بر اعمال نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 1

1- استقرار در باغ های بهشت، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است.

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. أولئک لهم جنّـت عدن

جمله «أولئک..» یا خبر یکم برای «إنّ» در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه «أولئک» «الذین امنوا...» در آیه قبل است. «عدن» به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 108 - 1

1- مؤمنان نیک کردار، در باغ های بهشت برین، جاودانه اند.

جنّـت الفردوس نزلاً . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 6، 1

1 - تضمین بهشت برای اهل ایمان از سوی خداوند

إنّ الله یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّـت

تأکید جمله «الله یدخل..» به «إنّ» بیانگر مطلب فوق است.

6 - مؤمنان در بهشت، با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند.

یحلّون فیها من أساور من ذهب و لؤلؤاً

«لؤلؤ» به معنای مروارید و «أساور» (جمع «أسوره») معرّب دستواره و معادل دستبند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 56 - 6

6 - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

يحکم بینهم فالذین ءامنوا .. فی جنّـت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 58 - 6

6 - مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت ، جاودانه خواهند بود .

والذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئّهم من الجنّـه .. خلدین فیها

ص: 314

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 2

2 - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

«حبر» در لغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و «فی روضه یحبرون» یعنی در باغی شادمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 8 - 1

1 - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنان دارای اعمال صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 9 - 4

4 - وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 19 - 3,8

3 - منزل گاه واقعی مؤمنان ، باغ های بهشت است .

فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى

«مأوی» اسم مکانی از ریشه «أوی» به معنای «پناه گاه» است. اضافه شدن «جَنّات» به «الماوی» حکایت از جایگاه حقیقی بودن آن برای مؤمنان می کند.

8 - جایگاه خوب مؤمنان در بهشت ، نمودی از عدم تساوی آنان با فاسقان است .

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا .. أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى

«أما الذين آمنوا..» تشریح تفصیلی عدم تساوی دو گروهی است که در آیه پیش، از آن سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 3

3 - زنان و مردان مؤمن نیک کردار، اهل بهشت اند.

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 4

4 - تمامی تمایلات و خواسته های مؤمنان قابل دستیابی برای آنان در بهشت

و لكم فيها ما تشتهي أنفسكم و لكم فيها ما تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 315

2- تأمین نیازها و ارضای همه تمنیات اهل ایمان ، پیش پذیرایی خداوند از آنان هنگام ورود به بهشت

نزلاً من غفور رحیم

با توجه به معنای «نَزْلُ» (غذای هنگام نزول و پیش درآمد پذیرایی از میهمان) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 13، 9

9- مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل «تری الظالمین» با «و الذین ءامنوا» مطلب یاد شده استفاده می شود.

13 - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 2

2- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذلک بأنّ اللّٰه مولى الذین ءامنوا . . . إنّ اللّٰه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 13، 12

12 - لغزش های مؤمنان ، مانع ورود آنان به بهشت نخواهد بود .

و یکفر عنهم سیئاتهم

13 - ورود مؤمنان به بهشت ، در پرتو تفضّل الهی و گذشت او از لغزش های آنان

لیدخل المؤمنین . . . جنّـت ... و یکفر عنهم سیئاتهم

نفس تکفیر سیئات، خود بیانگر تفضّل است و در عین حال تعبیر «یدخل» ممکن است بیانگر همین حقیقت باشد که همه مؤمنان، در آن حدی نیستند که به اقتضای اعمالشان، بهشتی باشند؛ بلکه باید فضل الهی، کاستی های آنان را جبران کند و آنان را وارد بهشت گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 12، 13

12 - بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان

جنّ-ت . . . خلدین فیها

13 - دستیابی به بهشت ، کامیابی بس بزرگ برای مؤمنان

ذلک هو الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 11

ص: 316

11 - بهشت ، برای کسانی آماده شده است که به خداوند و پیامبران او ایمان دارند .

أُعدَّت للذین ءامنوا باللّٰه ورسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 21, 23, 24, 25

21 - مؤمنان راستین ، در بوستان های بهشت جاودان خواهند ماند .

خلدین فیها

23 - رضایت خداوند از مؤمنان راستین ، باعث دستیابی آنان به بوستان های بهشت

و یدخلهم جنّات .. رضی اللّٰه عنهم

جمله «رضی اللّٰه عنهم» تعلیل برای «یدخلهم جنّات» است؛ یعنی، خداوند بدان جهت مؤمنان راستین را وارد بوستان های بهشت می کند که از آنان راضی و خرسند است.

24 - مؤمنان راستین ، در بهشت از خداوند راضی و خرسنداند .

و رضوا عنه

25 - دستیابی به بهشت ، مایه خرسند شدن مؤمنان راستین از خداوند

یدخلهم جنّات .. و رضوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 3

3 - آمرزش گناه و حیات جاودان در بوستان های بهشت ، تضمین شده از سوی خداوند ، برای مؤمنان راستین و مجاهدان راه او

تؤمنون باللّٰه .. یدخلکم ذنوبکم و یدخلکم جنّات ... و مسکن طیّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 11

11 - مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت جاودانه اند .

و من يؤمن بالله و يعمل صلحًا . . . يدخله جنّات... خلدین فیها أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 16

16 - مؤمنان دارای عمل صالح ، به صورت جاودانه در بهشت خواهند ماند .

خلدین فیها أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 3

3 - بوستان های مؤمنان در بهشت ، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد .

فی جنّته عالیه

ص: 317

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 1

1 - مؤمنان بهشتی ، برخوردار از خوردنی ها و نوشیدنی ها

كلوا و اشربوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 1

1 - مؤمنان و مسلمانان راستین ، بهره مند از بوستان های بهشتی

إلا المصلّين . . . أولئك في جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 4 - 5

5 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « فالسابقات سبقاً » يعني أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنّة . . . و أرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «فالسابقات سبقاً» روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند. . . و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]».

مؤمنان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 3

3- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح

فأولئك يدخلون الجنّة . . . جنّات عدن

481- مؤمنان صالح در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 6

6- وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در « جنات عدن »

و مسکن طیبه فی جنت عدن

«جنات عدن» می تواند نامی خاص باشد و غیر از «جنات تجری . . .» به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 23 - 9,6,1

1- مؤمنان دارای عمل صالح قطعاً وارد بهشت می شوند و در آن جاودانه خواهند بود .

ص: 318

وَأَدْخِلِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ... خَلْدِينَ فِيهَا

6- ورود به بهشت و جاودان ماندن مؤمنان صالح در آن به اذن خداوند است .

وَأَدْخِلِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ... يَدْخُلُونَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

9- بر مؤمنان دارای عمل صالح در بهشت ، درود و سلام فرستاده می شود .

تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ

برداشت فوق مبتنی بر این است که اضافه «تحیت» به «هم» اضافه مصدر به مفعول باشد. طبق این احتمال معنای عبارت چنین می شود: تحیت گفتن به آنان در بهشت با «سلام» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 3 - 1

1- مؤمنان نیک کردار ، در بهشت و نعمت های آن جاودانه اند .

أَنْ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا . مَكْنِينٌ فِيهِ أَبَدًا

مرجع ضمیر «فیه» واژه «أجر» است و مراد از «أجر» به قرینه «ماکنین» (ماندگاران)، بهشت است.

482- مهاجران صدر اسلام در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 4

4- تضمین بهشت از سوی خدا ، برای آن دسته از مهاجران صدر اسلام که تا آن زمان (زمان نزول آیه فوق) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به دست دشمن کشته شده بودند .

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ... لِيَرْزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا

483- مهتدین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 127 - 8

8- دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

لهم دارالسلام .. بما كانوا يعملون

484- مهمانی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 32 - 1

1 - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. نَزَلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

ص: 319

«نُزِّلَ» به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 3

3 - تقوایشگان در بهشت ، مورد ضیافت و تکریم و تجلیل الهی اند .

کلوا و اشربوا هنیئاً

«هنیئاً» واژه ای است که به در وقت اطعام به میهمانان و برای تکریم به آنان گفته می شود.

485- مهمترین غذاهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 3

3 - میوه و گوشت ، دو غذای مهم در بهشت

و آمدنهم بفقکهه و لحم

486- میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 7،8

7 - بهشت دارای درختانی انبوه و میوه دار

أَن لَّهُمْ جَنَّاتٌ .. كَلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ

«ثمره» به میوه درختان گفته می شود. بهشت و بستان را از آن جهت جنت می گویند که پوشیده از درختان انبوه است.

8 - میوه درختان بهشت از روزی های بهشتیان

كَلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا

«رِزْقًا» به معنای روزی است و مفعول دوم برای «رِزَقُوا» می باشد. ضمیر در «منها» به «جنت» بر می گردد و «من ثمره» به منزله بیان برای «منها» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 5

5- بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أُكَلِّهَا دَائِمًا وَظِلَّهَا

«أُكَلِّ» به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. «ظِلٌّ» به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 57 - 1، 2

ص: 320

1 - بهشتیان ، از میوه های بسیار عالی و مطلوب برخوردارند .

لهم فیها فکھه

در برداشت یاد شده عالی و مطلوب بودن میوه ها، از تکثیر «فاکھه» - که برای تقخیم است - استفاده می شود.

2 - میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

لهم فیها فکھه

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها از میان دیگر غذاها و خوراکی ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 3

3 - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلص خدا

إلّا عباد اللّٰه المخلصین . . . فی جنّات النعیم . . . و عندهم قصرت الطرف . . . أذلک خ

«نزل» به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 5

5 - میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

یدعون فیها بفکھه کثیره

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها، از میان دیگر غذاها و خوراکی های درخواستی بهشتیان، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 55 - 1

1- تقوایبشگان بهشتی ، برخوردار از هرگونه میوه مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکھه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- متّقین در بهشت ، بهره مند از همه میوه ها

و لهم فیها من کل الثمرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 1

1 - بهره مندی تقوایبندگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فی جنّات و نعیم . . . و آمدندهم بفکّهه و لحم ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 321

2 - خرما و انار ، دارای ویژگی و امتیاز در میان میوه های بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

«فاکھه» به مطلق میوه گفته می شود و شامل خرما و انار نیز می گردد. بنابراین ذکر «نخل و رمان» پس از آن، از باب ذکر خاص بعد از عام و نشانگر ویژگی خاص آن دو میوه در میان میوه های بهشتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 2

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متکئین فیها علی الأرائک ... و ذللت قطوفها... یسقون فیها كأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 42 - 1

1 - تقوایشگان ، برخوردار از انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 1

1 - محسنان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون ... کلوا و اشربوا هنیئًا ... إنا کذلک نجزی المحسنین

487- ناظران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه ... فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

488- نخلستانهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 1

1 - باغ های بهشت ، آکنده از میوه ها و درختان نخل و انار

ص: 322

فیهما فکھه و نخل و رمان

489- نزدیکی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 13 - 1

1 - بهشت در قیامت ، به جایگاهی نزدیک مردم آورده خواهد شد .

و إذا الجنّة أزلفت

«ازلاف» (مصدر «أزلفت»); یعنی، نزدیک آوردن.

490- نزدیکی بهشت به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 31 - 1

1 - نزدیک شدن بهشت در قیامت ، به اهل تقوا و قرار گرفتن آن در فاصله ای بسیار نزدیک به ایشان

و أزلفت الجنّة للمتّقین

491- نزدیکی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 3

3 - میوه های رسیده برشاخساران باغ های بهشت ، در دسترس بهشتیان تکیه زده بر مسندها

متّکین . . . و جنی الجنّین دان

«جنی» به میوه رسیده گفته می شود و «دان» (از ریشه «دُنُو») به معنای نزدیک و در دسترس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 23 - 1

1 - میوه های بوستان های بهشتی ، نزدیک و در دسترس بهشتیان است .

«قَطْف» (مفرد «قطوف») در معنای میوه چیده شده و نیز میوه آماده چیدن به کار می رود. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 14 - 3

3 - میوه های بهشتی ، نزدیک و در دست رس بهشتیان ، بی هیچ زحمت ورنجی

و ذللت قطوفها تذليلاً

ص: 323

«قَطْفٌ» (مفرد «قطوف») به معنای خوشه های میوه است و «تذلیل» مصدر مجهول «ذَلَّلْتُ» و به معنای رام شده است. مقصود این است که چیدن خوشه های میوه، برای بهشتیان آسان است.

492- نعمت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 9

9- بهشت و موهبت های آن ، عطایی الهی است .

عطاءً غیر مجذوذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 47 - 1

1 - پاداش بهشت به بیمناکان مقام پروردگار ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

ولمن . . . جتتان . فبأیّ الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 20 - 3

3- بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعمیاً و ملکاً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 10 - 4

4- بهشت برین ، از نعمت های الهی برای انسان های کوشا و آخرت طلب

ناعمه . . . فی جتّه عالیه

493- نعمت روزی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بهشت و نعمت های آن ، روزی و عطای الهی است .

جَنَّتْ عدن .. . إِنَّ هَذَا لِرِزْقِنَا

494- نعمتهای اخروی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 324

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متكئين فيها على الأرائك . . . و ذللت قطوفها... يسقون فيها كأسًا ... يطوف عليهم

تقديم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

495- نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 13, 6, 7, 5, 3, 1

1 - بشارت اهل ایمان به بهشت با توصیف و بیان نعمت های آن از وظایف تبلیغی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و بشر الذين آمنوا . . . و هم فيها خالدون

«أَنْ لَّهُمْ . . .» به تقدیر حرف «باء»، متعلق به «بشّر» است؛ یعنی: «بشّر الذين آمنوا بأنّ لهم . . .»

3 - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذين آمنوا . . . أن لهم جنت تجري من تحت الأنهر

متعلق «آمنوا» به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

5 - بهشت دارای بوستان های فراوان است .

أن لهم جنّٰت

برداشت فوق با توجه به جمع بودن کلمه «جنات»، استفاده شده است.

6 - بهشت دارای نهر های متعدد و همواره جاری

تجری من تحتها الأنهر

تعدد نهرها از جمع بودن کلمه «الأنهار» استفاده می شود و فعل مضارع (تجری) حکایت از جریان مداوم و مستمر نهرها دارد. گفتنی است که ضمیر در «تحتها» به «جنات» بر می گردد و مراد از آن می تواند، درختان و ساختمانهای بهشت باشد.

7 - بهشت دارای درختانی انبوه و میوه دار

أَن لَّهُم جَنَّاتٌ .. كَلِمَاتُ رِزْقٍ مِّنْهَا مِنْ ثَمَرِهِ

«ثمره» به میوه درختان گفته می شود. بهشت و بستان را از آن جهت جنت می گویند که پوشیده از درختان انبوه است.

13 - بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 17، 11، 9، 3

3 - لذت های اخروی (باغ های بهشتی و رضایت خدا و زنان پاکیزه) ، برتر از خوشی ها و امکانات دنیا

بَخِيرَ مِنْ ذَلِكُمْ ... جَنَّاتٍ ... وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ

9 - جریان دائمی نهر ها در زیر درختان بهشت

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

ص: 325

در برداشت فوق ضمیر در «تحتها» به درختان بهشت، برگردانده شده که در اصطلاح از آن به استخدام در ضمیر تعبیر می کنند.

11 - وجود باغ های متعدد در آخرت ، برای متقین

لَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

17 - خرسندی و رضایت خداوند از تقواییشان در بهشت ، نعمتی بزرگ برای آنان

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ

بنابراینکه «من»، ابتدائیه باشد؛ یعنی رضایتی از جانب خداوند نسبت به تقواییشان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 136 - 10

10 - بهشت ها ، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 10، 2، 1

1 - بی ارزشی بهره ها و قدرت محدود کافران در دنیا ، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ .. لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ ... خَالِدِينَ فِيهَا

2 - پرهیزکاران ، جاودان در بهشت و برخوردار از نعمت های آن

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ ... خَالِدِينَ فِيهَا

10 - تقوا ، زمینه برخورداری از موهبت بهشت و نعمت های آن

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 13 - 5

5 - بهشت ، دارای نهر های جاری

جَنّات تجرى من تحتها الأنهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 5, 8, 11

5 - بهشت مؤمنان دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الذّین امنوا و عملوا الصّالحات . . . و ندخلهم ظلا ظلیلا

«ظلّ» به معنای سایه و «ظلیلا» تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

8 - سایه آرام و دلپذیر ، جایگاهی ویژه در بهشت

و ندخلهم ظلا ظلیلا

تکرار «ندخلهم» حکایت از ویژگی ظلّ (سایه) در بهشت دارد.

11 - همسران بهشتیان ، پاکیزه از آلودگی به حیض و حدث

لهم فیها ازواج مطّهّره

ص: 326

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: الأزواج المطهّره اللّاتی لا یحضن ولا یحدثن.

من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 50، ح 4، باب 20، مسلسل 195؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 379، ح 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 69 - 9

9 - همنشین و مصاحبت با پیامبران، صدیقین، شاهدان و صالحان، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم

از اینکه همنشینی با پیامبران و... پاداشی برای پیروان خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 122 - 6

6 - بهشت، دارای باغ های متعدد، نهر های جاری و جاودانه است.

جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 19

19 - مؤمنان دارای عمل صالح، بهره مند از نعمت بهشت و دارای حق شفاعت برای کسانی که در دنیا به ایشان نیکی کرده اند.

فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره «اجورهم» در آیه فوق فرمود: یدخلهم الجنة و درباره «یزیدهم من فضله» فرمود: الشفاعة فیمن وجبت لهم النار ممن صنع الیهم المعروف فی الدنيا.

الدر المنثور، ج 2، ص 752.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 175 - 3,9

3 - نیل به مقام قرب الهی ، بهره مندی کامل از بهشت و نعمت های آن و برخورداری از فضل الهی ، پاداش مؤمنان متمسک به خداوند

فاما الذین ءامنوا .. فسیدخلهم فی رحمہ منہ و فضل و یهدیہم إلیہ

9 - هدایت و رسیدن به خداوند ، پاداشی برتر از بهشت و نعمت های آن

فاما الذین ءامنوا باللہ .. و یهدیہم إلیہ صراطاً مستقیماً

غالباً در مقام بیان پاداش، اول ادنی و آنگاه اعلی را ذکر می کنند؛ بنابراین رسیدن به خدا و قرب به او «یهدیهم الیه» می تواند بهترین پاداش مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 12 - 27

27 - بهشت ، دارای نهر های جاری و باغ های متعدد

ص: 327

جنت تجری من تحتها الانهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 65 - 7,8,11

7 - تأکید خداوند بر وارد ساختن اهل کتاب به بهشت پر نعمت در صورت ایمان به خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تمامی کتب آسمانی و رعایت تقوا

و لو ان اهل الكتب .. لادخلنهم جنت النعیم

8 - بهره مند شدن از نعمت های بهشتی در گرو ایمان و تقوا

و لو ان اهل الكتب ءامنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم و لادخلنهم جنت النعیم

11 - بهشت، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

«نعیم» به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 85 - 5

5 - بهشت، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهلهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 7

7 - بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 9,11,13,18

9 - بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن ، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیشان به بهشت ، سپاس می گویند .

وقالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا

11 - خداوند هدایت کننده مردم به ایمان و انجام اعمال صالح برای رساندن آنان به بهشت و مواهب آن

وقالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق «هدینا»، به قرینه آیه پیشین، ایمان و عمل صالح و «لام» در «لهذا» بیانگر هدف و غایت هدایت باشد. یعنی: هدانا إلى الايمان لنكون من أصحاب الجنة.

13 - عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

وقالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى

18 - برخوردارى مؤمنان از نعمت های الهی در بهشت ، نتیجه کردار نیک و مستمر آنان است .

و نودوا أن .. بما كنتم تعملون

ص: 328

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 2

2 - اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادى .. ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 8

8 - بهشت و مواهب آن از برترین جلوه های رحمت خداوند

لا ینالهم اللّٰه برحمه ادخلوا الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 51 - 5

5 - سرگرمی و بازیچه گرفتن دین و فریفته شدن به زندگانی دنیا ، موجب محرومیت از بهشت و مواهب آن

ان اللّٰه. حرمهما على الكفرین. الذین اتخذوا ... وغرتهم الحیوه الدنیا

توصیف کافران دوزخی به «الذین اتخذوا .. » بیانگر علت گرفتاری آنان به آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 7

7 - باغ ها و بوستان های بهشت ، سرشار از نعمت های الهی

جنت لهم فیها نعیم

«نعیم» به معنای نعمت فراوان و بسیار است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 15

15 - حوران بهشتی ، از آن مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئك لهم الخيرات

منظور از «الخيرات» به قرينه آيه 70 سوره الرحمن (فيهن خيرات حسان) مي تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 89 - 1,3,7

1 - باغ ها و نهر هاي روان و زندگي جاودان ، مهيا شده از جانب خدا براي پيامبر (صلى الله عليه و آله) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدن فيها

3 - باغ هاي بهشت ، متعدد و داراي نهر هاي فراوان

لهم جنت تجري من تحتها الأنهر

7 - دستيابي به بهشت جاودان و نعمت هاي آن ، رستگاري بزرگ است .

ذلك الفوز العظيم

ص: 329

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 13، 15

13 - باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

أعد لهم جنت تجري تحتها الأنهر

15 - جاری شدن نهر ها در زیر درختان انبوه بهشتی ، جلوه ای از نعمت های جذاب و لذت آفرین اخروی

لهم جنت تجري تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 9 - 8، 10

8 - بهشت ، دارای چشمه سار های روان در زیر پای بهشتیان

تجری من تحتهم الأنهر فی جنت النعیم

9 - بهشت ، دارای باغ های متعدد

فی جنت

10 - باغ های بهشت ، سرشار از نعمت های الهی است .

فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 3، 5

3 - بهشت دارای نهر های بسیار است .

مثل الجنة .. تجری من تحتها الأنهر

برداشت فوق از جمع بودن کلمه «أنهار» استفاده شده است. قابل ذکر است که از معانی «مَثَل» صفت و ویژگی است.

5 - بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أكلها دائم وظلّها

«أكل» به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. «ظَلَّ» به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 2,3

2- تقوا، عامل برخورداری از موهبت های بهشت

إن المتقين فی جنّات و عیون

3- بهشت متقین، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إن المتقين فی جنّات و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 5

5- بهشت، واجد تمامی موهبت ها و خوبی های قابل تصور برای انسان

جنّات عدن... لهم فیها ما یشاءون

ص: 330

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 108 - 4

4- عالی ترین نعمت ها و آرمانی ترین ارزش و آسایش برای مؤمنان در بهشت برین ، وجود دارد .

لایبغون عنها حولاً

درخواست تغییر، نوعاً، در پی تصوّر چیزی بهتر و بالاتر پدید می آید. این که بهشتیان، خواهان تغییری در وضع خود نیستند، می تواند بدین جهت باشد که چیزی فوق آنچه آنان در بهشت برخوردارند، به ذهن شان نمی رسد تا آن را آرزو کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 2,3

2 - بهشت ، از بوستان هایی متعدد تشکیل یافته است .

جنت عدن

ذکر «جَنّات» به صورت جمع، حکایت از آن دارد که باغ هایی متعدد و ممتاز از یکدیگر بهشت را تشکیل می دهند.

3 - بهشت ، دارای نهلهایی متعدد است که از فرو دست آن جاری می گردد .

جنت عدن تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 3,4

3 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد ، سرسبز و پوشیده از درختان

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

4 - بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جَنّات تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 4,5

4- بهشت ، دارای بوستان هایی است متعدد ، سر سبز و پوشیده از درختان .

جَنّات تجرى من تحتها الأنهر

«جنات» جمع جَنَّة است و «جَنَّت» به بوستانی گفته می شود که پوشیده از درختان است.

5- بوستان های بهشت ، دارای چشمه سارهایی روان از زیر درختان

جَنّات تجرى من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 56 - 7، 5

5- دستیابی به نعمت های بهشتی در گرو همراهی ایمان و عمل صالح

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی جنّات النعیم

7- بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

فی جنّات النعیم

ص: 331

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 2

2 - صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، عامل برخوردار شدن آنان از بناها و درجات عالی بهشت است.

أولئك يجزون الغرفة بما صبروا

گفتنی است «با» در «بما» برای سببیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 85 - 3,4

3 - بهشت، سرشار از نعمت های الهی است.

جَنَّةِ النَّعِيمِ

«نعیم» به معنای نعمت فراوان است.

4 - بهشت پر از نعمت، فضل و ارزانی خدا به انسان است؛ نه مزدی هم پای عمل وی.

و اجعلنی من ورثه جَنَّةِ النَّعِيمِ

راغب در «مفردات» آورده است: «و يقال لكل من حصل له شیء من غیر تعب قد ورث كذا؛ هر کس مالی را به رایگان به دست آورد، گفته می شود به ارث برد». بنابراین، اعمال ما هرگز نمی تواند بهای واقعی بهشت باشد؛ بلکه بهشت فضل ارزانی خدا به مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 41 - 6

6 - آتش دوزخ و نعمت های بهشت، تجسم عینی اعمال آدمیان است.

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار

آنچه مسلم است این که پیشوایان کفر، مردم را به اعمال بد و ناشایست - که اسباب ورود انسان به آتش است - فرا می خوانند؛ نه به خود آتش. بنابراین تعبیر «یدعون إلى النار» به جای «یدعون إلى الضلال» می تواند اشاره به این باشد که اعمال بد در واقع خود آتش دوزخ است که در آخرت صورت حقیقت آن آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بهشتیان ، از میوه های بسیار عالی و مطلوب برخوردارند .

لهم فیها فکھه

در برداشت یاد شده عالی و مطلوب بودن میوه ها، از تکثیر «فاکھه» - که برای تفخیم است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 43 - 2

2 - بهشت ، دارای بوستان های گوناگون و متنوع

فی جنّات النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 44 - 4

4 - اُنس و محبت متقابل و بزم خوش ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلص خدا در بهشت

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان انواع نعمت های الهی برای بندگان خالص خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 45 - 2، 4، 1

1 - گردش ظرف هایی از شراب ناب ، گرداگرد بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف علیهم بکأس

«کأس» به معنای ظرفی است که در آن شراب باشد. گفتنی است گاهی این واژه استعمال می شود، ولی مقصود از آن خود شراب است؛ نه ظرفی که در آن شراب باشد.

2 - جاری بودن چشمه هایی از شراب ناب در بهشت

یطاف علیهم بکأس من معین

«معین» به آبی زلال گفته می شود که بر روی زمین جاری باشد (چون نهر). این واژه به منزله صفت برای «کأس» است؛ بنابراین بهشت بندگان خالص خدا دارای نهرهایی از شراب ناب است که جام هایی از آنها به بهشتیان عرضه می شود.

4- شراب ناب ، از نعمت های الهی برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطفای علیهم بکأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 50 - 2

2- مجلس انس و به پرس و جو نشستن ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فأقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 1

ص: 333

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خير نزلأ أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 4

4 - جاودانگی بهشتیان ، در ناز و نعمت بهشتی

جنّ-ت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 5

5 - تقوا ، عامل اصلی ورود به بهشت و برخورداری از مواهب آن است .

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنية اختصاص یافتن بهشت به کسانی

اختصاص یافتن بهشت به کسانی که دارای صفت تقوا هستند - در حالی که بهشتیان باید از اوصاف دیگری نیز برخوردار باشند - می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 31 - 6

6 - توحید و استقامت در راه ایمان ، در پی دارنده بهشت و نعمت های گسترده برای مؤمنان

إنّ الذين قالوا ربّنا الله ثمّ استقموا . . . و لكم فيها ما تشتهي أنفسكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 32 - 4

4 - نعمت های بی کران و توصیف ناپذیر بهشتی ، جلوه ای از غفران و رحمت گسترده الهی است .

نزلاً من غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوری - 42 - 22 - 14، 10

10 - بهشت ، دارای باغ هایی خرم و سرسبز با درختانی انبوه

فی روضات الجنّات

14 - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما يشاءون عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - زخرف - 43 - 72 - 3

ص: 334

3- نعمت های بهشتی، تفضل الهی و افزون بر استحقاق آدمی است.*

تلك الجنة التي أورثتموها

واژه «أورثتموها» از ماده «ارث» به معنای رسیدن مال بدون عوض و زحمت است. عبارت «بما كنتم تعملون» نیز نقش عمل را در رسیدن به بهشت بیان می کند. این مطلب نشانگر آن است که عمل تنها زمینه ای برای دستیابی به بهشت است و نعمت های بی کران الهی در آن، تفضل الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 57 - 3

3- راه یابی به بهشت جاودان و نعمت های بی پایان آن، رستگاری بزرگ و راستین

ذلك هو الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 5,6,7,16,27

5- مؤمنان نیک کردار، همان «متقین» بهره مند از نعمت های بهشتی اند.

يدخل الذين آمنوا وعملوا الصلح جنّات .. مثل الجنة التي وعد المتقون

در آیات پیشین، سخن از مؤمنان صلاح پیشه بود و اکنون در این آیه بر آنان عنوان «المتقون» اطلاق شده است. آنچه به اجمال در آیات پیشین به ایشان وعده داده اند، خداوند در این آیه به تفصیل، بیان فرموده است.

6نهر های مختلف، زلال، گوارا و لذت آفرین، نمودی از نعمت های والای بهشت

فيها أنهر من ماء غير آسن . . . وأنهر من خمر لّذه

7- وجود نهرهایی از آب های زلال، شیر های گوارا، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فيها أنهر من ماء غير آسن و أنهر من لبن لم يتغير طعمه و أنهر من خمر لّذه للش-

16- بهره مندی متقین از نعمت های عالی بهشت، همراه با زدایش خاطره تلخ لغزش ها از یاد آنان*

و لهم فيها من كل الثمرات و مغفرة من ربهم

مراد از «مغفرة» می تواند، چشم پوشی از لغزش ها پس از ورود به بهشت باشد. در این صورت «مغفرة» به معنای صرف بخشش گناه

نیست؛ زیرا اگر بخشیده نشده بودند، وارد بهشت نمی شدند. بنابراین مراد از غفران، ممکن است پوشاندن لغزش ها باشد؛ به گونه ای که دیگر بهشتیان، خود به یاد گذشته نیفتاده و خاطرشان ملول نگردد.

27- « عن معاوية بن حيدة : سمعت رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول في الجنة بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثم تشقق الأنهار منها بعد ;

معاوية بن حیده می گوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 35 - 1

1 - بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما يشاءون فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 335

18 - طور - 52 - 17 - 3، 2

2 - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ

«جَنَّة» (مفرد «جَنَّات») به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

3 - بهشت تقوایندگان ، سرشار از نعمت است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

واژه «نَعِيم» به معنای نعمت بسیار و فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 5

5 - بهره‌وری متقین از نعمت های گوارای بهشت ، پاداش عملکرد نیک و مداوم خود آنان

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

تعبیر «كنتم تعملون»، ماضی استمراری و دلالت بر مداومت پارسایان بر اعمال نیک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 1

1 - بهره مندی تقوایندگان ، از میوه ها و گوشت های مورد تمایل خویش در بهشت ، علاوه بر نعمت های سرشار دیگر

فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ... وَأَمْدَدْنَهُمْ بَفِكَهٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 1

1 - بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرطراوت

ذواتا أفنان

«أفنان» (جمع «فَنَن») است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 50 - 3

3 - چشمه های همیشه جاری ، از نعمت های لذت آفرین و دلخواه بهشت

فیهما عینان تجریان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 51 - 1,4

1 - چشمه های جاری در بهشت خائفان ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

4 - وجود چشمه های همیشه جاری در بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

ص: 336

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 52 - 3

3 - بهشت ، دارای همه گونه میوه ها

فیهما من کلّ فکّهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 2,3

2 - ارزشمندترین پارچه های دنیا ، به کار رفته در لایه های زیرین پستی های اهل بهشت

متّکین علی فرش بطائنها من إستبرق

واژه «بطائن» ممکن است نظر به این داشته باشد که آنچه در دنیا بهترین به حساب می آید، آن جا کمترین جلوه را دارد؛ تا حدی که به عنوان آستر و یا مواد درونی پستی ها مورد استفاده قرار می گیرد.

3 - میوه های رسیده برشاخساران باغ های بهشت ، در دسترس بهشتیان تکیه زده بر مسندها

متّکین . . . و جنی الجنّین دان

«جنی» به میوه رسیده گفته می شود و «دان» (از ریشه «دُنُو») به معنای نزدیک و در دسترس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 55 - 1

1 - امتنان خداوند بر خلق ، به خاطر قرار دادن پاداش هایی چون نعمت های بهشت برای ایشان

متّکین علی فرش . . . فبأیّء الآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 57 - 1

1 - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصرت الطرف . . . فبأیّء الآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 63 - 1

1 - تعدد و تنوع باغ های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر الهی و غیر قابل تکذیب

و من دونهما جنتان . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 65 - 1

1 - باغ های سبز و پرطراوت بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

و من دونهما جنتان . . . مدهامتان . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 66 - 1

ص: 337

1 - وجود چشمه های همیشه جوشان در باغ های بهشت

فیهما عینان نضّاختان

«نضّاختان» وصف برای «عینان» است؛ یعنی، دو چشمه ای که دارای جوشش و فوران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 67 - 1

1 - چشمه های جوشان و فوران کننده بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما عینان نضّاختان . فبأیّء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 69 - 1

1 - وجود انواع میوه ها - خصوصاً خرما و انار- در بهشت ، نعمتی انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهما فکّهه و نخل و رمان . فبأیّء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 71 - 1

1 - حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 73 - 1

1 - حوریان مستور در خیمه های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر پروردگار و غیرقابل تکذیب

حور مقصورت . . . فبأیّء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 75 - 1

1 - حوریان عقیف و پاکدامن بهشتی، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمثهنّ إناں قبلهم .. فبأیّ ءالاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 77 - 5، 1

1 - لذت ها، زیبایی ها و آسایش بهشت، نعمت های انکارناپذیر خدا و غیرقابل تکذیب

متکین علی رفرف خضر .. فبأیّ ءالاء ربکما تکذبان

5 - اشتیاق به نعمت های موعود خداوند و ارزش های بهشت، مستلزم پرهیز از هرگونه کفر و تکذیب

متکین علی رفرف خضر .. فبأیّ ءالاء ربکما تکذبان

خداوند با برشمردن نعمت های بهشت، شوق دستیابی به آن را در خلق فزونی می بخشد و در پی آن هشدار می دهد که کفر و تکذیب، مانع ره یابی به آن نعمت ها است؛ زیرا تکذیب کنندگان، منفور خدا و شایسته توییخ اند؛ نه احسان.

ص: 338

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 12 - 3

3 - بهشت سابقون (پشتازان) ، سرشار از نعمت است .

فی جنّات النعیم

واژه «نعیم»، در نعمت بسیار به کار می رود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 20 - 1

1 - وجود میوه های متنوع و گوناگون در بهشت پشتازان (سابقون)

و فکّه ممّا یتخیرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 30 - 2

2 - اصحاب الیمین ، همواره در هوای مطبوع بهشت قرار داشته و از گزند گرمای خورشید در امان خواهند بود .

و ظلّ ممدود

«ظلّ» عطف بر «سدر» و خبر برای مبتدای محذوف است. تقدیر آن «و هم فی ظلّ ممدود» می باشد. گفتنی است که تعبیر بالا، کنایه از مطبوع بودن هوای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 89 - 5

5 - ره یافتگان به مقام قرب در آخرت (پشتازان) ، برخوردار از بهشتی سرشار از نعمت

فأما إن کان من المقرّیین . . . و جنّات نعیم

واژه «نعیم»، به معنای نعمت فراوان آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان است .

بشریکم الیوم جنّ - ت

«جنّه» (مفرد «جنّات»)، به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

11 - وجود نهر های همیشه روان در باغ های بهشت

جنّ - ت تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع «تجری»، بیانگر همیشگی بودن جریان نهرها در بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 19، 18

18 - بوستان های بهشت ، پوشیده از درختان است .

ص: 339

و یدخلهم جنّات

19 - وجود نهر های همیشه روان ، از زیر درخت های بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 2

2 - جام های سیمین و کوزه ها و قدح های بلورین ، از ظرف های بهشتی برای پذیرایی بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أكواب كانت قواریرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 20 - 4

4 - « عن الحسن البصری أنّ رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال : إنّ أدنی أهل الجنة منزله الذی یرکب فی ألف ألف من خدمه من الولدان المخلدین علی خیل من یاقوت أحمر لها أجنحه من ذهب » « إذا رأیت ثمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً » ;

از حسن بصری روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: کمترین اهل بهشت از نظر مقام، کسی است که در میان یک میلیون خدمت کار نوجوان، همیشه جوان بر اسبی از یاقوت سرخ - که بال های طلایی دارد - سوار می شود [سپس این آیه را تلاوت فرمود: « إذا رأیت ثمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً »].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 8، 1، 2

1 - نعمت های الهی در بهشت ، پاداش فراهم آمده برای ابرار

إنّ هذا کان لکم جزاء

« هذا » به مجموع نعمت هایی اشاره دارد که در آیات گذشته یاد شده است.

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متکئین فیها علی الأرائک . . . و ذللت قطوفها . . . یسقون فیها كأساً . . . یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

8 - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ . . . وَ سَقِيهِمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا . إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جِزْ

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه 5 تا آیه مورد بحث (آیه 22)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج 10؛ الکشاف، ج 4، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 41 - 2، 1

1 - جایگاه تقوایبندگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعِيُون

2 - بهشت ، داری سایه هایی از درختان انبوه و چشمه سارها

فِي ظِلِّ وَعِيُون

ص: 340

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 42 - 1,2

1 - تقوایندگان ، برخوردار از انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

2 - وجود انواع میوه های دلخواه در بهشت

و فوکه ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 1

1 - محستان ، بهره مند از سایه ها ، چشمه سار ها ، میوه های دل خواه و انواع خوردنی ها و نوشیدنی های گوارا در بهشت

فی ظلل و عیون ... کلووا و اشربوا هنیئاً ... إنا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 2

2 - بهشت ، سرای ناز و نعمت ، همراه با تأمین تمام نیازمندی ها برای تقوایندگان

حدائق و أعنباً

تأمین انگور و باغ میوه - با آن که از نیازهای ضروری انسان نیستند - نشانگر آن است که بهشتیان در مرحله نیازهای اولیه، کمبودی ندارند و باید از امور دیگری - که به تجملات و تشریفات زندگی مربوط می شود - سخن گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 37 - 8

8 - نعمت های بهشت و پاداش تقوایندگان در آن ، جلوه رحمت گسترده خداوند است .

جزاء من ربّک .. الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- وجود تمامی امکانات ، برای اقامت دائمی انسان در بهشت

جنّ-ت عدن .. خلدین فیہا أبداً

«عدن»، معرفه است؛ خواه علم برای مصدر «العدن» (اقامت گزیدن) باشد و خواه علم برای زمین بهشت. در صورت دوم نیز، تناسب معنای لغوی آن مورد نظر بوده است؛ یعنی، بهشت دارای تمام امکاناتی است که لازمه اقامت دائمی انسان در آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 8 - 10

10 - « قال الرضا (ع) ولقد حدثني أبي عن أبيه أبي عبد الله الصادق (ع) . . . قال : إنَّ الله عزَّوجلَّ لايسئل عباده عمَّا تفضَّل عليهم و لايمنَّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزَّوجلَّ ما لايرضى

ص: 341

المخلوق به و لكنّ النعيم حبّنا أهل البيت و مولاتنا يسئل الله عباده عنه بعد التوحيد و النبوه لأنّ العبد إذا وفى بذلك اذاه إلى نعيم الجنّه الذى لا يزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بندگان تفصل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منتّ نمی گذارد. منتّ نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است؛ پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعيم [در آیه «ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعيم»] محبت ما اهل بیت و [پذیرش] ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبوت، از آن بازخواست خواهد کرد؛ زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند.

496- نعمتهای بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 6

6 - بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکنی گزیدند ، جایگاهی مرفه و دارای نعمت های فراوان و نیکو بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

«رغد» به معنای: پر خیر و برکت، پاک و دارای رفاه می باشد. کلمه «رغداً» حال برای ضمیر «منها» است؛ یعنی، از بهشت استفاده برید، در حالی که این بهشت پر خیر و برکت و ... است.

497- نعمتهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 4

4- بهشت عدن دربردارنده باغ ها و بوستان های متعدد

جنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 31 - 2

2- در بهشت عدن، نهر ها، از زیر پای (کاخ ها و بنا های رفیع) بهشتیان جریان دارد .

مرجع ضمیر «تحتهم» عبارت «الذین امنوا» در آیه قبل است؛ یعنی، از زیر پای بهشتیان، نه‌ها جاری است. روشن است که جریان آب از زیر پای بهشتیان، تعبیری برای ترسیم محل اقامت آنان در بهشت و جریان یافتن آب از زیر بناها و یا تکیگاه‌های آنان است.

498- نعمتهای مادی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 10، 13، 6

6 - وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در « جنات عدن »

و مسکن طیبه فی جنت عدن

«جنات عدن» می تواند نامی خاص باشد و غیر از «جنات تجری ..» به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

10 - وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت .. مسکن ... و رضون من الله أكبر

13 - برخورداری انسان از نعمت های مادی و معنوی بهشت جاودان ، همان رستگاری و سعادت عظیم و بی بدیل است .

جنت .. مسکن طیبه ... و رضون من الله ... ذلك هو الفوز العظيم

با توجه به اینکه «ذلک» می تواند اشاره به تمام فرازهای پیشین باشد (جنات تجری .. خالدین فیها ... مساکن طیبه ... جنات عدن و رضوان من الله)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 48 - 3

3- بهشت متقین ، دارای نعمت های مادی و معنوی

إن المتقين فی جنّات و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین ... علی سرر متقبلین . لایمسّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 52 - 3

3- فراهم آمدن نعمت های روحی و جسمی ، برای متقین در بهشت (مادی و معنوی)

فی مقام ءمین . فی جنّات و عیون

499- نعمتهای معنوی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 10، 13

10 - وجود نعمت ها و لذایذ مادی و معنوی در بهشت

جنت ... مسکن ... و رضون من الله أكبر

13 - برخورداری انسان از نعمت های مادی و معنوی بهشت جاودان ، همان رستگاری و سعادت عظیم و بی بدیل است .

جنت ... مسکن طیبه ... و رضون من الله ... ذلك هو الفوز العظيم

با توجه به اینکه «ذلک» می تواند اشاره به تمام فرازهای پیشین باشد (جنات تجری .. خالدین فیها .. مساکن طیبه ... جنات عدن و رضوان من الله)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 343

9 - حجر - 15 - 48 - 3

3- بهشت متقین ، دارای نعمت های مادی و معنوی

إن المتقين في جنّات و عيون . ادخلوها بسلم ءامنين ... علی سرر متقبلين . لا یمسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 52 - 3

3- فراهم آمدن نعمت های روحی و جسمی ، برای متقین در بهشت (مادی و معنوی)

فی مقام أمين . فی جنّات و عيون

500- نفی سخن لغو در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 1

1 - تقوایبشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لا یسمعون فیها لغواً

«لغو»؛ یعنی، بی فایده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سخنان زشت نیز «لغو» نامیده می شود. (مفردات راغب). نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است. ضمیر «فیها» به «مفازاً» برمی گردد؛ به این اعتبار که مراد از آن «جنّه» (بهشت) باشد.

501- نقش بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 9

9- بهشت ، تجلی و نمود والای رحمت الهی است .

فریق فی الجنّه . . . لکن یدخل من یشاء فی رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 16

16- بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّـت . . . و الذین کفروا... النارمثنوی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 38 - 1

ص: 344

1 - بهشت ، جلوه گاه امتنان و لطف عظیم الهی به اصحاب الیمین

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً .. لأصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 31 - 3

3 - بهشت ، مظهر رحمت الهی به انسان ها است .

یدخل من یشاء فی رحمته

502- نقش خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 1

1 - خدمت کاران جوان و زیبارو ، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و یطوف علیهم غلمان لهم

«غلام» (مفرد «غلمان») به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 17 - 1

1 - گردش پروانهوار جوانکان بهشتی پیرامون پیشتازان راه خدا (سابقون) ، جهت خدمت گذاری به آنان در مجالس انس آنها

متکین علیها متقبلین . یطوف علیهم ولدن مخلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 18 - 2

2 - جوانکان خدمت گذار ، باده گردانان مجالس انس پیشتازان (سابقون) در بهشت

یطوف علیهم ولدن .. بأکواب و أباریق و کؤس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پشستازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

وفكهه ممّا يتخيرون

واژه «فاكهه» عطف بر «أكواب» (در دو آیه پیش) است؛ یعنی، «و يطوف عليهم ولدان مخلدون بفاكهه ممّا يتخيرون».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - جوانان خدمت گذار ، پذیرایی کننده پشستازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

ص: 345

و لحم طير ممّا يشتهون

«لحم طير» عطف بر «أكواب» است؛ یعنی، «و يطوف عليهم ولدان مخلدون بلحم طير».

503- نوجوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 1,4

1 - خدمت کاران جوان و زیبارو، در طواف متقین بهشتی برای پذیرایی از آنان

و يطوف عليهم غلمان لهم

«غلام» (مفرد «غلمان») به نوجوانی گفته می شود که تازه پشت لبش سبز شده باشد.

4 - خدمت نوجوانان زیباروی بهشتی، برای تقواییشانگان از سرشوق و پروانهوار

و يطوف عليهم غلمان لهم

تعبیر «یطوف»، حرکت پروانهوار و مشتقانه را افاده می کند.

504- نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 6

6 - بهشت دارای نهر های متعدد و همواره جاری

تجری من تحتها الأنهر

تعدد نهرها از جمع بودن کلمه «الأنهار» استفاده می شود و فعل مضارع (تجری) حکایت از جریان مداوم و مستمر نهرها دارد. گفتنی است که ضمیر در «تحتها» به «جنات» بر می گردد و مراد از آن می تواند، درختان و ساختمانهای بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 9

9 - جریان دائمی نهر ها در زیر درختان بهشت

جنات تجرى من تحتها الانهار

در برداشت فوق ضمير در «تحتها» به درختان بهشت، برگردانده شده که در اصطلاح از آن به استخدام در ضمير تعبير مى کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - آل عمران - 3 - 195 - 30,31

30 - بهشت داراي نهر هاي متعدد

لادخلنهم جنات تجرى من تحتها الانهار

31 - جريان نهر هاي متعدد، زير درختان بهشت

ص: 346

جَنّات تجرى من تحتها الانهار

به نظر می رسد مراد از «من تحتها الانهار»، «من تحت اشجارها» باشد، یعنی نهرها از زیر درختان آن جاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 8,9,11

8 - بهشت ، دارای نهر ها و باغ های متعدد

لهم جنّات تجرى من تحتها الانهار

9 - جریان نهر های متعدد ، در زیر باغ های بهشت

جَنّات تجرى من تحتها الانهار

11 - بهشت جاودان با نهر های روان ، مهیا برای پذیرایی از پرهیزکاران

لهم جنّات تجرى من تحتها الانهار .. نزلا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 13 - 5

5 - بهشت ، دارای نهر های جاری

جَنّات تجرى من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 5

5 - بهشت مؤمنان دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

انّ الذّین امنوا و عملوا الصّالحات .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

«ظلّ» به معنای سایه و «ظلیلا» تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 122 - 6

6- بهشت، دارای باغ های متعدد، نهر های جاری و جاودانه است .

جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 12 - 27

27- بهشت، دارای نهر های جاری و باغ های متعدد

جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 85 - 5,6

5- بهشت، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهرهایی روان

جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

ص: 347

6 - کثرت باغ های بهشت و فراوانی نهر های جاری در آن

جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 6

6 - بهشت دارای باغ ها و بوستان های بسیار با نهرهایی جاری از زیر درختان انبوه آن

لهم جنت تجری من تحت الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 7,8

7 - جایگاه رفیع بهشتیان ، مشرف بر نهرهایی جاری

تجری من تحتهم الأنهر

8 - نهر های جاری بهشت ، پاداش مؤمنان نیک کردار

تجری من تحتهم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 1,3

1 - باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیا شده از جانب خدا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

3 - باغ های بهشت ، متعدد و دارای نهر های فراوان

لهم جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 15

15 - جاری شدن نهر ها در زیر درختان انبوه بهشتی ، جلوه ای از نعمت های جذاب و لذت آفرین اخروی

لهم جنت تجري تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 4, 3

3- بهشت دارای نهر های بسیار است .

مثل الجنة .. تجري من تحتها الأنهر

برداشت فوق از جمع بودن کلمه «أنهار» استفاده شده است. قابل ذکر است که از معانی «مَثَل» صفت و ویژگی است.

4- نهر های بهشت از زیر درختان آن جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 5

ص: 348

5- نهر های فراوانی همواره در بهشت جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 2

2- بهشت متقین ، دارای نهر های روان

جنّ-ت عدن یدخلونها تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 3

3 - بهشت ، دارای نهرهایی متعدد است که از فرو دست آن جاری می گردد .

جنّت عدن تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 14 - 4

4- بوستان های بهشت ، دارای چشمه سار های روان از زیر درختان

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 58 - 4,5

4 - از زیر درختان بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

من الجنّه غرفاً تجری من تحتها الأنهر

جمله «تجری من تحتها الأنهار» می تواند حال برای «الجنه» باشد و ضمیر «تحتها» به «الجنه» برگردد. در این صورت، این برداشت، قابل استفاده است.

5 - از زیر غرفه های بهشت ، نهر های آب ، مدام ، جاری است .

من الجنة غرقاً تجري من تحتها الأنهر

بنابر بازگشت ضمیر «تحتها» به «غرف»، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 1

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خير نزلاً أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 349

4- جریان نهر ها در زیر قصر ها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 4

4- باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع الله و رسوله یدخله جنّ-ت تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد؛ مراد از «من یطع...» کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 54 - 3، 1

1 - استقرار حتمی تقوایبندگان ، در باغ های پر درخت و کنار نهر های بهشت

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

«جَنَّة» (مفرد «جَنَّات») به باغ پوشیده شده از درختان گفته می شود.

3- باغ ها و نهر های بهستی ، پاداش عملکرد خود متقین

و كَلَّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ... إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

از ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در زمینه نقش مؤثر عمل در پاداش و کیفر انسان بود، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 11

11 - وجود نهر های همیشه روان در باغ های بهشت

جنّ-ت تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع «تجری»، بیانگر همیشگی بودن جریان نهرها در بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 19

19 - وجود نهر های همیشه روان ، از زیر درخت های بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 5

5 - وجود نهر های همواره جاری در بوستان های بهشت

تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع (تجری)، بیانگر تداوم جریان نهرهای بهشت است.

ص: 350

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 10

10 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّ-ت تجرى من تحتها الأنهر

«جَنّات» (جمع «جَنّه») به معنای بوستان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 8 - 8

8 - بهشت ، دارای بوستان های متعدد با نهر های روان در قسمت زیرین آنها

جنّ-ت تجرى من تحتها الأنهر

«جَنّه» (مفرد «جَنّات») به معنای بوستان است.

505- نهرهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 2

2- در بهشت عدن ، نهر ها ، از زیر پای (کاخ ها و بنا های رفیع) بهشتیان جریان دارد .

تجری من تحتهم الأنهر

مرجع ضمیر «تحتهم» عبارت «الذین امنوا» در آیه قبل است؛ یعنی، از زیر پای بهشتیان، نهرها جاری است. روشن است که جریان آب از زیر پای بهشتیان، تعبیری برای ترسیم محل اقامت آنان در بهشت و جریان یافتن آب از زیر بناها و یا تکیگاه های آنان است.

506- نهرهای زلال بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 7

7- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فيها أنهر من ماء غير آسن و أنهر من لبن لم يتغيّر طعمه و أنهر من خمر لذه للث -

507- نهرهای شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 7,27

7- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

ص: 351

فيها أنهر من ماء غير ءاسن و أنهر من لبن لم يتغَيّر طعمه و أنهر من خمر لذّه للّش-

27- « عن معاوية بن حيدة : سمعت رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول في الجنّة بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثمّ تشقق الأنهار منها بعد ;

معاوية بن حيدة می گوید: از رسول خدا(صلى الله عليه و آله) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است».

508- نهرهای شیر بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 7,27

7- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فيها أنهر من ماء غير ءاسن و أنهر من لبن لم يتغَيّر طعمه و أنهر من خمر لذّه للّش-

27- « عن معاوية بن حيدة : سمعت رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول في الجنّة بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثمّ تشقق الأنهار منها بعد ;

معاوية بن حيدة می گوید: از رسول خدا(صلى الله عليه و آله) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است».

509- نهرهای عسل بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 7,27

7- وجود نهرهایی از آب های زلال ، شیر های گوارا ، شراب های مسرت آفرین و عسل خالص در بهشت

فيها أنهر من ماء غير ءاسن و أنهر من لبن لم يتغَيّر طعمه و أنهر من خمر لذّه للّش-

27- « عن معاوية بن حيدة : سمعت رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول في الجنّة بحر اللبن و بحر الماء و بحر العسل و بحر الخمر ثمّ تشقق الأنهار منها بعد ;

معاوية بن حيدة می گوید: از رسول خدا(صلى الله عليه و آله) شنیدم که می فرمود: در بهشت دریای شیر، دریای آب، دریای عسل و دریای شراب است که نهرهای بهشتی از آنها منشعب گشته است».

510- وارثان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 63 - 1

1- بندگان تقوایشه خداوند ، وارثان بهشت اند .

تلک الجنّه التی نورث من عبادنا من کان تقیاً

ص: 352

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 105 - 7

7- بشارت خداوند به وراثت بهشت برای بندگان صالح خویش

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «الأرض» بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: (و اورثنا الأرض نتبوا من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين) (سوره زمر (39) آیه 74).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 10 - 1

1 - مؤمنان راستین ، تنها وارثان بهشت

قد أفلح المؤمنون . . . أولئك هم الورثون

«أولئك» مبتدا و اشاره به مؤمنانی است که دارای صفات یاد شده در آیات پیشین (آیات 2 تا 9) هستند. «الوارثون» خبر مبتدا و «ال» در آن برای تعریف عهد ذهنی یا اسم موصول و به تقدیر «الذین یرثون» می باشد. به هر حال «الوارثون» بیانگر این معنا است که کسانی که به عنوان میراث بر بهشت خوانده می شوند، این دسته از مؤمنان اند. گفتنی است که ضمیر «هم» می تواند ضمیر فصل و مفید حصر باشد (رساننده این معنا که مسند (الوارثون)، تنها برای مسندالیه ثابت است) و نیز می تواند مبتدا و «الوارثون» خبر آن و جمله «هم الوارثون» خبر «أولئك» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 11 - 1

1 - مؤمنان راستین ، وارثان بهشت اند .

الذین یرثون الفردوس

«الذین» در محل رفع و صفت توضیحی (عطف بیان) است و یا بدل برای «الوارثون» می باشد. «فردوس» واژه ای معرب و به معنای بوستان است که در این جا به جای «الجنة» به کار رفته است؛ چون با این که مذکر می باشد، به آن ضمیر مؤنث (فیها) ارجاع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 4,5

4- بهشت جاویدان ، میراث تقوایشگان

و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنّه

5- وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقوایشگان

صدقنا وعده و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنّه

511- ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 123 - 1

ص: 353

1 - پندار باطل گروهی از اهل کتاب و برخی از مسلمانان در مورد نجات از جهنم و ورود به بهشت ، به صرف انتساب به ادیان الهی

لیس بامانیکم و لا امانی اهل الکتب

مراد از اسم «لیس» با توجه به آیات گذشته، رهایی از جهنم و ورود به بهشت است یعنی لیس الجنة و المحیص عن النار . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 175 - 8

8 - ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّٰه و اعتصموا . . . یهدیهم الیه صراطاً مستقیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 12 - 23

23 - تکفیر (نادیده گرفتن) گناهان و دخول در بهشت ، پرتویی از نصرت الهی به بندگان خویش

و قال اللّٰه انی معکم لئن اقمتم الصلوه . . . لا کفرن عنکم سیاتکم و لا دخلنکم جنت

بنابر اینکه «لا کفرن» تفسیر «انی معکم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 4

4 - مؤمنان راهی بهشت با فرمان اصحاب اعراف به آن جایگاه رفیع وارد خواهند شد .

ادخلوا الجنة

ظاهر این است که جمله «اهؤلاء الذین . . .» دنباله سخنان اصحاب اعراف با کافران مستکبر باشد. یعنی: قالوا . . . اهؤلاء الذین . . . بر این تقدیر جمله «ادخلوا . . .» نیز سخن اعرافیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 5

5- نیل به بهشت ، تنها دستاورد شایسته و بدون زیان در برابر سرمایه عمر و جان آدمی است .

أولئك الذين خسروا أنفسهم .. إن الذين آمنوا ... أولئك أصحاب الجنة

عنوان کردن بهشت ، به عنوان پاداش مؤمنان در مقابل زیانکار شمردن کفرپیشگان ، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 57 - 3

3- راه یابی به بهشت جاودان و نعمت های بی پایان آن ، رستگاری بزرگ و راستین

ذلك هو الفوز العظيم

ص: 354

ورود تائبان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 13

13 - آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا .. إناک أنت العزیز الحکیم

یاد شدن دو صفت عزت و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

512- ورود شهیدان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 6 - 3

3- خداوند ، هدایتگر شهیدان به منزل آشنای بهشت

سیدیهیم ... و یدخلهم الجنّه عرفها لهم

513- ورود متقین به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 14

14- تقوایبشگان ، با میل و رغبت وارد بهشت می شوند .

المتّقین . جنّـت عدن یدخلونها ... یقولون سلم علیکم ادخلوا الجنّه

استعمال فعل «یدخلون» و نیز امر «ادخلوا» همراه با «سلام علیکم» برای ورود متقین به بهشت، در برابر (ادخلوا جهنم) که فرمانی است به کفران برای ورود به جهنم با یادآوری بد بودن آن، مفید نکته فوق است.

514- ورود متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 70 - 9

9- راه یابی تقوایندگان به بهشت ، همراه با همسران دنیایی خود ، مایه شادمانی عمیق آنان

ادخلوا الجنة انتم وازوجکم تحبرون

بنابراین که شادمانی بهشتیان به واسطه آن باشد که در بهشت نیز با همسرشان همدم خواهند بود؛ برداشت بالا به دست می آید.

ص: 355

515- ورود مؤمنان به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 13

13 - آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا .. إناک أنت العزیز الحکیم

یاد شدن دو صفت عزت و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 12 - 3

3 - فروغ چهره مؤمنان ، روشنگر راه آنان در قیامت به سوی بهشت

یوم تری المؤمنین و المؤمنت یسعی نورهم

«سعی» به معنای دویدن است. دویدن نور مؤمنان در پیش روی آنان، بیانگر آن است که آنان دوان دوان به سویی در حرکت اند. برخی از مفسران بر آنند که در این حال، آنان به سوی بهشت می روند.

516- ورود مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 9

9 - پیوستن مؤمنان ، به درجه عالی پدران بهشتی خود ، تفضل الهی و نه مایه کم شدن از مقام پدر آنان و کاسته شدن از عمل آنان

ألحقنا بهم ذریتهم و ما ألتنهم من عملهم من شیء

جمله «ما ألتناهم..» معادل «ما نقصناهم» است و ضمیرهای «هم» به «الذین آمنوا» بازمی گردد. مقصود این است که خداوند، در ملحق کردن ذریه بهشتیان به آنان، از منزلت و درجه پدران چیزی نمی کاهد؛ بلکه بر درجه ذریه می افزاید.

517- وسعت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 8

8- بهشت تقوایندگان ، بسیار گسترده و پهناور است .

تَبَوُّاً مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 9

9- وسعت بهشت ، به اندازه وسعت همه آسمان ها و زمین است .

و جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

واژه «عرض» در آیه شریفه معادل «سعه» است - نه مقابل طول - و «ال» در «السما» جنسیه می باشد. بنابراین

ص: 356

«السماء»؛ یعنی، همه آسمان ها.

518- وسعت نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 57 - 1

1- بهره‌وری متقین از نعمت های گسترده بهشت ، ناشی از فضل پروردگار است ؛ نه صرفاً استحقاق خود ایشان .

فضلاً من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 35 - 2،4

2- نبود کم ترین محدودیت در نعمت های بهشت

لهم ما يشاءون فيها

4- وجود نعمت هایی فراتر از تصور و آرزوی بهشتیان در نزد خداوند

لهم ما يشاءون فيها و لدینا مزید

519- وعده آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 53 - 1

1- بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوایبندگان

جنّ-ت . . . یدعون فیها بفقکه کثیره و شراب . و عندهم قصرات الطرف أتراب . هذا ما

520- وعده به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 195 - 32

32- ترغیب الهی به تحمّل رنج ها و سختی های راه ایمان ، با وعده بهشت و آمرزش گناه مؤمنان آزر دیده و رنج کشیده

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا... لَا كُفْرًا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دَخَلَتْهُمْ جَنَّاتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 2

2- اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادى . . . ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

ص: 357

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 12 - 30

30 - کفر (شکستن پیمان خدا ، ترک نماز و ...) پس از دریافت وعده بهشت و آمرزش گناهان ، ضلالت و انحراف است .

لاکفرن عنکم سیاتکم .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل

بنابر اینکه مشارالیه «ذلک»، جمله «لاکفرن .. و لادخلنکم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 1

1 - حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 18

18 - پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 14

14- بهشت ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان

یدخلون الجنّه .. وعد الرحمن ... إله کان وعده مأثراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 66 - 4

4- عکس العمل نوع انسان ها در برابر وعده بهشت و نعمت های آن از جانب خداوند ، انکار و استبعاد معاد است .

جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ . . . و يقول الإنسن أءذا ما متّ

چنانچه دو آیه قبل (« و ما ننتزلّ . . . سمیاً») جملا تی معترضه و بریده از آیات قبل و بعد باشد، آیه مورد بحث در ادامه آیات قبل از این دو آیه خواهد بود که در مورد بهشت و نعمت های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 103 - 6

6- قیامت (بهشت) ، وعده پیشین خداوند به مؤمنان راستین

هذا یومکم الذی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 358

1 - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوایندگان

جنّت . . . يدعون فيها بفككه كثيره و شراب . و عندهم قصرات الطرف اتراب . هذا ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 10

10 - اعطای کاخ ها و بنا های رفیع به همراه نهر های جاری ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به تقوایندگان

لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف . . . وعد الله لا يخلف الله الميعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 5،2

2 - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده

5 - وراثت بهشت جاویدان ، وعده الهی به تقوایندگان

صدقنا وعده و اورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 8 - 3،2

2 - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین الهی

جنّت عدن الّتی وعدتّهم

3 - بوستان های ماندنی بهشت ، وعده خداوند به مؤمنان تائب و پیرو دین و نیز به پدران ، همسران و فرزندان ایشان

جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «مَنْ» در «و من صلح . . .» عطف بر ضمیر «هم» در «وعدتّهم...» باشد؛ یعنی، همان گونه که به مؤمنان وعده بهشت داده شده، این وعده به پدران، همسران و فرزندان صالح نیز داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 12

12 - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنة التي كنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 11

11- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان ، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم ، صلاح و شکر

وعد الصدق الذي كانوا يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 1

ص: 359

1- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقوایندگان

الجنة التي وعد المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 32 - 1

1 - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنم ... و أزلت الجنة للمتقين ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 15 - 1

1 - بهشت وعده اکید خداوند به اهل تقوا

إنّ المتقين فی جنّات و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 22 - 17

17 - وعده بهشت از سوی خداوند به مؤمنان راستین

أولئک ... یدخلهم جنّات

522- وعده بهشت به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 1

1- بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقوایندگان

مثل الجنة التي وعد المتقون

523- وعده بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- خداوند به بندگان خویش ، وعده ورود به بهشت های عدن داده است .

جنت عدن التي وعد الرحمن عباده

524- وعده میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 360

1 - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوایندگان

جنّ-ت . . . يدعون فيها بفكهه كثيره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

525- وعده همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بهشت و نعمت های آن مانند انواع میوه ها و نوشیدنی ها و زنان زیبا ، وعده الهی به تقوایندگان

جنّ-ت . . . يدعون فيها بفكهه كثيره و شراب . و عندهم قصرت الطرف أتراب . هذا ما

526- وفور باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - بهشت ، دارای بستان های فراوان و درختانی انبوه

جنّ-ت

«جَنَّة»، بستانی است که با درختانش زمین را بپوشاند (مفردات). جمع بودن «جَنّات» - به قرینه آیاتی که وجود یک بهشت را مطرح کرده است - به اعتبار تعدّد بستان های آن است.

527- وفور بالش های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - در بهشت برین ، بالش هایی فراوان برای استراحت بهشتیان ، به ردیف چیده شده است .

و نمارق مصفوفه

«نَمْرَقَه» (مفرد «نَمَارِق») - که «نون» و «راء» در آن به سه حرکت خوانده می شود - به معنای «بالش کوچک» است و نیز در معانی «روپوش»، «چیزی مانند بالش یا فرش که روی زین نهاده می شود» و «زین ابریشمی» استعمال می گردد(قاموس). کلمه «مصفوفه»، قرینه

بر اراده معنای اول است.

528- وفور درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینہ - 98 - 8 - 3.10

ص: 361

جنّت

«جنّه»، بستانی است که با درختانش زمین را بپوشاند (مفردات). جمع بودن «جنّات» - به قرینه آیاتی که وجود یک بهشت را مطرح کرده است - به اعتبار تعدّد بستان های آن است.

10 - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الكتب و المشركين في نار جهنم .. الذين ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

529- وفور شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 45 - 3

3 - در دسترس بودن شراب و فراوانی و مستمر بودن آن ، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

یطاف عليهم بكأس من معين

تعبیر دور دادن شراب بر سر بهشتیان، بیانگر در دسترس بودن آن است و آمدن «یطاف» به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این عمل دارد.

530- وفور میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 73 - 1، 2

1 - بهره‌وری متقین در بهشت ، از میوه های فراوان آماده شده برای ایشان

لکم فیها فکّه

2 - میوه های بهشت ، چندان فراوان اند که تقوایبشگان تنها از بخشی از آن بهره می برند .

لکم فیها فکّه کثیره منها تأکلون

از «منها» - که برای تبعیض است - استفاده می شود که مؤمنان تنها از گوشه ای از نعمت های بهشت استفاده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- وفور و فراوانی نعمت ها و میوه ها در بهشت

و لهم فيها من كل الثمرات

تعبیر «من كل الثمرات»، می فهماند که اولاً میوه های بهشت گوناگون و بسیار متنوع است. ثانیاً هر نوع میوه آن به وفور و فراوانی وجود دارد؛ نه به صورت نمونه و اندک. مطلب نخست از واژه «كل» و مطلب دوم از جمع آمدن «الثمرات»، برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 32 - 1

ص: 362

1 - بهشت اصحاب الیمین ، دارای میوه های فراوان

و فکله کثیره

531- وفور نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 43 - 3

3- بهشت ، سرشار از نعمت ها و به دور از هرگونه ناخوشی

فی جنّات النعیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اضافه «جنات» به «نعیم» اضافه لامیه و متضمن معنای اختصاصی باشد؛ یعنی، بهشتی که جز انواع نعمت ها، چیز دیگری در آن وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 11

11 - نعمت ها و روزی های بهشت ، فراوان و بی شمار است .

یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 20

20 - برخورداری ها و نعمت های بی پایان بهشت ، نشانگر فضل و رحمت خدا است و نه رفاه و خوشی محدود کافران در دنیا .

یرزق من یشاء . . . و من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها . . . لهم ما یشاءون . . . ذلک ه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 72 - 1

1 - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلک الجنة الّتی أُورثتموها بما کنتم تعملون

11- وفور و فراوانی نعمت ها و میوه ها در بهشت

و لهم فيها من كل الثمرات

تعبیر «من كل الثمرات»، می فهماند که اولاً میوه های بهشت گوناگون و بسیار متنوع است. ثانیاً هر نوع میوه آن به وفور و فراوانی وجود دارد؛ نه به صورت نمونه و اندک. مطلب نخست از واژه «کل» و مطلب دوم از جمع آمدن «الثمرات»، برداشت می شود.

ص: 363

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 38 - 3

3 - بهشت ، بوستانی پر نعمت

جَنَّة نَعِيم

532- ویژگی آشامیدنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 2

2 - خوراکی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا و بدون عوارض نامطلوب است .

كلوا و اشربوا هنيئاً

533- ویژگی باغهای بهشت آخرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 10 - 1

1 - انسان های کوشا و آخرت طلب ، از بین مناطق گوناگون بهشت ، بوستانی ارجمند و عالی رتبه ، در اختیار خواهند داشت .

لسعيها راضيه . في جَنَّة عالية

«عاليه»، ممکن است وصف توضیحی بوده و بهشت موعود را به علو رتبه توصیف کرده باشد. هم چنین می تواند وصف احترازی باشد؛ حاکی از این که برخی از بوستان های بهشت، در مقایسه با دیگر بوستان های آن، رتبه برتری دارند. برداشت یاد شده، نظر به احتمال دوم دارد.

534- ویژگی تختهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 1

1 - بهشتیان ، دارای مجالس انس و تکیه زده بر تخت های چیده شده در کنار هم

متكین علی سرر مصفوفه

«اتكاء» (مصدر «متکین») به معنای تکیه زدن و «سُرُّر» (جمع «سریر») به معنای تخت ها است. «مصفووفه» (صفت «سُرُّر»؛ یعنی، چیده شده در کنار هم.

ص: 364

535- ویژگی چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 12 - 1

1 - بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

«عین» نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه «جاریه» یا «تجری»، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

536- ویژگی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 55 - 3

3- بهره‌وری بی ضرر و زیان بهشتیان ، از انواع خوراکی های مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکّه ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 2

2- خوراکی ها و نوشیدنی های بهشت ، گوارا و بدون عوارض نامطلوب است .

کلوا و اشربوا هنیئاً

537- ویژگی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 4

4- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی ما اشتھت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 15

15 - نعمت های بهشتی ، تمام ناشدنی و پایان ناپذیر

و فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین و أنتم فیها خلدون

از جاودانگی تقوایندگان در بهشت (أنتم فیها خالدون) و فراهم بودن تمامی خواسته ها و لذت های آنان (و فیها ما تشتهیه الأنفس)، استفاده می شود که نعمت های پایان ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 55 - 4

ص: 365

4- بهشت در تمامی امکانات و نعمت هایش ، ایمن از هرگونه ناگواری و زیان برای بهشتیان

یدعون فیها بکلّ فکّه ءامنین

با توجه به این که «فاکّه»، در میان سایر بهرهوری های بهشتیان خصوصیتی ندارد؛ وصف «آمنین» می تواند بیانگر تمامی نعمت ها و امکانات بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 2

2- بهشت و نعمت های گسترده آن ، مایه بهرهوری و لذت کامل بهشتیان - و نه مانند امکانات محدود و ناقص دنیوی - *

فکھین بما ءاتیهم ربّهم

ممکن است که «فاکھین»، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به بهرهوری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 3

3- نعمت های بهشت ، گوارا و بی هیچ ناخالصی و رنج و زیان

کلوا و اشربوا هنیءاً

«هنیء» (معادل گوارا) به امری گفته می شود که رنج و تعب در پی نداشته باشد. «هینئاً» در آیه شریفه، صفت برای مصدر محذوف است؛ یعنی، «کلوا و اشربوا أكلاً و شرباً هینئاً».

538- ویژگی نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 6

6نهر های مختلف ، زلال ، گوارا و لذت آفرین ، نمودی از نعمت های والای بهشت

فیها أنهر من ماء غیر ءاسن . . . و أنهر من خمر لذّه

539- ویژگی همسران بهشتی

1 - بندگان مخلص خدا، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهران خود، چشم ندوخته و نظر نمی افکنند.

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از «قاصرات الطرف» (چشم فروهشتگان)، زنانی اند که چشم از دیگران برگرفته و تنها به همسران خود می نگرند. گفتنی است که این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسران خود باشد.

ص: 366

540- ویژگیهای انار بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 2

2 - خرما و انار ، دارای ویژگی و امتیاز در میان میوه های بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

«فاکھه» به مطلق میوه گفته می شود و شامل خرما و انار نیز می گردد. بنابراین ذکر «نخل و رمان» پس از آن، از باب ذکر خاص بعد از عام و نشانگر ویژگی خاص آن دو میوه در میان میوه های بهشتی است.

541- ویژگیهای باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 7

7 - باغ ها و بوستان های بهشت ، سرشار از نعمت های الهی

جنت لهم فیها نعیم

«نعیم» به معنای نعمت فراوان و بسیار است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 1

1 - باغ های جاویدان بهشت ، فرجام تقوایبندگان

وإنَّ للمتَّعین لحسن مئاب . جنّـت عدن

«جَنّات» (جمع «جَنّه») به معنای باغ ها و «عدن» به معنای خلود و استقرار است و جمله «جَنّات عدن» عطف بیان برای «لحسن مئاب» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 4

4 - باغ های بهشتی ، دارای انواع میوه ها و نوشیدنی های عالی و نفیس

بفکجه کثیره و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 9، 4

4 - باغ های بهشت ، بانهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع الله ورسوله یدخله جنّات تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد؛ مراد از «من یطع...» کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

9 - باغ های بهشت ، دارای ویژگی های مادی *

جنّات تجری من تحتها الأنهر

ص: 367

آنچه از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، این است که وعده های الهی به وجود باغ های بهشتی، بیانی نمادین و کنایی نیست؛ بلکه بیانگر عینیتی ملموس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 64 - 1

1 - باغ های بهشت ، در نهایت سبزی و طراوت ، بدون کمترین زردی و پژمردگی

مدهامتان

«مدهامتان» وصف برای «جنتان» است و «ادهیما»؛ یعنی، رنگ سبز که از شدت سبزی سیاه گون می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 66 - 1

1 - وجود چشمه های همیشه جوشان در باغ های بهشت

فیهما عینان نضاختان

«نضاختان» وصف برای «عینان» است؛ یعنی، دو چشمه ای که دارای جوشش و فوران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 67 - 2

2 - وجود چشمه های جوشان در باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان نضاختان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 1

1 - باغ های بهشت ، آکنده از میوه ها و درختان نخل و انار

فیهما فککه و نخل و رمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان است .

بشریکم الیوم جنّـت

«جنّه» (مفرد «جنّات»)، به باغ پوشیده از درختان گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 4,5

4 - باغ های بهشت ، پوشیده از درختان

جنّـت تجری من تحتها الأنهر

«جنّه»؛ یعنی، باغ پوشیده از درخت.

5 - وجود نهر های همواره جاری در بوستان های بهشت

ص: 368

تجری من تحتها الأنهر

به کارگیری فعل مضارع (تجری)، بیانگر تداوم جریان نهرهای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 10

10 - بهشت، دارای بوستان های متعدد با نهر های جاری در زیر آنها

جنّ - ت تجری من تحتها الأنهر

«جَنّات» (جمع «جَنّه») به معنای بوستان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 22 - 3

3 - بوستان های مؤمنان در بهشت، مسرت آفرین و در جایی بلند قرار دارد.

فی جنّه عالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 6

6 - بوستان های بهشت، دارای نهرهایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد.

لهم جنّ - ت تجری من تحتها الأنهر

حرف «من» برای ابتدای غایت است و دلالت دارد که آب نهرها، از منابع زیر زمینی بوستان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه «اشجار»، مراد از «من تحتها»، «من تحت اشجارها» باشد.

542- ویژگیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 25 - 1

1 - بهشت، سرایی است سراسر سلامت، امنیت و آرامش.

و الله يدعوا إلى دارالسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 10

10- بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غیر مجذوذ

«عطاء» حال برای «الجنة» است و «مجذوذ» به معنای مقطوع می باشد. بنابراین «عطاءً غیر مجذوذ»؛ یعنی ، [وارد بهشت می شوند] در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 369

8 - رعد - 13 - 35 - 3,4,5,6

3- بهشت دارای نهر های بسیار است .

مثل الجنة .. تجرى من تحتها الأنهر

برداشت فوق از جمع بودن کلمه «أنهار» استفاده شده است. قابل ذکر است که از معانی «مَثَل» صفت و ویژگی است.

4- نهر های بهشت از زیر درختان آن جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

5- بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أكلها دائم وظلها

«أكل» به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. «ظَلَّ» به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

6- میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أكلها دائم وظلها

«ظَلَّها» مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 9

9- بهشت ، مکانی بس آسایش آفرین ، و نعمت های آن ، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است .

نعم الثواب و حسنرتقاً

«مرتفق» اسم مکان به معنای «متکا» (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن «مرتفق» گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 1,2

1- بهشت ، از بوستان هایی متعدد تشکیل شده است .

یدخلون الجنة .. جنت عدن

«جنت عدن» بدل از «الجنة» در آیه قبل است. آمدن «جنت» به صورت جمع و بدل بودن آن از «الجنة»، نشانگر آن است که بهشت از باغ های متعددی تشکیل شده است.

2- بهشت ، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنت عدن

برخی «عدن» را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج 3). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار - در مقام تمجید - به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 6

6 - بهشت جاویدان ، تنها جایی است که تمامی خواسته ها و تمایلات بشر در آن تأمین و ارضا خواهد شد .

ص: 370

لهم فيها ما يشاءون خلدین

این که خداوند وعده داد که: «تمامی خواسته های متقین در بهشت تأمین می شود (نه در دنیا)» می توان به برداشت یاد شده دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 4

4 - بهشت ، قرارگاه و اقامت گاهی نیکو و شایسته برای آدمی

حسنه مستقرًا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 85 - 3

3 - بهشت ، سرشار از نعمت های الهی است .

جَنَّةُ النَّعِيمِ

«نعیم» به معنای نعمت فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 3

3 - بهشت ، سرای آسودگی و به دور از رنج و افسردگی

لایمسنّا فیها نصب و لایمسنّا فیها لغوب

«نصب» به معنای تعب و رنج و «لغوب» به معنای عجز و ناتوانی است که غالباً به سبب تعب و مشقت به وجود می آید. گفتنی است که در برداشت یاد شده از آن به افسردگی تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 43 - 3

3 - بهشت ، سرشار از نعمت ها و به دور از هرگونه ناخوشی

فی جنّات النعیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اضافه «جنات» به «نعیم» اضافه لامیه و متضمن معنای اختصاصی باشد؛ یعنی، بهشتی که جز انواع نعمت‌ها، چیز دیگری در آن وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 4,5,6,8,9

4 - باز شدن درب‌های بهشت، به هنگام نزدیک شدن تقوایندگان

حتّی إذا جاءوها وفتحت أبوابها

5 - باز بودن درب‌های بهشت، پیش از رسیدن تقوایندگان

حتّی إذا جاءوها وفتحت أبوابها

برداشت یاد شده بر این اساس است که واو در «و فتحت» حالیه باشد نه زاید. بنابراین معنای آیه چنین می‌شود: به بهشت خواهند رسید در حالی که قبلاً درب‌های آن گشوده شده است.

ص: 371

6 - بهشت ، دارای درب های متعدد

فتحت أبوابها

8 - بهشت ، دارای دربانان متعدد

وقال لهم خزنتها

9 - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقوایندگان ، هنگام ورود آنان

وقال لهم خزنتها سلم عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 6,8

6 - بهشت جاویدان ، فراتر از استحقاق تقوایندگان و جلوه ای از لطف و بخشش الهی به آنان

و أورثنا الأرض ننبؤاً من الجنة

برداشت یاد شده از تعبیر ارث درباره بهشت به دست می آید؛ زیرا میراث چیزی است که انسان برای آن معمولاً زحمتی نکشیده و تلاشی نکرده تا مستحق آن باشد.

8 - بهشت تقوایندگان ، بسیار گسترده و پهناور است .

ننبؤاً من الجنة حيث نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 11

11 - نعمت ها و روزی های بهشت ، فراوان و بی شمار است .

يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 3,4,9,11

3 - در بهشت ، خوردن و آشامیدن از ظرف های طلا ممنوعیتی ندارد .

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

4- دسترسی بهشتیان به طعام و نوشیدنی بدون هیچ گونه رنج و تلاش

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أكواب

از مجهول آمدن «یطاف» استفاده می شود که ظرف های غذا و جام های نوشیدنی، بدون تلاش بهشتیان در اختیار آنان قرار می گیرد.

9- تنها بهشت ، محل تأمین تمامی خواسته ها و لذت های انسان

وفیها ما تشتهیه الأنفس

تقدیم «فیها» اشعار به این نکته دارد که تمایلات و جودی انسان، به طور کامل تنها در بهشت تأمین می شود.

11 - منظره های زیبا و دلنشین بهشت ، مسحورکننده چشم نظاره گران

وتلذ الأعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 14 - 8

ص: 372

8- بهشت ، دور از هرگونه حزن و اندوه

فلاخوف عليهم ولا هم يحزنون . أولئك أصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 35 - 1

1 - بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما يشاءون فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 15 - 2

2- بهشت ، دارای باغ های پوشیده از درختان و چشمه ساران متعدد

فی جنّات و عیون

«جنّات» (مفرد «جنّات») به باغ پوشیده از درختان گفته می شود و «عیون» (جمع «عین») به معنای چشمه ساران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 2

2- بهشت و نعمت های گسترده آن ، مایه بهرهوری و لذت کامل بهشتیان - و نه مانند امکانات محدود و ناقص دنیوی - *

فكهن بما آتیههم ربّهم

ممکن است که «فكهن»، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به بهرهوری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 4

4- پیوند های عاطفی ، باقی میان مؤمنان و نسل ایشان در بهشت

ألحقنا بهم ذرّیّتهم

نوید به ملحق شدن ذریه مؤمنان به آنان در بهشت، می رساند که مؤمنان در بهشت نیز به نسل خود دلپسته اند و از قرار گرفتن آنان در کنار خویش احساس لذت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 4

4- نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و آمدنهم بفقکهه و لحم ممّا یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 15 - 2

2- بهشت ، اقامتگاه نهایی و محلی راحت و آرام برای اهل آن است .

عندها جنة المأوی

ص: 373

«ماوی» در لغت به جایی گفته می شود که حیوان، شبانگاه به آن بازمی گردد و استراحت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 55 - 4

4 - بهشت ، سرزمین صداقت و راستی بدون کمترین دغل و نادرستی *

فی جنّ - ت و نهر . فی مقعد صدق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «صدق» در مقابل کذب باشد. در این صورت جایگاه صدق؛ یعنی، جایگاهی که در آن صداقت و راستی حاکم است و از هرگونه دغل و نادرستی مبرا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 12 - 3

3 - بهشت سابقون (پیشتازان) ، سرشار از نعمت است .

فی جنّ - ت النعیم

واژه «نعیم»، در نعمت بسیار به کار می رود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 25 - 1

1 - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لا یسمعون فیها لغواً و لا تأثیماً

«لغو» به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و «تأثیم» به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 26 - 1

1 - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لا یسمعون فیها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

«قیل» معادل «قول» و موصوف «سلاماً» است؛ یعنی، «لا یسمعون فیها إلا قولاً هو سالم من اللغو و التائیم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 4

4 - بهشت اصحاب الیمین ، معطر با عطر گل های درختان اقا قیا

و طلح منضود

برخی از مفسران «طلح» را به «ام غیلان» (درخت اقا قیا) تفسیر کرده اند. درخت اقا قیا دارای گلی بسیار خوشبو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 33 - 2

2 - در بهشت اصحاب الیمین ، هرگز مانعی همچون سیر بودن ، بیمار بودن ، در دسترس نبودن و . . . برای تناول میوه وجود ندارد .

ص: 374

و فکھه . . . و لاممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 13 - 4

4 - بهشت ، دارای هوایی لطیف ، مطبوع و معتدل

جنّه . . . لایرون فیها شمسًا و لازمهریرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 20 - 3

3 - بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعمیًا و ملگًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 2

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متکئین فیها علی الأرائک . . . و ذللت قطوفها... یسقون فیها کأسًا ... یطوف علیهم

تقدیم جار و مجرور (لکم) مفید اختصاص است. ضمن آن که لام در «لکم»، می تواند برای اختصاص باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 42 - 4

4 - بهشت ، محل ارضای تمامی تمایلات و خواسته های بشر

و فوکه ممًا یشتهون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «من» در «ممًا یشتهون» برای تبعیض باشد، بر این اساس معنای آیه چنین می شود: بهشتیان از میوه هایی که بخشی از خواسته ها و تمایلات آنان را تشکیل می دهد، بهره مند خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 31 - 3

3 - بهشت ، جایگاه خوشبختی و به دور از آزار و نوشیدنی های ناگوار و رنج گرما و تشنگی است .

لا يذوقون فيها بردًا و لا شرابًا . إلا حميمًا و غساقًا ... إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

رهایی از شرّ - که جزئی از معنای «مفاز» است - ناظر به شروری است که دامنگیر دوزخیان است و آیات پیشین، گوشه هایی از آن را بیان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 2

2 - بهشت ، سرای ناز و نعمت ، همراه با تأمین تمام نیازمندی ها برای تقوایندگان

حدائق و أعتبًا

ص: 375

تأمین انگور و باغ میوه - با آن که از نیازهای ضروری انسان نیستند - نشانگر آن است که بهشتیان در مرحله نیازهای اولیه، کمبودی ندارند و باید از امور دیگری - که به تجملات و تشریفات زندگی مربوط می شود - سخن گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 1

1 - تقوایشگان در بهشت ، هیچ سخن یاوه ، زشت و بی فایده ای نخواهند شنید .

لا یسمعون فیها لغواً

«لغو»؛ یعنی، بی فایده و آنچه قابل اعتنا نباشد (قاموس) و گاه سخنان زشت نیز «لغو» نامیده می شود. (مفردات راغب). نشنیدن سخنان لغو، کنایه از نبود آن سخنان در بهشت است. ضمیر «فیها» به «مفازاً» بر می گردد؛ به این اعتبار که مراد از آن «جَنَّة» (بهشت) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 10 - 3

3 - بهشت ، در مکانی بلند و رفیع

فی جَنَّةٍ عالیه

وصف «عالیه» در برداشت یاد شده، وصفی توضیحی لحاظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 11 - 1

1 - بهشتیان ، هیچ گونه صدا و سخن بیهوده ای در بهشت برین نمی شنوند .

لا تسمع فیها لغیه

«کلام لغو»؛ یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه «لاغیه»؛ یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که «لاغیه» اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد؛ یعنی، سخنی که حتی اندکی از «لغو» را پدید آورد، به گوش بهشتیان نخواهد خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 12 - 1

1 - بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

«عین» نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه «جاریه» یا «تجری»، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 13 - 2، 1

1 - بهشت برین ، دارای تخت هایی بر افراشته و با عظمت

فیها سرر مرفوعه

ص: 376

«سریر» (مفرد «سرر»)، به معنای مکان دراز کشیدن است (قاموس). این کلمه به معنای جایگاه جلوس نیز آمده و با سرور (شادمانی)، از یک ریشه است. تناسب آن این است که «سریر» ویژه رفاه مندان است (مفردات راغب). نکره آوردن «سریر»، برای بیان عظمت است و توصیف آن به «مرفوعه» - با آن که «سریر» همواره از زمین برجسته است - تأکیدی بر کمال برجستگی آن است.

2- استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 14 - 2

1 - بهشت ، دارای جام های آماده برای پذیرایی از بهشتیان

و اُكواب موضوعه

«کوب» (مفرد «اکواب»); یعنی، تنگ آب که سر آن حلقه مانند است و دستگیره ندارد. برخی آن را پیاله بی دسته می دانند. (مصباح)

2- نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و اُكواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 15 - 2

1 - در بهشت برین ، بالش هایی فراوان برای استراحت بهشتیان ، به ردیف چیده شده است .

و نمارق مصفوفه

«نمَرقه» (مفرد «نَمَارق») - که «نون» و «راء» در آن به سه حرکت خوانده می شود - به معنای «بالش کوچک» است و نیز در معانی «روپوش»، «چیزی مانند بالش یا فرش که روی زین نهاده می شود» و «زین ابریشمی» استعمال می گردد(قاموس). کلمه «مصفوفه»، قرینه بر اراده معنای اول است.

2- بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزین به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

مراد از «ردیف بودن» بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 16 - 2، 1

1 - بهشت برین ، تزئین یافته با فرش های مخمل باف و گران قدر که همواره گسترده است .

و زرابی مِبْثُوثَه

«زرابی» جمع «زُرب» (بر وزن قُمَّل) یا «زریّه» (به فتح، ضم یا کسر حرف اول) است و به فرش هایی گفته می شود که دارای، پرزهای لطیف باشد (نهایه ابن اثیر). اصل معنای آن، لباس هایی با خطوط زیبا است که به یکی از مناطق انتساب دارد (مفردات راغب) برخی از مفسران، «زریّه» را تخفیف یافته «آذریّه» می دانند که در انتساب به آذربایجان گفته می شود. (التحریر والتنویر)

ص: 377

2 - مکان های فراوانی از بهشت ، برای بزم بهشتیان ، همواره مفروش و آماده است .

وزرایی مبثوثة

«بثّ»؛ یعنی، متفرق ساختن و آشکار کردن و «مبثوثة»؛ یعنی، فراوان و متفرق. (مقایس اللغه)، مراد از متفرق بودن فرش ها در بهشت، مفروش بودن نقاط مختلفی از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بینه - 98 - 8 - 10، 7، 6، 5، 4، 3

3 - بهشت ، دارای بستان های فراوان و درختانی انبوه

جنّ-ت

«جنّه»، بستانی است که با درختانش زمین را بپوشاند (مفردات). جمع بودن «جنّات» - به قرینه آیاتی که وجود یک بهشت را مطرح کرده است - به اعتبار تعدّد بستان های آن است.

4 - جاری بودن نهر های فراوان ، از زیر درختان بهشت

عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً

درباره مفاد «تجری من تحتها الأنهار»، سه تصور وجود دارد؛ 1. با تقدیر کلمه «أشجار»، مراد جریان آب از زیر درختان و کنار ساقه های آن است؛ 2. مراد جریان آب، زیر کاخ ها و تخت های بهشتیان است؛ 3. مراد بیان آب خیز بودن زمین بهشت است؛ به گونه ای که آب نهرها، از زیر زمین بهشت سرچشمه می گیرد.

5 - بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جنّ-ت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً

6 - وجود تمامی امکانات ، برای اقامت دائمی انسان در بهشت

جنّ-ت عدن .. خلدین فیها أبداً

«عدن»، معرفه است؛ خواه علم برای مصدر «العدن» (اقامت گزیدن) باشد و خواه علم برای زمین بهشت. در صورت دوم نیز، تناسب معنای لغوی آن مورد نظر بوده است؛ یعنی، بهشت دارای تمام امکاناتی است که لازمه اقامت دائمی انسان در آن است.

7 - بهشت ، دارای ابعاد مکانی است .

تحتها

10 - اهل کتاب و مشرکان، در صورت کفر به اسلام، از لذت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود.

من أهل الكتب و المشركين في نار جهنم .. الذين ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

543- ویژگیهای بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 14، 6، 7

6- بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکنی گزیدند، جایگاهی مرفه و دارای نعمت های فراوان و نیکو بود.

و کلا منها رغداً حیث شتتما

«رغد» به معنای: پر خیر و برکت، پاک و دارای رفاه می باشد. کلمه «رغداً» حال برای ضمیر «منها» است؛ یعنی، از بهشت استفاده برید، در حالی که این بهشت پر خیر و برکت و ... است.

ص: 378

7- رفت و آمد به هر کجای بهشت برای آدم (ع) و حوا آزاد بود .

حیث شتتما

14- بهشتی که آدم (ع) و حوا در آن سکونت گزیدند، دارِ تکلیف بود .

اسکن أنت و زوجک الجنة .. و لا تقربا هذه الشجرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 10، 9، 5

5- بهشت مسکونی آدم و حوا، جایگاهی آماده برای آسایش و راحتی و به دور از هرگونه مشقت و سختی

فلا یخرجنکما من الجنة فتشقی

9- آدم (ع) و حوا، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف، ملزم بوده اند .

فلا یخرجنکما

گرچه نهی در «فلا یخرجن» متوجه ابلیس است؛ ولی خطاب آن به آدم (ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القانات او است.

10- حوا در بهشت مسکونی خویش، همسر آدم (ع) و تحت سرپرستی وی بود .

عدو لک و لزوجک فلا یخرجنکما

خداوند، رهنمودهای مربوط به حوا را، با آدم (ع) در میان گذاشته و او را به پرهیز هر دو از زمینه های خروج از بهشت فرمان داده است. این گونه خطاب را می توان نشان سرپرستی آدم (ع) قلمداد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 2، 1

1- آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إن لک الأتجوع فیها و لاتعری

تعبیر «إن لک..» وعده ای از جانب خداوند به آدم (ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد؛ زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم (ع) در همین بهشت عریان شود و وعده «لاتعری» در حق او عملی نگردد.

2- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تنبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 119 - 1

1- آدم (ع) در بهشت خویش ، از تشنگی و تحمل تابش آفتاب در امان و مصون بود .

وَ إِنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَ لَا تَضْحَى

«لاتضحى»؛ یعنی، روبه روی خورشید قرار نمی گیری و حرارت آن به تو نمی رسد (لسان العرب). این وصف با توجه به معنای لغوی «جَنَّة» - که بستان پوشیده از درخت است - به وجود سایه فراوان در سرای آدم(ع) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 379

15 - بهشتی که آدم و حوا (ع) در آن می زیستند ، بوستانی مادی و دارای آثار و خواص ماده بود .

يُخَصِّفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - بهشت آدم ، محیط صفا و صلح و تأمین کامل نیازها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ . . . اهبطا . . . بعضكم لبعض عدو

چون موضوع دشمن به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیده . چنین برمی آید که در مسکن قبلی آدم (ع) (بهشت) چنین عارضه ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

544- ویژگیهای بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- پدران ، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد .

جنّات عدن يدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

11- « رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال : جنه عدن و هی فی وسط الجنان . . . فسورها یاقوت أحمر و حصاها اللؤلؤ . . . »

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: بهشت عدن در وسط بهشت هاست . . . پس دیوار آن یاقوت سرخ و سنگریزه های آن لؤلؤ می باشد . . .» .

12- « عن أبی جعفر (ع) قال : سألت علی (ع) رسول الله (صلی الله علیه و آله) : . . . فقال : لماذا بنیت هذه الغرف (فی الجنة) یارسول الله ؟ فقال : یا علی تلك غرف بناها الله لأولیائه . . . فإذا دخل المؤمن إلى منزله فی الجنة . . . فإذا استقرت لولی الله منزله فی الجنة . . . یبعث الله ألف ملک یهتونه بالجنة . . . فیتتهون إلى أول باب من جنانه فیقولون للملک الموکل . . . إستان لنا علی ولیّ الله . . . فیأذن لهم فیدخلون علی ولیّ الله و هو فی الغرفه و ل ها ألف باب . . . فیدخل کل ملک من باب من أبواب الغرفه فیبلغونه رساله الجبار و ذلک قول الله : « و الملئکه یدخلون علیهم من کلّ باب » ؛ یعنی : من أبواب الغرفه « سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار » . . . »

از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی - علیه السلام - از رسول الله (صلی الله علیه و آله) پرسید: ای رسول خدا! چرا

این غرفه ها [در بهشت] ساخته شده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی اند که خداوند آنها را برای دوستانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار فرشته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می دهد و بر ولیّ خدا وارد می شوند، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رساند و این است گفته خداوند: و الملائكة یدخلون علیهم من کلّ باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند]: سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 380

1- در بهشت عدن ، هیچ سخن لغو و بیهوده ای به گوش بهشتیان نمی خورد .

جَنَّتِ عَدْنُ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ .. لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا

«لغو»؛ یعنی، کلام و یا هر چیزی که قابل اعتنا نبوده و فایده ای بر آن مترتب نباشد. در آیه مورد بحث - به قرینه «استماع» - مراد از «لغو» کلام باطل و یاوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 1

1 - بهشت ، جایگاهی سرشار از امن و آسایش و از هر جهت آماده برای ماندن و استقرار بهشتیان است .

جَنَّتِ عَدْنُ

در باره این که مراد از «عدن» چیست، نظریاتی از سوی مفسران ابراز گردیده است. برخی آن را نام یکی از بهشت های هشت گانه دانسته اند، و برخی دیگر معنای لغوی آن را لحاظ نموده و آن را به «اقامت کردن» معنا کرده اند. در این صورت «عدن» قیدی توضیحی برای «جَدَّات» خواهد بود نه قید احترازی. گروهی دیگر «عدن» را اسم خاص برای زمین بهشت می دانند و می گویند جایگاه اقامت بودن بهشت، باعث این نام گذاری است. گفتنی است که «محل اقامت» در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط آسایش در آن فراهم باشد.

545- ویژگیهای بهشت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 3

3- بهشت متقین ، دارای باغ های مختلف و چشمه های گوناگون

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 48 - 3

3- بهشت متقین ، دارای نعمت های مادی و معنوی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ . ادخلوها بسلم ءامنين ... علی سرر متقبلین . لایمسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 20 - 6, 5

5 - « عن الصادق (ع) : « و ملكاً كبيراً » لا يزول و لا يفنى ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که [مراد از] «ملكاً كبيراً» ملکی است که از بین نمی رود و فانی نمی شود».

6 - « عباس بن یزید قال : قلت لأبي عبد الله (ع) . . . أخبرني عن قول الله عز وجل « وإذا رأيت ثم رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً » ما هذا الملك الذي كبره الله حتى سماه كبيراً ؟ قال : فقال لي : إذا أدخل الله أهل الجنة ، الجنة أرسل رسولاً إلى ولي من

ص: 381

أولياته فيجد الحجة على بابه ، فيقول له : قف حتى نستأذن لك فما يصل إليه رسول ربّه إلا بإذن ، فهو قوله عزّوجلّ « وإذا رأيت ثمّ رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً » ;

عباس بن يزيد گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: . . . مراد از سخن خداوند عزّوجلّ «وإذا رأيت ثمّ رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً» آگاه کن که این کدام ملک است که خداوند آن را بزرگ قرار داده است تا جایی که خود آن را «ملک کبیر» (بزرگ) نامیده است؟ حضرت به من فرمود: زمانی که خداوند اهل بهشت را وارد بهشت می کند پیکری را به سوی دوستی از اولیاء خود می فرستد، آن پیک نگاهبانانی را بر در خانه او (ولی خدا) مشاهده می کند؛ نگاهبان به پیک خدا می گوید: بایست تا برای تو اذن ورود بخوایم. پیک پروردگار آن بهشتی به وی دسترسی پیدا نمی کند مگر با اجازه و اذن [او] و این سخن خدای عزّوجلّ است «وإذا رأيت ثمّ رأيت نعيماً و ملكاً كبيراً».

547- ویژگیهای پذیرایی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 1

1 - گردش پیوسته جام های نقره ای و کوزه ها و قدح های بلورین ، جهت پذیرایی از ابرار در بهشت

و يطاف عليهم بانيه من فضّه و أكواب كانت قواریرا

«اناء» (مفرد «انیه») به معنای ظرف است و «کوب» (مفرد «أکواب») در معنای کوزه بی دسته و قدح بی دسته استعمال می شود. «قاروره» (مفرد «قواریر») نیز به معنای ظرف شیشه ای و بلورین است.

548- ویژگیهای پستی های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 2، 1

1 - بهشتیان ، تکیه زده بر پستی ها با آسترهایی از ابریشم

متکین علی فرش بطائنها من إستبرق

«بطائن» (جمع «بطانه») به معنای آسترها است. «إستبرق» به ابریشم درشت باف گفته می شود.

2 - ارزشمندترین پارچه های دنیا ، به کار رفته در لایه های زیرین پستی های اهل بهشت

متکین علی فرش بطائنها من إستبرق

واژه «بطائن» ممکن است نظر به این داشته باشد که آنچه در دنیا بهترین به حساب می آید، آن جا کمترین جلوه را دارد؛ تا حدی که به عنوان

آستر و یا مواد درونی پستی ها مورد استفاده قرار می گیرد.

549- ویژگیهای جام شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 25 - 2

2- جام می نیکوکاران در آخرت ، سربسته و مهر خورده و محفوظ از هرگونه دخل و تصرف است .

ص: 382

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 26 - 1

1 - معطر بودن آخرین جرعه ها و مشک انگیز بودن آن ، از ویژگی های باده بهشتی است .

ختمه مسک

«ختم» به معنای نهایت و پایان است (مفردات راغب). جمله «ختمه مسک» بیانگر صفای شراب بهشتی است؛ به گونه ای که حتی آخرین قطرات آن نیز نوشیده می شود و مانند ته نشین شراب دنیایی دور ریخته نخواهد شد؛ زیرا به خوشبویی مشک است.

550- ویژگیهای خرماي بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 68 - 2

2 - خرما و انار ، دارای ویژگی و امتیاز در میان میوه های بهشت

فیهما فکھه و نخل و رمان

«فاکھه» به مطلق میوه گفته می شود و شامل خرما و انار نیز می گردد. بنابراین ذکر «نخل و رمان» پس از آن، از باب ذکر خاص بعد از عام و نشانگر ویژگی خاص آن دو میوه در میان میوه های بهشتی است.

551- ویژگیهای خیمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 5

5 - « عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله عن قول الله عز وجل « . . . حور مقصورات في الخيام » قال الحور هنّ البيض المضمومات [المضمورات] [المصونات] المخدّرات في خيام الدرّ و الياقوت و المرجان . . . » ;

حلبی می گوید از امام صادق(ع) از سخن خداوند عزوجل « . . . حور مقصورات فی الخیام » سؤال نمودم، فرمود: [آن] حوریان همان سفیداندانی هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...».

552- ویژگیهای درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 1

1 - بهشت ، دارای درختانی با شاخ و برگ هایی شاداب و پرباروت

ذواتا أفنان

«أفنان» (جمع «فنن») است و آن به شاخه تر و تازه درخت گفته می شود.

ص: 383

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 29 - 2,5

2 - درختان موز در بهشت اصحاب الیمین ، پر بار و میوه های آن چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

«نضد» به معنای چیدن بر روی هم است «طلح منضود»؛ یعنی، درختان موز که میوه های آن بر روی هم چیده شده است.

5 - درختان روئیده در بهشت اصحاب الیمین ، دارای شاخه های چیده شده بر روی هم

و طلح منضود

در صورتی که «طلح» به معنای درخت افاقیا باشد، «منضود» وصف شاخه های آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 14 - 2

2 - بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانیه علیهم ظللها

«دانیه» از ریشه «دُنُو» (قرب و نزدیکی) است و «دانیه علیهم ظلالها»؛ یعنی، سایه های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

553- ویژگیهای زندگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 21 - 2

2 - زندگی در بهشت ، زندگی کاملاً رضایت بخش و دل پسند

فی عیشه راضیه

به قرینه آیه بعد (فی جنّه عالیه) زندگی رضایت بخش، در بهشت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- زندگی در بهشت ، برترین زندگی است .

فی عیشه راضیه . فی جنة عالیہ

554- ویژگیهای شراب بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 23 - 3

3- شراب های بهشت ، مبرا از کمترین پیامد بیهوده گویی و دستیازی به گناه

لا لغوفیها و لاتأثیم

ص: 384

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 18 - 4

4 - شراب بهشت ، شرابی روان (ناب و خالص)

و كأس من معین

«معین» به معنای جاری است. احتمال می رود توصیف شراب به روان بودن، برای بیان ناب و خالص بودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 19 - 1

1 - شراب بهشت ، نه سر درد ایجاد می کند و نه عقل را می رباید .

لا یصدعون عنها و لا ینزفون

«یصدعون» از «صداع» (به معنای سردرد) و «ینزفون» از «نزف» (به معنای از دست دادن عقل) مشتق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 5 - 2، 1

1 - می آمیخته با کافور ، نوشیدنی ابرار در بهشت

إنّ الأبرار یشربون من كأس کان مزاجها کافورًا

«برّ» و «بارّ» (مفرد «أبرار»)، به کسی گفته می شود که احسان و خیر او، بسیار است (قاموس المحيط) و «کأس» در معنای می و نیز جام می به کار می رود (لسان العرب). «کافور» به گیاه و ماده عطری و خوشبو گفته می شود. (قاموس المحيط)

2 - می بهشت ، معطر و پیراسته از بوی آزاردهنده

إنّ الأبرار یشربون من كأس کان مزاجها کافورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 6 - 4

4 - شراب ابرار در بهشت ، آمیخته با آب چشمه کافور

عیناً یشرّب بها عباد اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 17 - 1,2

1 - ابرار در بهشت ، از می آمیخته با زنجبیل پذیرایی خواهند شد .

و یستقون فیها کأساً کان مزاجها زنجبیلأ

«کأس» در معنای می و نیز جام به کار می رود. (لسان العرب)

2 - می بهشت ، معطر و پیراسته از بوی آزاردهنده

و یستقون فیها کأساً کان مزاجها زنجبیلأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 385

2 - شراب ابرار در بهشت ، آمیخته با آب چشمه سلسبیل

زنجبیلًا . عینًا فیها تسمی سلسبیلًا

«عینًا» بدل برای «زنجبیلًا» در آیه پیش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 9, 10, 6, 7

6 - ابرار در بهشت ، برخوردار از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار (بیهوشی ، غفلت و عقل زدایی)

و سقیم ربهم شرابًا طهورًا

«طهور» صیغه مبالغه و صفت برای «شرابًا» است؛ یعنی، شراب ابرار در نهایت پاکیزگی و خالص از هرگونه آثار ناگوار شراب های دنیا (همچون بیهوشی، غفلت و کم شدن عقل) است.

7 - بهشتیان ، از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار ، خواهند نوشید .

و سقیم ربهم شرابًا طهورًا

9 - « روی عن الصادق (ع) أنه قال : فی معناه تلوهم الثياب فیلبسونها . . . » و سقاهم ربهم شرابًا طهورًا « يطهرهم عن كل شیء سوی الله . . . »

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره معنای «عالیهم ثياب سندس خضر و استبرق» فرمود: لباس به طرف آنان بالا می رود و آن را می پوشند . . و درباره «و سقاهم ربهم شرابًا طهورًا» فرمود: [آن نوشیدنی پاک کننده] آنان را از هر چه غیر خدا است، پاک می کند...».

10 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : . . . إذا انتهى إلى باب الجنة . . . فیدخل فإذا هو بشجرة ذات ظلّ ممدود . . . یخرج من ساقها عینان تجریان فینطلق إلى إحدیها فیغتسل منها . . . ثم یشرب من الأخری فلا یکن فی بطنه مغص و لا مرض و لا داء أبدًا و ذلك قوله تعالی « و سقاهم ربهم شرابًا طهورًا » . . . »

امام صادق(ع) از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود: هرگاه [بنده خدا] به در بهشت برسد . . وارد آن می شود، آن گاه با درختی روبه رو می شود که دارای سایه ای گسترده است . . از ساق آن دو چشمه جاری می شود آن گاه به سوی یکی از آن دو می رود و از آن غسل می کند . . سپس از چشمه دیگر می نوشد، پس از آن برای همیشه در شکم او هیچ درد، مرض و بیماری نمی باشد و این است سخن خدای تعالی: «و سقاهم ربهم شرابًا طهورًا» . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - نوشندگان شراب بهشتی ، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و كَأَسَا دِهَاقًا . لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 25 - 1

1 - نیکوکاران در آخرت ، با گواراترین باده و شرابی ناب ، پذیرایی خواهند شد .

يسقون من رحيق مختوم

ص: 386

«رحیق»، به باده خالص یا گواراترین نوع آن گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 26 - 2

2 - صُراح باده بهشتی نیکوکاران ، با مشک لاک و مهر شده است .

ختمه مسک

برخی از اهل لغت، «ختم» را به معنای وسیله ختم و علامت گذاشتن می دانند و می گویند: تنگ شراب را در آخرت، با مشک ممهور می کنند؛ نه این که مانند صُراح (تنگ شراب) دنیا، آن را با گل و امثال آن سربسته سازند. راغب این معنا را با آیه شریفه مناسب نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 27 - 1

1 - باده های بهشتی نیکوکاران ، با شربتی از چشمه « تسنیم » آمیخته است .

و مزاجه من تسنیم

به هر یک از عناصر مخلوط شده با چیز دیگر، «مزاج» گفته می شود. «تسنیم» نام چشمه ای است که مقربان در بهشت از آن می نوشند. ممکن است این نام، از ماده «سنم» - که به معنای علو و ارتفاع است - مشتق باشد و بر ارزش والای آن چشمه دلالت کند.

555- ویژگیهای شراب بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 46 - 2, 1

1 - سپید و درخشان بودن شراب ، برای بندگان مخلص خدا در بهشت

بیضاء

«بیضاء» به اعتبار مظروف (شراب) صفت برای «کأس» (ظرف شراب) است؛ نه به اعتبار ظرف. توصیف دیگر آن در آیه بعد به این که مایه دردسر و مستی نمی شود، مؤید همین مطلب است.

2 - لذت بخش و گوارا بودن شراب بهشتی برای نوشندگان آن

لذّه للشریبین

1 - شراب بهشتیان ، از هرگونه ضرر و زیان و پی آمد ناگوار ، به دور و خالص است .

لا فیها غول

«غول» به معنای فساد و آسیبی مخفی است که دیده و حس نشود. مقصود از آن در آیه شریفه، پی آمدهای ناگوار و ضرر و زیانی است که در همه شراب های دنیایی وجود دارد.

2 - شراب بهشتیان ، مستی آور و عقل و هوش برنده نیست .

ص: 387

و لا هم عنها ينزفون

کلمه «ینزفون»، به معنای «یسکرون» است.

556- ویژگیهای ظروف بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 3

3- ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و . .) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قَدْرُوها تقدیرًا

نصب «تقدیرًا» به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل «قَدَرُوا» است و این در حقیقت تأکیدی برای مفاد آن فعل است.

557- ویژگیهای غذاهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 2

2- کاستی نیافتن میوه ها و غذا های بهشتی ، با بهره‌وری اهل بهشت

و أمددنهم بفککه و لحم ممّا یشتهون

«مدّ» (ریشه «أمددنا») به معنای جریان داشتن است. بنابراین در معنای «امداد» پیوستگی و استمرار نهفته است.

558- ویژگیهای کاخهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 20 - 8

8- کاخ ها و بنا های تقوایبندگان در بهشت ، دارای نهرهایی است جاری در پایین آنها .

غرف مبنیّه تجری من تحتها الأنهر

559- ویژگیهای میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

كلما رزقوا منها من ثمره رزقاً .. وأتوا به متشبهها

ضمیر در «به» به «رزقاً» بر می گردد و «متشابهاً» به معنای همسان است و حال برای این ضمیر می باشد؛ یعنی، و روزیهای بهشتی را به حضور مؤمنان می آورند در حالی که همسان یکدیگرند. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این

ص: 388

است که جمله «أتوا به ...» مستأنفه بیانیه باشد.

11 - هرگاه میوه ای از درختان بهشت چیده شود ، میوه ای همانند آن بر آن درختان نمایان می شود .

كلما رزقوا منها من ثمره رزقاً قالوا هذا .. وأتوا به متشبهها

برداشت فوق مبتنی بر این است که: جمله «أتوا به ...» عطف بر «قالوا ...» باشد که در نتیجه «أتوا به» جواب شرط (كلما رزقوا ...) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 2

2 - کاستی نیافتن میوه ها و غذا های بهشتی ، با بهره‌وری اهل بهشت

و آمدنهم بفککهه و لحم ممّا یشتهون

«مدّ» (ریشه «آمدن») به معنای جریان داشتن است. بنابراین در معنای «امداد» پیوستگی و استمرار نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 33 - 1

1 - وجود میوه های فراوان در بهشت اصحاب الیمین ، همیشگی است ؛ نه فصلی و مقطعی

وفککهه کثیره . لا مقطوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 23 - 1

1 - میوه های بوستان های بهشتی ، نزدیک و در دسترس بهشتیان است .

قطوفها دانیه

«قُطْف» (مفرد «قطوف») در معنای میوه چیده شده و نیز میوه آماده چیدن به کار می رود. (لسان العرب)

560- ویژگیهای نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

كلما رزقوا منها من ثمره رزقاً .. وأتوا به متشبهاً

ضمیر در «به» به «رزقاً» بر می گردد و «متشابهاً» به معنای همسان است و حال برای این ضمیر می باشد؛ یعنی، و روزیهای بهشتی را به حضور مؤمنان می آورند در حالی که همسان یکدیگرند. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «أتوا به ...» مستأنفه بیانیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 21 - 8

8 - نعمتِ سرشارِ باغ ها و بوستان های بهشت ، جاودان و زوال ناپذیر است .

ص: 389

جنت لهم فيها نعیم مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 7

7- بهشت دارای مراتب ، و پاداش های اخروی ، دارای گونه های متکامل

جنت تجری . . . جنت عدن و رضون من الله أكبر

در برداشت فوق، از تمایز «جنات تجری» و «جنات عدن» از یکدیگر مراتب بهشت، و از «رضوان من الله أكبر» تفاوت کمالی نعمتهای آن استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 9

9- بهشت ، مکانی بس آسایش آفرین ، و نعمت های آن ، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است .

نعم الثواب و حسن مرتفقاً

«مرتفق» اسم مکان به معنای «متکا» (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن «مرتفق» گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 9

9- نعمت های بهشتی ، خالی از نقص و بهره‌وری از آن به دور از هر گونه رنج و ملال

ماء غیر آسن . . . لبن لم یتغیر طعمه . . . خمر لذه للشربین و أنهر من غسل مصفی

تعبیر «غیر آسن»، «لم یتغیر طعمه»، «لذّه للشاربین» و «مصفی» بیانگر بدبو و بدطعم نشدن، رنج آور نبودن و ملال نیاوردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 55 - 3

3 - لذت ها و نعمت های بهشتی ، پایدار و جاودان است ؛ نه چون نعمت های دنیا زوال پذیر .

فی جنّات و نهر . فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

در صورتی که عبارت «فی مقعد صدق»، در بیان اوصاف همان استقرار در باغ ها و نهرها باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 2

2- نعمت های بهشت ، دارای تنوع و گوناگونی فراوان

ذواتا أفنان

«أفنان» می تواند جمع «فانّ» به معنای انواع باشد. در این صورت «أفنان»، اشاره به گوناگونی نعمت های بهشت و تنوع آن خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 390

2- زیبایی ها و ارزش های بهشت ، در عالی ترین حد ، بدون کمترین نقص و کاستی

مدهامتان

با الغای خصوصیت از مورد، استفاده می شود که نعمت های بهشت به صورت ناب وجود دارد؛ مانند برگ های سبز درختانش که در آن زردی و خزان زدگی مشهود نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 36 - 7

7 - نعمت های اعطایی خداوند به بهشتیان ، تأمین کننده تمام خواسته های ایشان است .

حساباً

«حساباً» اسم مصدر برای «إحساب» است و «أحسب»؛ یعنی، عطا را افزایش داد تا حدی که دریافت کننده گفت: «حسی»؛ یعنی، مرا کافی است (تاج العروس) و ممکن است «حساباً» مصدر و به معنای محاسبه کردن باشد. در هر صورت به دلیل صفت بودن آن برای «عطاء»، معنای مصدری ندارد؛ بلکه به معنای «مُحَسَّب» (کافی) و یا «محسوب» (شمرده شده) است. در برداشت یاد شده، معنای اول مورد نظر است.

561- ویژگیهای ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 2

2- نبودن کم ترین سختی و ملالت برای تقوایندگان ، در انتقال از صحنه قیامت به باغ های بهشت

ادخلوها بسلم

562- ویژگیهای ورود مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 9

9- ورود مؤمنان به بهشت جاودان ، همراه با تکریم و اجلال از سوی خداوند *

لیدخل المؤمنین و المؤمنات جنّات

فعل متعدّی «یدخل» و اسناد آن به خداوند، می تواند دربردارنده احتمال بالا باشد.

563- ویژگیهای همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 6,7,3,2,1

1 - تقوایندگان در بهشت ، برخوردار از همسرانی علاقه مند که جز به شوهرانشان چشم ندوخته و نظر نمی افکنند .

ص: 391

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَثَابٍ .. و عندهم قصرت الطرف

مقصود از «قاصرات الطرف» (چشم فروهشتگان) زنانی اند که چشم از دیگران برمی گیرند و تنها به همسران خود می نگرند. این تعبیر، ممکن است کنایه از علاقه مندی شدید زنان بهشتی به همسرانشان باشد.

2- تقواییشان در بهشت، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این فرض است که مراد از «قاصرات الطرف»، کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

3- تقواییشان در بهشت، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «طرف» مربوط به غیر زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را، به خود مشغول می دارند.

6- هم سن و سال بودن زنان اهل بهشت

و عندهم .. أتراب

«تَرَبٌّ» (مفرد «أتراب») اسم برای کسی است که عمر و سن و سالش در مقایسه با دیگری مساوی و برابر باشد.

7- زنان بهشتی، با همسرانشان هم سن و سال اند.

و عندهم .. أتراب

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هم سن و سال بودن زنان بهشتی، ممکن است در مقایسه با همسران آنان سنجیده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقواییشان (حوریان)، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجّهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین»

(جمع «عیناء»؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 22 - 2

2- پشتازان در بهشت، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

«حور» جمع «حوراء» است و «حوراء» به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. «عین» جمع «عیناء» است و «عیناء» در وصف چشم زیبا آورده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 36 - 3

3- زنان بهشتی، همواره در اوج کام دادن به همسران خویش

فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا

ص: 392

از این که زنان بهشتی همواره دوشیزه می مانند، گویای آن است که آنان - برخلاف زنان دنیایی - همواره مانند شب زفاف به همسران خود کام می دهند.

564- همانند نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 10

10 - میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

کَلِمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا . . . وَأَتُوا بِهِ مِثْبَهِهَا

ضمیر در «به» به «رزقاً» بر می گردد و «متشابهاً» به معنای همسان است و حال برای این ضمیر می باشد؛ یعنی، و روزیهای بهشتی را به حضور مؤمنان می آورند در حالی که همسان یکدیگرند. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «أتوا به ...» مستأنفه بیانیه باشد.

565- همانندی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 10، 11

10 - میوه ها و روزی های بهشت به نوعی ، همسان و مشابه یکدیگرند .

کَلِمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا . . . وَأَتُوا بِهِ مِثْبَهِهَا

ضمیر در «به» به «رزقاً» بر می گردد و «متشابهاً» به معنای همسان است و حال برای این ضمیر می باشد؛ یعنی، و روزیهای بهشتی را به حضور مؤمنان می آورند در حالی که همسان یکدیگرند. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «أتوا به ...» مستأنفه بیانیه باشد.

11 - هرگاه میوه ای از درختان بهشت چیده شود ، میوه ای همانند آن بر آن درختان نمایان می شود .

کَلِمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا . . . وَأَتُوا بِهِ مِثْبَهِهَا

برداشت فوق مبتنی بر این است که: جمله «أتوا به ...» عطف بر «قالوا ...» باشد که در نتیجه «أتوا به» جواب شرط (کَلِمَا رَزَقُوا ...) خواهد بود.

566- همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 15 - 14، 4، 3

3 - لذت های آخروی (باغ های بهشتی و رضایت خدا و زنان پاکیزه)، برتر از خوشی ها و امکانات دنیا

بخیر من ذلکم... جنات... و ازواج مطهره و رضوان من الله

4 - بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی، پاداش تضمین شده از جانب خداوند، برای تقوای پیشگان

للذین اتقوا... جنات... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من الله

ص: 393

و ازواج مطهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 11، 6

6 - همسران اهل بهشت ، همواره پاکیزه و منزّه از هر گونه آلودگی

و الذین امنوا .. لهم فیها ازواج مطهره

«مطهره» به کسی گفته می شود که از نظر جسمی و روحی پاک و منزّه باشد.

11 - همسران بهشتیان ، پاکیزه از آلودگی به حیض و حدث

لهم فیها ازواج مطهره

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: *الازواج المطهره اللاتی لا یحضن ولا یحدثن*.

من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 50، ح 4، باب 20، مسلسل 195؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 379، ح 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 3، 1

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلأ أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

3 - انواع بوستان ها ، میوه ها ، شراب ها ، تخت ها ، بزم انس و همسران زیبا ، مجموعه پذیرایی خداوند از بهشتیان و بندگان مخلص خدا

إلا عباد الله المخلصین .. فی جنّات النعیم ... و عندهم قصرات الطرف ... أذلك خ

«نزل» به مجموعه ای گفته می شود که برای پذیرایی از مهمان آماده می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 4

4 - « فی جوامع الجامع ، « إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً » و عن النبي (صلى الله عليه وآله) قال لَأُمِّ سَلْمَةَ هُنَّ اللَّوَاتِي قَبِضْنَ فِي دَارِ الدُّنْيَا عَجَائِزَ شَمَطَاءَ جَعَلَهُنَّ اللَّهُ بَعْدَ الْكَبِيرِ أُتْرَابًا عَلَى مِيلَادٍ وَاحِدٍ . . . » ;

در جوامع الجامع [بعد از آیه] « إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً » از نبی اکرم (صلى الله عليه وآله) روایت شده که به ام سلمه فرمود: آنان زنانی اند که در حال پیری با موهای سفید از دنیا رفتند و خداوند آنان را بعد از پیری [جوان و تازه] و همانند و هم سن و سال قرار می دهد».

567- همسران مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 394

4- بهره مندی پدران ، همسران و فرزندان صالح از بوستان های ماندنی بهشت ، در سایه لطف الهی به مؤمنان تائب و پیرو دین

و أدخلهم جنّات عدن التي وعدتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند تنها به مؤمنان تائب و اهل عمل، وعده بهشت داده؛ ولی در عین حال فرموده است: پدران، همسران و فرزندان ایشان نیز - در صورت صالح بودنشان - وارد بهشت خواهند شد. یادآوری اینان در ردیف مؤمنان تائب - که وعده بهشت تنها به آنان اختصاص دارد - می تواند نوعی پاداش به ایشان و لطف الهی در حق آنان باشد.

8- بودن پدران ، همسران و فرزندان در بهشت ، از الطاف الهی در حق مؤمنان تائب و پیروان دین

و أدخلهم جنّات عدن التي وعدتهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

یاد کردن مسأله بودن پدران و .. در بهشت در کنار مؤمنان تائب، در عین آن که آنان از نظر مقام و کمال در حدی نیستند که مانند مؤمنان باشند (هرچند صلاحیت عمومی ورود به آن جا را دارند)، می تواند بیانگر اظهار لطف الهی به مؤمنان تائب باشد؛ زیرا وجود این افراد در کنار انسان، خود نعمتی بزرگ است.

14 - عزت و حکمت بی مانند خداوند ، مقتضی دل بستن و امید داشتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بهشت جاویدان

ربّنا و أدخلهم جنّات .. إنك أنت العزيز الحكيم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إنك أنت العزيز الحكيم» تعلیل برای جمله های پیشین است.

568- همسری همسران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 6، 7

6 - هم سن و سال بودن زنان اهل بهشت

و عندهم .. أتراب

«تَرَب» (مفرد «أتراب») اسم برای کسی است که عمر و سن و سالش در مقایسه با دیگری مساوی و برابر باشد.

7- زنان بهشتی ، با همسرانشان هم سن و سال اند .

و عندهم .. أتراب

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هم سن و سال بودن زنان بهشتی، ممکن است در مقایسه با همسران آنان سنجیده شده باشد.

569- همشنان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 7 - 3

3 - « عن نعمان بن بشیر سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله) يقول : « وإذا النفوس زوجت » قال : هما الرجلان یعملان العمل ، یدخلان الجنة و النار ؛

ص: 395

از نعمان بن بشیر روایت شده که گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که این آیه را قرائت می فرمود: «وإذا النفوس زوجت» و فرمود: آنان دو مردی هستند که هر دو یک عمل را انجام می دهند و همراه هم داخل بهشت یا جهنم می شوند».

570- همشینان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 69 - 6,9

6 - پیروان خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) ، از همشینان بهشتی پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان خواهند بود .

و من يطع الله .. فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين ... والصالحين

چون مصاحبت و همشینی با پیامبران برای همه پیروان آنان در دنیا تحقق نمی یابد، بنابراین زمان آن، آخرت و مکانش بهشت است.

9 - همشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم

از اینکه همشینی با پیامبران و .. پاداشی برای پیروان خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

571- همشینان مخلصان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 2

2 - بندگان خالص خداوند و هم نشینان آنان ، در بهشت برین جای داده خواهند شد .

فی عبدی . و ادخلی جنتی

572- هوای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 5

5 - بهشت مؤمنان دارای اعمال صالح ، جاودانه ، دارای نهر های جاری و سایه های پیوسته (هوای مطبوع و ملایم)

ان الذين امنوا و عملوا الصالحات .. و ندخلهم ظلا ظلیلا

«ظَلٌّ» به معنای سایه و «ظلیلاً» تأکید آن و ظاهراً کنایه از مطبوعیت هوای بهشت است.

573- هوای مطبوع بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 5,6

ص: 396

5- بهشت دربردارنده میوه و خوراکی و دارای هوایی مطبوع است .

أُكْلَهَا دَائِمٌ وَظِلَّهَا

«أُكْلٌ» به معنای میوه و ثمره است و گاهی به مطلق خوراکی نیز اطلاق می شود. «ظِلٌّ» به معنای سایه و در آیه شریفه کنایه از خوش آب و هوا بودن است.

6- میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُكْلَهَا دَائِمٌ وَظِلَّهَا

«ظِلَّهَا» مبتداست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 30 - 2

2 - اصحاب الیمین ، همواره در هوای مطبوع بهشت قرار داشته و از گزند گرمای خورشید در امان خواهند بود .

و ظِلٌّ مَمْدُودٌ

«ظِلٌّ» عطف بر «سدر» و خبر برای مبتدای محذوف است. تقدیر آن «و هم فی ظلِّ ممدود» می باشد. گفتنی است که تعبیر بالا، کنایه از مطبوع بودن هوای بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 13 - 4، 3

3 - ابرار در بهشت ، آسوده از گرما و سرمای آزاردهنده و برخوردار از هوای مطبوع و معتدل در بهشت

لا یرون فیها شمسًا و لا زمهریرًا

«زمهریرا» به معنای سرمای شدید است. مقصود از ندیدن خورشید و سرما، رویه رو نشدن با گرما و سرمای آزاردهنده و برخورداری از هوای مطبوع و معتدل است.

4 - بهشت ، دارای هوایی لطیف ، مطبوع و معتدل

جَنَّةٌ .. لا یرون فیها شمسًا و لا زمهریرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - تخت های مزین در هوایی مطبوع ، میوه های آماده ، انواع شراب های دلپذیر ، جوانکان خدمت گزار و لباس های فاخر ، از نعمت های اختصاصی برای ابرار در بهشت

متكئين فيها على الأرائك . . . و ذللت قطوفها... يسقون فيها كأسًا ... يطوف عليهم

تقديم جار و مجرور (لكم) مفيد اختصاص است. ضمن آن كه لام در «لكم»، می تواند برای اختصاص باشد.

574- يهود و بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 7، 12، 4

4 - يهوديان ، اختصاص یافتن بهشت را به قوم يهود ، حکم و تقدیری الهی می شمروند .

ص: 397

إن كانت لكم الدار الآخرة عند الله

«عند الله» متعلق به «كانت» است و مفادش این است که ثبوت آخرت برای یهود در نزد خداست؛ یعنی، او این معنا را پذیرفته، تحقق بخشیده و مقرر ساخته است.

7- ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند.

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

12- یهود، بر خلاف ادعایشان، به بهشتی بودن خویش اطمینان نداشتند.

فتمنوا الموت إن كنتم صدقین

جمله «إن كنتم صادقین» اشاره به دروغ گویی یهود دارد؛ یعنی، آنان خود می دانند که ادعایشان واقعیت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 7

7- یهودیان خود نیز بر بی پایه بودن ادعایشان (تقدیر بهشت برای آنان) واقفند.

إن كانت لكم الدار الآخرة .. و لتجدنهم أحرص الناس

جمله های «لتجدنهم ...» و «یود أحدهم ...» را می توان ناظر به ادعای یهود (إن كانت ... در آیه 94) دانست؛ یعنی، شما یهودیان از یکسو مدعی هستید که سرای آخرت از آن شماست و از سوی دیگر آرزوی ماندگار شدن در حیات دنیا را دارید، این نشان می دهد که خود شما نیز آن ادعا را باور ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 111 - 10، 8، 4، 2، 1

1- اهل کتاب (یهود و نصارا)، تنها خویشان را سزاوار بهشت دانسته و دیگران را از آن، محروم می پندارند.

وقالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً أو نصری

ضمیر در «قالوا» به «اهل الكتاب» (در آیه 109) باز می گردد.

2- یهودیان، بهشت را مخصوص یهود و دیگران را از آن محروم می دانند.

وقالوا لن يدخل الجنة إلا من كان هوداً

آیه 113، بیانگر آن است که هر یک از یهود و نصارا دیگری را اهل نجات نمی دانند. بنابراین به اصطلاح اهل ادب، در آیه مورد بحث «لَفَّ اجمالی» وجود دارد و حرف «أو» نیز برای تفصیل است؛ یعنی، جمله «قالوا لن...» حاکی از دو جمله است: 1- قالت الیهود: «لن یدخل الجنة إلا من کان هوداً». 2- وقالت النصاری: «لن یدخل الجنة إلا من کان نصری».

4 - اتفاق نظر یهود و نصارا، بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قالوا لن یدخل الجنة إلا من کان هوداً أو نصری

هدف از اینکه قرآن، پندار نصارا و یهود را به صورت «لَفَّ اجمالی» بیان کرده، رساندن این معناست که: مقصود اصلی یهود و نصارا در طرح آن ادعا، بیان محرومیت مسلمانان از بهشت است.

8 - یهود و نصارا هیچ برهانی بر ادعای خویش (اختصاص بهشت به خویشان و محرومیت مسلمانان از آن) ندارند .

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

«هات» (مفرد هاتوا) اسم فعل و به معنای عطا کن است. بنابراین «هاتوا برهنکم» یعنی، برهانتان را ارائه کنید.

10 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به مطالبه برهان از یهود و نصارا بر ادعای محرومیت مسلمانان از بهشت

قل هاتوا برهنکم إن کنتم صدقین

ص: 398

6- بهشتیان

1- بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 3،16

3 - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا .. ان لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق «آمنوا» به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

16 - سلیم گوید : « قلت [لعلی بن ابی طالب (ع)] : . . . فمن لقی الله عارفاً بامامه مطیعاً له من اهل الجنة هو ؟ قال : نعم إذا لقی الله وهو مؤمن من الذین قال الله عز وجل : « الذین آمنوا وعملوا الصالحات » . . . ;

به علی (ع) عرض کردم آیا کسی که خدا را ملاقات بکند در حالی که امام خود را شناخته و او را اطاعت کرده باشد، اهل بهشت است؟ فرمود: آری، هر کس خدا را ملاقات کند در حالی که مؤمن باشد جزو کسانی است که خداوند فرموده: «ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 112 - 2

2 - پاداش های الهی (بهشت) از آن کسانی است که با تمام وجود تسلیم خدا شده و از سر اخلاص کار های نیک انجام دهند .

من أسلم وجهه لله وهو محسن فله أجره عند ربه

از مصادیق «أجر» - به دلیل آیه قبل - «بهشت» است. «وجه» به معنای صورت است و مراد از آن در آیه شریفه، وجود و ذات آدمی است. «محسن» به کسی گفته می شود که کار نیک انجام دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 214 - 1

1 - بهشت ، از آن کسانی است که در مقابل آزمایش های الهی شکیبیا باشند .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 122 - 3,5

3 - خداوند ، وارد کننده مؤمنان دارای اعمال صالح به بهشت

ص: 399

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

5- مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند .

و الذين ءامنوا .. سندخلهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدین فیها ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 119 - 10

10 - حضرت مسیح (ع) ، همواره خشنود از خداوند و از زمره جلب کنندگان رضایت الهی و اهل بهشت است .

قال الله هذا يوم ينفع الصدقین .. رضی الله عنهم و رضوا عنه

از مصادیق مورد نظر برای این آیه - به قرینه آیات گذشته - حضرت مسیح (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 22 - 6، 2

2 - مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها ابدًا

6 - مؤمنان مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت ، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت ... إن الله عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله «إن الله عنده أجر عظیم» - که دارای معنایی عام و کلی است - پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنان مهاجر و مجاهد ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 1

1 - باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیا شده از جانب خدا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجرى من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 11

11 - بشارت خداوند به مهاجران و انصار و تابعان نیک کردار ، به مهیّا بودن بهشت برای آنان

أعد لهم جنت تجري تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 16،18

16 - تضمین قطعی بهشت از سوی خداوند ، برای مجاهدان رزمنده ای که سرانجام به شهادت می رسند . *

فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که «و یقتلون» قید باشد ؛ یعنی، صرفاً کشتن دشمنان خدا تضمین کننده بهشت نیست و به حساب معامله با خدا گذاشته نمی شود ؛ بلکه کشتن و نهایتاً کشته شدن، معامله با خداست.

18 - پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

ص: 400

وعداً عليه حقاً في التوريه و الإنجيل و القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 112 - 19

19 - بهشت ، مزدگانی مؤمنان راستين

إن الله اشترى من المؤمنين . . . بأن لهم الجنة . . . و بشر المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 9 - 1

1 - بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان نیک کردار

إن الذين آمنوا و عملوا الصلحت . . . في جنت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 26 - 6

6 - نیکوکاران ، اهل بهشتند .

للذين أحسنوا . . . أولئك أصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 11 - 10

10- صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أولئك لهم مغفرة و أجر كبير

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از «أجر كبير» بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 108 - 1

1- بهشت ، جایگاه سعادت‌مندان صحنه قیامت است .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 18 - 5

5- بهشت ، جایگاه اجابت کنندگان دعوت خداوند است .

للذین استجابوا لربهم الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 2,7

2- بهشت عدن ، پاداش وفا کردن به پیمان های الهی ، نشکستن عهد ها و برقرار کردن پیوندهایی که خدا به برقراری آن امر کرده است .

ص: 401

الذین یوفون بعهد الله .. أولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

7- بهشت جایگاه صالحان است .

و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 6

6- عاقبت و فرجام حیات دنیا (بهشت) برای صبرپیشگان بر طاعت خدا عاقبتی خوش و نیکوست .

فنعلم عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 35 - 1،2،8

1- بهشت ، وعده و نوید خداوند به تقوایپیشگان

مثل الجنة التي وعد المتقون

2- آنان که از شرک بپرهیزند و از استهزای پیامبران و از کفر به ایشان حذر کنند ، به بهشت خواهند رفت .

مثل الجنة التي وعد المتقون .. تلک عقبی الذین اتقوا

مقصود اولی از «متقون» و «الذین اتقوا» - به قرینه آیات گذشته - کسانی اند که از شرک ، استهزای پیامبران و کفر به آنان حذر کنند.

8- بهشت فرجام تقوایپیشگان است .

تلک عقبی الذین اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 1،3

1- مؤمنان دارای عمل صالح قطعاً وارد بهشت می شوند و در آن جاودانه خواهند بود .

و أدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت .. خلدین فیها

3- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جنّات تجری من تحتها الأنهر

«جنات» به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن «جنات» هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 45 - 1

1- جایگاه تقوایبندگان، باغ ها و چشمه سار های بهشت است .

إن المتقین فی جنّات و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 1

1- دعوت از تقوایبندگان برای ورود به بهشت، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج، درد، ناخوشی و

ص: 402

نامنی است .

إن المتقين في جنّات و عیون

«باء» در «بسلام» در معنای «مصاحبت» به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 14

14- تقوایبشگان ، با میل و رغبت وارد بهشت می شوند .

المتّقين . جنّات عدن یدخلونها ... یقولون سلم علیکم ادخلوا الجنّة

استعمال فعل «یدخلون» و نیز امر «ادخلوا» همراه با «سلام علیکم» برای ورود متقین به بهشت، در برابر (ادخلوا جهنم) که فرمانی است به کافران برای ورود به جهنم با یادآوری بد بودن آن، مفید نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 107 - 1

1- بوستان های فردوس ، منزل گاهی تضمین شده برای نیک کرداران مؤمن به آیات الهی و قیامت است .

إنّ الذین ءامنوا .. نزلاً

متعلق ایمان در «آمنوا» به قرینه آیات قبل - که درباره کفر به آیات و لقای پروردگار بود - ایمان به آیات و قیامت است. «فردوس» یعنی «وادی سرسبز». برخی از زبان شناسان، آن را کلمه ای رومی می دانند که به زبان عرب وارد شده است (تاج العروس) کلمه «نزل» در معانی «منزل» و «وسایل پذیرایی» و... استعمال می شود. برداشت یاد شده، براساس معنای نخست است. فعل ماضی (کانت) درباره حوادث آینده، بر وقوع حتمی و تضمین شده آن حوادث دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 61 - 3

3- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح

فأولئك یدخلون الجنّة .. جنّات عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - تضمین بهشت از سوی خدا ، برای آن دسته از مهاجران صدراسلام که تا آن زمان (زمان نزول آیه فوق) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به دست دشمن کشته شده بودند .

و الذین هاجروا فی سبیل اللّٰه ثمّ .. لیرزقنّهم اللّٰه رزقاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 8 - 2، 1

1 - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنان دارای اعمال صالح است .

إنّ الذین ءامنوا .. لهم جنّـت النعیم

2 - مؤمنان به آیات خدا و انجام دهندگان عمل صالح ، جایگاه شان بهشت است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّـت النعیم

ص: 403

به قرینه مقابله با آیه قبل، متعلق «آمنوا» در این آیه کسانی اند که به آیات الهی ایمان آورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 1

1 - باغ های جاویدان بهشت ، فرجام تقوایستگان

و إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّأْتَابٍ . جنّ - ت عدن

«جنّات» (جمع «جنّه») به معنای باغ ها و «عدن» به معنای خلود و استقرار است و جمله «جنّات عدن» عطف بیان برای «لحسن مئتاب» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 1

1 - تقوایستگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الكتب ... و قضی بینهم بالحقّ ... و سيق الذین اتقوا ربّهم إلى الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 40 - 3

3 - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 22, 23

22 - تقسیم انسان ها در قیامت ، به دو گروه بهشتی و دوزخی

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

23 - در قیامت جز ورود به جهنم و یا بهشت ، سرنوشت دیگری در انتظار انسان نخواهد بود .

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 16 - 6

6- خردمندان روی آورده به خدا، با روحیه شکر، توبه و تسلیم، در زمره بهشتیان

و بلغ أربعين سنة قال ربّ أوزعنی .. . إتی تبت ... نتجاوز عن سیئاتهم فی أصحاب ال

مرجع ضمیر «سیئاتهم» کسانی است که به سن رشد و کمال رسیده و به نیایش پرداخته و بر توبه و تسلیم خویش تأکید میورزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 32 - 2

2 - بهشت، از آن همه تائبان خداجوی و پاسدار ارزش ها و وظایف دینی

هذا ما توعدون لكلّ أوّاب حفیظ

ص: 404

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 1,4

1 - بهشت ، از آن بیم دارندگان از خداوند در نهمان

وَأُزِلَّتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ . . . من خشى الرحمن بالغيب

بنابراین که «بالغیب» متعلق به «خشى» باشد، برداشت بالا به دست می آید.

4 - بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشى الرحمن بالغيب

بنابر این که «بالغیب» وصف برای «رحمان» باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 3 - 4

4 - « عن الزهري قال : سمعت علي بن الحسين (ع) يقول : . . . « إذا وقعت الواقعة » یعنی القیامه لیس لوقعتها کاذبه . « خافضه » خفضت و الله بأعداء الله إلى النار « رافعه » رفعت و الله أولياء الله إلى الجنة . . . ;

زهري گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه «إذا وقعت الواقعة» می فرمود: . . . یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] «خافضه» است؛ به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و «رافعه» است؛ به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 12 - 2,1

1 - بهشت ، سرای اخروی سابقون (پیشتازان)

و السابقون . . . فی جنّات النعیم

2 - هر یک از سابقون (پیشتازان) برخوردار از بهشت های متعدد

و السابقون . . . فی جنّات النعیم

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که «فی جنّات النعیم» به تقدیر «کل واحد منهم فی جنّات النعیم» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 11

11 - بهشت ، برای کسانی آماده شده است که به خداوند و پیامبران او ایمان دارند .

أُعدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 20 - 3,4

3 - تقوایندگان مراقبِ اعمالِ خویش ، اهل بهشت اند .

اتَّقُوا اللَّهَ وَلِتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ . . . لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

4 - بهشتیان ، همان رستگاران راستین اند .

ص: 405

أصحاب الجنّ هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 12 - 2

2 - بهشت ، جایگاه انسان های پاک و تطهیرشدگان از گناه

یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّات

ذکر جمله «یغفر لکم. . .» پیش از «یدخلکم جنّات»، بیانگر مطالب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 1

1 - مؤمنان و مسلمانان راستین ، بهره مند از بوستان های بهشتی

إلا المصلّین . . . أولئک فی جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 40 - 2

2 - اصحاب الیمین در بهشت ، به گفتگو و پرسوجو از یک دیگر خواهند پرداخت .

یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 41 - 1

1 - جایگاه تقوایشگان ، در سایه ها و چشمه سار های بهشت است .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 31 - 1

1 - تقوایشگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادت مند و رهیده از عذاب اند .

«مفاز» (مانند «فوز») و «مفازه» مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد - که بیان «مفازاً» است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید - این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 4

4 - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

ص: 406

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 2, 1

1 - خداوند در قیامت ، انسان های دل آرام ، راضی و مورد پسند خویش را به بهشتی خاص دعوت خواهد کرد .

و ادخلی جنتی

اضافه «جَنَّة» به ضمیر متکلم و انتساب آن به خداوند، ممکن است برای بیان شرافت همان بهشت معروف و یا بیانگر اختصاصی بودن بهشتی باشد که این دسته از بندگان به آن وارد خواهند شد.

2- بندگان خالص خداوند و هم نشینان آنان ، در بهشت برین جای داده خواهند شد .

فی عبدی . و ادخلی جنتی

2- آثار اراده بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 14

14 - اراده و خواست مؤمنان بهشتی ، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربهم

3- آثار تبیین مکان بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 6 - 4

4- نمایاندن جایگاه بهشتیان به آنان ، زداینده نگرانی ها از خاطر ایشان *

و یصلح بالهم . . . عرفها لهم

ارتباط «یصلح بالهم» با «عرفها لهم» ممکن است این گونه باشد که خداوند، با شناساندن جایگاه بهشتیان به آنان پس از شهادتشان، به همه نگرانی های آنان پایان داده و قلبشان را آرامش بخشیده و امورشان را اصلاح کرده باشد.

4- آرامش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 2

2- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لا یدوقون فیها الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 15 - 2

2 - بهشت ، اقامتگاه نهایی و محلی راحت و آرام برای اهل آن است .

ص: 407

«مأوی» در لغت به جایی گفته می شود که حیوان، شبانگاه به آن بازمی گردد و استراحت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 76 - 2

2- بهشتیان ، برخوردار از آرامش و آسودگی بسیار

متکین علی رفر خضر و عبقری حسان

تکیه زدن بهشتیان بر پشتی های زیبا و بی مانند، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

5- آرزوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 4

4- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یاه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لا یسمعون فیها لغواً إلاّ سلماً

استثنا در «إلاّ سلماً» منقطع است؛ یعنی، «لکن یسمعون سلماً» و یا «کلاماً سالماً». برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: «سلام» - که دعای به سلامتی از آفات است - برای بهشتیان جز اکرام و گرمی داشت مفهومی ندارد؛ زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 58 - 2

2- دریافت سلام و تحیت از جانب پروردگار ، آرزو و خواسته بهشتیان است .

و لهم ما یدعون . سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «سلام» بدل از «ما یدعون» باشد.

6- آزادی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و آمدنهم بفرکهه و لحم ممّا یشتهون

7- آسایش اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 408

6- راه نداشتن کمترین ملال و زحمت ، در زندگی اخروی بهشتیان

متکین . . . و جنی الجنتین دان

از این که خداوند با تعابیر «متکین علی فرش» و «دان»، نهایت آسایش بهشتیان را ترسیم کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

8- آسایش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 6

6- متقین ، در بهشت در حالی که رویه روی یکدیگر قرار دارند ، بر تخت ها می آرامند .

إن المتقین فی جنّاتٍ . . . علی سرر متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 48 - 1،5

1- متقین در بهشت ، دچار هیچ گونه سختی و رنجی نخواهند شد .

لایمسّهم فیها نصب

«نصب» در لغت به معنای سختی و رنج است.

5- متقین در بهشت ، در رفاه مادی و آسایش فکری کامل هستند .

إن المتقین فی جنّاتٍ و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین . . . علی سرر متقبلین . لایمسّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 108 - 4

4- عالی ترین نعمت ها و آرمانی ترین ارزش و آسایش برای مؤمنان در بهشت برین ، وجود دارد .

لایبغون عنها حولاً

درخواست تغییر، نوعاً، در پی تصوّر چیزی بهتر و بالاتر پدید می آید. این که بهشتیان، خواهان تغییری در وضع خود نیستند، می تواند

بدین جهت باشد که چیزی فوق آنچه آنان در بهشت برخوردارند، به ذهن شان نمی رسد تا آن را آرزو کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 2

2- بهشتیان ، در کمال آسودگی و به دور از هرگونه حزن و اندوه

وقالوا الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 4

4- اعطای بهشت و سرای پایدار و بی رنج و افسردگی ، فضل و لطف خداوند به بندگان

ص: 409

لایمَسْنَا فِیْهَا نَصَبٌ وَ لایمَسْنَا فِیْهَا لَعُوبٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 4

4 - دسترسی بهشتیان به طعام و نوشیدنی بدون هیچ گونه رنج و تلاش

یطاف علیهم بصحاف من ذهب و اکواب

از مجهول آمدن «یطاف» استفاده می شود که ظرف های غذا و جام های نوشیدنی، بدون تلاش بهشتیان در اختیار آنان قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 4

4 - شکوه، جلال، آسایش و تنعم، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام... متکین علی فرش... و جنى الجنة دان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 23 - 2

2 - بهشتیان، در اوج رفاه و راحتی به سر می برند.

قطوفها دانیه

وجود میوه های آماده و در دسترس برای بهشتیان، حاکی از برخورداری آنان از رفاه و راحتی بسیار است.

9- آشامیدنیهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 12 - 2

2 - نوشیدنی بهشتیان، از چشمه ای همیشه جاری تأمین می گردد.

تسقى من عین ءانیه... فیها عین جاریه

این آیه، در مقابل آیه ای است که از نوشاندن مایعات چشمه سوزان به جهنمیان، سخن گفته بود. بنابراین در این آیه نیز، ذکر چشمه جاری

تنها به منظور بیان زیبایی آن نبوده؛ بلکه توصیف نوشیدنی بهشتیان نیز مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 14 - 2

2- نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و أکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

ص: 410

10- آغاز دعای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 2,3

2 - بهشتیان، نیایش خود را با تسبیح و تنزیه خدا آغاز می کنند .

فی جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

جمله «آخر دعواهم...» قرینه است بر اینکه مراد از «دعواهم فیها سبحانک» «أول دعواهم...» می باشد؛ یعنی، آغاز نیایش اهل بهشت تسبیح خدا و پایان بخش آن، حمد و ستایش اوست.

3 - ذکر «سبحانک اللّهم» سر فصل نیایش مؤمنان با خدا در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحنک اللّهم

11- آموزش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 9

9 - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند، به خاطر آموزش خطای آنان و قدردانی از کارهای نیکشان

وقالوا الحمد لله... إن ربنا لغفور شکور

جمله «إن ربنا لغفور شکور» بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 7

7 - «عن أبی جعفر (ع) فی قوله «... و من یعمل مثقال ذره شراً یره» یقول: إذا کان من أهل الجنّة رأی ذلک الشّرّ یوم القیامه ثمّ غفر الله تعالی له؛

از امام باقر (ع) درباره سخن خداوند «و من یعمل مثقال ذره شراً یره» روایت شده که [خداوند] می فرماید: اگر [شخص] از اهل بهشت باشد [و در دنیا عمل بدی انجام داده باشد] آن عمل بد را در قیامت می بیند؛ آن گاه خداوند متعال او را می آمرزد».

12- اجابت آرزوی بهشتیان

3 - بهشتیان ، آنچه بخواهند و آرزویش کنند ، به طور سالم و خالص دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ رحيم

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که «سلام» خبر برای «ما يدعون» باشد. از این رو «سلام» به معنای سالم و خالص خواهد بود.

13- اجابت خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 4

4- تمامی خواسته های تقوایبندگان در بهشت ، برآورده می شود .

دار المتقين . جنّـت عدن یدخلونها ... لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 35 - 1,3,5

1 - بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

3 - بازدارندگان خویش از هوس ها ، برخوردار از هر آرزو در بهشت

وَأُزْفَتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ .. أَوَابَ حَفِیْظٍ ... لهم ما یشاءون فیها

با توجه به این که «تقوا» و خودداری از گناه و هوای نفس، به عنوان بارزترین صفت اهل بهشت یاد شده است، نوید «لهم ما یشاءون فیها» می تواند بیانگر معنای بالا باشد.

5 - اعطای خواسته های بهشتیان به ایشان ، فراتر از حد انتظارشان *

لهم ما یشاءون فیها و لدینا مزید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «مزید» در مقایسه با خواسته بهشتیان (ما یشاءون) مطرح شده باشد؛ یعنی، آنچه آنان بخواهند، فزون ترش را داریم و در اختیار آنان قرار می دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 22 - 4

4 - نبود محدودیت برای بهشتیان ، در رسیدن به مشتهیات و خواسته های خویش

و آمدنهم بفقکه و لحم ممّا یشتهون

14- احترام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 2

2 - خوردن و آشامیدن بهشتیان ، همراه با پیام « گوارا باد » به ایشان

كلوا و اشربوا هنيئاً

جمله «كلوا و اشربوا» مقول قول محذوف است؛ یعنی، «يقال لهم كلوا.. هنيئاً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 3

3 - مؤمنان بهشتی ، در اوج عزت و احترام به سر می برند .

أولئك في جنّات مكرمون

ص: 412

15- احوال پرسی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 25 - 1

1 - گفت وگویی بهشتیان و پرسش آنان از احوال یکدیگر

و أقبل بعضهم على بعض يتساءلون

16- اذکار بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 15، 14، 9، 3، 2

2 - بهشتیان، نیایش خود را با تسبیح و تنزیه خدا آغاز می کنند .

فی جنت النعیم. دعویهم فیها سبحانک اللّهم

جمله «آخر دعواهم...» قرینه است بر اینکه مراد از «دعواهم فیها سبحانک» «أول دعواهم...» می باشد؛ یعنی، آغاز نیایش اهل بهشت تسبیح خدا و پایان بخش آن، حمد و ستایش اوست.

3 - ذکر «سبحانک اللّهم» سر فصل نیایش مؤمنان با خدا در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحانک اللّهم

9 - ذکر «الحمد لله رب العالمین» حسن ختام نیایش اهل بهشت است .

وآخر دعویهم أن الحمد لله رب العلمین

14 - از امام باقر (ع) روایت شده است: «... و إذا اراد المؤمن شيئاً أو اشتهى انما دعواه فیها إذا أراد، أن يقول: «سبحانک اللّهم» فإذا قالها تبادرت إليه الخدم بما اشتهى من غیر ان یکون طلبه منهم أو أمر به و ذلك قول الله عز و جل: «دعواهم فیها سبحانک اللّهم و تحیتهم فیها سلام» یعنی الخدام قال: «و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین» یعنی بذالك عند ما یقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب یحمدون الله عز و جل عند فراغتهم...»

... هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: «سبحانک اللّهم». پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا «دعواهم فیها سبحانک اللّهم». [و اینکه خدا می فرماید] «تحیتهم فیها سلام»؛ یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت،

سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: «و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمين»؛ یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن «الحمد لله رب العالمين» خدای عزوجل را حمد می گویند ...

15 - از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: «ان اطيب شيء في الجنة و أذاه حب الله و الحب في الله و الحمد لله قال الله عزوجل: «و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمين» ...»

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و «حمد» برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین دعا [و گفتار] مؤمنان در بهشت «الحمد لله رب العالمين» است ...

ص: 413

17- ازدواج بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 4

4- وجود تمایلات جنسی و پیوند زناشویی ، میان مردان و زنان در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متکئون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 7 - 4

4- « عن أبي جعفر (ع) فی قوله « وإذا النفوس زوجت » قال : أمّا أهل الجنّه فرؤجوا الخیرات و الحسان و أمّا أهل النار فمع کلّ إنسان منهم شیطان ؛

از امام باقر(ع) در تفسیر قول خداوند «وإذا النفوس زوجت» روایت شده که فرمود: اهل بهشت با زنان زیبا و نیکو خلق ازدواج می کنند و اما اهل آتش، با هر انسانی از آنان شیطانی [قرین] است».

18- استراحت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 13 - 2

2- استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه ... فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 14 - 2

2- نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و اکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

1 - در بهشت برین ، بالش هایی فراوان برای استراحت بهشتیان ، به ردیف چیده شده است .

و نمارق مصفوفه

«نَمْرَقَه» (مفرد «نَمَارِق») - که «نون» و «راء» در آن به سه حرکت خوانده می شود - به معنای «بالش کوچک» است و نیز در معانی «روپوش»، «چیزی مانند بالش یا فرش که روی زین نهاده می شود» و «زین ابریشمی» استعمال می گردد (قاموس). کلمه «مصفوفه»، قرینه بر اراده معنای اول است.

ص: 414

19- استراحتگاه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 24 - 1

1 - اهل بهشت در روز قیامت ، دارای برترین جایگاه و نیکوترین بستر برای استراحت

أصحاب الجنة يومئذ خير مستقراً وأحسن مقيلاً

«مقیلاً» اسم مکان از ماده «قیلوله» است و «قیلوله» به معنای استراحت میان روز می باشد و مقصود از آن در آیه شریفه، مطلق آسایشگاه و محل استراحت؛ یعنی، بهشت است.

20- استقبال از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 103 - 3

3- بهشتیان و مؤمنان راستین ، به هنگام برپایی قیامت مورد استقبال فرشتگان قرار خواهند گرفت .

وتتلقیهم الملائكة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 4

4 - استقبال فرشتگان از بهشتیان ، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلم

بنابراین که قائل «ادخلوها» فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

21- اصحاب اعراف و بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5

5 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف عليكم ولا أنتم تحزنون

22- اقرار بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 5

5 - اعتراف بهشتیان به لطف و تفضل خدا در وارد کردن آنان به بهشت و مستحق نبود آنها به این نعمت

الذی أحلّنا دارالمقامه من فضله

ص: 415

23- اقسام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 6

6- وارد شدگان به بهشت عدن متشکل از طایفه ای که بالأصالة مستحق آن جایگاهند و طایفه ای که به تبع آنان به آن جایگاه برین برده خواهند شد .

جنات عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

عطف شدن «من صلح . . .» بر ضمیر «یدخلون» حاکی است که طوایف مذکور (اباءهم و ...) از کسانی نیستند که دارای همه اوصاف یاد شده در آیات قبل باشند و در نتیجه بالأصالة مستحق جنات عدن باشند و گرنه لازم به عطف نبود زیرا جمله «یدخلونها» شامل آنان نیز می شد.

24- امنیت اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 55 - 3

3- بهره‌وری بی ضرر و زیان بهشتیان ، از انواع خوراکی های مورد تمایل خویش

یدعون فیها بکلّ فکّه ءامنین

25- امنیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 4,9

4- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یأوه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لا یسمعون فیها لغواً إلاّ سلماً

استثنا در «إلاّ سلماً» منقطع است؛ یعنی ، «لکن یسمعون سلماً» و یا «کلاماً سالماً». برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: «سلام» - که دعای به سلامتی از آفات است - برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد؛ زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

9- امنیت و سلامت روح و جسم ، ره آورد ورود به بهشت

لا يسمعون فيها لغوًا إلا سَلَمًا و لهم رزقهم فيها

در این آیه، دو نوع تأمین برای بهشتیان مطرح شده است: 1- امنیت روحی به جهت آن که سخن ها، همه سلام و ایمنی بخش است؛ 2- امنیت جسمی که با تأمین نیازهای جسمی حاصل است.

ص: 416

26- امیدواری بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 9

9- بهشتیان در آستانه ورود به بهشت در عین امید به حضور در آن جایگاه رفیع، نگران از تغییر سرنوشت خویشند.

لم یدخلوها و هم یطمعون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر فاعلی در «لم یدخلوها» و «یطمعون» به أصحاب الجنه، برگردانده شود. بر این مبنا جمله «لم یدخلوها» حال برای «أصحاب الجنه» است. گفتنی است «یطمعون» (امید دارند) اشاره به نگرانی آنان دارد که مبدا از ورود به بهشت منع گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 7

7- راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند.

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 48 - 3

3- بهشتیان، به دور از ملال و دلسردی نسبت به نعمت های اخروی

جنتان... ذواتا أفنان

در صورتی که «أفنان» به معنای انواع باشد، در حقیقت تذکر به آن، برای افاده مطلب یاد شده است.

27- اندوه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 3

3- اندوهگین بودن بهشتیان در عرصه قیامت پیش از ورود به بهشت

وقالوا الحمد لله الذى اذهب عنا الحزن

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که لازمه برطرف کردن حزن وجود آن از پیش است.

28- انس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 16 - 2، 1

1 - پیشتازان راه خدا (سابقون) ، دارای مجلس انس با یکدیگر در بهشت

علی سرر موضونه . متکین علیها متقبلین

از قید «متقابلین» (رویه روی هم)، انس و الفت بهشتیان با همدیگر استفاده می شود.

2 - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

ص: 417

علی سرر موضونه . متکین علیها متقبلین

29- ایمان بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 52 - 2

2- تصدیق و باور داشتن قیامت و زنده شدن انسان ها ، از ویژگی های بهشتیان و بندگان مخلص خدا در دنیا است .

يقول أئتك لمن المصدقين

30- برنامه ریزی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 5

5- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فيها بكرة و عشياً

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای «عشی» نظریات گوناگونی ابراز شده است؛ از جمله: «بین ظهر تا غروب» و «آخر روز» (مصباح).

31- بزم بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 47 - 7

7- متقین ، در بهشت بزم باصفایی دارند .

إن المتقين فی جنّاتٍ .. و نزعنا ما فی صدورهم من غلٍّ إخواناً علی سرر متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 44 - 2

2- بندگان مخلص خدا ، بهره مند از بزم خوش و مجلس انس در بوستان های بهشتی

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبّلین

رویاری هم قرار داشتن بندگان خالص خدا، اشاره به انس و محبت متقابل و بزم خوش آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 50 - 2، 1

1 - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود روبه بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

ص: 418

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف عین ... فأقبل بعضهم عل

2 - مجلس انس و به پرس و جو نشستن ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فأقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 51 - 2,3,1

1 - گفتوگوی بهشتیان با یکدیگر ، درباره هم نشینان خود در دنیا در بزم بهشتی

قال قائل منهم إني كان لی قرین

2 - بهشتیان با یادآوری خاطرات دنیایی خویش ، در بزم بهشتی به گفتگو خواهند پرداخت .

قال قائل منهم إني كان لی قرین

3 - لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی ، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف... قال قائل منهم إني

یادکرد خاطرات خود در دنیا، در آن بزم باشکوه و پر از ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 16 - 2,1

1 - پیشتازان راه خدا (سابقون) ، دارای مجلس انس با یکدیگر در بهشت

علی سرر موضوعه . متکین علیها متقبلین

از قید «متقابلین» (رویه روی هم)، انس و الفت بهشتیان با همدیگر استفاده می شود.

2 - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضوعه . متکین علیها متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متکین علیها متقبلین . . . بأکواب و أباریق و کأس من معین

2 - جوانکان خدمت گذار ، باده گردانان مجالس انس پیشتازان (سابقون) در بهشت

یطوف علیهم ولدن . . . بأکواب و أباریق و کأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 15 - 2

2 - بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزین به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از «ردیف بودن» بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 419

2 - مکان های فراوانی از بهشت ، برای بزم بهشتیان ، همواره مفروش و آماده است .

وزرایی مبثوئه

«بث»؛ یعنی، متفرق ساختن و آشکار کردن و «مبثوئه»؛ یعنی، فراوان و متفرق. (مقایس اللغه)، مراد از متفرق بودن فرش ها در بهشت، مفروش بودن نقاط مختلفی از آن است.

32- بشارت امنیت به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 10

10 - بشارت دربانان بهشت به تقوایندگان ، مبنی بر در امنیت و سلامت بودن آنان در بهشت جاویدان

وقال لهم خزنتها سلم علیکم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که عبارت «قال لهم خزنتها سلام»، جمله اخباری باشد؛ یعنی، درصدد اخبار از آینده تقوایندگان در بهشت و در واقع بشارت به ایشان باشد.

33- بشارت به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 5

5 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت بشارت دهنده راهیان بهشت به زندگانی آکنده از امنیت و به دور از حزن

ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا اتمم تحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 3

3- فرشتگان ، نوید دهنده سلامت به بهشتیان و دوری هرگزند از ایشان

سلم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- بشارت فرشتگان به مؤمنان راستین و بهشتیان در قیامت ، به فرارسیدن روز موعود (قیامت)

هذا یومکم الذی کنتم تعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 6

6 - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

ص: 420

34- بهترین لذایذ بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 14، 8، 9

8 - پرتوی از خشنودی و رضوان الهی، برتر از همه لذت های دیگر برای مؤمنان در بهشت *

و رضون من الله أكبر

نکره آمدن «رضوان» می تواند برای تقلیل باشد؛ یعنی، حتی شمه ای و نسیمی از رضوان الهی، برتر از سایر لذتهاست.

9 - رضوان خداوند و خشنودی او از بهشتیان، بالاترین لذت و نعمت برای آنان

و رضون من الله أكبر

14 - برترین لذت ها برای اهل بهشت، لذت معنوی و روحانی است.

و رضون من الله أكبر

35- بهشتیان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 7

7 - بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 9

9 - بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت، سپاس می گویند.

وقالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 1

1 - بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحاب الجنة اصحاب النار

«نداء» به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

36- بهشتیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 421

3- راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر «ابصرهم» و «قالوا» به «اصحاب الجنة» در آیه قبل برگردانده شود.

5- راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

7- راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند .

ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمین

37- بهشتیان و تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 10 - 2

2- بهشتیان، نیایش خود را با تسبیح و تنزیه خدا آغاز می کنند .

فی جنت النعیم. دعویهم فیها سبحانک اللّهم

جمله «آخر دعواهم . . .» قرینه است بر اینکه مراد از «دعواهم فیها سبحانک» «أول دعواهم ...» می باشد؛ یعنی، آغاز نیایش اهل بهشت تسبیح خدا و پایان بخش آن، حمد و ستایش اوست.

38- بهشتیان و تهمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 35 - 6

6- بهشتیان، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند .

و لا کذاباً

«کذاباً» یا به معنای «کذاباً» (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد «و لا کذاباً» این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود؛ زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

39- بهشتیان و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 3، 2، 1

1 - بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الجنة اصحاب النار

«نداء» به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

ص: 422

2- اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادى . . . ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

3- بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادى . . . فهل وجدتم ما وعد ربكم حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 47 - 8، 5، 4، 3

3- راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر «ابصرهم» و «قالوا» به «اصحاب الجنة» در آیه قبل برگردانده شود.

4- مشاهده دوزخیان از سوی بهشتیان ، مشاهده ای ناخواسته و بدون اختیار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

مجهول آوردن فعل «صرفت» حکایت از برداشت فوق دارد.

5- راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

8- دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در دیدگاه بهشتیان

ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمین

راهیان بهشت خواسته خویش مبنی بر گرفتار نشدن به آتش دوزخ را با درخواست دوری از ستمکاران بیان داشتند و این می رساند که بهشتیان در روز قیامت از ستمکاران نیز متنفر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 50 - 7

7- تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا .. قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 16

16 - « عن أبي عبد الله (ع) قال: ... يوم التغابن، يوم يَغْبُنُ أَهْلُ الْجَنَّةِ أَهْلَ النَّارِ ... »؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: ... «یوم التغابن» روزی است که بهشتیان، جهنمیان را مغبون می سازند...».

40- بهشتیان و دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 7

7 - نوشندگان شراب بهشتی، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

ص: 423

و كَأَسَا دِهَاقًا . لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

41- بهشتیان و سخن لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 1

1- در بهشت عدن، هیچ سخن لغو و بیهوده ای به گوش بهشتیان نمی خورد.

جَنَّتْ عَدْنُ التِّي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ .. لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا

«لغو»؛ یعنی، کلام و یا هر چیزی که قابل اعتنا نبوده و فایده ای بر آن مترتب نباشد. در آیه مورد بحث - به قرینه «استماع» - مراد از «لغو» کلام باطل و یاوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 6,7,5

5 - گفتار بهشتیان با یکدیگر، عاری از هرگونه سخن زشت و بیهوده است.

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا

6 - بهشتیان، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند.

و لَا كِذَّابًا

«کذاباً» یا به معنای «کذباً» (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد «و لا کذاباً» این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود؛ زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

7 - نوشندگان شراب بهشتی، منزّه از زبان گشودن به هذیان و دروغ

و كَأَسَا دِهَاقًا . لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر این نکته است که شراب بهشتی، از نوع شراب های دنیا نیست که بر عقل انسان تأثیر منفی گذاشته، مایه هذیان گویی و لاف زدن گردد.

42- بهشتیان و سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 2

2- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لا یدوقون فیها الموت

ص: 424

43- بهشتیان و کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 1

1 - خداوند دل‌ها و سینه‌های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد.

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

«غلّ» به معنای کینه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 47 - 1

1- خداوند، هرگونه دشمنی و کینه‌ای را از دل متقین در بهشت بیرون می‌کند.

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

«غلّ» در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

44- بهشتیان و لغو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 11 - 3، 2، 1

1 - بهشتیان، هیچ‌گونه صدا و سخن بیهوده‌ای در بهشت برین نمی‌شنوند.

لا تسمع فیها لغیه

«کلام لغو»؛ یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه «لاغیه»؛ یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که «لاغیه» اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد؛ یعنی، سخنی که حتی اندکی از «لغو» را پدید آورد، به گوش بهشتیان نخواهد خورد.

2 - اهل بهشت، هیچ‌گونه سخن لغو و بیهوده‌ای در آن جا نمی‌گویند.

فی جَنَّةٍ .. لا تسمع فیها لغیه

شنیده نشدن «لغو»، نشانه نبودن آن است.

3- نشنیدن سخن لغو و بیهوده ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه ... لاتسمع فیها لغیه

45- بهشتیان و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 59 - 4

4- « عن أبي جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنة النار وأهل النار النار . . . يقال : خلود فلا موت أبداً . فيقول أهل الجنة : « أفما نحن بميتين . إلا موتتنا الأولى . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند.. .. گفته می شود: این

ص: 425

جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: «أفما نحن بميتين...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 2

2- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لا یدوقون فیها الموت

46- بهشتیان و وعده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 14

14 - بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

47- بینش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 6

6 - تأکید بهشتیان ، به نقش عملکرد دنیوی آنان در سعادت اخروی ایشان

قالوا إنا كنا قبل فی أهلنا مشفقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 27 - 4

4 - بهشتیان ، قدردان لطف الهی اند ؛ نه مغرور به عمل خویش .

فمنّ الله علینا و وقینا عذاب السموم

توجه پارسایان به امتنان الهی و تکیه آنان بر لطف حق، می رساند که آنان تنها عمل خویش را مایه سعادت نمی دانند و مغرور به کردار خود نیستند.

48- پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 3

3 - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ... فكهين بما آتاهم ربهم

ص: 426

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 4

4 - خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم فی الأیام الخالیه

49- پاکي قلب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 5, 1

1 - خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

«غل» به معنای کینه است.

5 - وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

50- پایان دعای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 8, 9

8 - حمد و ستایش خدا ، پایان بخش نیایش مؤمنان در بهشت

و آخر دعویهم أن الحمد لله رب العلمین

9 - ذکر « الحمد لله رب العالمین » حسن ختام نیایش اهل بهشت است .

و آخر دعویهم أن الحمد لله رب العلمین

51- پدران بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- پدران ، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

52- پذیرایی از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 427

2 - تأمین نیازها و ارضای همه تمنیات اهل ایمان ، پیش پذیرایی خداوند از آنان هنگام ورود به بهشت

نزلاً من غفور رحیم

با توجه به معنای «نُزُل» (غذای هنگام نزول و پیش درآمد پذیرایی از میهمان) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 3

3 - اهل بهشت ، همچون مهمانان گرامی ، مورد پذیرایی قرار خواهند گرفت .

كلوا و اشربوا هنيئاً

جمله «كلوا و اشربوا هنيئاً» مقول قول محذوف است و تقدیر آن چنین است: «يقال للذين يؤتون كتبهم بأيمانهم كلوا و اشربوا هنيئاً». این تعبیر درباره مهمانان به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 2

2 - می گساری بهشتیان و استفاده آنان از جام های شراب آماده ، جلوه ای از خوشبختی آنان است .

إن للمتقين مفازاً .. و كأساً دهاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 14 - 1

1 - بهشت ، دارای جام های آماده برای پذیرایی از بهشتیان

و أكواب موضوعه

«كوب» (مفرد «اكواب»); یعنی، تنگ آب که سر آن حلقه مانند است و دستگیره ندارد. برخی آن را پیاله بی دسته می دانند. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 15 - 2

2- بزم عیش و نوش بهشتیان، همواره مزین به پیاله ها، تخت ها و بالش های آماده است.

و نمارق مصفوفه

مراد از «ردیف بودن» بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

53- پرسش از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 112 - 4

4 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إنَّ الله إذا أدخل أهل الجنَّة الجنَّة وأهل النار النار قال لأهل الجنة : « كم لبثتم في الأرض عدد سنين ؟ قالوا : لبثنا يوماً أو بعض يوم قال لنعم ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم رحمتي ورضواني و جنتي أسكنوا في ها

ص: 428

خالدین مخلصین ثم یقول : یا اهل النار « کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم » فیقول : بس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی أمکتوا فیها خالدین ؛

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید «کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟» و آنان جواب می دهند: «لبثنا یوماً أو بعض یوم». خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش «کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟» و آنان جواب می دهند: «لبثنا یوماً أو بعض یوم». پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید».

54- پرسش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 3

3 - بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادى . . . فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

55- پرسشهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 50 - 2، 1

1 - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود رو به بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرات الطرف عین ... فأقبل بعضهم عل

2 - مجلس انس و به پرس و جو نشستن ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فأقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 54 - 1

1 - بهشتیان ، درباره سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خود ، از دیگر بهشتیان پرسش کرده و از وضعیت آنان کسب اطلاع خواهند کرد .

قال هل أنتم مطلعون

استفهام «هل» برای عرض و یا امر است که مفاد آن تقاضا و درخواست می باشد.

56- تأمین خواسته های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 429

4- تمامی تمایلات و خواسته های مؤمنان قابل دستیابی برای آنان در بهشت

و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم و لکم فیها ما تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 19، 14، 13

13 - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربهم

14 - اراده و خواست مؤمنان بهشتی، مؤثر در پدید آمدن نعمت ها و خواسته های آنان

لهم ما یشاءون عند ربهم

19 - تحقق همه خواسته های انسان در بهشت، نمود فضل بزرگ خداوند است .

لهم ما یشاءون .. . ذلک هو الفضل الکبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 36 - 7

7 - نعمت های اعطایی خداوند به بهشتیان، تأمین کننده تمام خواسته های ایشان است .

حساباً

«حساباً» اسم مصدر برای «إحساب» است و «أحسب»؛ یعنی، عطا را افزایش داد تا حدی که دریافت کننده گفت: «حسبی»؛ یعنی، مرا کافی است (تاج العروس) و ممکن است «حساباً» مصدر و به معنای محاسبه کردن باشد. در هر صورت به دلیل صفت بودن آن برای «عطاء»، معنای مصدری ندارد؛ بلکه به معنای «مُحْسَب» (کافی) و یا «محسوب» (شمرده شده) است. در برداشت یاد شده، معنای اول مورد نظر است.

57- تأمین نیازهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 57 - 4

4 - تمامی خواسته ها و آرزو های اهل بهشت تأمین خواهد شد .

و لهم ما يدعون

فعل «یدعون» در آیه شریفه، هم می تواند از ماده «دعاء» (خواستن) باشد و هم می تواند به معنای «یتمنون» (آرزو می کنند) باشد؛ زیرا در زبان عرب عبارت «یدعون» مانند «ادع علی ما شئت» (هر چه می خواهی از من بخواه و تمنا کن) در مورد تمنی به کار می رود (مجمع البیان و کشاف).

58- تبریک به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - 23 - 13 - 8 - رعد

ص: 430

8- فرشتگان از هر سو برای تهنیت گویی به بهشتیان بر آنان وارد می شوند .

والملائكة يدخلون عليهم من كل باب

59- تحیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 23 - 8

8- درود و تحیت بهشتیان به یکدیگر در بهشت ، با لفظ « سلام » است .

تحیتهم فیها سلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 26 - 2

2- مکالمات در بهشت پیشتازان ، همراه با درود و تحیت پی درپی است ؛ نه آمیخته با لغو و نسبت های ناروا .

لا یسمعون فیها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

کلمه «سلاماً» می تواند بدل برای «قلیلاً» باشد. گفتنی است که تکرار «سلاماً»، برای بیان تعاقب و پی درپی بودن است؛ یعنی، «سلاماً اثر سلام» (درود پی درپی).

60- تختهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 31 - 6,7

6- تخت های افراشته شده در حجله ها ، تکیگاه بهشتیان است .

متکئین فیها علی الأرائک

«أریکه» به تختی گفته می شود که در حجله قرار می دهند (قاموس) و به گفته راغب به حجله ای اطلاق می شود که بر روی تخت به پا می شود.

7- بهشتیان ، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود ، لباس های فاخر دیبا بر تن دارند .

و یلبسون ثیاباً خضراً من سندس و إستبرق متکئین فیها علی الأرائک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 13 - 2

2 - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 15 - 2

ص: 431

2- بزم عیش و نوش بهشتیان ، همواره مزین به پیاله ها ، تخت ها و بالش های آماده است .

و نمارق مصفوفه

مراد از «ردیف بودن» بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

61- تزیین تختهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مظفین - 83 - 23 - 1

1 - نیکوکاران در قیامت ، بر تخت های تزیین شده آرمیده و به تماشای منظره ها خواهند پرداخت .

علی الأرائک ينظرون

«أریکه» (مفرد «أرائک») به تختی گفته می شود که تزیین یافته و در خیمه یا خانه ای نهاده شود. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن - اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب - اطلاق می شود. (قاموس)

62- تشبیه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 24 - 3

3 - اهل بهشت ، همچون مهمانان گرامی ، مورد پذیرایی قرار خواهند گرفت .

كلوا و اشربوا هنيئاً

جمله «كلوا و اشربوا هنيئاً» مقول قول محذوف است و تقدیر آن چنین است: «يقال للذین یؤتون کتبهم بأیمانهم كلوا و اشربوا هنيئاً». این تعبیر درباره مهمانان به کار می رود.

63- تشبیه جامهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 2

2- قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و . . .) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

كانت قواریرا . قواریرا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند؛ نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

ص: 432

64- تشبیه کوزه های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 2

2- قدح ها و کوزه های بهشتیان (ابرار و ...) ، در صفا و شفافیت ، مانند شیشه و بلور و در سفیدی و زیبایی ، همچون نقره است .

کانت قواریرا . قواریرا من فضّه

برخی از مفسران، این آیه را از باب تشبیه بلیغ دانسته اند؛ نه این که ظرف های مورد استفاده بهشتیان، حقیقتاً از جنس شیشه و در عین حال نقره است.

65- تشریح از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 9

9- سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر آموزش خطا های آنان و قدردانی از کار های نیکشان

وقالوا الحمد لله .. إن ربنا لغفور شکور

جمله «إن ربنا لغفور شکور» بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

66- تعجب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 58 - 1

1- شگفتی بهشتیان ، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

استفهام در «أفما..» از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

67- تفضل به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - اعطای بهشت و سرای پایدار و بی رنج و افسردگی ، فضل و لطف خداوند به بندگان

لايمسنا فيها نصب و لايمسنا فيها لغوب

5 - اعتراف بهشتیان به لطف و تفضل خدا در وارد کردن آنان به بهشت و مستحق نبود آنها به این نعمت

الذی أحلنا دارالمقامه من فضله

ص: 433

68- تقوای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 3

3 - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ... فكهين بما آتاهم ربهم

69- تکریم بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 58 - 7

7 - بهشتیان ، مورد تکریم و عنایت ویژه پروردگارانند .

سلم قولاً من رب رحيم

سخن گفتن خداوند با بهشتیان و دریافت سلام و تحیت بزرگ از جانب او، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 73 - 4

4 - سخن گفتن مستقیم و بیواسطه خداوند با بهشتیان در آخرت ، نشانه تکریم آنان از سوی خداوند

يعباد... ادخلوا الجنة... لكم فيها فكهه

70- تکلم ملائکه با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 1

1- دیدار فرشتگان با اهل بهشت و سخن گفتن آنان با ایشان

والملائكة يدخلون عليهم... سلم عليكم

71- تکیه گاه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 6

6- تخت های افرشته شده در حجله ها ، تکیگاه بهشتیان است .

مَتَكِّينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ

«أريکه» به تختی گفته می شود که در حجله قرار می دهند (قاموس) و به گفته راغب به حجله ای اطلاق می شود که بر

ص: 434

روی تخت به پا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 44 - 1

1 - بندگان مخلص خدا، بر تخت های بهشتی رویاروی هم تکیه خواهند زد.

علی سرر متقبلین

«سرر» (جمع «سریر») به معنای تخت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 1

1 - بهشتیان، تکیه زده بر پشتی ها با آسترهایی از ابریشم

متکین علی فرش بطائنها من استبرق

«بطائن» (جمع «بطانه») به معنای آسترها است. «استبرق» به ابریشم درشت باف گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 15 - 2، 1

1 - در بهشت برین، بالش هایی فراوان برای استراحت بهشتیان، به ردیف چیده شده است.

و نمارق مصفوفه

«نمرفه» (مفرد «نمارق») - که «نون» و «راء» در آن به سه حرکت خوانده می شود - به معنای «بالش کوچک» است و نیز در معانی «روپوش»، «چیزی مانند بالش یا فرش که روی زین نهاده می شود» و «زین ابریشمی» استعمال می گردد (قاموس). کلمه «مصفوفه»، قرینه بر اراده معنای اول است.

2 - بزم عیش و نوش بهشتیان، همواره مزین به پیاله ها، تخت ها و بالش های آماده است.

و نمارق مصفوفه

مراد از «ردیف بودن» بالش ها، فراهم بودن آنها در نقطه ای است که بهشتیان برای استراحت خود، لازم داشته باشند.

72- تلاش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 54 - 2

2 - بهشتیان ، برای یافتن هم نشینان کافر دنیایی خود و آگاه شدن از سرنوشت آنان در قیامت ، به جستوجو خواهند پرداخت .

قال هل أنتم مّطلعون

73- تلکم بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 435

1 - بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحب الجنة اصحب النار

«نداء» به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

2 - اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادى . . . أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

74- تمایلات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 71 - 10

10 - خواهش ها و کشش های درونی انسان ، همراه با او حتی در بهشت و جهان آخرت

و فیها ما تشتهیه الأنفس

از این که انسان حتی در بهشت دارای شهوات و خواهش ها است، مطلب بالا استفاده می شود.

75- تمایلات جنسی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 4

4 - وجود تمایلات جنسی و پیوند زناشویی ، میان مردان و زنان در بهشت

هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائک متکئون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 4

4 - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و نیاز های عاطفی در بهشت

و زوجهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 9

9 - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

متکین علی فرش . . . فیهنّ قصرت الطرف

از این که خداوند به وجود حوریان بشارت داده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 74 - 4

4 - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

ص: 436

لم يطمثهنّ إانس قبلهم ولا جانّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

18 - واقعه - 56 - 22 - 1

1 - وجود غریزه و تمایل جنسی در میان بهشتیان

و حور عین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 4

4 - وجود غریزه و تمایل جنسی در میان بهشتیان

إنا أنشانهنّ إنشاءً .. عرباً أتراباً

76- تنزیه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 6

6 - بهشتیان ، هرگز دروغ نمی گویند و یکدیگر را به دروغ گویی متهم نمی کنند .

و لا کذاباً

«کذاباً» یا به معنای «کذباً» (دروغ) و یا مصدر باب تفعیل و به معنای تکذیب است (لسان العرب). بنابراین مفاد «و لا کذاباً» این است که در بهشت، دروغ وجود ندارد یا این که کسی تکذیب گفتار خویش را از دیگران نمی شنود؛ زیرا همگان صداقت یکدیگر را باور دارند.

77- تنوع لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

17 - دخان - 44 - 53 - 3

3- لباس های بهشتیان ، دارای تنوع

سندس و إستبرق

78- جامهای شراب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 2

2 - می گساری بهشتیان و استفاده آنان از جام های شراب آماده ، جلوه ای از خوشبختی آنان است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. وَكَأْسًا دِهَاقًا

ص: 437

79- جاودانگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 14

14 - بهشت جایگاهی است زوال ناپذیر و بهشتیان در آن جاودان خواهند بود .

و هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 2

2 - پرهیزکاران ، جاودان در بهشت و برخوردار از نعمت های آن

لكن الذین اتقوا ربهم لهم جنّات . . . خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 85 - 7

7 - سکونت مؤمنان در بهشت همیشگی و دائمی است .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 7

7 - بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 42 - 4

4 - انسان ها در باورشان به معارف دین و انجام تکالیف الهی ، برخوردار از توانایی های متفاوت هستند .

والذین ءامنوا و عملوا الصلحت لانکلف نفساً إلا وسعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 8

8- بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

أولئك أصحاب الجنة هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 2,6

2- بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

ص: 438

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

6- خلود بهشتیان در بهشت ، بسته به مشیت خداوند است .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین . . . إلا ما شاء ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 76 - 4

4- بهشتیان در بهشت های عدن ، جاودانه و مخلداند .

جنت عدن . . . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 3

3- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی ما اشتتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 11 - 5

5- اهل بهشت در آن ، جاودان می مانند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 76 - 3

3- بهشت ، سرایی جاودانه است و بهشتیان در آن جاویدان اند .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 58 - 1,2

1 - شگفتی بهشتیان ، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

استفهام در «أفما..» از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

2 - بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 50 - 4

4 - جاودانگی بهشتیان ، در ناز و نعمت بهشتی

جنّ-ت عدن

ص: 439

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 2

2- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لا یدوقون فیها الموت

80- جاودانگی سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 5

5 - روزگار خوش بهشت ، روزگاری جاودان

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

81- جایگاه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 7

7- جایگاه رفیع بهشتیان ، مشرف بر نهلهایی جاری

تجری من تحتهم الأنهر

82- جذابیت همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 4

4- بهشتیان و خداترسان ، مجذوب همسران بهشتی خود

فیهنّ قصرت الطرف

مقصود از «طرف» می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 48 - 3,4,5

3 - بندگان مخلص خدا در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

مقصود از «طرف» می تواند نگاه همسران زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را به خود مشغول می دارند.

ص: 440

4- زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصرت الطرف

5- زنان بهشتی ، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

قصرت الطرف عین

«عیناء» (مفرد «عین») به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 52 - 3

3- تقوایندگان در بهشت ، مجذوب همسران بهشتی خود

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «طرف» مربوط به غیر زنان بهشتی باشد؛ یعنی، زنان بهشتی چنان جذاب اند که نظر و چشم دیگران (همسران) را، به خود مشغول می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

83- جنس لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 7

7- پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 53 - 1

1- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایندگان در بهشت

یلبسون من سندس و استبرق

«سندس» به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. «استبرق» نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 2

2- جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

ص: 441

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

84- جهنمیان و بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 4

4 - اعتراف دوزخیان در برابر بهشتیان ، به تحقق تهدید های الهی درباره ایشان

فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً قالوا نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 50 - 1,5

1 - دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادى اصحاب النار . . . ان افيضوا علينا من الماء او مما زركم الله

5 - دوزخیان با خودداری بهشتیان از پذیرش درخواستشان ، از دستیابی به آب و دیگر مواهب بهشت ناکام خواهند شد .

ان افيضوا علينا . . . قالوا ان الله حرمهما على الكافرين

85- حالات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 67 - 2

2 - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

86- حجاب بهشتیان و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 1,2

1 - وجود حجاب و فاصله میان بهشتیان و دوزخیان

2 - مردانی بلند مرتبه (أصحاب اعراف) ، بر بلندای حجاب حایل بین دوزخیان و بهشتیان حضور خواهند داشت .

وینهما حجاب و علی الاعراف رجال

«عرف» به قسمتهای بالا و روین هر چیز بلند و مرتفع گفته می شود و جمع آن «اعراف» است. (لسان العرب). ال در «الاعراف» جانشین مضاف إليه است، یعنی: و علی اعراف الحجاب رجال.

ص: 442

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 15

15 - از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: «ان اطیب شیء فی الجنه و أذّه حب اللّٰه و الحب فی اللّٰه و الحمد لله قال اللّٰه عزوجل : «و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین» ...»

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و «حمد» برای خداست. خدای عزوجل فرمود: آخرین دعا [وگفتار] مؤمنان در بهشت «الحمد لله رب العالمین» است ...

87- خاطره گویی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 51 - 2,3

2 - بهشتیان با یادآوری خاطرات دنیایی خویش، در بزم بهشتی به گفتگو خواهند پرداخت.

قال قائل منهم إني كان لي قرين

3 - لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرات الطرف... قال قائل منهم إني

یادکرد خاطرات خود در دنیا، در آن بزم باشکوه و پر از ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

88- خداجویی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 33 - 6

6 - تقوایبشگان و ره جویان به بهشت، دارای قلبی خداجو و تائب

و أزلفت الجنّه للمتّقین... و جاء بقلب منیب

89- خواسته های بهشتیان

14 - از امام باقر (ع) روایت شده است: «... و إذا اراد المؤمن شيئاً أو اشتهى انما دعواه في ها إذا أراد، أن يقول: «سبحانك اللهم» فإذا قال ها تبادرت إليه الخدم بما اشتهى من غير ان يكون طلبه منهم أو أمر به وذلك قول الله عز و جل: «دعواهم في ها سبحانك اللهم و تحيتهم في ها سلام» یعنی الخدام قال: «و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمين» یعنی بذالك عند ما يقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب يحمدون الله عز و جل عند فراغتهم...»

... هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید:

«سبحانک اللهم». پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا «دعواهم فیها سبحانک اللهم». [و اینکه خدا می فرماید] «تحیتهم فیها سلام»؛ یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: «و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین»؛ یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن «الحمد لله رب العالمین» خدای عزوجل را حمد می گویند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 3

3- بهشتیان، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی ما اشتتھم أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 4

4- مؤمنان بهشتی، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتیبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیایید بگیرید) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 5

5- اندازه گیری و هندسه ظرف ها و جام های بهشتی و مقدار محتوای آنها، به سفارش و خواسته خود بهشتیان است .

قدروها تقدیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که فاعل «قدروا» خود ابرار باشد.

90- درخواست از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 32 - 7

7- «عن أبی عبد اللہ (ع) قال: . . . «یوم التناد» یوم ینادی أهل النار أهل الجنّه أن أفیضوا علینا من الماء أو ممّا رزقکم اللّٰه . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده فرمود: «یوم التناد» روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطا فرموده ما را مستفیض کنید...».

91- دستبند های طلایی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 3

ص: 444

3- دست بند های زرین طلا ، از جمله زینت های بهشتیان در بهشت است .

يحلّون فيها من أساور من ذهب

«سوار» به معنای «دست بند» است. جمع آن «اسوره» و جمع الجمع آن «أساوره» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 6

6 - مؤمنان در بهشت ، با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند .

يحلّون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

«لؤلؤ» به معنای مروارید و «أساور» (جمع «أسوره») معرّب دستواره و معادل دستبند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 4

4 - بهشتیان ، با دستبند های طلا ، مروارید ، آراسته خواهند شد .

يحلّون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

92- دستبندهای مروارید نشان بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 6

6 - مؤمنان در بهشت ، با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند .

يحلّون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

«لؤلؤ» به معنای مروارید و «أساور» (جمع «أسوره») معرّب دستواره و معادل دستبند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 4

4 - بهشتیان ، با دستبند های طلا ، مروارید ، آراسته خواهند شد .

يحلّون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

93- دستبندهای نقره ای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 5

5 - دستواره های سیمین ، از زینت های بهشتیان

و حلّوا أساور من فضّه

ص: 445

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 5,6

5- راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

6- قرار نگرفتن در کنار دوزخیان ستمگر، دعای رهروان بهشت به درگاه خداوند

و إذا صرفت... قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 1,3,8,14

1 - نیایش مؤمنان با خدا در بهشت

فی جنت النعیم. دعویهم فیها سبحانک اللّٰهم

3- ذکر « سبحانک اللّٰهم » سر فصل نیایش مؤمنان با خدا در بهشت

جنت النعیم. دعویهم فیها سبحانک اللّٰهم

8 - حمد و ستایش خدا، پایان بخش نیایش مؤمنان در بهشت

و آخر دعویهم أن الحمد لله رب العلمین

14 - از امام باقر (ع) روایت شده است: «... و إذا اراد المؤمن شیئاً أو اشتهی انما دعواه فیها إذا أراد، أن یقول: «سبحانک اللّٰهم» فإذا قالها تبادرت إلیه الخدم بما اشتهی من غیر ان یکون طلبه منهم أو أمر به و ذلك قول الله عز و جل: «دعواهم فیها سبحانک اللّٰهم و تحیتهم فیها سلام» یعنی الخدام قال: «و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین» یعنی بذالك عند ما یقضون من لذاتهم من الجماع و الطعام و الشراب یحمدون الله عز و جل عند فراغتهم...»

... هر گاه مؤمن [در بهشت] چیزی را اراده کرد یا بدان میل پیدا کرد، دعا [و گفتار] او در آن جا این است که می گوید: «سبحانک اللّٰهم». پس وقتی این ذکر را گفت، خادمان آنچه را او خواسته برایش حاضر می کنند بدون اینکه آن را طلبیده یا دستور داده باشد و این است معنای قول خدا «دعواهم فیها سبحانک اللّٰهم». [و اینکه خدا می فرماید] «تحیتهم فیها سلام»؛ یعنی، تحیت مؤمنان در بهشت، سلام خادمان بهشتی است. امام فرمود: «و آخر دعواهم أن الحمد لله رب العالمین»؛ یعنی، مؤمنان هنگامی که از لذت آمیزش و

خوردنیها و آشامیدنیها، بهره مند شدند، با گفتن «الحمد لله رب العالمین» خدای عزوجل را حمد می گویند ...

95- دلایل رضایت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 20 - 5

5- ایمان به قیامت و حساب رسی اعمال ، دلیل شادمانی و رضایت مندی مؤمنان بهشتی ، هنگام مشاهده نامه اعمال خویش است .

فیقول هاؤم اقرءوا کتبیه . اِنّی ظننت اَنّی ملق حسابیه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «اِنّی ظننت ..» در مقام تعلیل برای جمله «فیقول هاؤم ...» باشد.

ص: 446

96- دوری بهشتیان از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 1

1- بهشتیان ، در جایگاهی به دور از شنیدن صدای آهسته برخاسته از آتش دوزخ خواهند بود .

لایسمعون حسیسها

«حسیس» به معنای صدای آهسته است و مقصود از آن در آیه شریفه، صدایی است که از حرکت آتش دوزخ برمی خیزد.

97- رضایت از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 17

17 - از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمود: « إذا صار اهل الجنة فی الجنة . . . فبقول لهم تبارک و تعالی : رضای عنکم و محبتی لکم خیر و اعظم مما انتم فیه . . . ثم قرء علی بن الحسین هذه الآیه « وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الأنهار . . . و رضوان من الله اکبر . . . » ;

آن گاه که بهشتیان در بهشت قرار گیرند . . . خدای تبارک و تعالی به آنان می فرماید: رضایت و محبت من درباره شما بهتر و بزرگتر است از نعمتهای بهشتی که غرق در آن هستید. سپس امام (ع) این آیه را قرائت فرمود: خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرهایی از زیر درختانش جاری است . . . و رضایت و خشنودی خدا [از همه اینها] بزرگ تر است .».

98- رضایت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 119 - 9

9 - خداوند همواره خشنود از اهل بهشت می باشد و بهشتیان نیز همواره از خدا دلشادند .

رضی الله عنهم و رضوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 108 - 2

2- بهشتیان، از جایگاه خود، رضایت کامل داشته و هیچ تمایلی به جابه جایی از آن و یا تغییری در وضع موجود ندارند.

لایبغون عنها حوالاً

«بغی» به معنای «طلب» است. «بغی عنه» حاوی تضمین است؛ یعنی، از چیزی اعراض کرد و چیز دیگر به جای آن طلبد. «حول» مصدر و به معنای «تحول» (جابه جایی) است. بنابراین، «لایبغون عنها حوالاً» یعنی: «بهشتیان، طالب هیچ دگرگونی و تحوّل در وضع خود نیستند».

ص: 447

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 16 - 1

1 - تقوایشگان بهشتی ، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ءاخذین ما ءاتیهم ربهم

واژه «أخذ» در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می پذیرند؛ برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می چشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 5

5 - شادمانی و رضایت مندی کامل مؤمنان بهشتی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول هاؤم اقرءوا کتبه

99- رفاه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 48 - 5

5- متقین در بهشت ، در رفاه مادی و آسایش فکری کامل هستند .

إن المتقین فی جنّات و عیون . ادخلوها بسلم ءامنین ... علی سرر متقبلین . لایمسه

100- رفع اندوه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 2، 1

1 - سپاسگزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر برداشتن حزن و اندوه از ایشان

وقالوا الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن

2- بهشتیان ، در کمال آسودگی و به دور از هرگونه حزن و اندوه

وقالوا الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن

101- رنگ لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 4

4- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

يلبسون ثياباً خضراً من سندس

«سندس» به «پارچه دیبای نازک» گفته می شود نکره بودن واژه‌های «ثیباً» و «خضراً» و «سندس» دال بر تفخیم است،

ص: 448

از همین رو، در برداشت، قید «کمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 2

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثیاب سندس خضر و استبرق

102- روابط بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 10

10- بهشتیان در بهشت، روابط حسنه و سرشار از محبت با یکدیگر خواهند داشت.

تحیتهم فیها سلم

اینکه خداوند می فرماید «تحیت مؤمنان در بهشت سلام گفتن و یا درخواست سلامتی برای یکدیگر است» حکایت از روابط خوب آنان می کند.

103- روزی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 25 - 8,9

8 - میوه درختان بهشت از روزی های بهشتیان

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً

«رزقاً» به معنای روزی است و مفعول دوم برای «رزقوا» می باشد. ضمیر در «منها» به «جنات» بر می گردد و «من ثمره» به منزله بیان برای «منها» است.

9 - روزی اهل بهشت، نتیجه و تجسم عقاید صحیح و اعمال صالحشان است.

کلما رزقوا منها من ثمره رزقاً قالوا هذا الذی رزقنا من قبل

برداشت فوق بر این اساس است که: مراد از «من قبل» دنیا باشد. بر این مبنا، جمله «هذا الذی...» دلالت می کند که روزیهای بهشت همان است که در دنیا به اهل ایمان داده شده بود. در توجیه این معنا (عینیت روزی بهشت با روزی دنیا) می توان گفت، مقصود آن است که: نعمتهای بهشت تجسم همان اعمال و عقاید اهل ایمان در دنیا است. روشن است که بر این مبنا، مراد از «الذی رزقنا» ایمان و عمل صالح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 5,6

5- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیئاً

ص: 449

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای «عشی» نظریات گوناگونی ابراز شده است؛ از جمله: «بین ظهر تا غروب» و «آخر روز» (مصباح).

6- بهشتیان، همواره از نعمت های بهشتی و ارزاق آن بهره مند خواهند بود.

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًا

«صبح و عصر» می تواند کنایه از تمام وقت باشد.

104- روش برخورد بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 23 - 10

10- بهشتیان در بهشت، روابط حسنه و سرشار از محبت با یکدیگر خواهند داشت.

تحیتهم فیها سلم

اینکه خداوند می فرماید «تحیت مؤمنان در بهشت سلام گفتن و یا درخواست سلامتی برای یکدیگر است» حکایت از روابط خوب آنان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 11

11 - درود و سلام، سخن اهل بهشت به هنگام روبه رو شدن با یکدیگر

و یلقون فیها تحیه و سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که گوینده درود و سلام به یکدیگر خود خود اهل بهشت باشند.

105- زمینه آرامش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 7

7 - آسایش خاطر بهشتیان، در پرتو اطمینان از زوال ناپذیری نعمت ها

ادخلوها بسلم ذلک يوم الخلود

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذلک يوم..» در مقام تعلیل برای «ادخلوها بسلام» باشد؛ یعنی، چون در بهشت جاودانه اید، دیگر مجال هیچ اندوه ندارید و خاطرتان آسوده باد.

106- زندگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 2

ص: 450

2- زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 58 - 2، 1

1 - شگفتی بهشتیان ، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

استفهام در «أفما..» از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

2- بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

107- زیبایی لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 7

7- بهشتیان ، به هنگام تکیه زدن بر تخت های خود ، لباس های فاخر دیبا بر تن دارند .

و یلبسون ثیاباً خضرًا من سندس و إستبرق متکین فیها علی الأرائک

108- زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 4

4- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیاباً خضرًا من سندس

«سندس» به «پارچه دیبای نازک» گفته می شود نکره بودن واژه‌های «ثیاباً» و «خضراً» و «سندس» دال بر تقخیم است، از همین رو، در برداشت، قید «کمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

109- زینتهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 3

ص: 451

3- دست بند های زرین طلا ، از جمله زینت های بهشتیان در بهشت است .

يحلّون فيها من أساور من ذهب

«سوار» به معنای «دست بند» است. جمع آن «اسوره» و جمع الجمع آن «أساوره» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 6

6 - مؤمنان در بهشت ، با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند .

يحلّون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

«لؤلؤ» به معنای مروارید و «أساور» (جمع «اسوره») معرّب دستواره و معادل دستبند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 4,5

4 - بهشتیان ، با دستبند های طلا ، مروارید ، آراسته خواهند شد .

يحلّون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

5 - طلا ، مروارید ، بهترین وسایل زینت در بهشت

يحلّون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که آیه شریفه در مقام بر شمردن وسایل زینت بهشتیان می باشد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این وسایل، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 4,5

4 - دستواره های سیمین ، زینت ابرار در بهشت

و حلّوا أساور من فضّه

«سوار» (مفرد «أساور») به معنای دستواره است.

5 - دستواره های سیمین ، از زینت های بهشتیان

و حلّوا أساور من فضّه

110- سرزنشهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 44 - 3

3 - بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جو یای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادى .. فهل وجدتم ما وعد ربكم حقاً

ص: 452

111- سرگرمی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ

جمله «هم و أزواجهم...» استتلاف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «آریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

112- سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 55 - 2، 1

1 - بهشتیان ، در ناز و نعمت و خوشی و شادمانی وصف ناپذیر غوطه‌ور خواهند بود .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ

«شغل» به معنای شأن و کار اصلی است که انسان را از دیگر کارها بازداشته و به خود مشغول کرده است. گفتنی است که تنکیر آن می تواند برای تعظیم باشد؛ یعنی، مشغله ای که کنه و عمق آن ناشناخته و وصف ناپذیر است.

2 - بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ

«فاکھون» از «فکاهه» گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده، «فاکھون» خیر دوم برای «این» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 50 - 1

1 - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود رو به بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبّلین... و عندهم قصرات الطرف عین ... فأقبل بعضهم عل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 3

3 - شادمانی و عیش بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إنّ المتّقین .. فکھین بما آتاهم ربّهم

113- سلام بر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 453

12- « عن أبي جعفر (ع) قال : سألت علي (ع) رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . فقال : لماذا بنيت هذه الغرف (في الجنة) يا رسول الله ؟ فقال : يا علي تلك غرف بناها الله لأولياته . . . فإذا دخل المؤمن إلى منزله في الجنة . . . فإذا استقرت لولي الله منزله في الجنة . . . يبعث الله ألف ملك يهتونه بالجنة . . . فينتهون إلى أول باب من جنانه فيقولون للملك الموكل . . . إستانذن لنا على ولي الله . . . فيأذن لهم فيدخلون على ولي الله وهو في الغرفة ولها ألف باب . . . فيدخل كل ملك من باب من أبواب الغرفة فيبلغونه رساله الجبار وذلك قول الله : « والملائكة يدخلون عليهم من كل باب » ؛ يعنى : من أبواب الغرفة « سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار » . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی - علیه السلام - از رسول الله(صلى الله عليه وآله) پرسید: ای رسول خدا! چرا این غرفه ها [در بهشت] ساخته شده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی اند که خداوند آنها را برای دوستانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار فرشته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می دهد و بر ولیّ خدا وارد می شوند، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رساند و این است گفته خداوند: و الملائكة يدخلون عليهم من كل باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند]: سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 2,7

2- فرشتگان از هر سو بر بهشتیان وارد می شوند و بر آنان سلام می کنند .

والملائكة يدخلون عليهم من كل باب. سلم عليكم

7- « قال [أبو عبد الله (ع)] : إن طائفة من الملائكة عابوا ولد آدم في اللذات والشهوات . . . فإذا كان يوم القيامة وصار أهل الجنة في الجنة ، إستانذن أولئك الملائكة على أهل الجنة فيؤذن لهم فيدخلون عليهم فيسلمون عليهم ويقولون لهم : « سلام عليكم بما صبرتم » في الدنيا عن اللذات والشهوات الحلال ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جوئی می کردند . . . پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 58 - 1,5

1 - بهشتیان ، سلام و تحیتی با عظمت از جانب پروردگار بزرگ دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که «سلام» مبتدا و خبر آن، فعل محذوف باشد. و «قولاً» مفعول مطلق و نایب آن خبر محذوف باشد. در این صورت، تقدیر آن چنین می شود: «سلام یقال لهم قولاً من ربّ...». گفتنی است تنکیر «سلام» و «ربّ» برای تعظیم است.

5 - سلام و تحیت خداوند به بهشتیان ، برخاسته از ربوبیت و مهربانی او به خلق است .

سلم قولاً من ربّ رحیم

ص: 454

برداشت یاد شده، از بیان دو صفتِ «رَبِّ» و «رحیم» برای خداوند (در این آیه شریفه) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 9

9 - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقواییشان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 4

4 - استقبال فرشتگان از بهشتیان ، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلم

بنابراین که قائل «ادخلوها» فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

114- سلام به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 9

9- بر مؤمنان دارای عمل صالح در بهشت ، درود و سلام فرستاده می شود .

تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که اضافه «تحیت» به «هم» اضافه مصدر به مفعول باشد. طبق این احتمال معنای عبارت چنین می شود:

تحیت گفتن به آنان در بهشت با «سلام» است.

115- سلام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 6

6 - (سلام) کلمه تحیت و درود بهشتیان به هنگام دیدار یکدیگر است .

و تحیتهم فیها سلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 8

8- درود و تحیت بهشتیان به یکدیگر در بهشت ، با لفظ « سلام » است .

تحیتهم فیها سلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 11

ص: 455

11 - درود و سلام ، سخن اهل بهشت به هنگام رویه رو شدن با یکدیگر

و يَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که گوینده درود و سلام به یکدیگر خود خود اهل بهشت باشند.

116- سلامتی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 7

7 - بهره مندی از سلامتی مطلق ، تحیت و عطیه خداوند به اهل بهشت

و تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «هم» در «تحیتهم» مفعول و فاعل آن، ضمیر عاید به (الله) باشد؛ یعنی، تحیت خدا به اهل بهشت، اعطای سلامتی مطلق به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 4,9

4- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یاوه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لا یسمعون فیها لغواً إلاّ سلماً

استثنا در «إلاّ سلماً» منقطع است؛ یعنی، «لکن یسمعون سلماً» و یا «کلاماً سالماً». برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: «سلام» - که دعای به سلامتی از آفات است - برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد؛ زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

9- امنیت و سلامت روح و جسم ، ره آورد ورود به بهشت

لا یسمعون فیها لغواً إلاّ سلماً و لهم رزقهم فیها

در این آیه، دو نوع تأمین برای بهشتیان مطرح شده است: 1- امنیت روحی به جهت آن که سخن ها، همه سلام و ایمنی بخش است؛ 2- امنیت جسمی که با تأمین نیازهای جسمی حاصل است.

117- سوگند بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 14

14 - بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 56 - 3

3 - سوگند مؤکد بهشتیان برای هم نشینان دوزخی خود ، مبنی بر تلاش آنان در جهت هلاکت مؤمنان و معتقدان به معاد در دنیا

ص: 456

قال تالله إن كدت لتردين

«ارداء» (مصدر «تردين») به معنای نابودکردن است.

118- شام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 5

5- بهشتیان، دارای روزی ویژه، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بكرة و عشیاً

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای «عشی» نظریات گوناگونی ابراز شده است؛ از جمله: «بین ظهر تا غروب» و «آخر روز» (مصباح).

119- شکر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 9

9- بهشتیان پس از ورود به بهشت و مشاهده مواهب آن، خداوند را به خاطر هدایت شدن و نیلشان به بهشت، سپاس می گویند.

و قالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا

120- شکرگزاری بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 9، 1

1- سپاسگزاری بهشتیان از خداوند، به خاطر برداشتن حزن و اندوه از ایشان

و قالوا الحمد لله الذی أذهب عنا الحزن

9- سپاسگزاری بهشتیان از خداوند، به خاطر آمرزش خطاهای آنان و قدردانی از کارهای نیکشان

و قالوا الحمد لله .. . إن ربنا لغفور شکور

جمله «إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 35 - 1

1 - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر وارد کردن آنان به سرای همیشگی

الحمد لله .. الذى أحلنا دار المقامه

ص: 457

121- شکوه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 4

4- شکوه، جلال، آسایش و تنعم، جملگی جمع در بهشت خائفان از مقام پروردگار

و لمن خاف مقام... متکین علی فرش... و جنی الجنتین دان

122- صبحانه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 5

5- بهشتیان، دارای روزی ویژه، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیًا

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای «عشی» نظریات گوناگونی ابراز شده است؛ از جمله: «بین ظهر تا غروب» و «آخر روز» (مصباح).

123- صبر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 7

7- «قال [أبو عبد الله (ع)]: إن طائفه من الملائكة عابوا ولد آدم في اللذات والشهوات... فإذا كان يوم القيامة وصار أهل الجنة في الجنة، إستأذن أولئك الملائكة على أهل الجنة فيؤذن لهم فيدخلون عليهم فيسلمون عليهم ويقولون لهم: «سلام عليكم بما صبرتم» في الدنيا عن اللذات والشهوات الحلال؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند... پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید».

124- صفات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 13

ص: 458

13 - عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

وقالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 5

5- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای «عشی» نظریات گوناگونی ابراز شده است؛ از جمله: «بین ظهر تا غروب» و «آخر روز» (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 22 - 1

1 - وجود غریزه و تمایل جنسی در میان بهشتیان

و حور عین

125- صلح بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 2

2 - زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

ونزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

126- صمیمیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

ص: 459

127- ضخامت لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 5

5- تن پوش هایی فاخر و ضخیم، فراهم آمده از حریر سبز، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است.

و یلبسون ثيابًا خضرًا من سندس و استبرق

کلمه «استبرق» معرب «استبر» فارسی است. و به معنای «دیبای ضخیم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 2

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستر، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

128- ظرافت لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 2

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستر، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

129- عجز از رؤیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 1, 2

1 - طاغیان و دوزخیان، در جهنم از دیدن بهشتیان ناتوان خواهند بود.

وقالوا ما لنا لانرى رجالاً کنا نعدّهم من الأشرار

مقصود از «رجال» در آیه شریفه، مؤمنان و تقوایندگان اند که در بهشت جای دارند.

2 - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

وقالوا ما لنا لانی رجلاً کتّا نعدّهم من الأشرار

استفهام در «ما لنا..» برای تعجب و تحسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 63 - 2

2 - طاغیان در دوزخ ، خود را از دیدن بهشتیان و مؤمنان ناتوان خواهند دید .

أم زاغت عنهم الأبصر

ص: 460

عدم تساوی جهنمیان با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 20 - 1

1 - نابرابری، فرجام اخروی دوزخیان و بهشتیان

لايستوى أصحاب النار و أصحاب الجنة

130- عزت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 35 - 3

3 - مؤمنان بهشتی، در اوج عزت و احترام به سر می برند.

أولئك في جنّات مكرمون

131- عطایای خدا به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 7

7 - بهره مندی از سلامتی مطلق، تحیت و عطیه خداوند به اهل بهشت

و تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «هم» در «تحیتهم» مفعول و فاعل آن، ضمیر عاید به (الله) باشد؛ یعنی، تحیت خدا به اهل بهشت، اعطای سلامتی مطلق به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 16 - 2, 1

1 - تقوایشگان بهشتی، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ءاخذین ما ءاتینهم ربّهم

واژه «أخذ» در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می‌رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می‌پذیرند؛ برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می‌چشند.

2 - عطایای خداوند به اهل بهشت، جلوه‌ای از ربوبیت و پروردگاری او

ءاتیهم ربهم

132- علاقه به رؤیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 4

ص: 461

4- طاغیان و دوزخیان ، مشتاق دیدن مؤمنان و مطلع گشتن از سرنوشت آنان هستند .

وقالوا ما لنا لانی رجلاً

133- علم بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 55 - 1

1- اطلاع یافتن بهشتیان ، از سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خویش در قیامت

إنی کان لی قرین . . . قال هل أنتم مطلعون . فاطلع

«فا» در فاطلع» فصیحه و عطف بر جمله مقدر است که تقدیر آن چنین می باشد: «هل أنتم مطلعون حتی اطلع أنا أيضاً فاطلعوا و اطلع هو بعد ذلك؛ آیا شما اطلاع دارید تا من هم مطلع شوم؟ پس اطلاع یافتند و سپس او نیز اطلاع یافت».

134- عمل بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 1

1 - خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

ونزعنا ما فی صدورهم من غل

«غل» به معنای کینه است.

135- عمل خیر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 9

9- سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر آموزش خطا های آنان و قدردانی از کار های نیکشان

وقالوا الحمد لله . . . إن ربنا لغفور شكور

جمله «إن ربنا لغفور شكور» بیان دیگری از فلسفه سپاس گزاری از خداوند است.

136- عوامل آرامش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 6 - 4

4- نمایاندن جایگاه بهشتیان به آنان، زداینده نگرانی ها از خاطر ایشان *

و یصلح بالهم... عرفها لهم

ص: 462

ارتباط «یصلح بالهم» با «عزفها لهم» ممکن است این گونه باشد که خداوند، با شناساندن جایگاه بهشتیان به آنان پس از شهادتشان، به همه نگرانی های آنان پایان داده و قلبشان را آرامش بخشیده و امورشان را اصلاح کرده باشد.

137- عوامل سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 58 - 2

2- بهشتیان، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 59 - 2

2- سرور و شادمانی بهشتیان، از نمردن و جاودانه زیستن و نیز رهایی از عذاب الهی در آخرت

إلّا موتنا الأولى و ما نحن بمعذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 7

7- بهشتیان، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش، به خاطر رهایی از دوزخ

فکھین بما ءاتیهم ربهم و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 23 - 2

2- سرخوشی بهشتیان در مجالس انس، با ربودن جام های شراب از دست یکدیگر

یتزعون فیها کأسًا

138- عوامل لذایذ اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بهشت و نعمت های گسترده آن ، مایه بهره‌وری و لذت کامل بهشتیان - و نه مانند امکانات محدود و ناقص دنیوی - *

فکھین بما ءاتھم ربہم

ممکن است که «فاکھین»، تعریض به امکانات دنیا داشته باشد که معمولاً بشر قادر به بهره‌وری کامل از آنها نیست و لذت آن، آمیخته با محرومیت‌ها است.

ص: 463

139- غذای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 51 - 5

5 - میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

یدعون فیها بفقکه کثیره

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها، از میان دیگر غذاها و خوراکی های درخواستی بهشتیان، برداشت یاد شده به دست می آید.

140- فراموشی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 15

15 - امتنان الهی بر مؤمنان بهشتی ، با زدودن یاد تلخ لغزش های دنیوی از خاطره آنان *

و یکفر عنهم سیئاتهم

با توجه به این که مسأله تکفیر سیئات پس از ورود مؤمنان به بهشت مطرح شده است - در حالی که رتبه تکفیر، قبل از مرحله ورود به بهشت است - احتمال می رود که مراد از تکفیر در این جا، بخشش گناهان نباشد؛ بلکه پوشاندن گناهان مورد نظر باشد؛ به گونه ای که بهشتیان دیگر از آن پس، با به یاد آوردن لغزش های گذشته شرمنده و مکدر نشوند.

141- فرجام اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 20 - 1

1 - نابرابری ، فرجام اخروی دوزخیان و بهشتیان

لا یستوی أصحاب النار و أصحاب الجنة

142- فرزندان بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 5

5- پدران ، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

ص: 464

143- فضایل بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 14 - 8

8 - همنشینی و مؤانست بهشتیان در بهشت و تنهایی جهنمیان در جهنم *

خالدین فیها .. خالداً فیها

جمع آوردن «خالدین» برای بهشتیان و مفرد بودن «خالداً» برای جهنمیان، می تواند گویای مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 57 - 6

6 - همسران اهل بهشت ، همواره پاکیزه و منزّه از هر گونه آلودگی

و الذین امنوا .. لهم فیها ازواج مطّهّره

«مطّهّره» به کسی گفته می شود که از نظر جسمی و روحی پاک و منزّه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 6

6- بهشتیان ، همواره از نعمت های بهشتی و ارزاق آن بهره مند خواهند بود .

و لهم رزقهم فیها بکره و عشیّاً

«صبح و عصر» می تواند کنایه از تمام وقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 3

3- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی ما اشتتھم أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- بهشتیان و مؤمنان راستین ، از ناله و اندوه بزرگ قیامت در امان بوده و غمگین نخواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ ... لَا يُحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ

«فزع» به معنای انقباض و گرفتگی ناشی از شیء ترسناک و از جنس «جزع» (ناله و افغان) است (مفردات راغب).

3- بهشتیان و مؤمنان راستین ، به هنگام برپایی قیامت مورد استقبال فرشتگان قرار خواهند گرفت .

وَتَتَلَقِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 58 - 1,6,7

1 - بهشتیان ، سلام و تحیتی با عظمت از جانب پروردگار بزرگ دریافت خواهند کرد .

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که «سلام» مبتدا و خبر آن، فعل محذوف باشد. و «قولاً» مفعول مطلق و نایبِ

ص: 465

آن خبرِ محذوف باشد. در این صورت، تقدیرِ آن چنین می شود: «سلام یقال لهم قولاً من ربّ...». گفتنی است تنکیرِ «سلام» و «ربّ» برای تعظیم است.

6 - خداوند ، با بهشتیان سخن خواهد گفت .

سلم قولاً من ربّ رحیم

7 - بهشتیان ، مورد تکریم و عنایت ویژه پروردگارانند .

سلم قولاً من ربّ رحیم

سخن گفتن خداوند با بهشتیان و دریافت سلام و تحیت بزرگ از جانب او، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 50 - 1

1 - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود رو به بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرات الطرف عین ... فأقبل بعضهم عل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 62 - 4

4 - بهشتیان ، مهمانان خدا در بهشت

أذلك خیر نزلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 17

17 - پاداش الهی به بهشتیان ، فراوان و توصیف ناپذیر است .

والذین ءامنوا .. ذلك هو الفضل الكبير

بنابراین که «ذلك» اشاره به مجموعه های نعمت های بهشتیان داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 2

2 - خوردن و آشامیدن بهشتیان ، همراه با پیام « گوارا باد » به ایشان

كلوا و اشربوا هنيئاً

جمله «كلوا و اشربوا» مقول قول محذوف است؛ یعنی، «يقال لهم كلوا.. هنيئاً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 3

3 - همسران زیبا ، نمود لطف الهی به بهشتیان

وزوجنهم بحور عین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 11 - 1,2

ص: 466

1 - بهشتیان ، هیچ گونه صدا و سخن بیهوده ای در بهشت برین نمی شنوند .

لاتسمع فیها لغیه

«کلام لغو»؛ یعنی، آنچه قابل اعتنا نیست و بدون تأمل و اندیشه گفته شده است (مفردات راغب) و کلمه «لاغیه»؛ یعنی، سخن زشت (قاموس) گفتنی است که «لاغیه» اسم فاعل و وصفی مناسب با گوینده سخن است. توصیف سخن به وصفی که مخصوص گوینده آن است، بر مبالغه دلالت دارد؛ یعنی، سخنی که حتی اندکی از «لغو» را پدید آورد، به گوش بهشتیان نخواهد خورد.

2 - اهل بهشت ، هیچ گونه سخن لغو و بیهوده ای در آن جا نمی گویند .

فی جَنَّةٍ . . . لاتسمع فیها لغیه

شنیده نشدن «لغو»، نشانه نبودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 12 - 3

3 - چشمه های جاری در بهشت ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه . . . فیها عین جاریه

کلمه «عین» اسم جنس نکره و قابل تطبیق بر یک یا چند چشمه می باشد. آیاتی که بهشت را به داشتن چشمه هایی متعدد توصیف کرده است، می تواند قرینه بر اراده تعدد در این آیه نیز باشد. ارتباط این آیه با «ناعمه» در آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 13 - 2

2 - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه . . . فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

144- فلسفه عجز از رؤیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 62 - 3

3 - طاغیان و دوزخیان، در جستجوی علل و چرایی ناتوانی شان از دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

وقالوا ما لنا لانی رجلاً

لام در «لنا» متضمن معنای علت است و «ما لنا..»؛ یعنی، به چه علت ما نمی توانیم مؤمنان را ببینیم؟ به سخن دیگر مقصود آیه شریفه، این نکته است که دوزخیان از علل و چرایی ناتوانی شان از دید بهشتیان پرسش می کنند؛ نه از خود دیدن.

ص: 467

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هم و أزوجهم فی ظلل علی الأرائك متکئون

جمله «هم و أزواجهم...» استتلاف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 51 - 2، 1

1 - گفتگوی بهشتیان با یکدیگر ، درباره هم نشینان خود در دنیا در بزم بهشتی

قال قائل منهم إني كان لي قرين

2 - بهشتیان با یادآوری خاطرات دنیایی خویش ، در بزم بهشتی به گفتگو خواهند پرداخت .

قال قائل منهم إني كان لي قرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 25 - 2، 1

1 - گفت و گوی بهشتیان و پرسش آنان از احوال یکدیگر

و أقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

2 - پرسش بهشتیان از یکدیگر ، درباره چگونگی راهیابی شان به بهشت

و أقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

از آنچه در آیه بعد آمده است، محتوای سؤال - به گونه ای که یاد شد - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 26 - 2

2 - مکالمات در بهشت پیشتازان ، همراه با درود و تحیت پی درپی است ; نه آمیخته با لغو و نسبت های ناروا .

لا یسمعون فیها لغواً .. إلا قیلاً سلماً سلماً

کلمه «سلاماً» می تواند بدل برای «قلیلاً» باشد. گفتنی است که تکرار «سلاماً»، برای بیان تعاقب و پی درپی بودن است; یعنی، «سلاماً اثر سلام» (درود پی درپی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 35 - 5

5 - گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از هرگونه سخن زشت و بیهوده است .

لا یسمعون فیها لغواً

ص: 468

146- گفتگوی بهشتیان با جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 50 - 4

4- دوزخیان ، از داخل جهنم ، توانا بر گفتگو با بهشتیان و بهشتیان نیز قادر بر سخن گفتن با دوزخیان هستند .

و نادى اصحاب النار اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 56 - 1,2

1 - سخن گفتن بهشتیان با هم نشینان کافر دنیایی خویش ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فى سواء الجحيم . قال تالله ان كدت

2- امکان برقراری ارتباط و سخن گفتن بهشتیان با دوزخیان ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فى سواء الجحيم . قال تالله ان كدت

147- گفتگوی جهنمیان با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 50 - 4

4- دوزخیان ، از داخل جهنم ، توانا بر گفتگو با بهشتیان و بهشتیان نیز قادر بر سخن گفتن با دوزخیان هستند .

و نادى اصحاب النار اصحاب الجنة

148- گفتگوی خدا با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 58 - 6

6- خداوند ، با بهشتیان سخن خواهد گفت .

سلم قولاً من رب رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 73 - 4

4 - سخن گفتن مستقیم و بیواسطه خداوند با بهشتیان در آخرت ، نشانه تکریم آنان از سوی خداوند

یعباد... ادخلوا الجنة... لکم فیها فکھه

ص: 469

149- گوارا باد به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 2

2- خوردن و آشامیدن بهشتیان ، همراه با پیام « گوارا باد » به ایشان

کلوا و اشربوا هنیءاً

جمله «کلوا و اشربوا» مقول قول محذوف است؛ یعنی، «یقال لهم کلوا.. هنیئاً».

150- لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 53 - 2

2- انسان در بهشت ، دارای جامه و پوشش

یلبسون من سندس و استبرق

151- لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 5

5- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثیاباً خضرًا من سندس و استبرق

کلمه «استبرق» معرب «استبر» فارسی است. و به معنای «دیبای ضخیم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 23 - 7

7- پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 6

6 - لباس بهشتیان از حریر است .

و لباسهم فیها حریر

152- لباس رسمی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 470

4- پوشاك هايي به رنگ سبز ، فراهم آمده از حرير و در كمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمي بهشتيان است .

يلبسون ثياباً خضرًا من سندس

«سندس» به «پارچه ديپاي نازك» گفته مي شود نكره بودن واژه‌هاي «ثياباً» و «خضرًا» و «سندس» دال بر تفخيم است، از همين رو، در برداشت، قيد «كمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نيز بدان جهت كه اهل بهشت، هرگونه لباس كه بخواهند، فراهم است، از اين لباس، به عنوان لباس ويژه و رسمي ياد گرديده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - جامه هاي سبز رنگ از حرير نازك و ستبر ، از لباس هاي فاخر و رسمي بهشتيان

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

153- لذائذ اخروي بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - تمامي زيبايي ها و لذت هاي مورد تمايل اهل تقوا ، آماده براي آنان در بهشت

وفيها ما تشتهيہ الأنفس و تلذذ الأعين

154- لذائذ بهشتيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بهشتيان ، در فضايي سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخي و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إن أصحاب الجنة اليوم في شغل فكهون

«فاكهون» از «فكاهه» گرفته شده كه به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوي مسرت آميز است. گفتني است در برداشت ياد شده، «فاكهون» خبر دوم براي «إن» گرفته شده است.

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكئونَ

جمله «هم و أزواجهم...» استتلاف بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 51 - 3

3 - لذت بخش بودن یاد خاطرات دنیوی، در بزم بهشتی برای بهشتیان

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرت الطرف... قال قائل منهم إئی

یادکرد خاطرات خود در دنیا، در آن بزم باشکوه و پر از ناز و نعمت، گویای این حقیقت است که یاد چنین خاطراتی، خود لذت بخش و طراوت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 15 - 3

3 - لذت بخش بودن استفاده از ظرف های سیمین و بلورین، برای بهشتیان

و یطاف علیهم بانیه من فضّه و أکواب کانت قواریرا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه در مقام بیان نعمت ها و لذت های بهشتی است.

155- لذت طلبی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 9

9 - بهشتیان، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

متکین علی فرش... فیهنّ قصرت الطرف

از این که خداوند به وجود حوریان بشارت داده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 74 - 4

4 - بهشتیان، دارای تمایلات جنسی و حس لذت جویی

لم یطمئننّ إنس قبلهم ولا جانّ

156- مجلس انس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 53 - 4

4- تقوایبشگان در بهشت ، دارای دیدار ها و نشست های دوستانه و محافل انس

متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 5

ص: 472

5- یاد نعمت ها و تعظیم عطایای خداوند ، نقل مجلس انس متقین ، در بهشت *

فکھین بما ءاتیہم ربہم

در معنای «فاکھین» گفت و گوهای دوستانه در مجالس انس آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 1

1 - بهشتیان ، دارای مجالس انس و تکیه زده بر تخت های چیده شده در کنار هم

متکین علی سرر مصفوفه

«اتکاء» (مصدر «متکین») به معنای تکیه زدن و «سُرر» (جمع «سریر») به معنای تخت ها است. «مصفوفه» (صفت «سُرر»؛ یعنی، چیده شده در کنار هم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 23 - 2

2- سرخوشی بهشتیان در مجالس انس ، با ربودن جام های شراب از دست یکدیگر

یتزعون فیہا کأسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 28 - 5

5- ستایش تقوایبندگان از نیکی های خداوند ، در مجالس انس خویش در بهشت

یتساءلون .. . إنَّه هو البرّ الرحیم

157- محبت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 10

10- بهشتیان در بهشت ، روابط حسنه و سرشار از محبت با یکدیگر خواهند داشت .

تحیتهم فیها سلم

اینکه خداوند می فرماید «تحیت مؤمنان در بهشت سلام گفتن و یا درخواست سلامتی برای یکدیگر است» حکایت از روابط خوب آنان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 50 - 2

2 - مجلس انس و به پرس و جو نشستن ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فأقبل بعضهم علی بعض يتساءلون

ص: 473

158- مدت زندگی دنیوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 112 - 4

4 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إنَّ الله إذا أدخل أهل الجنة النار قال لأهل الجنة: « كم لبثتم في الأرض عدد سنين؟ قالوا: لبثنا يوماً أو بعض يوم قال لنعم ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم رحمتي ورضواني و جنتي أسكنوا في ها خالدین مخلدین ثم يقول: يا أهل النار « كم لبثتم في الأرض عدد سنين قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم » فيقول: بس ما اتجرتم في يوم أو بعض يوم ناری و سخطی أمکتوا فیها خالدین ;

رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید «کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟» و آنان جواب می دهند: «لبثنا يوماً أو بعض يوم». خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش «کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟» و آنان جواب می دهند: «لبثنا يوماً أو بعض يوم». پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید».

159- مراتب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 75 - 4

4- اهل بهشت از درجات و مراتب مختلف ، برخوردارند .

لهم الدرجت العلی

ذکر «الدرجات» به صورت جمع، از کثرت و تعدد درجات و تفاوت آنها با یکدیگر حکایت دارد؛ زیرا اگر همه در یک رتبه بودند صیغه مفرد نیز برای افاده آن کافی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 19 - 2

2- وجود تفاوت درجات ، در بهشت برای مؤمنان و در دوزخ برای کافران *

و لكلّ درجات مّا عملوا

برداشت بالا- بنابراین است که «لکلّ» به معنای هر یک از مؤمنان و هر یک از کافران باشد که در آیات پیشین به عنوان «مسلم» و «منکر

معاد» از آنان یاد شد.

160- مَرَبِيْ بَهْشْتِيَان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 4

4- بهشت ، جلوه ربوبیت خداوند ، در حق تقوایندگان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ ... ءَاتِيهِمْ رَبُّهُمْ

ص: 474

مطرح ساختن ربوبیت خداوند، در مقام اعطای بهشت به پرهیزکاران و نیز اضافه «رب» به «هم»، مطلب بالا را افاده می کند.

161- مزاج بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 55 - 2

2- بهشتیان ، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُون

«فاکھون» از «فکاهه» گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتوگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده، «فاکھون» خبر دوم برای «إِنَّ» گرفته شده است.

162- مصونیت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 103 - 1

1- بهشتیان و مؤمنان راستین ، از ناله و اندوه بزرگ قیامت در امان بوده و غمگین نخواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ . . . لَا يُحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ

«فزع» به معنای انقباض و گرفتگی ناشی از شیء ترسناک و از جنس «جزع» (ناله و افغان) است (مفردات راغب).

163- مقامات اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 24 - 1

1 - اهل بهشت در روز قیامت ، دارای برترین جایگاه و نیکوترین بستر برای استراحت

أَصْحَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا

«مقیلاً» اسم مکان از ماده «قیلوله» است و «قیلوله» به معنای استراحت میان روز می باشد و مقصود از آن در آیه شریفه، مطلق آسایشگاه و محل استراحت؛ یعنی، بهشت است.

164- مقامات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 43 - 7

7 - جایگاه رفیع بهشتیان ، مشرف بر نهرهایی جاری

ص: 475

تجری من تحتهم الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 9

9 - بهشتیان در آستانه ورود به بهشت در عین امید به حضور در آن جایگاه رفیع ، نگران از تغییر سرنوشت خویشند .

لم یدخلوها و هم یطمعون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر فاعلی در «لم یدخلوها» و «یطمعون» به أصحاب الجنه، برگردانده شود. بر این مبنا جمله «لم یدخلوها» حال برای «أصحاب الجنه» است. گفتنی است «یطمعون» (امید دارند) اشاره به نگرانی آنان دارد که مبادا از ورود به بهشت منع گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 75 - 4

4 - اهل بهشت از درجات و مراتبی مختلف ، برخوردارند .

لهم الدرجت العلی

ذکر «الدرجات» به صورت جمع، از کثرت و تعدد درجات و تفاوت آنها با یکدیگر حکایت دارد؛ زیرا اگر همه در یک رتبه بودند صیغه مفرد نیز برای افاده آن کافی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 103 - 4

4- بهشتیان و مؤمنان راستین ، برخوردار از مقام و منزلتی والا در روز رستاخیز

و تتلقیهم الملائکه

استقبال فرشتگان از مؤمنان و بهشتیان، حاکی از منزلت و مقام والای آنان است.

165- ملاقات ملائکه با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 1

1- دیدار فرشتگان با اهل بهشت و سخن گفتن آنان با ایشان

والملائکه یدخلون علیهم . . . سلم علیکم

166- منابع تغذیه بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 57 - 2

2- میوه ها ، از غذا های اصلی بهشتیان است .

لهم فیها فکھه

ص: 476

از اختصاص به ذکر یافتن میوه ها از میان دیگر غذاها و خوراکی ها، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

167- منت بر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 15

15 - امتنان الهی بر مؤمنان بهشتی ، با زدودن یاد تلخ لغزش های دنیوی از خاطره آنان *

و یكفر عنهم سیئاتهم

با توجه به این که مسأله تکفیر سیئات پس از ورود مؤمنان به بهشت مطرح شده است - در حالی که رتبه تکفیر، قبل از مرحله ورود به بهشت است - احتمال می رود که مراد از تکفیر در این جا، بخشش گناهان نباشد؛ بلکه پوشاندن گناهان مورد نظر باشد؛ به گونه ای که بهشتیان دیگر از آن پس، با به یاد آوردن لغزش های گذشته شرمنده و مکدر نشوند.

168- منشأ پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 36 - 5

5 - پاداش های بهشتیان ، عطا و تفضل خداوند است .

عطاء

«عطاء» اسم مصدر و به معنای پرداختن و نیز به معنای چیزی است که به دیگری پرداخته می شود. راغب در «مفردات» می گوید: «این کلمه به جایزه و بخشش اختصاص یافته است».

169- منشأ جاودانگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 109 - 8

8- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها .. قل لو كان البحر مدادا لکلمت ربی لنفد البحر

170- منشأ نجات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 57 - 1

1 - بهشتیان ، رهایی خود از پیامد های هلاکت بار هم نشینی با کافران دوزخی را ، مدیون لطف خدا و به توفیق او می دانند .

ص: 477

و لولا نعمه ربِّي لكنت من المحضرين

171- نامه عمل بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 19 - 2،4

2- نامه اعمال مؤمنان بهشتی در قیامت ، در دست راست آنان قرار دارد .

فأما من أوتي كتبه بيمينه

از اوصاف بیان شده برای این گروه در آیات بعدی به دست می آید که آنان مؤمنانی بهشتی و از همان گروهی اند که در آیه 38 سوره «واقعه»، از آنان به «اصحاب الیمین» نام برده شده است.

4- مؤمنان بهشتی ، خواستار مشاهده و قرائت شدن نامه اعمالشان در عرصه قیامت

فيقول هاؤم اقرءوا كتبه

«هاؤم» اسم فعل امر و به معنای «خذوا» (بیاوید بگیرید) است.

172- نشاط اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 54 - 6

6- راه نداشتن کمترین ملال و زحمت ، در زندگی اخروی بهشتیان

متكئين... و جنى الجنّين دان

از این که خداوند با تعبیر «متكئين على فرش» و «دان»، نهایت آسایش بهشتیان را ترسیم کرده است، مطلب بالا استفاده می شود.

173- نشانه های بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 46 - 5

5- امت ها و گروه های موجود در صحنه قیامت ، چه بهشتی و چه دوزخی ، هر کدام دارای علایمی مخصوص به خویش

و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسیمهم

کلمه «سیما» به معنای علامت و نشانه است.

174- نشانه های سعادت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 478

2 - می گساری بهشتیان و استفاده آنان از جام های شراب آماده ، جلوه ای از خوشبختی آنان است .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. وَكَأْسًا دِهَاقًا

175- نعمتهای اخروی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 11 - 3

3 - نشنیدن سخن لغو و بیهوده ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه .. لاتسمع فیها لغیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 12 - 3

3 - چشمه های جاری در بهشت ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

ناعمه .. فیها عین جاریه

کلمه «عین» اسم جنس نکره و قابل تطبیق بر یک یا چند چشمه می باشد. آیاتی که بهشت را به داشتن چشمه هایی متعدد توصیف کرده است، می تواند قرینه بر اراده تعدد در این آیه نیز باشد. ارتباط این آیه با «ناعمه» در آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 13 - 2

2 - استراحت بهشتیان بر تختخواب ها و تماشای صحنه های بهشت ، از نعمت های الهی در آخرت

ناعمه .. فیها سرر مرفوعه

ارتفاع تخت های بهشتیان، نشانگر اشراف آنان بر صحنه های دل انگیز بهشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 14 - 2

2- نوشیدن از چشمه بهشت با پیاله های آماده ، در حال آرمیدن بر تختخواب خویش ، از نعمت های الهی برای بهشتیان

فیها عین جاریه . فیها سرر مرفوعه . و اکواب موضوعه

ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

176- نعمتهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 72 - 9

9- رضوان خداوند و خشنودی او از بهشتیان ، بالاترین لذت و نعمت برای آنان

ص: 479

و رضون من الله أكبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 31 - 2

2- در بهشت عدن، نهرها، از زیر پای (کاخها و بناهای رفیع) بهشتیان جریان دارد.

تجری من تحتهم الأنهر

مرجع ضمیر «تحتهم» عبارت «الذین امنوا» در آیه قبل است؛ یعنی، از زیر پای بهشتیان، نهرها جاری است. روشن است که جریان آب از زیر پای بهشتیان، تعبیری برای ترسیم محل اقامت آنان در بهشت و جریان یافتن آب از زیر بناها و یا تکیگاه های آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 102 - 3

3- بهشتیان، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود.

و هم فی ما اشتتھم أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 55 - 1

1 - بهشتیان، در ناز و نعمت و خوشی و شادمانی وصف ناپذیر غوطهور خواهند بود.

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ

«شغل» به معنای شأن و کار اصلی است که انسان را از دیگر کارها بازداشته و به خود مشغول کرده است. گفتنی است که تنکیر آن می تواند برای تعظیم باشد؛ یعنی، مشغله ای که کنه و عمق آن ناشناخته و وصف ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 15 - 17

17- غفران و خوشنودی پروردگار از بهشتیان، نعمتی عظیم برای ایشان

فیها... و مغفره من ربهم

در این آیه مغفرت پروردگار، همانند سایر نعمت‌ها، تذکر داده شده است و تنوین «مغفره» دال بر تفخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 16 - 1

1 - تقوایشگان بهشتی ، دریافت کنندگان عطایای پروردگار با رغبت و رضا

ءاخذین ماءاتیهم ربهم

واژه «أخذ» در مورد بهشتیان است و به قرینه موضوع می‌رساند که آنان با اشتیاق هدایای الهی را می‌پذیرند؛ برخلاف کافران که در قیامت با ناراحتی و به قهر عذاب الهی را می‌چشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 1

ص: 480

1 - شادمانی تقوایبشگان در بهشت ، از عطایای پروردگار به آنان

فکھین بما ءاتیهم ربهم

«فاکه» (از مصدر «فکاهه») به معنای شادمان است.

177- نگرانی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 9

9 - بهشتیان در آستانه ورود به بهشت در عین امید به حضور در آن جایگاه رفیع ، نگران از تغییر سرنوشت خویشند .

لم یدخلوها و هم یطمعون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر فاعلی در «لم یدخلوها» و «یطمعون» به أصحاب الجنه، برگردانده شود. بر این مبنا جمله «لم یدخلوها» حال برای «أصحاب الجنه» است. گفتمی است «یطمعون» (امید دارند) اشاره به نگرانی آنان دارد که مبادا از ورود به بهشت منع گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 47 - 7

7 - راهیان بهشت در عین امیدواری برای ورود به بهشت ، نگران ملحق شدن به دوزخیان هستند .

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمین

178- نیازهای عاطفی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 4

4 - بهشتیان ، دارای تمایلات جنسی و نیازهای عاطفی در بهشت

وزوجنهم بحور عین

179- نیازهای مادی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انسان ، در بهشت به خوردن و آشامیدن نیاز دارد و از آن لذت می برد .

یطاف عليهم بصحاف من ذهب و أكواب

ص: 481

180- وفور پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 17

17 - پاداش الهی به بهشتیان ، فراوان و توصیف ناپذیر است .

والذین ءامنوا .. ذلک هو الفضل الکبیر

بنابراین که «ذلک» اشاره به مجموعه های نعمت های بهشتیان داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

181- ویژگیهای بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 52 - 2

2 - تصدیق و باور داشتن قیامت و زنده شدن انسان ها ، از ویژگی های بهشتیان و بندگان مخلص خدا در دنیا است .

يقول أءنک لمن المصدّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 17 - 4

4 - تقوا ، اصلی ترین شرط ورود به بهشت و بارزترین ویژگی بهشتیان

إنّ المتّقین فی جنّات و نعیم

182- ویژگیهای پذیرایی از بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 16 - 4

4 - پذیرایی از بهشتیان (ابرار و ...) ، با ظرف ها و جام های متناسب با نیاز و میل آنان خواهد بود .

قدّروها تقدیراً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که اندازه گیری ظرف ها و جام ها، ممکن است به لحاظ مقدار نیازها و میل های بهشتیان

باشد.

183- ویژگیهای زندگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 7

7- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد .

لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً

ص: 482

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 62 - 1

1 - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلأ أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

184- ویژگیهای گفتگوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 4

4- گفتار بهشتیان با یکدیگر ، عاری از یاوه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لا یسمعون فیها لغواً إلاّ سلماً

استثنا در «إلاّ سلماً» منقطع است؛ یعنی، «لکن یسمعون سلماً» و یا «کلاماً سالماً». برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: «سلام» - که دعای به سلامتی از آفات است - برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد؛ زیرا در بهشت آفتی نیست تا دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

185- ویژگیهای لباس بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 31 - 4,5

4- پوشاک هایی به رنگ سبز ، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت ، لباس رسمی بهشتیان است .

یلبسون ثیاباً خضرًا من سندس

«سندس» به «پارچه دیبای نازک» گفته می شود نکره بودن واژه های «ثیاباً» و «خضرًا» و «سندس» دال بر تفخیم است، از همین رو، در برداشت، قید «کمال ظرافت و لطافت» آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

5- تن پوش هایی فاخر و ضخیم، فراهم آمده از حریر سبز، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است.

و یلبسون ثياباً خضرًا من سندس و استبرق

کلمه «استبرق» معرب «استبر» فارسی است. و به معنای «دیباى ضخیم» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 21 - 9، 2

2 - جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

9 - « روی عن الصادق (ع) أنه قال: في معناه تعلقهم الثياب فيلبسونها... » و سقاهم ربههم شراباً طهوراً « يطهرهم عن

ص: 483

کَلَّ شَيْءٌ سِوَى اللَّهِ . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره معنای «عالیهم ثياب سندس خضر و استبرق» فرمود: لباس به طرف آنان بالا می رود و آن را می پوشند. .. و درباره «و سقاہم ربہم شراباً طهوراً» فرمود: [آن نوشیدنی پاک کننده] آنان را از هر چه غیر خدا است، پاک می کند...».

186- همسران بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 5

5- پدران ، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد .

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائہم و أزوجہم و ذریّتہم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 20 - 2

2 - بهشتیان ، دارای همسرانی نیکو ، با چشمانی سیاه و زیبا

و زوّجہم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء») به معنای سیاه چشمان و «عین» (جمع «عیناء») و به معنای زیبا چشمان است.

187- همسران دنیوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 6

6 - حوریان بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیوی بهشتیان

لم یطمثہنّ انس قبلہم و لاجانّ

تعبیر «لم یطمثہنّ انس قبلہم ..» می رساند که اصولاً حوریه های بهشت، سابقه ارتباط هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 74 - 3

3 - حوران بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیایی بهشتیان

لم یطمهئننّ انس قبلهم ولا جانّ

تعبیر «لم یطمهئننّ انس قبلهم ..» می رساند که اصولاً حوریان بهشتی، سابقه ارتباط با هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 23 - 3

3 - حوران بهشتی ، غیر از همسران دنیوی بهشتیان اند .

کأمثل اللؤلؤ المکنون

ص: 484

در صورتی که تشبیه به «لؤلؤ مکنون» کنایه از این باشد که هیچ بیگانه‌ای، حوران بهشتی را قبلاً لمس نکرده؛ معلوم می‌شود که آنها زنانی غیر از زنان دنیوی اند.

188- همشنان بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 5

5- پدران، همسران و فرزندان واردشدگان به بهشت عدن در صورتی که صالح باشند به ایشان ملحق خواهند شد.

جنّت عدن یدخلونها و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریّتهم

189- همشنان دنیوی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 51 - 1

1 - گفتگوی بهشتیان با یکدیگر، درباره هم نشینان خود در دنیا در بزم بهشتی

قال قائل منهم إني كان لي قرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 54 - 2, 1

1 - بهشتیان، درباره سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خود، از دیگر بهشتیان پرسش کرده و از وضعیت آنان کسب اطلاع خواهند کرد.

قال هل أنتم مطّلعون

استفهام «هل» برای عرض و یا امر است که مفاد آن تقاضا و درخواست می‌باشد.

2 - بهشتیان، برای یافتن هم نشینان کافر دنیایی خود و آگاه شدن از سرنوشت آنان در قیامت، به جستجو خواهند پرداخت.

قال هل أنتم مطّلعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 55 - 1

1 - اطلاع یافتن بهشتیان ، از سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خویش در قیامت

إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ .. قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مَطَّلِعُونَ . فَاطَّلِعْ

«فا» در فاطَّلِعْ» فصیححه و عطف بر جمله مقدر است که تقدیر آن چنین می باشد: «هل أنتم مَطَّلِعُونَ حتّی اطلع أنا أيضاً فاطَّلِعُوا و اطلع هو بعد ذلک؛ آیا شما اطلاع دارید تا من هم مطلع شوم؟ پس اطلاع یافتند و سپس او نیز اطلاع یافت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 56 - 3

ص: 485

1 - سخن گفتن بهشتیان با هم نشینان کافر دنیایی خویش ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فرءاه فی سواء الجحیم . قال تالله إن کدت

3 - سوگند مؤکد بهشتیان برای هم نشینان دوزخی خود ، مبنی بر تلاش آنان در جهت هلاکت مؤمنان و معتقدان به معاد در دنیا

قال تالله إن کدت لتردین

«ارداء» (مصدر «تردین») به معنای نابودکردن است.

ص: 486

7- بیت المقدس

1- بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 72 - 7،10

7 - یهود ، آنچه را در اول روز بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده بود (قبله بودن بیت المقدس) ، پذیرفتند و به آنچه در انت های روز نازل شده بود (قبله بودن کعبه) ، کفر ورزیدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

وقالت طائفه .. لعَلَّهم يرجعون

برخی از مفسران برآنند که «وجه النهار» و «آخره» متعلق به «انزل» است ؛ و سیاق آیه می رساند که مراد از «الذی»، حکمی خاص است ؛ برخی روایات دلالت دارد که آن حکم خاص ، تغییر قبله بوده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در عصرگاهی مأمور شد نماز را به سوی کعبه بخواند و قبله مسلمانان را که تا صبحگاه آن روز، بیت المقدس بوده است تغییر دهد.

10 - دستور علمای یهود به پیروان خود مبنی بر پذیرش بیت المقدس به عنوان قبله و مخالفت با کعبه

وقالت طائفه من اهل الكتاب امنوا بالذی انزل .. و اکفروا اخره

امام باقر (ع): .. فقالوا صلی محمد الغداه فاستقبل قبلتنا فامنوا بالذی انزل علی محمد وجه النهار و اکفروا اخره یعنون القبله حین استقبل رسول الله (صلی الله علیه و آله) المسجد الحرام.

تفسیر قمی، ج 1، ص 105 ؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 292، ح 11.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 96 - 5،6

5 - شرافت کعبه بر بیت المقدس ، علی رغم پندار یهودیان

انّ اول بيت وضع للناس

با توجه به شأن نزول که یهودیان می گفتند بیت المقدس، برتر و باارزشترا از کعبه است.

6 - قدمت کعبه ، ملاک شرافت آن بر بیت المقدس

انّ اول بيت وضع للناس

با توجه به شأن نزول ذکر شده در مجمع البیان.

2- آبادانی بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 487

1 - خداوند ، به بنی اسرائیل فرمان داد تا به آبادی بیت المقدس وارد شوند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القرية

«قریه» در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده است و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است؛ چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت کلمه «آبادی» آورده شد. ال در «القریه» عهد حضوری است و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران برآنند که مراد از آن، بیت المقدس می باشد.

4 - سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع) ، سرزمینی آباد ، پر نعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکی ها بود .

فكلوا منها حیث شئتم رغداً

کلمه «رغداً» (پاک، مرفه و پر خیر و برکت) حال برای ضمیر «منها» می باشد که به دلیل «کلوا» مراد، فراوانی نعمتها و خوراکیهای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 4

4 - سرزمین بیت المقدس در عصر موسی ، سرزمینی آباد و پر نعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکیها

و كلوا منها حیث شئتم

3- آثار نداوم قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 4

4 - ادامه داشتن بیت المقدس به عنوان قبله ، موجب برخورداری مخالفان اسلام از دلیل و حجت بر علیه پیامبر و مسلمانان

فول وجهک . . . فولوا وجوهکم شطره لئلا یکون للناس علیکم حجه

4- آداب ورود به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 6

6 - یهودیان عصر موسی ، مأمور ورود به بیت المقدس ، با حالتی خاضعانه

وقلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

مراد از «الباب» بنا به گفته بسیاری از مفسران، دروازه شهر بیت المقدس است و «سجداً» جمع ساجد می باشد و مراد از سجده می تواند معنای لغوی آن (خضوع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 6,7,9

6 - استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس ، فرمان خدا به بنی اسرائیل

وقولوا حطه

ص: 488

«حطه» خبر برای مبتدایی محذوف مانند «مسألتنا» است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرود آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد (نغفر لکم) برداشتن وزر گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین «قولوا حطه» یعنی بگویید خدایا درخواست ما آمرزش گناهان است.

7- اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بیت المقدس از دستورات خدا به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه «سجداً» جمع «ساجد» و حال برای فاعل «ادخلوا» است. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک ساییدن) سازگار نیست، می توان گفت در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

9- خداوند نوید بخش آمرزش گناهان بنی اسرائیل در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود و سکونتشان در بیت المقدس

اسکنوا... و ادخلوا الباب سجداً نغفر لکم خطیئکم

ظاهر این است که «نغفر لکم» جواب برای همه اوامری است که در آیه مطرح شده. بنابراین تقدیر چنین است: «إن تسکنوا و تأکلوا و تقولوا و تدخلوا الباب سجداً نغفر لکم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 162 - 5

5- عذاب نازل شده بر متمردان بنی اسرائیل، سزای گناهان پیشین آنان و گناه رعایت نکردن آداب مقرر شده برای ورود به بیت المقدس

فبدل الذین ظلموا منهم... فأرسلنا علیهم رجلاً من السماء بما كانوا یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ظلم و گناه در «بما كانوا یظلمون» غیر از گناهی باشد که جمله «فبدل...» بیانگر آن است. بنابراین تفریع «فأرسلنا...» بر «فبدل...» می رساند که عذاب به خاطر تبدیل فرمان الهی بوده و «باء» سببیه در «بما كانوا...» می رساند که عذاب به سبب ظلم و گناه سابق بنی اسرائیل بوده است. یعنی گناه تبدیل، به ضمیمه گناهان سابق باعث ارسال عذاب بر آنان شد.

5- اسراء محمد(صلی الله علیه و آله) به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- اسراء - 17 - 1 - 24,26

24- «عن ابی عبدالله جعفرین محمدالصادق (ع) قال: لما أسرى برسول الله (صلی الله علیه و آله) إلی بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إلیه محاریب الأنبیاء و صلی بها و رده...»

جبرئیل، آن حضرت را بر بُراق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر(صلی الله علیه و آله) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند. «...».

26- « روی عن علی (ع) : انه لمّا كان بعد ثلاث سنين من مبعثه صلى الله عليه و آله و سلّم أسرى به إلى بيت المقدس و عرج به منه إلى السماء ليله المعراج . . . » ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است: پس از گذشت سه سال از بعثت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آن حضرت در شب معراج به بیت المقدس و از آن جا به آسمان برده شد. «...».

ص: 489

6- بنی اسرائیل در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 19، 10، 5، 2، 1

1 - بنی اسرائیل فرمان یافتند تا پس از زندگانی بیابانی، در آبادی بیت المقدس سکونت گزینند.

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القرية

«قریه» در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است. و چون قرینه ای یافت نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت فوق کلمه «آبادی» آورده شد. «ال» در «القریه» عهد حضوری و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران بر آنند که مراد از آن بیت المقدس است.

2 - فرمان به سکونت گزیدن در آبادی بیت المقدس، فرمانی بود از جانب خدا به بنی اسرائیل

و إذ قیل لهم اسکنوا هذه القرية

کلمه «قیل» به صورت مجهول آمده و فرمان دهنده ذکر نشده است، ولی از جمله «نغفر لکم ..» به دست می آید که فرمان دهنده خداوند است.

5 - خداوند تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس را برای بنی اسرائیل حلال و مباح کرد.

و کلوا منها حیث شئتم

10 - بنی اسرائیل پیش از ورود به بیت المقدس گناهان فراوانی داشتند.

نغفر لکم خطیئکم

برداشت فوق با توجه به کلمه «خطیئات» - که به صورت جمع آمده - استفاده شده است.

19 - داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس، داستانی عبرت آموز و شایسته به یاد داشتن

و إذ قیل لهم اسکنوا .. سنزید المحسنین

کلمه «إذ» متعلق به فعلی مانند «اذکروا» (به یاد داشته باشید)، است.

7- بنی اسرائیل و تصرف بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - فرمان تصرف بیت المقدس به بنی اسرائیل ، پس از زندگانی بیابانی آنان بود .

و ظللنا علیکم الغمام .. و إذ قلنا ادخلوا هذه القرية

3 - بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مکانی نزدیک به آن به سر می بردند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القرية

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره «هذه» - که برای اشاره به نزدیک است - استفاده شده است.

6 - دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القرية .. و ادخلوا الباب

7 - اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا - به هنگام تصرف بیت المقدس - از دستور های خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه «سجداً» جمع ساجد و حال برای فاعل «ادخلوا» می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن

(پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

8 - استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس فرمانی از جانب خداوند به بنی اسرائیل

ادخلوا .. و قولوا حطه

«حطه» خبر برای مبتدایی محذوف همانند «مسألتنا» است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرو آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد «نغفر لکم ...» برداشتن گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین «قولوا حطه» یعنی بگویید - خدایا - درخواست ما آمرزش گناهان است.

10 - بنی اسرائیل ، پیش از ورودشان به بیت المقدس ، بر دوش دارنده گناهانی بسیار

نغفر لکم خطیکم

برداشت فوق با توجه به جمع آوردن کلمه «خطایاکم» استفاده شده است.

8- بیت المقدس در دوران موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 4

4 - سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع) ، سرزمینی آباد ، پر نعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکی ها بود .

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

کلمه «رغداً» (پاک، مرفه و پر خیر و برکت) حال برای ضمیر «منها» می باشد که به دلیل «کلوا» مراد، فراوانی نعمتها و خوراکیهای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 4

4 - سرزمین بیت المقدس در عصر موسی ، سرزمینی آباد و پر نعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکیها

و کلوا منها حیث شئتم

9- پاداش نماز به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

25 - نمازهایی که پیش از تغییر قبله به سمت بیت المقدس خوانده شده بود ، مورد پذیرش خدا بوده و اجرش ضایع نخواهد شد .

و ما كان الله ليضيع إيمانكم

تغییر قبله یا نوید به تغییر آن، این پرسش را برای مسلمانان در پی داشت که: نمازها و عبادتهای انجام شده به سوی بیت المقدس آیا محکوم به بطلان است. جمله «و ما كان...» پاسخ به این پرسش می باشد.

ص: 491

10- تاریخ بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 4.6

4- سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع)، سرزمینی آباد، پر نعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکی ها بود.

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

کلمه «رغداً» (پاک، مرفه و پر خیر و برکت) حال برای ضمیر «منها» می باشد که به دلیل «کلوا» مراد، فراوانی نعمتها و خوراکیهای آن است.

6- دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اِخْلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ .. وادخلوا الباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 4

4- سرزمین بیت المقدس در عصر موسی، سرزمینی آباد و پر نعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکیها

و کلوا منها حیث شئتم

11- تصرف بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 3,7,8

3- بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس، در مکانی نزدیک به آن به سر می بردند.

و إذ قلنا ادخلوا هذه القرية

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره «هذه» - که برای اشاره به نزدیک است - استفاده شده است.

7- اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا - به هنگام تصرف بیت المقدس - از دستورهای خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه «سجداً» جمع ساجد و حال برای فاعل «ادخلوا» می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

8 - استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس فرمانی از جانب خداوند به بنی اسرائیل

ادخلوا .. و قولوا حطه

«حطه» خبر برای مبتدایی محذوف همانند «مسألتنا» است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرو آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد «نغفر لکم...» برداشتن گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین «قولوا حطه» یعنی بگویید - خدایا - درخواست ما آمرزش گناهان است.

12- خوردنیهای بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 5

ص: 492

5- تهیه خوراکی ها از هر ناحیه بیت المقدس ، برای بنی اسرائیل حلال و مباح بود .

فكلوا منها حیث شئتم رغداً

«حیث شئتم» (هر کجا خواستید) دلالت بر آن دارد که محدوده مکانی برای بهره برداری از نعمتهای بیت المقدس تعیین نشده بود.

13- دروازه بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 6

6- دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القرية .. وادخلوا الباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 8

8- دروازه بیت المقدس طریق تعیین شده از جانب خدا برای نفوذ به آن سرزمین و تصرف آن دیار

و ادخلوا الباب

14- راه تصرف بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 6

6- دروازه بیت المقدس راه تعیین شده از جانب خداوند ، برای تصرف و نفوذ بنی اسرائیل به آن سرزمین

اخلوا هذه القرية .. وادخلوا الباب

15- سرزمین بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 4

4- سرزمین بیت المقدس در عصر موسی (ع) ، سرزمینی آباد ، پر نعمت و دارای مناطقی سرشار از خوراکی ها بود .

فکلوا منها حیث شئتم رغداً

کلمه «رغداً» (پاک، مرفه و پر خیر و برکت) حال برای ضمیر «منها» می باشد که به دلیل «کلوا» مراد، فراوانی نعمتها و خوراکیهای آن است.

ص: 493

16- سوگند به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 1 - 3.5

3 - سوگند خداوند ، به سرزمین انجیر و زیتون *

و التین و الزیتون

از احتمالاتی که درباره مفاد آیه گفته شده، این است که مراد از «انجیر» و «زیتون» - به قرینه دو آیه بعد - دو منطقه است که یکی مانند «کوفه» سرزمین انجیرخیز و دیگری مانند «بیت المقدس» سرزمین زیتون بوده است. در این صورت سوگندهای چهارگانه این سوره، سرزمین های نزول وحی را دربرگرفته است؛ زیرا «نوح» (ع) در کوفه، ابراهیم و عیسی (ع) در بیت المقدس، موسی (ع) در طور سینا و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مکه به نشر آیین خویش پرداختند.

5 - « عن أبي الحسن الاوّل قال : قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : إنّ الله تبارک و تعالی . . . اختار من البلدان أربعة فقال عزّوجلّ : « و التین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الامین » فالتین المدینة ، و الزیتون بیت المقدس ، و طور سینین الکوفه و هذا البلد الامین مکه ;

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند تبارک و تعالی . . . از بین شهرها، چهار شهر را انتخاب کرد. او - که عزیز و جلیل است - فرمود: « والتین و الزیتون . و طور سینین . و هذا البلد الامین ». پس «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس و «طور سینین» کوفه و «هذا البلد الامین» مکه است.

17- فضیلت بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 7

7 - اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بیت المقدس از دستورات خدا به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه «سجداً» جمع «ساجد» و حال برای فاعل «ادخلوا» است. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک ساییدن) سازگار نیست، می توان گفت در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

18- فلسفه قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - هدف از تعیین بیت المقدس به عنوان قبله مسلمانان ، مشخص شدن پیروان واقعی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از غیر آنان بود

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه

10 - تعیین بیت المقدس به عنوان قبله ، آزمونی برای مسلمانان و تصفیه ایشان

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم

17 - مشخص شدن روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا ، فلسفه تعیین بیت المقدس به عنوان قبله مسلمانان

إلا لنعلم من يتبع الرسول . . . وإن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

ص: 494

19- قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 1, 2

1 - بیت المقدس در برهه ای از عصر بعثت ، قبله مسلمانان بود .

ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا عليها

اکثر مفسران بر آنند که مراد از «قبلتهم ..» بیت المقدس است.

2 - قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا عليها .. یهدی من یشاء

جمله «یهدی من یشاء» قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 8, 19

8 - بیت المقدس ، قبله مسلمانان در برهه ای از عصر بعثت

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها

مراد از «القبلة» بیت المقدس است. قابل ذکر است که «کان» در «التي كنت عليها» می تواند به معنای حال باشد؛ یعنی، قبله ای که بر آن هستی. بر این مبنا نزول آیه مورد بحث قبل از تغییر قبله خواهد بود و می تواند «کان» در جمله فوق به معنای گذشته باشد. در این صورت، زمان نزول آیه مورد بحث پس از تغییر قبله خواهد بود. از آن جا که فرمان تغییر قبله در آیه بعد مطرح شده، به نظر می رسد احتمال نخست پسندیده تر باشد.

19 - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام *

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها

برداشت فوق مبتنی بر این است که «کان» در «التي كنت عليها» دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت «التي كنت عليها» دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هرگونه بطلان و ناروایی

الحق من ربك

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای «الحق»، تغییر قبله می باشد.

20- قداست بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 8

8 - حرمت و عظمت بیت المقدس ، نزد خداوند

وقلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

ص: 495

امر به خضوع و سجده به هنگام ورود به بیت المقدس، حاکی از حرمت و عظمت آن نزد خداوند است.

21- مسلمانان و قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 11

11 - قبله بودن بیت المقدس برای اهل اسلام، امری دشوار و ناپذیرفتنی برای گروهی از مسلمانان

وإن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

22- مهتدین و قبله شدن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 12

12 - تنها هدایت یافتگان، بیت المقدس را به عنوان قبله پذیرفته و آن را تکلیفی سنگین نمی شمردند.

وإن كانت لكبيره إلا على الذين هدى الله

23- نسخ قبله بودن بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 7

7 - انتظار و اشتیاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای نسخ قبله سابق (بیت المقدس) دارای نقشی بسزا در نسخ آن بود.

قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضيها

تفریع جمله «فلنولينك...» بر «قد نرى...» به وسیله حرف «فاء» می رساند که انتظار و اشتیاق پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تغییر قبله در آن امر مؤثر بوده است.

24- نماز به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 30

30 - از امام صادق (ع) روایت شده است: « . . . و لما ان اصرف نبيه إلى الكعبة عن بيت المقدس قال المسلمون للنبي (صلى الله عليه وآله) أرأيت صلاتنا التي كنا نصلى إلى بيت المقدس ما حالنا في ها و ما حال من مضى من أمواتنا و هم يصلون إلى بيت المقدس؟ فأنزل الله « و ما كان الله ليضيع إيمانكم ان الله بالناس لرؤف رحيم » فسَمِيَ الصلوه إيماناً . . . » ;

چون خداوند، رسول الله را از بیت المقدس به کعبه برگرداند، مسلمانان به پیامبر عرضه داشتند: صحت نمازهایی که به طرف بیت المقدس خوانده ایم و نمازهای کسانی که به طرف بیت المقدس نماز خوانده و از دنیا رفته اند، چطور می شود؟ خداوند

ص: 496

آیه شریفه «و ما كان الله ليضيع إيمانكم ان الله بالناس لرءوف رحيم» را نازل فرمود و در آن نماز را ایمان نامید . . .».

25- نماز محمد(صلی الله علیه و آله) به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 17

17 - امام صادق (ع) فرمود: « و صَلَّى رسول الله (صلى الله عليه و آله) إلى بيت المقدس بعد النبوه ثلاث عشره سنه بمكه و تسعه عشر شهراً بالمدينه ثم عيّره اليهود . . . » ;

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بعد از رسالت خویش، سیزده سال در مکه و نوزده ماه در مدینه به سوی بیت المقدس نماز می خواند، تا آنکه یهود او را سرزنش کردند . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 31

31 - « عن ابی بصیر عن أحدهما . . . فقلت له : الله أمره أن یصلی إلى بیت المقدس ، قال : نعم ، ألا ترى ان الله تعالی یقول ، « و ما جعلنا القبلة التي كنت علیها إلا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبیه » . . . » ;

ابی بصیر از امام باقر یا امام صادق(ع) سؤال کرد: . . . آیا خداوند رسول خود را مأمور کرد که به سوی بیت المقدس نماز گزارد؟ آن حضرت فرمود: بله آیا ندیدی که خداوند تعالی می فرماید: «ما آن قبله ای که قبلاً بر آن بودی تنها برای این قرار دادیم تا افرادی که از پیامبر پیروی می کنند را از کسانی که به جاهلیت باز می گردند، مشخص کنیم» . . .».

26- نماز محمد(صلی الله علیه و آله) در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 24

24- « عن ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) قال : لما أسرى برسول الله (صلى الله عليه و آله) إلى بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إليه محاریب الأنبياء و صلی بها و رده . . . » ;

جبرئیل، آن حضرت را بر بُراق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر(صلی الله علیه و آله) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند . . .».

27- ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 16, 18, 9, 1

1 - خداوند ، به بنی اسرائیل فرمان داد تا به آبادی بیت المقدس وارد شوند .

و إذ قلنا ادخلوا هذه القرية

«قریه» در لغت به معنای روستا و نیز شهر آمده است و در قرآن نیز در هر دو معنا استعمال شده است; چون قرینه ای یافت

ص: 497

نشد که کدامین معنا مراد است، در برداشت کلمه «آبادی» آورده شد. ال در «القریه» عهد حضوری است و اشاره به دیاری خاص دارد. بسیاری از مفسران بر آنند که مراد از آن، بیت المقدس می باشد.

9 - خداوند به قوم موسی - در صورت ورود به بیت المقدس با رعایت آداب آن - نوید آمرزش گناهانشان را داد .

ادخلوا هذه القرية .. و قولوا حطه نغفر لكم خطيكم

ظاهر این است که «نغفر لكم» جواب برای همه امرهایی است که در آیه شریفه مطرح شده بود. بنابراین تقدیر چنین است: «ان تدخلوا و تأكلوا و تدخلوا الباب سجداً و تقولوا حطه نغفر لكم».

16 - خداوند ، محسنان و پاکدامنان بنی اسرائیل را - در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس - به پاداشی افزونتر از دیگران نوید داد .

قولوا حطه نغفر لكم خطيكم و سنزید المحسنين

18 - داستان ورود بنی اسرائیل عصر موسی به بیت المقدس ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد داشتن

إذ قلنا ادخلوا .. و سنزید المحسنين

جمله «إذ قلنا ..» عطف بر «نعمتی» در آیه 47 است؛ یعنی: «أذكروا إذ قلنا ...؛ به یاد داشته باشید آن زمانی را که فرمان دادیم ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 59 - 2

2 - حرام خواران قوم موسی ، به جای طلب آمرزش از خدا و گفتن « حطه » - در هنگام ورود به بیت المقدس - کلامی دیگر بر زبان جاری می ساختند .

فبدل الذين ظلموا قولاً غير الذي قيل لهم

به نظر می رسد مراد از «الذين ظلموا» در جمله فوق، کسانی باشند که خداوند در آیه 57 آنان را به سبب ناسپاسی و استفاده از خوراکیهای غیر طیب، ستمکار شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 19، 14، 8، 7، 6، 3

3 - بنی اسرائیل به هنگام دریافت فرمان تصرف بیت المقدس ، در مکانی نزدیک به آن آبادی بسر می بردند .

و إذ قيل لهم اسكنوا هذه القرية

برداشت فوق با توجه به اسم اشاره (هذه) استفاده شده است.

6 - استغفار از گناهان به هنگام تصرف بیت المقدس ، فرمان خدا به بنی اسرائیل

وقولوا حطه

«حطه» خبر برای مبتدایی محذوف مانند «مسألتنا» است. این کلمه اسم مصدر و به معنای نهادن و فرود آوردن می باشد و مراد از آن به قرینه جمله بعد (نغفر لکم) برداشتن وزر گناهان و آمرزش آنهاست. بنابراین «قولوا حطه» یعنی بگویید خدایا درخواست ما آمرزش گناهان است.

7 - اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا به هنگام تصرف بیت المقدس از دستورات خدا به بنی اسرائیل

وادخلوا الباب سجداً

کلمه «سجداً» جمع «ساجد» و حال برای فاعل «ادخلوا» است. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک ساییدن) سازگار نیست، می توان گفت در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

8 - دروازه بیت المقدس طریق تعیین شده از جانب خدا برای نفوذ به آن سرزمین و تصرف آن دیار

ص: 498

و ادخلوا الباب

14 - خداوند محسنان بنی اسرائیل را در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس ، به پاداشی افزونتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنین

19 - داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس ، داستانی عبرت آموز و شایسته به یاد داشتن

و إذ قیل لهم اسکنوا . . . سنزید المحسنین

کلمه «إذ» متعلق به فعلی مانند «اذکروا» (به یاد داشته باشید)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 162 - 2

2 - حرام خواران قوم موسی به جای طلب آمرزش از خدا به هنگام ورود به بیت المقدس کلامی دیگر بر زبان جاری ساختند .

فبدل الذین ظلموا منهم قولاً غیر الذی قیل لهم

می توان گفت مراد از «الذین ظلموا» به دلیل «و لکن کانوا أنفسمهم یظلمون» در آیه 160 کسانی هستند که با استفاده از خوراکیهای غیر پاکیزه به حرامخواری دست یازیدند.

28- ورود به بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 154 - 7، 12

7 - ورود به بیت المقدس و سجده به درگاه الهی در آن هنگام ، فرمان خداوند به یهودیان عصر موسی (ع)

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

12 - ورود خاضعانه به بیت المقدس و رعایت قانون تعطیلی روز شنبه ، از جمله پیمان های خداوند با یهود

و قلنا لهم ادخلوا . . . و أخذنا منهم میثقاً غلیظاً

29- یهود در بیت المقدس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- یهودیان عصر موسی، مأمور ورود به بیت المقدس، با حالتی خاضعانه

و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً

مراد از «الباب» بنا به گفته بسیاری از مفسران، دروازه شهر بیت المقدس است و «سجداً» جمع ساجد می باشد و مراد از سجده می تواند معنای لغوی آن (خضوع) باشد.

ص: 499

8- بیداری

1- آثار بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 11

11 - بازگشت روح به بدن ، هنگام بیدار شدن از خواب

و يرسل الأخرى إلى أجل

2- بیداری از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 15

15 - « حیات و مرگ » و « خواب و بیداری » ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا... فيمَسك... و يرسل الأخرى... إنّ في ذلك لآيت

جمع آمدن «آیات» می رساند که آیه و نشانه بودن «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، از جهات مختلف و گوناگون است.

3- بیداری از خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 11، 4، 6

4 - خداوند بیدارکننده و برانگیزنده آدمی از خواب شبانگاه

هو الذی يتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

6 - خداوند در عین آگاهی به اعمال روز گذشته آدمیان (اعمال ناروا)، آنان را از خواب شب بیدار می کند و روح را به آنان بازمی گرداند.

هو الذی يتوفکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

11 - تا زمانی که اجل آدمی فرا نرسیده باشد، خداوند وی را از خواب شبانگاهی برانگیخته و بیدار می کند.

ثم یبعثکم فیه لیقضی أجل مسمی

4- بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 21، 15

15- اصحاب کهف ، پس از بیدار شدن از خواب طولانی خویش ، احساس گرسنگی کردند .

فابعثوا أحدكم بورقكم . . . آزکی طعاماً

21- حافظه و قدرت تفکر و تصمیم گیری اصحاب کهف و جهاز هاضمه آنان - پس از خواب طولانی ایشان - باز ، باقی و سالم مانده بود .

فابعثوا أحدكم بورقكم

5- بیداری فطرت توحیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 90 - 10

10 - فرعون ، به هنگام غرق شدن ، نجات خویش را از خداوند درخواست کرد .

قال ءامننت . . . و أنا من المسلمین

6- تشبیه به بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 11

11- مرگ و رستاخیز ، پدیده ای مانند خواب و بیداری است .

لیعلموا. . . أنّ الساعة لاریب فیها

به خواب رفتن اصحاب کهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقایق معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسان بیداری از خواب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 6

6- مرگ و معاد انسان ، شبیه خواب و بیداری است .

و جعلنا نومکم سباتاً

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده؛ ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

ص: 501

تعقل درباره بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 8

8 - دقت و تأمل در خوابیدن و بیدار شدن آدمی، راهی برای خداشناسی و توحید

هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم ما جر حتم بالنهار ثم یبعثکم فیه

7- حقیقت بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 14، 18

14 - حقیقت خواب، خروج روح از بدن و حقیقت بیداری بازگشت آن به بدن است.

اللّٰه یتوفّی الأنفس حین موتها و التّی لم تمت فی منامها .. و یرسل الأخری الی أ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند می فرماید: جان انسان ها را در حال خواب دریافت می کنم و کسانی که مرگشان در آن حال مقدر شده باشد در همین حال می میرند و آن دسته که برایشان مقدر نشده باشد آن جان رها و آزاد می گردد تا اجلشان فرارسد. پس روح انسان در حال خواب قبض می شود و این همان حقیقت خواب است و وقتی در حال بیداری به بدن بازمی گردد تا اجل فرارسد، این همان حقیقت بیداری می باشد.

18 - « عن أبی جعفر (ع) قال : ما من أحد ینام إلّا عرجت نفسه الی السماء و بقیت روحه فی بدنه و صار بینهما سبب کشعاع الشمس فإن أذن اللّٰه فی قبض الأرواح اجابت روح النفس و إذا اذن اللّٰه فی رد الروح اجابت النفس الروح و هو قوله سبحانه : « اللّٰه یتوفّی الأنفس حین موتها و التّی لم تمت فی منامها » ;

امام باقر(ع) فرمود: هیچ کس نیست که به خواب رود مگر این که نفس او به آسمان می رود و روح او در بدنش می ماند و ارتباطی مشابه خورشید و شعاعش بین نفس و روح باقی می ماند. پس اگر خداوند اجازه در قبض روح ها دهد، روح نفس را اجابت می کند [و مرگ حاصل می شود] و اگر خداوند اجازه دهد روح برگردد و (قبض نشود) نفس آن را پذیرفته و به او ملحق می شود و این سخن خداوند سبحان است که می فرماید: اللّٰه یتوفّی الأنفس حین موتها».

8- زمان بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 18، 21

18- خداوند ، در روزگار اختلاف و نزاع مردم درباره معاد ، اصحاب کهف را از خواب بیدار کرد .

أعثرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

21- بیداری اصحاب کهف با بروز مشاجره میان مردم ، درباره هویت و اهداف آنان ، هم زمان بود .

أعثرنا عليهم . . . إذ يتنزعون بينهم أمرهم

به قرینه «رَبِّهِمْ أَعْلَمَ بِهِمْ» می توان گفت که نزاع مردم، در باره اصحاب کهف بوده و به دلیل مضارع بودن «یتنازعون» این مشاجره دیرینه، حتی با مشاهده آنان نیز پایان نیافته بود، بلکه گروهی از مردم، شناخت حقیقی آنان را به خداوند، احاله کردند و از پی بردن به هویت واقعی آنان، اظهار عجز کردند. بر این اساس، ضمیر در «أمرهم» به اصحاب کهف مربوط می شود. حرف «فاء» در «فقالوا» این احتمال را تأیید می کند.

ص: 502

9- شگفتی اصحاب کهف هنگام بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 4

4- فضای حاکم بر اصحاب کهف ، به هنگام بیداری آنان ، منظره ای بهت آور برای یکی از آنان و مایه کنجکاوی و تبادل نظر وی با همراهان خود ، در سنجش گذشت زمان بود .

قال قائل منهم کم لبثتم

10- شگفتی بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 1,2

1- بیداری اصحاب کهف از خواب ، رخدادی شگفت و تحت تدبیر و اراده خداوند بود .

و كذلك بعثهم

اسناد «بعث» و بیدارسازی به خداوند، گویای نکته فوق است.

2- بیداری اصحاب کهف ، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی ، آیت و نشانه ای الهی بود .

و كذلك بعثهم

مشارالیه «ذلک» - که بعث و بیدارسازی اصحاب کهف به آن تشبیه شده است - خواب طولانی آنان و تدابیری است که در مدّت خواب برای سلامت آنان به کار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر - آنگونه که از جمله «ذلک من آیات اللّٰه من ینهد اللّٰه فهو المهتد» در آیه هفده به دست می آید - نشانه بودن و دلالت این حوادث بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحدان است.

11- فلسفه بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 12 - 2

2- هدف از بیدار ساختن اصحاب کهف ، نمایاندن ارزیابی آنان درباره مدّت زمان خواب خویش بود .

ثمّ بعثهم لنعلم أیّ الحزبین أحصى لما لبثوا أمداً

با توجه به این که «لنعلم» - (تا بدانیم) - در مورد خداوند به معنای کسب علم نیست، بلکه محقق ساختن معلوم است، در برداشت فوق از دانستن خدا به «نمایاندن» تعبیر شده. «أمد» به معنای «وقت ممتد» و نیز «پایان مدت» است. در این آیه، به قرینه «أحصی»، معنای نخست مراد است. کلمه «أحصی» محتمل است که فعل ماضی باشد و «أمداً» مفعول آن، که در نتیجه، «لما لبثوا» به «أمداً» تعلق خواهد داشت. و ممکن است که «أحصی» اسم تفضیل و «أمداً» تمیز آن باشد.

ص: 503

12- منشأ بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 2

2 - خوابانیدن و بیدار کردن تا زمان اجل و سپس بازگشت به خداوند و محاسبه اعمال، نشانه تسلط خداوند بر امور بندگان است.

هو الذی یتوفکم باللیل . . . و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 13

13 - « زندگی و مرگ » و « خواب و بیداری » انسان ها ، تحت تدبیر خداوند قرار دارد .

اللّٰه یتوفّی الأَنْفُس حین موتها و الّتی لم تمت فی منامها . . . و یرسل الأخری إلى أ

13- منشأ بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 12 - 1

1- اصحاب کهف ، به اراده خداوند ، پس از خوابی چندین ساله ، بیدار شدند .

فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عدداً . ثمّ بعثنهم

14- نقش بیداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 15

15 - « حیات و مرگ » و « خواب و بیداری » ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰه یتوفّی الأَنْفُس حین موتها . . . فیمسک . . . و یرسل الأخری ... إنّ فی ذلک لآیت

جمع آمدن «آیات» می رساند که آیه و نشانه بودن «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، از جهات مختلف و گوناگون است.

15- وقت بیداری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 19 - 7

7- بیداری اصحاب كهف ، هم زمان با یكدیگر و در هنگامی بود كه پاسی از روز باقی مانده بود .

قالوا لبثنا یوماً أو بعض .. فابعثوا أحدكم

از گفتگوی اصحاب كهف در باره مشخصات زمان خواب شان و نیز از تصمیم آنان به تهیه غذا از شهر، نکته فوق استفاده می شود.

ص: 504

9- بی پناهان

1- بی پناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 18

18 - کسانی که با اعمال ناروای خود، خویشتن را تباه و محروم از خیر نموده اند، هیچ دوست و یاور و شفيعی در بين مخلوقات نخواهند داشت.

آن تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی ولا شفيع

بی پناهی

2- بی پناهی آخرت فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 86 - 9

9 - کسانی که به انگیزه دستیابی به دنیا، آخرت خویش را تباه می کنند، برای رهایی از عذاب، یآوری نخواهند داشت .

فلا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینصرون

3- بی پناهی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 101 - 5

5 - بی پناهی و تنهایی شدید انسان ها در عرصه قیامت، علی رغم حضور در جمع

فلا أنساب بینهم یومئذ ولا یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 47 - 8

8 - قیامت، صحنه بی پناهی و بی یآوری انسان ها است .

ما لكم من ملجأ يومئذ

ص: 505

4- بی پناهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 15 - 5

5 - کافران و منافقان ، در قیامت از یاور و پشتیبان محروم خواهند بود .

هی مولیکم

«مولی» به معنای ناصر و یاور است و قالب «هی مولاکم» قالب قصر است؛ یعنی، «لیس لکم ناصر إلا النار» (کافران و منافقان به جز آتش یآوری ندارند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 17 - 5

5 - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فکیف تتقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 11 - 2

2 - در عرصه قیامت ، هیچ ملجأ و پناهگاهی برای کافران نخواهد داشت .

لاوزر

«وزر» به معنای ملجأ و پناهگاه است.

5- بی پناهی اخروی مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 65 - 4

4 - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لاتجنثروا الیوم إنکم منّا لاتصرون

6- بی پناهی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 92 - 2

2 - دست مشرکان در قیامت ، کوتاه از معبود های خیالی خود

وقیل لهم این ما کنتم تعبدون

ص: 506

7- بی پناهی اخروی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 15 - 5

5 - کافران و منافقان ، در قیامت از یاور و پشتیبان محروم خواهند بود .

هی مولیکم

«مولی» به معنای ناصر و یاور است و قالب «هی مولاکم» قالب قصر است؛ یعنی، «لیس لکم ناصر إلا النار» (کافران و منافقان به جز آتش یآوری ندارند).

8- بی پناهی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 22 - 4,5

4 - هیچ پناهگاهی برای بشر در برابر عذاب خداوند ، جز خود خدا وجود ندارد .

ولن أجد من دونه ملتحداً

5 - هیچ کس ، توانایی پناه دادن به انس و جن در برابر عذاب الهی را ندارد .

ولن أجد من دونه ملتحداً

9- بی پناهی انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قارعه - 101 - 4 - 1

1 - مردم در قیامت ، مانند پروانه های ریز و پراکنده در هوا ، هراسان و بی سامان به هر طرف روی خواهند آورد .

یوم یكون الناس كالفرش المبتوث

«فَرَّشَه» (مفرد «فَرَّاش»); یعنی، آنچه بال زده و در حرارت چراغ سقوط کرده و خود را می سوزاند (تاج العروس) «فَرَّاء» آنها را ملخ هایی می داند که روی زمین گسترده و در هم می لولند (مجمع البیان). تشبیه مردم در قیامت به آن حشرات، نشانگر سردرگمی، ترس و اضطرابی است که انسان ها را به هر سو خواهد کشاند.

10- بی پناهی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 22 - 5

5 - هیچ کس ، توانایی پناه دادن به انس و جن در برابر عذاب الهی را ندارد .

ولن أجد من دونه ملتحداً

ص: 507

11- بی پناهی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 65 - 4

4- قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لا تجئروا اليوم إیکم منّا لاتتصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 47 - 8

8- قیامت ، صحنه بی پناهی و بی یآوری انسان ها است .

ما لکم من ملجأ یومئذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 10 - 8

8- تنهایی و بی پناهی در قیامت ، هشدارى به مال اندوزان و قدرت مداران

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیءاً و لا ما اتّخذوا من دون الله أولیاء

12- بی پناهی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 72 - 22

22- ستمکاران هیچ یآوری برای نجات از آتش دوزخ ندارند .

و ما للظلمین من انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 45 - 7

7- قطع هر گونه امداد الهی به ظالمان تکذیب کننده آیات الهی *

«دابر» به معنی پشت و عقب است و از معانی محتمل کنایی در آیه قطع هر گونه امداد و فیض الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 44 - 10

10 - هنگامه عذاب ، لحظه ظهور و بروز بی پناهی گمراهان ستم پیشه است .

فما له من ولیّ من بعده و ترى الظلمین لما رأوا العذاب یقولون هلّ إلیّ مردّ من سبّی

ص: 508

13- بی پناهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 116 - 5

5 - کافران ، بی پناه و بی دفاع در برابر خواست خداوند

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم . . . من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 43 - 5

5- بی پناهی همه جانبه کافران در برابر عذاب الهی و حتمی بودن هلاکت آنان

أم لهم ءالله تمنعهم من دوننا . . . و لا هم متّٰ یصحبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 5

5 - قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حتّٰی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 67 - 2

2 - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . . . فظلمتم تفکّهون . إنّنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 24 - 2

2 - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

14- بی پناهی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 44 - 10

10 - هنگامه عذاب ، لحظه ظهور و بروز بی پناهی گمراهان ستم پیشه است .

فما له من ولیّ من بعده و ترى الظلمین لَمَّا رأوا العذاب یقولون هلّ إلى مردّ من سبی

ص: 509

15- بی پناهی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 58 - 11

11- برای مجرمان ، پس از پایان مهلت آنان و فرا رسیدن موعد تحقُّق عذاب آنان ، کمترین پناهگاهی وجود ندارد .

بل لهم موعد لن يجدوا من دونه موئلاً

«موئل» اسم مکان به معنای «ملجأ و پناهگاه» است. ضمیر در «من دونه» به «موعد» برمی گردد و مراد این است که کافران، جز حرکت به سوی زمان تعیین شده عذاب، راه نجاتی ندارند. نکره بودن «موئلاً» بر عموم نفی دلالت دارد؛ یعنی، برای مجرمان کمترین پناهگاهی نیز پیدا نمی شود.

16- بی پناهی لعن شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 52 - 5,9,10

5- لعنت شدگان الهی ، هرگز یآوری نخواهند داشت .

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

9- کارساز نبودن یاری هیچکس ، برای مشمولان لعن الهی

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

چون کافران و مشمولان لعن الهی احیاناً همدیگر را یاری می دهند، بنابراین جمله «فلن تجد . . .» ناظر به غایت و هدف یاری رسانی است. یعنی بر فرض اینکه همدیگر را یاری دهند، سودبخش نخواهد بود.

10 - کارساز نبودن یاری برای مشمولان لعن الهی ، از سنت های خداوند

و من یلعن الله فلن تجد له نصيراً

کلمه «لن»، که دلالت بر نفی ابدی دارد، می رساند که این معنا از سنتهای الهی است.

17- بی پناهی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- بی پناهی مستکبران رویگردان از بندگی خدا در برابر کیفر الهی در قیامت

اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً ألیماً و لایجدون لهم من دون الله و

13 - خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

18- بی پناهی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 510

2- بی پناهی مشرکان در قیامت و ناتوانی معبودهای آنان از کمک رساندن به آنها

این شرکاؤکم .. ثم لم تکن فتنتهم إلا أن قالوا و اللّٰه ربنا ما كنا مشرکین

این آیه و آیه پیش ترسیمی از چهره مشرکان در قیامت است. در آیه پیش خطاب به مشرکان شده که: «این شرکاؤکم»؟ و در این آیه در ماندگی و بیچارگی و عجز آنان از پاسخ و دفاع را بیان داشته است.

19- بی پناهی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 67 - 2

2 - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمتم تفکّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

20- بی پناهی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 145 - 4

4 - منافقان ، برای رهایی از عذاب اخروی ، هیچ یاور و شفيعی نخواهند داشت .

إنّ المنافقين فی الدرك الاسفل من النار و لن تجد لهم نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 28

28 - هیچ کس توانایی ندارد که به منافقان ، هنگام گرفتار آمدنشان به عذاب دنیوی و اخروی ، یاری رساند .

يعذبهم اللّٰه .. و ما لهم فی الأرض من ولیّ و لانصیر

21- بی پناهی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 53 - 2

2 - کارساز نبودن یاری هیچکس برای یهودیان ، معلول نقش نداشتن آنان در نظام هستی است .

فلن تجد له نصيراً. ام لهم نصیب من الملک

در برداشت فوق، جمله «ام لهم»، علت برای جمله «فلن تجد . . .» گرفته شده است.

ص: 511

22- عوامل بی پناهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 18

18 - کسانی که با اعمال ناروای خود، خویشان را تباه و محروم از خیر نموده اند، هیچ دوست و یاور و شفیع در بین مخلوقات نخواهند داشت.

أن تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی ولا شفیع

23- موجبات بی پناهی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 5

5 - انجام دادن رسالت الهی، موجب پناه داشتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کوتاهی ایشان، سبب بی پناهی آن حضرت در برابر عذاب خداوند

و لن أجد من دونه ملتحدًا . إلا بلغًا من الله و رسلته

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که عبارت «إلا بلاغًا من الله..» استثنا از «ملتحدًا» باشد؛ یعنی، من پناهگاهی در برابر عذاب الهی نمی یابم؛ جز آن که با انجام رسالت الهی، پناهی برای خود بیابم.

ص: 512

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

